

این مجموعه رایگان عرضه شده

## ۸- مقطع کارشناسی

فهرست مطالب

نیمسال ۱-۲

تمایلات بازار

- تمایلات بازار چیست؟
- گزارش تعهد معامله گران (COT)
- ۳ گام ساده برای دسترسی به گزارش COT
- آشنایی با سه گروه
- استراتژی معاملاتی COT
- انتخاب سقف و کف
- شاخص انحصاری COT شما
- کار با اعداد
- خلاصه: گرایش بازار

مبادله بر مبنای اخبار

- اهمیت اخبار
- چرا معامله اخبار
- کدام گزارش‌های خبری ارزش معامله دارند؟
- سوگیری جهت‌دار در مقابل سوگیری غیر جهت‌دار
- معامله با سوگیری جهت‌دار
- اجازه دهید بازار جهت را به شما نشان دهد
- خلاصه: معامله بر مبنای اخبار

مبادله انتقالی (Carry Trade)

- مبادلات انتقالی چیست؟
- منفعت مبادلات انتقالی برای بازار فارکس
- مبادله انتقالی، آری یا خیر
- خلاصه: مبادله انتقالی

### شاخص دلار امریکا

- شاخص دلار چیست؟
- نحوه خواندن شاخص دلار
- شاخص دلار وزنی - معاملاتی
- استفاده از USDX در فارکس
- نظریه لبخند دلار

### همبستگی بین بازارها

- درخشان مثل طلا
- طلای سیاه
- اوراق قرضه
- کارمزد اوراق قرضه
- بازارهای اوراق قرضه، اوراق بهادار با درآمد ثابت و بازار فارکس

### مبادلات فارکس بر مبنای بازار سهام

- فارکس، بازارهای سهام جهانی، و شما
- ارتباط بین سهام و فارکس
- همبستگی بین سهام و ارز
- EUR/JPY: ریسک سنج شما!
- برگه تقلب برای تحلیل بازارها

### پروفایل کشورها

- راهنمای معامله‌گران فارکس در اقتصادهای بزرگ
- ایالات متحده آمریکا
- منطقه یورو
- انگلستان
- ژاپن
- کانادا
- استرالیا
- نیوزلند
- سوییس

- چین

نیمسال ۵-۶

### طرح معاملاتی خود را تهیه کنید

- طرح معاملاتی چیست؟
- چرا طرح معاملاتی لازم است؟
- توجیه پذیر در مقابل توجیه ناپذیر
- خودتان را بشناسید
- تعیین هدف و انگیزه
- سرمایه قابل ریسک
- ملاحظات شیوه زندگی
- توقعات
- روال روزانه قبل از بازار
- سلاح‌های انتخاب
- به برنامه پایبند باشید
- خلاصه: شکل دهی برنامه معاملاتی

### چه نوع معامله گری هستید؟

- هر معامله گر منحصر به فرد است
- وقت طلاست
- اسکالپینگ
- معامله روزانه
- معامله سویینگ
- معامله گر موقعیتی
- خلاصه: چه نوع معامله گری هستید؟

### سیستم معاملاتی خود را بسازید

- سیستم‌های معاملاتی مکانیکی
- سیستم معاملاتی خود را در شش مرحله طراحی کنید
- سیستم معامله خود را در شش مرحله بسازید
- سیستم «آنقدر آسان است که مسخره به نظر می‌رسد»
- خلاصه: ایجاد سیستم معاملاتی مکانیکی خودتان

## نگهداری ژورنال معاملاتی

- چرا ژورنال (دفتر یادداشت روزانه) داشته باشیم؟
- مزایای ژورنال نویسی
- چه مواردی باید در ژورنال ثبت شوند؟
- ناحیه معاملاتی احتمالی
- اقدام به انجام معامله
- تعیین حجم معاملاتی (position sizing)
- قوانین مدیریت معامله
- معامله گری با نگاهی به گذشته
- آمارهای ژورنال معاملاتی
- مرور ژورنال معاملاتی

## نحوه کاربرد Metatrader4 (متاتریدر ۴)

- معرفی نرم افزار متاتریدر ۴
- مبانی نرم افزار MT4: نحوه ثبت سفارش ها
- مبانی نرم افزار متاتریدر ۴: نحوه نصب برنامه EA (Expert Advisor)
- مبانی نرم افزار MT4: نحوه استفاده از شاخص ها
- MT4Pips.com

## نیمسال ۷-۸

### مدیریت ریسک

- مدیریت ریسک چیست؟
- تخصیص سرمایه
- افت سرمایه و حداکثر افت سرمایه
- نسبت سود به ریسک
- خلاصه: مدیریت ریسک

### دلیل اصلی نابودی معامله گران فارکس

- ضریب اهرمی یا قاتل خاموش سرمایه
- تعریف ضریب اهرمی و ودیعه
- مارجین کال (Margin Call)

- ودیعه + ضریب اهرمی = ترکیب مرگبار
- اثرات منفی ضریب اهرمی
- از ضریب اهرمی بیشتر بدانید
- تاثیر ضریب اهرمی بر هزینه‌های معاملاتی
- ضریب اهرمی را دست کم نگیرید

### حجم معاملات

- اهمیت انتخاب حجم صحیح معاملاتی
- محاسبه حجم معاملاتی
- تعیین حجم معاملاتی پیچیده
- خلاصه: حجم معاملاتی

### قراردادن حد توقف ضرر

- نقطه توقف ضرر؟ به چه معنی است؟
- نقطه توقف بر اساس سرمایه
- نقطه توقف بر اساس نمودار
- نقطه توقف بر اساس نوسانات
- نقطه توقف بر اساس زمان
- اشتباهات رایج
- نحوه اجرای نقاط توقف
- خلاصه: تعیین نقاط توقف ضرر

### مقیاس گذاری ورود و خروج

- مقیاس گذاری چیست؟
- مقیاس گذاری در خروج از معامله
- مقیاس گذاری در معاملات ضررده
- اضافه کردن به معاملات سودده

### همبستگی ارزشها

- همبستگی ارزشها چیست؟
- نحوه خواندن جداول همبستگی ارز
- ریسک خود را کنترل کنید
- نحوه استفاده از همبستگی ارز در معامله

- بدانید که همبستگی ارزشها تغییر می کند
- DIY - محاسبه همبستگی ارزش با استفاده از اکسل
- خلاصه : همبستگی ارزشها

## تمایلات بازار چیست

آقای بازار چه احساسی دارد؟

هر معامله‌گری، همیشه در مورد بازار، نظر و عقیده‌ای دارد.

«این بازار نزولی است، همه چیز در حال نابودی است!»

«بوی بهبود ز اوضاع جهان می‌شنوم. در حال حاضر دید مثبتی به بازار دارم.» بازار صعودی است.



هر معامله‌گر، توضیح شخصی خود را درباره دلیل حرکت بازار بیان می‌کند.

هنگام تجارت، معامله‌گران این دیدگاه را در هر تجارتی که انجام می‌دهند بیان می‌کنند. اما گاهی اوقات، صرفنظر از اعتقاد معامله‌گر به حرکت بازار در یک مسیر خاص و صرفنظر از نحوه آرایش تمام خطوط روند، معامله‌گر هنوز هم ممکن است در نهایت ضرر کند.

معامله‌گر باید درک کند که بازار، ترکیبی از دیدگاه‌ها، ایده‌ها و نظرات همه شرکت‌کنندگان در بازار است.

این احساسی که شرکت‌کنندگان در بازار دارند، تمایلات بازار نامیده می‌شود.

احساس یا ایده غالب که اکثریت بازار احساس می‌کنند، جهت فعلی بازار را به بهترین شکل توضیح می‌دهد.

نحوه ایجاد تمایلات بازار

به عنوان معامله‌گر، باید احساس بازار را ارزیابی کنید. آیا شاخص‌ها به شرایط صعودی اشاره دارند؟ آیا معامله‌گران در اقتصاد نزولی حرکت می‌کنند؟ نمی‌توانیم به بازار بگوییم که طرز فکر ما را انجام دهد. اما آنچه می‌توانیم انجام دهیم واکنش در پاسخ به وقایع بازار است.

توجه کنید که استفاده از روش تمایلات بازار، ورود و خروج دقیق برای هر معامله ارائه نمی‌کند. اما ناامید نشوید! داشتن رویکرد تمایلاتی، به شما کمک می‌کند تصمیم بگیرید که باید با جریان بروید یا خیر. همیشه می‌توانید تحلیل تمایلات بازار را با تحلیل تکنیکال و بنیادی ترکیب کنید تا به ایده‌های بهتری برسید.

در سهام و بازارهای آتی، معامله‌گران می‌توانند حجم معامله شده را به عنوان شاخص تمایلات، در نظر بگیرند. اگر قیمت سهام افزایش یابد اما حجم رو به کاهش باشد، ممکن است نشانه این باشد که بازار اشباع خرید است. یا اگر سهام رو به کاهش به طور ناگهانی به حجم بالا برگردد، بدین معنی است که تمایلات بازار ممکن است از نزولی به صعودی تغییر کرده باشد.



متاسفانه، از آنجا که بازار ارز به صورت فرابورس معامله می‌شود، بازار متمرکزی ندارد. این بدان معنی است که حجم هر ارز معامله شده را نمی‌توان به راحتی اندازه‌گیری کرد.

بدون هیچ ابزاری برای اندازه‌گیری حجم، معامله‌گر چگونه می‌تواند تمایلات بازار را اندازه‌گیری کند؟!

اینجاست که **گزارش تعهد معامله‌گران** وارد می‌شود!

### گزارش تعهد معامله‌گران (COT)

گزارش COT: چه، کجا، چه وقت، چرا و چگونه؟

کمیسیون معاملات کالا معروف به CFTC، گزارش تعهد معامله‌گران (COT) را هر جمعه حدود ساعت ۱۴:۳۰ به وقت امریکا منتشر می‌کند.

از آنجا که COT به اندازه‌گیری موقعیت‌های خالص خرید و فروش توسط معامله‌گران می‌پردازد، منبع بسیار خوبی برای ارزیابی موقعیت این بازیگران بازار در بازار است.

در ادامه، با این بازیگران بازار آشنا می‌شوید. این‌ها تاجران، بورس بازان بزرگ و معامله‌گران خرده‌فروشی‌اند. درست مثل بازیکنان در یک ورزش گروهی، هر فرد دارای ویژگی‌ها و نقش‌های منحصر به فرد است. با تماشای رفتار این بازیگران، قادر خواهید بود تغییرات وارده در تمایلات بازار را پیش‌بینی کنید.

احتمالا از خود می‌پرسید، «چرا به استفاده از داده‌ها از بازار معاملات کالا برای فارکس نیاز داریم؟»

«آیا بازار نقدی فارکس گزارشی ندارد که موقعیت معامله‌گران ارز را اندازه‌گیری کند؟»

«من معامله‌گر فارکس نقدی‌ام! فعالیت در بازار معاملات آتی به من مربوط نیست.»

به یاد داشته باشید، از آنجا که فارکس به صورت فرابورس (OTC) معامله می‌شود، معاملات از بورس متمرکز مانند بورس کالای شیکاگو عبور نمی‌کنند.

پس چه راهی برای آگاهی از حالت بازار و چگونگی جابجایی پول توسط بازیگران بزرگ داریم؟

گزارش تعهد معامله‌گران از بازار معاملات آتی.

قبل از بررسی استفاده از گزارش تعهد معامله‌گران در استراتژی معاملاتی خود، ابتدا باید بدانید برای دریافت گزارش COT کجا بروید و چگونه آن را بخوانید.

### ۳ گام ساده برای دسترسی به گزارش COT

گام ۱:

آدرس زیر را در مرورگر خود را باز کنید.

(<http://www.cftc.gov/marketreports/commitmentsoftraders/index.htm>)



گام ۲:

وقتی صفحه بارگذاری شد، یک یا دو صفحه پایین بروید تا **“Current Legacy Report”** و روی **Short Format** در زیر **“Futures Only”** در ردیف **“Chicago Mercantile Exchange”** برای دسترسی به جدیدترین گزارش COT کلیک کنید.

	Futures Only		Futures-and-Options-Combined	
	<a href="#">Long Format</a>	<a href="#">Short Format</a>	<a href="#">Long Format</a>	<a href="#">Short Format</a>
Chicago Board of Trade	<a href="#">Long Format</a>	<a href="#">Short Format</a>	<a href="#">Long Format</a>	<a href="#">Short Format</a>
Chicago Mercantile Exchange	<a href="#">Long Format</a>	<a href="#">Short Format</a>	<a href="#">Long Format</a>	<a href="#">Short Format</a>
Chicago Board Options Exchange	<a href="#">Long Format</a>	<a href="#">Short Format</a>	<a href="#">Long Format</a>	<a href="#">Short Format</a>
Chicago Climate Futures Exchange	<a href="#">Long Format</a>	<a href="#">Short Format</a>	<a href="#">Long Format</a>	<a href="#">Short Format</a>
Kansas City Board of Trade	<a href="#">Long Format</a>	<a href="#">Short Format</a>	<a href="#">Long Format</a>	<a href="#">Short Format</a>

گام ۳:

این گام ممکن است در ابتدا کمی ترسناک به نظر برسد زیرا متنی غول پیکر به نظر می‌رسد اما با کمی تلاش، می‌توانید دقیقاً همان چیزی را که دنبال هستید، پیدا کنید. فقط CTRL+F (یا هر تابع جستجو در مرورگر خود) را بفشارید و ارزش مورد نظر خود را تایپ کنید.

مثلاً برای پیدا کردن پوند یا GBP، فقط "Pound Sterling" را جستجو کنید تا مستقیم به بخشی شبیه بخش زیر بروید:

BRITISH POUND STERLING - CHICAGO MERCANTILE EXCHANGE								Code-096742		
FUTURES ONLY POSITIONS AS OF 03/16/10								NONREPORTABLE POSITIONS		
NON-COMMERCIAL			COMMERCIAL			TOTAL		NONREPORTABLE POSITIONS		
LONG	SHORT	SPREADS	LONG	SHORT	LONG	SHORT	LONG	SHORT		
(CONTRACTS OF GBP 62,500)						OPEN INTEREST:		121,551		
COMMITMENTS										
11,731	75,718	158	94,765	14,211	106,654	90,087	14,897	31,464		
CHANGES FROM 03/09/10 (CHANGE IN OPEN INTEREST:						-27,011)				
1,314	1,828	-1,315	-24,446	-24,496	-24,447	-23,983	-2,564	-3,028		
PERCENT OF OPEN INTEREST FOR EACH CATEGORY OF TRADERS										
9.7	62.3	0.1	78.0	11.7	87.7	74.1	12.3	25.9		
NUMBER OF TRADERS IN EACH CATEGORY (TOTAL TRADERS:							81)			
12	41	3	13	18	27	60				

این دیگه چیه؟! نگران نباشید. ما هر رده را توضیح می‌دهیم.

- **Commercial:** کسب و کارهای بزرگی وجود دارد که از معاملات آتی ارزش استفاده می‌کنند تا خود را در برابر نوسانات زیاد نرخ ارز محافظت کنند.
- **Non-Commercial:** این ترکیبی از معامله‌گران فردی، صندوق‌های تأمین و نهادهای مالی است. در اکثر موارد، این‌ها معامله‌گرانی اند که به دنبال تجارت برای کسب منافع اند.
- **Long:** تعداد قراردادهای خرید که به CFTC گزارش شده است.
- **Short:** تعداد قراردادهای فروش که به CFTC گزارش شده است.
- **Open interest:** این ستون نشان دهنده تعداد قراردادهایی است که اجرا نشده یا تحویل داده نشده‌اند.
- **Number of traders:** کل تعداد معامله‌گرانی است که موظف اند گزارش موقعیت‌ها را به CFTC ارسال کنند.
- **Reportable positions:** تعداد اختیارها و موقعیت‌های آتی که با توجه به مقررات CFTC باید گزارش شوند.
- **Non-reportable positions:** تعداد موقعیت‌های باز است که ملزم به گزارش دادن به CFTC نیستند مانند معاملات معامله‌گران خرده فروشی.

می‌توانید موارد زیادی را در این گزارش ببینید اما لازم نیست که همه آنها را به خاطر بسپارید.

شما به عنوان معامله‌گر تازه کار، تنها باید بر پاسخ به پرسش‌های اساسی تمرکز کنید: «تمایلات بازار در این هفته چیست؟»

## آشنایی با سه گروه

به منظور درک بازار آتی، اول باید افراد فعال در آن را بشناسید. این بازیگران را می‌توان به سه گروه اصلی تقسیم کرد:

۱. معامله‌گران تجاری (تاجران)

۲. معامله‌گران غیر تجاری (سفته‌بازان بزرگ)

۳. معامله‌گران خرده‌فروشی (بورس‌بازان کوچک)

معامله‌گران تجاری را جدی بگیرید

تاجران یا معامله‌گران تجاری، کسانی‌اند که می‌خواهند خود را در برابر تغییرات شدید قیمت محافظت کنند. تولیدکنندگان کشاورزی یا کشاورزانی که می‌خواهند ریسک خود را در تغییر قیمت کالاها به حداقل برسانند بخشی از این گروه‌اند. بانک‌ها یا شرکت‌های بزرگ که به دنبال محافظت از خود در برابر تغییرات ناگهانی قیمت ارز هستند نیز معامله‌گران تجاری در نظر گرفته می‌شوند.

یکی از مشخصات عمده تاجران این است که در کف بازار اقدام به خرید می‌کنند و در سقف بازار اقدام به فروش

در اینجا مثال زندگی واقعی ارائه می‌شود.

ویروسی در آمریکا شیوع پیدا کرده که مردم را به زامبی تبدیل می‌کند. زامبی‌ها عصبانی و دیوانه‌اند و به انجام کارهای مخرب می‌پردازند مانند گرفتن آیفون غریبه‌ها برای دانلود برنامه‌های مزخرف.

اما مردم بدون آیفون خود گیج و درمانده می‌شوند. این موضوع باید همین الان متوقف شود قبل از آنکه ملت دچار فراموشی شوند! ظاهراً تفنگ و گلوله تاثیری بر زامبی‌ها ندارد. تنها راه برای نابودی آنها قطع کردن سرشان است.

اپل «نیاز بازار» را می‌بیند و تصمیم می‌گیرد ارتش خصوصی سامورایی برای محافظت از کاربران آسیب‌پذیر درست کند.

اپل باید شمشیرهای سامورایی را از ژاپن وارد کند. استیو جابز با شمشیرساز سامورایی ژاپنی تماس می‌گیرد و او پول را بر حسب این ژاپن سه ماه پس از ساخت شمشیر، می‌خواهد.

اپل همچنین می‌داند که اگر USD/JPY افت کند، باید بین بیشتری برای شمشیرها بپردازد.

به منظور محافظت از خود، یا مقابله با ریسک ارز، شرکت اپل قرارداد آتی JPY را خریداری می‌کند.

اگر USD/JPY پس از سه ماه افت کند، سود شرکت در قرارداد آتی افزایش یافته و معامله شمشیر ژاپنی را جبران خواهد کرد.

از سوی دیگر، اگر USD/JPY پس از سه ماه افزایش یابد، زیان شرکت در قرارداد آتی با کاهش هزینه پرداخت برای شمشیر سامورایی جبران خواهد شد.

حضور برای پیروزی-بورس‌بازان بزرگ

برخلاف تاجران، که علاقه‌مند به سود حاصل از فعالیت‌های تجاری اند، بورس بازان، برای پول آنجا هستند و هیچ علاقه‌ای به داشتن دارایی فیزیکی ندارند!

بسیاری از بورس بازان معروفند به پیروان سرسخت روند زیرا وقتی بازار در روند صعودی است خرید می‌کنند و وقتی بازار در روند نزولی است، اقدام به فروش می‌کنند. آنها به موقعیت خود اضافه می‌کنند تا زمانی که حرکت قیمت معکوس شود.

بورس بازان بزرگ، همچنین بازیگران بزرگی در بازار معاملات آتی اند زیرا حساب‌های بزرگ دارند.

در نتیجه، فعالیت‌های تجاری‌شان می‌تواند موجب حرکت چشمگیر بازار شود. آنها معمولاً از میانگین‌های متحرک پیروی می‌کنند و موقعیت خود را تا زمانی که روند تغییر کند حفظ می‌کنند.

بورس بازان کوچک

از سوی دیگر، بورس بازان کوچک دارای حساب‌های کوچکترند. این‌ها شامل صندوق‌های تامینی و معامله‌گران مستقل هستند.

آنها به ضد روند مشهورند و معمولاً در طرف اشتباه بازار قرار دارند. به همین دلیل، معمولاً موفقیت کمتری نسبت به تاجران و معامله‌گران تجاری دارند.

با این حال، هنگامی که از روند پیروی می‌کنند، تمایل دارند که در سقف یا کف بازار متمرکز باشند.

## استراتژی معاملاتی COT

از آنجا که COT به صورت هفتگی منتشر می شود، مفید بودن آن به عنوان شاخص بازار برای معاملات بلند مدت مناسب تر خواهد بود.

سوالی که ممکن است الان پرسید این است:

چگونه آن همه متن را به شاخص تمایلات بازار تبدیل کنیم که به کمک آن در انجام معاملات خود موفق باشیم؟!

یک راه برای استفاده از گزارش COT در تجارت، پیدا کردن موقعیت های فوق العاده خرید یا فروش است. پیدا کردن این موقعیت ها، ممکن است نشانه ای برای بازگشت بازار باشد، زیرا اگر همه یک ارز را فروش کنند چه کسی می خواهد آن را بخرد؟ هیچ کس.

و اگر همه یک ارز را بخرند، چه کسی می خواهد آن را بفروشد؟

هیچ کس.

برای مقایسه، رانندگی در جاده و رسیدن به بن بست را تصور کنید. چه می شود اگر به بن بست بخورید؟ نمی توانید ادامه دهید زیرا دیگر جاده ای وجود ندارد. تنها راه بازگشت است.

اجازه دهید نگاهی به نمودار EUR/USD بیندازیم:



در نیمه بالای نمودار، قیمت EUR/USD را داریم. به طور همزمان، در نیمه پایین، داده‌های مربوطه موقعیت‌های خرید و فروش EUR را داریم که به سه دسته تقسیم می‌شود:

- معامله‌گران تجاری (آبی)
- غیر تجاری بزرگ (سبز)
- غیر تجاری کوچک (قرمز)

فعلا موقعیت‌های تجاری را نادیده بگیرید زیرا عمدتاً برای محافظت از داراییهای خود اقدام به انجام معامله می‌کنند.

بیا بید نگاهی به آنچه در اواسط سال ۲۰۰۸ اتفاق افتاد بیندازیم. همانطور که می‌بینید، EUR/USD از جولای تا سپتامبر کاهش مداوم داشت. وقتی ارزش موقعیت‌های فروش خالص معامله‌گران غیر تجاری (خط سبز) افت می‌کند، EUR/USD هم افت می‌کند.

در اواسط ماه سپتامبر، موقعیت‌های فروش خالص به اوج رسید. بلافاصله پس از آن، سرمایه‌گذاران شروع به خرید دوباره EUR کردند. در همین حال، EUR/USD از حدود ۱.۲۴۰۰ به نزدیکی ۱.۴۷۰۰ به شدت افزایش یافت!

در طول سال بعد، ارزش خالص موقعیت EUR به تدریج مثبت شد. همانطور که انتظار می‌رود، EUR/USD در نهایت در همین جهت ادامه یافت و حتی به حدود ۱.۵۱۰۰ رسید. در اوایل اکتبر ۲۰۰۹، موقعیت‌های خالص EUR به اوج ۵۱۰۰۰ رسید. مدت کوتاهی پس از آن، EUR/USD نیز شروع به کاهش کرد.

فقط با استفاده از COT به عنوان شاخص، می‌توانید از دو حرکت دیوانه‌وار از اکتبر ۲۰۰۸ تا ژانویه ۲۰۰۹ و نوامبر ۲۰۰۹ تا مارس ۲۰۱۰ بهره ببرید.

اولی در اواسط سپتامبر ۲۰۰۹ بود. اگر دیدید موقعیت‌های فروش معامله‌گران در سطوح اوج بودند، می‌توانستید EUR/USD را در حدود ۱.۲۳۰۰ بخرید. این می‌توانست منجر به افزایش تقریباً ۲۰۰۰ پیپ در عرض چند ماه شود!

اکنون اگر دیده بودید که موقعیت‌های خرید خالص در نوامبر ۲۰۰۹ در اوج بودند، می‌توانستید EUR/USD را بفروشید و حدود ۱۵۰۰ پیپ برداشت کنید!

فقط با استفاده از گزارش COT به عنوان شاخص بازگشت تمایلات بازار، می‌توانستید در مجموع ۳۵۰۰ پیپ برداشت کنید. خوبه، مگه نه؟

## انتخاب سقف و کف

همانطور که حدس زده‌اید، مکان ایده آل برای خرید و فروش، زمانی است که تمایلات بازار به اوج می‌رسد. اگر از مثال قبل متوجه شده‌اید، بورس بازان (خط سبز) و تجاری‌ها (خط آبی) سیگنال‌های مخالف دادند. وقتی بازار رو به پایین است، تاجران خرید می‌کنند، در حالی که وقتی قیمت کاهش می‌یابد بورس بازان فروش می‌کنند. آن نمودار دوباره در اینجاست:



وقتی بازار رو به پایین است تاجران خرید می‌کنند، در حالی که وقتی قیمت کاهش می‌یابد بورس بازان فروش می‌کنند. در نتیجه، موقعیت بورس بازان دهنده جهت روند است در حالی که موقعیت تجاری می‌تواند سیگنال بازگشت باشد. اگر تاجران همچنان به افزایش موقعیت‌های خرید ادامه دهند در حالی که بورس بازان موقعیت‌های فروش خود را افزایش می‌دهند، کف بازار می‌تواند دیده شود.

اگر تاجران موقعیت‌های فروش را اضافه کنند در حالی که بورس بازان موقعیت‌های خرید را اضافه کنند، سقف بازار می‌تواند رخ دهد.

البته، تعیین نقطه دقیق اوج تمایلات بسیار دشوار است. پس بهتر است کاری انجام ندهیم تا زمانی که نشانه‌هایی از بازگشت واقعی دیده شود.

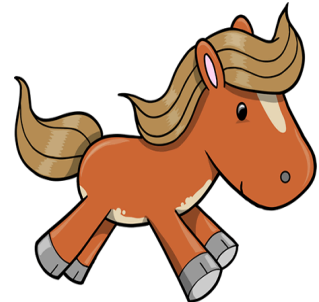
می‌توانیم بگوییم که بورس بازان، چون از روند پیروی می‌کنند، اکثر حرکت را می‌گیرند اما در نقاط عطف اشتباه عمل می‌کنند.



از سوی دیگر، معامله‌گران تجاری اکثر روند را از دست می‌دهند به جز زمانی که قیمت معکوس می‌شود. تا زمانی که اوج تمایلات رخ دهد، با بورس بازان همراه شوید.

قاعده اصلی این است: هر سقف یا کف بازار با تمایلات بازار همراه می‌شود اما هر اوج تمایلات منجر به ایجاد سقف یا کف بازار نمی‌شود.

### شاخص انحصاری COT شما



داشتن شاخص COT خاص شما مانند تاتو شماست.

استفاده از گزارش COT می‌تواند به عنوان ابزاری برای تشخیص بازگشت بالقوه در بازار بسیار مفید باشد.

هر چند مشکلی وجود دارد: نمی‌توانیم به ارقام مطلق چاپ شده به گزارش COT نگاه کنیم و بگوییم، «آها، به نظر می‌رسد که بازار به اوج رسیده است... من ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ جفت با سود آسان می‌خرم.»

تعیین اوج‌ها می‌تواند مشکل باشد زیرا موقعیت‌های خالص خرید و فروش همگی مربوط نیستند. آنچه پنج سال پیش سطح اوج بوده است ممکن است امسال سطح اوج نباشد. چگونه با این مشکل برخورد می‌کنید؟

آنچه می‌خواهید انجام دهید، ایجاد شاخصی است که در سنجش اینکه بازار در سطوح اوج است یا خیر به شما کمک خواهد کرد. در زیر فرایند گام به گام نحوه ایجاد این شاخص ارائه می‌شود.

الف. تصمیم بگیرید چه مدتی را می‌خواهید پوشش دهید. هر چه مقادیر بیشتری به شاخص وارد کنیم، سیگنال‌های

کمتری را دریافت خواهیم کرد اما قابل اطمینان‌تر خواهد شد. داشتن مقادیر ورودی کمتر منجر به سیگنال‌های بیشتر خواهد شد.

ب. محاسبه اختلاف بین موقعیت‌های بورس بازان بزرگ و معامله‌گران تجاری برای هر هفته.

فرمول محاسبه این اختلاف است:

تفاوت = موقعیت خالص بورس بازان بزرگ - موقعیت خالص معامله‌گران تجاری

توجه داشته باشید که اگر بورس بازان بزرگ به شدت تمایل به خرید داشته باشند، این مفهوم را می‌رساند که معامله‌گران تجاری تمایل زیادی به فروش دارند.

از سوی دیگر، اگر بورس بازان بزرگ تمایل زیادی به فروش داشته باشند، بدین معنی است که معامله‌گران تجاری به احتمال زیاد خریدار هستند.

۱. رتبه بندی این نتایج در جهت صعودی، از کمترین عدد به بیشترین عدد است

۲. نسبت دادن مقدار ۱۰۰ به بزرگترین رقم و صفر به کوچکترین رقم.

و اکنون یک شاخص COT داریم! این بسیار شبیه به RSI و شاخص‌هایی است که در درس‌های قبلی بررسی کردیم.

بعد از نسبت دادن مقدار به هر یک از مقادیر محاسبه شده، باید مراقب زمانی باشیم که اطلاعات جدید وارد شده در شاخص، یک اوج را نشان می‌دهد: ۰ یا ۱۰۰. این نشان می‌دهد که تفاوت بین موقعیت‌های این دو گروه به بزرگ‌ترین حد رسیده است، و اینکه بازگشت ممکن است قریب الوقوع باشد.

به یاد داشته باشید، ما علاقه‌مند به دانستن این نکته هستیم که روند ادامه می‌یابد یا به پایان می‌رسد. اگر گزارش COT نشان دهد که بازار در سطوح اوج است، به پیدا کردن سقف‌ها و کف‌ها که همه ما خیلی دوست‌شان داریم کمک خواهد کرد.

#### کار با اعداد

حالا که نحوه تعیین اوج‌های تمایلات بازار را می‌دانیم، بعدش چی؟ به یاد بیاورید که هر اوج تمایلات، منجر به سقف یا کف بازار نمی‌شود. بنابراین به شاخص دقیق‌تری نیاز داریم.

محاسبه درصد موقعیت‌های بورس بازان که خریدار یا فروشنده اند، سنجش بهتری برای پی بردن به این امر است که بازار روند صعودی دارد یا نزولی.

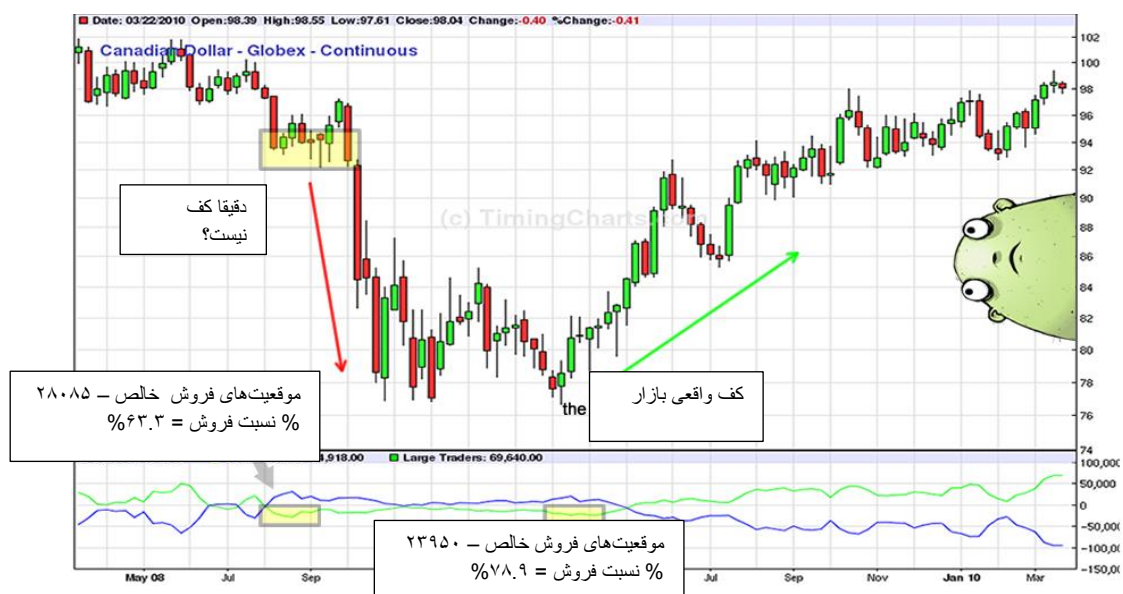
معادله برای محاسبه درصد خرید و درصد فروش در زیر نشان داده شده است:

$$\begin{aligned} \text{خرید \%} &= \frac{\text{تعداد قراردادهای خرید}}{\text{تعداد قراردادهای خرید} + \text{تعداد قراردادهای فروش}} \\ \text{فروش \%} &= \frac{\text{تعداد قراردادهای فروش}}{\text{تعداد قراردادهای خرید} + \text{تعداد قراردادهای فروش}} \end{aligned}$$

برای درک بهتر این امر، اجازه دهید چند سال به عقب برگردیم و ببینیم چه اتفاقی برای قراردادهای آتی دلار کانادا افتاد.

در گزارش COT منتشر شده در هفته منتهی به ۲۲ اوت سال ۲۰۰۸، بورس بازان تعداد ۲۸,۰۸۵ قرارداد خالص به فروش رساندند. در تاریخ ۲۰ مارس ۲۰۰۹، آنها تعداد ۲۳,۹۵۰ قرارداد خالص به فروش رسانده بودند. از این اطلاعات به تنهایی، می‌توانید بگویید که احتمال بیشتری برای پیدایش کف بازار در ماه اوت وجود دارد چون بورس بازان بیشتری در آن دوره فروشنده بودند.

اما یک دقیقه صبر کنید... فکر نمی کنید به این سادگی باشد؟



نگاه دقیق تر نشان می دهد که ۶۶۷۲۶ قرارداد فروش بود در حالی که ۳۸۶۴۱ قرارداد خرید بود. از تمام موقعیت های بورس بازان در ماه اوت (( ۶۶۷۲۶ + ۳۸۶۴۱ ) / ۶۶۷۲۶) ، ۶۳.۳٪ موقعیت فروش بودند.

از سوی دیگر، فقط ۸۷۱۵ قرارداد خرید و ۳۲۶۶۵ قرارداد فروش در مارس وجود داشت. این بدان معنی است که

(( ۳۲۶۶۵ + ۸۷۱۵ ) / ۳۲۶۶۵) ۷۸.۹٪ از موقعیت های بورس بازان، موقعیت های فروش در این دوره بودند.

این به چه معنی است؟ وقتی ۷۸.۹٪ از همه موقعیت های بورس بازان، موقعیت های فروش در برابر تنها ۶۳.۳٪ است، احتمالاً به کف بازار رسیده ایم.

همان طور که در جدول زیر مشاهده می کنید، کف در واقع در نزدیکی اوت ۲۰۰۸ رخ نداد، زمانی که دلار کانادا تقریباً ۹۴ سنت آمریکا ارزش داشت. دلار کانادا به سقوط در چند ماه آینده ادامه داد. در ماه مارس که نسبت درصد فروش به ۷۸.۹٪ رسید، دلار کانادا به کف در حدود ۷۷ سنت آمریکا رسیده بود. پس از آن چه اتفاقی افتاد؟ به طور پیوسته شروع به افزایش کرد! کف بازار؟ بله.

## خلاصه: گرایش بازار

این تغییر قیمت هزار پیپی شما را به هیجان نیاورد؟

پیش از آنکه بر اساس تحلیل گزارش COT شرط بندی را آغاز کنیم، به خاطر داشته باشید که این تغییرات تنها موارد خاصی از زمانی بوده اند که گزارش COT یک وارونگی کامل را در بازار نشان داد.

بهترین کاری که می توان انجام داد انجام آزمایش و بررسی دلایل رخداد این وارونگی است.

آیا اقتصاد در حال شکوفایی بوده است؟

یا در بحبوحه یک رکود؟

به خاطر داشته باشید که گزارش COT به ارزیابی گرایش معامله کنندگان در طول یک دوره زمانی خاص می پردازد. گزارش COT به عنوان یک مقیاس و مثل هر ابزار دیگری همیشه با وارونگی های بازار ارتباط ندارد. بنابراین برای مطالعه این گزارش زمان بگذارید و خودتان درک کنید که چه چیزی کارآمد است و چه چیزی ناکارآمد.

پیش از پایان دادن به این درس همیشه به خاطر داشته باشید که قیمت های بازار صرفاً بر مبنای گزارش های COT، نوسانات تصادفی، سطوح فیبوناچی، و... تغییر نمی کنند.

بازارها را میلیون ها نفری هدایت می کنند که به تحلیل های اقتصادی، گزارش های اصولی، سیاست ها، حمله گودزیلا، دیدگاه های UFO، کنسرت های لیدی گاگا و به طور کلی زندگی واکنش نشان می دهند! و این نحوه استفاده از این ابزارهاست که به شما کمک می کند تا برای آنچه که پیش رو دارید آماده شوید.

در نتیجه:

- به عنوان معامله گر، وظیفه شماست که به ارزیابی گرایش های بازار بپردازید.
- یک روش ارزیابی گرایش های بازار گزارش Commitment of Traders (تعهد معامله گران) است.
- با درک فعالیت های این سه گروه از معامله گرها (معامله گرهای تجاری، غیر تجاری و خرده فروش)، می توانیم خودمان را در موقعیت بهتری برای جستجوی نقاط اوج و فرود بیابیم.
- به خاطر داشته باشید که نقاط اوج و فرود هر بازاری با یک گرایش شدید همراه است اما هر گرایش شدیدی هم به شکل گیری نقاط اوج و فرود منتهی نمی شود.

## اهمیت اخبار



هنگام معامله، فقط دانستن تحلیل تکنیکال کافی نیست. به همان اندازه مهم است که بدانید چه چیزی باعث حرکت بازار می‌شود. خطوط روند، سقف‌های دوگانه، و الگوهای سر و شانه، نیروی اساسی پشت این حرکت وجود دارد. این نیرو اخبار نام دارد! برای درک اهمیت اخبار، این سناریو (صرفاً داستانی!) را تصور کنید.

فرض کنید در اخبار شبانگاهی، گزارشی پخش می‌شود مبنی بر اینکه بزرگترین شرکت نرم افزاری که با آن سر و کار داشتید ورشکسته شده است.

اولین کاری که انجام می‌دهید چیست؟ ذهنیت شما از این شرکت چه تغییری می‌کند؟ به نظر شما ذهنیت افراد دیگر از این شرکت چه تغییری خواهد کرد؟

واکنش آشکار این است که بلافاصله سهام خود را به فروش برسانید. در واقع، این کاری است که احتمالاً همه سهامداران آن شرکت انجام می‌دهند.

واقعیت این است که اخبار ذهنیت و عمل ما در تصمیم‌گیری‌های تجاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این امر در مورد معامله ارز هم صدق می‌کند.

با این حال، تفاوت بارز بین نحوه مدیریت اخبار در بازار سهام و بازار فارکس وجود دارد.

بیاید دوباره به مثال بالا برگردیم و تصور کنید که همان گزارش ورشکستگی شرکت بزرگ نرم افزاری را شنیده‌اید اما یک روز قبل از انتشار آن در اخبار.



به طور طبیعی می‌توانید تمام سهام خود را به فروش برسانید، و در نتیجه‌ی شنیدن این خبر در روز قبل، می‌توانید بیش از هر کس دیگری که آن را در اخبار شبانه‌گاهی شنیده است پول در آورید.

برای شما مناسب است؟ متاسفانه به این ترفند کوچک، "معامله ناجوانمردانه" گفته می‌شود و شما را به زندان می‌اندازد.

مارتا استوارت این را انجام داد و در حال حاضر عکس جلد مجله‌ها است.

در بازار سهام، وقتی اخبار را قبل از هر کس دیگری می‌شنوید غیر قانونی است. در بازار فارکس، به آن بازی جوانمردانه گفته می‌شود!

هر چه زودتر اخبار را بشنوید یا ببینید، معامله برای شما بهتر است و مجازاتی برای آن وجود ندارد!

مقداری فناوری و قدرت ارتباطات فوری را اضافه کنید و آنچه شما دارید آخرین و بهترین خبر در دستان شماست.

این «اخبار»، ابزار فوق العاده برای معامله‌گران خرده‌فروشی است زیرا به آنها اجازه می‌دهد که نسبتاً سریع به اخبار در بازار واکنش نشان دهند.

معامله‌گران بزرگ، معامله‌گران کوچک، معامله‌گران درشت‌هیکل یا معامله‌گران لاغر، همگی باید به اخبار یکسان وابسته باشند تا موجب حرکت بازار شود زیرا اگر خبری وجود نداشت، بازار به زور حرکت می‌کرد!

خبر برای بازار فارکس مهم است زیرا باعث حرکت آن می‌شود. صرف نظر از امور تکنیکال، اخبار سوخت حرکت بازار است!

### چرا معامله اخبار

پاسخ به این پرسش ساده است: «کسب پول بیشتر!»

همانطور که در بخش قبلی یاد گرفتیم، اخبار بخش بسیار مهمی در بازار است چرا که پتانسیل حرکت دادن بازار را دارد!

زمانی که اخبار بیرون می‌آید، به ویژه اخبار مهمی که همه دارند می‌بینند، تقریباً می‌توانید انتظار دیدن حرکت بزرگی را داشته باشید. هدف شما به عنوان معامله‌گر این است که سمت درست حرکت را بگیرید. این واقعیت که می‌دانید بازار به احتمال زیاد به چه جایی حرکت می‌کند، فرصتی ایجاد می‌کند که ارزش بررسی دارد.

### خطرات معامله اخبار

مانند هر گونه استراتژی معامله، همیشه خطراتی وجود دارد که باید از آنها آگاه باشید. برخی از این خطرات عبارتند از:

از آنجا که در طول رخدادهای خبری مهم، بازار بسیار فرار است، بسیاری از کارگزاران در این زمانها اسپرد معاملاتی را گسترش می‌دهند. این امر موجب افزایش هزینه‌های معامله می‌شود.



همچنین می‌توانید نوسان قیمت را تجربه کنید. نوسان قیمت زمانی اتفاق می‌افتد که می‌خواهید با قیمت خاصی وارد بازار شوید اما با توجه به نوسانات شدید در حین رویدادها، به قیمت بسیار متفاوتی می‌رسید.

حرکت‌های بزرگ بازار که توسط رویدادهای خبری ایجاد می‌شوند اغلب در یک جهت حرکت نمی‌کنند. اغلب اوقات بازار ممکن است شروع به حرکت در یک جهت کند، فقط برای اینکه در جهت دیگر بازگشت کند. تلاش برای پیدا کردن مسیر درست گاهی اوقات می‌تواند موجب سردرد شود!

اگرچه معامله اخبار ممکن است سودآور باشد، اما چندان ساده نیست. نیاز به تمرین زیاد دارد! مهمتر از همه، همیشه باید برنامه داشته باشید. در درس‌های بعد، نکاتی در مورد چگونگی معامله گزارش‌های خبری ارائه خواهد شد.

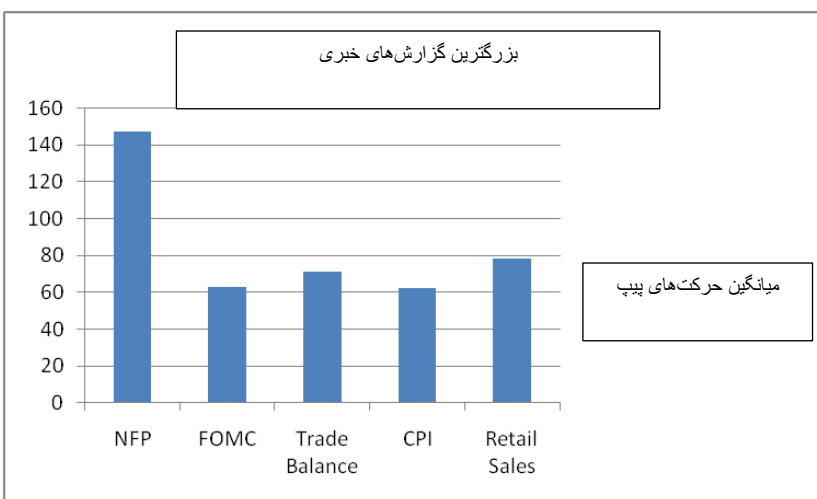
### کدام گزارش‌های خبری ارزش معامله دارند؟

قبل از بررسی استراتژی‌ها برای معامله رویدادهای خبری، باید ببینیم کدام رویدادهای خبری ارزش معامله را دارند. به یاد داشته باشید که به دلیل توانایی اخبار برای افزایش نوسانات در کوتاه مدت است که در حال معامله اخباریم، بنابراین به طور طبیعی دوست داریم اخباری را معامله کنیم که بهترین پتانسیل حرکت بازار را دارند.

در حالی که بازار به اقتصادی‌ترین اخبار از کشورهای مختلف واکنش نشان می‌دهد، بزرگترین عوامل حرکت و پرتاشاگرترین اخبار از آمریکا می‌رسد.

دلیل این است که آمریکا بزرگترین اقتصاد جهان است و دلار آمریکا ارز ذخیره جهان است. این بدان معنی است که دلار آمریکا دربرگیرنده حدود ۹۰ درصد از تمام معاملات فارکس است، به همین دلیل اخبار و داده‌های آمریکا بسیار مهم است.

اجازه دهید نگاهی به برخی از اخبار قدرتمند آمریکا بیندازیم.



علاوه بر گزارش‌های تورم و مذاکرات بانک مرکزی، همچنین باید به اخبار جغرافیای سیاسی توجه کنید مانند جنگ، بلایای طبیعی، ناآرامی‌های سیاسی و انتخابات. اگر چه این‌ها ممکن است تاثیر زیادی به اندازه اخبار دیگر نداشته باشند، باز هم ارزش توجه را دارند.

همچنین، حرکت در بازار سهام را زیر نظر بگیرید. گاهی اوقات تمایلات در بازارهای سهام مقدمه‌ای برای حرکت‌های مهم و بزرگ در بازار فارکس خواهد بود.

حالا که می‌دانیم کدام رویدادهای خبری بیشترین حرکت‌ها را ایجاد می‌کنند، گام بعدی ما تعیین جفت ارزهایی است که ارزش تجارت را دارند.

از آنجا که اخبار می‌تواند موجب افزایش نوسانات در بازار فارکس (و فرصت‌های تجاری بیشتر) شود، مهم است که ارزهای دارای نقدینگی بیشتر را معامله کنیم. جفت ارزهای نقد به ما اطمینان می‌دهند که دستورات ما به طور هموار و بدون دست انداز اجرا می‌شوند.

۱. EUR/USD
  ۲. GBP/USD
  ۳. USD/JPY
  ۴. USD/CHF
  ۵. USD/CAD
  ۶. AUD/USD
- آیا متوجه چیزی شدید؟

درست است! این‌ها جفت ارزهای اصلی‌اند!

به یاد داشته باشید، از آنجا که جفت ارزهای اصلی بیشترین نقدینگی را دارند، معمولا کمترین کارمزدها را می‌پردازید. وقتی گزارش‌های خبری بیرون می‌آیند، اسپردها گسترش می‌یابد. پس منطقی است برای شروع، به جفت ارزهای اصلی بچسبیم. حالا که می‌دانیم کدام رویدادهای خبری و جفت ارزها را معامله کنیم، اجازه دهید برخی رویکردها برای معامله اخبار را بررسی کنیم.

### سوگیری جهت‌دار در مقابل سوگیری غیر جهت‌دار

دو راه اصلی برای تجارت اخبار وجود دارد:

الف) سوگیری جهت‌دار

ب) سوگیری غیر جهت‌دار

سوگیری جهت‌دار



سوگیری جهت‌دار بدین معنی است که انتظار دارید بعد از انتشار گزارش‌های خبری، بازار در جهت خاصی حرکت کند. هنگام جستجوی فرصت معاملاتی در یک جهت خاص، خوب است بدانید گزارش‌های خبری که موجب حرکت بازار می‌شوند در چه موردی می‌باشند.

#### اجماع در مقابل واقعیت

چند روز یا حتی چند هفته قبل از انتشار گزارش خبری، برخی تحلیلگران نوعی پیش‌بینی از انتشار ارقام ارائه خواهند کرد. همانطور که در درس قبلی صحبت کردیم، این رقم در میان تحلیلگران مختلف متفاوت خواهد بود، اما به طور کلی رقم مشترک مورد توافق اکثریت وجود خواهد داشت. به این رقم اجماع گفته می‌شود.

هنگامی که گزارش خبری منتشر می‌شود، به رقمی که ارائه می‌شود رقم واقعی گفته می‌شود.

«زمان شایعات بخريد، زمان اخبار بفروشيد»

این عبارت رایج مورد استفاده در بازار فارکس است چرا که اغلب اوقات به نظر می‌رسد که وقتی گزارش خبری منتشر می‌شود، حرکت با آنچه بازار می‌خواهد شما باور کنید مطابقت ندارد.

به عنوان مثال، فرض کنید که انتظار می‌رود نرخ بیکاری در آمریکا افزایش می‌یابد. تصور کنید که در ماه گذشته نرخ بیکاری ۸.۸٪ بود و اجماع برای گزارش آینده، ۹.۰٪ درصد است.

اجماع در ۹.۰٪، بدان معنی است که همه بازیگران بزرگ در بازار، اقتصاد ضعیف‌تری برای آمریکا و در نتیجه، دلار ضعیف‌تر را پیش‌بینی می‌کنند.

بنابراین با این پیش‌بینی، بازیگران بزرگ بازار صبر نمی‌کنند تا زمانی که گزارش واقعا منتشر شود تا اقدام به گرفتن موقعیت کنند. آنها پیش‌بینی خواهند رفت و قبل از آنکه رقم واقعی منتشر شود شروع به فروش دلارهای خود بربر ارزهای دیگر می‌کنند.

حالا فرض کنید که نرخ بیکاری واقعی منتشر می‌شود و مطابق انتظار، ۹.۰٪ است.

شما به عنوان معامله‌گر خرده‌فروشی، این را می‌بینید و فکر می‌کنید: «بسیار خوب، این خبر بدی برای آمریکا است. الان زمان فروش دلار است!»

با این حال، وقتی به سراغ نرم افزار خود می‌روید تا شروع به فروش دلار کنید، می‌بینید که بازار دقیقا در حال حرکت در مسیری که شما فکر می‌کنید نیست. دلیل آن این است که بازیگران بزرگ قبل از انتشار گزارش خبری موقعیت خود را تنظیم کرده‌اند.

حالا اجازه دهید این مثال را دوباره بررسی کنیم اما این بار، تصور کنید که گزارش واقعی منتشر شده نرخ بیکاری ۸.۰٪ را اعلام کرد. بازیگران بزرگ بازار فکر کردند که نرخ بیکاری به دلیل اجماع به ۹.۰٪ افزایش یابد اما گزارش نشان داد که نرخ واقعی کاهش یافته، که نشان دهنده قدرت دلار است.

آنچه روی نمودار خود می‌بینید افزایش زیاد دلار است چرا که بازیگران بزرگ بازار انتظار نداشتند این اتفاق بیفتد. حالا که گزارش منتشر شده و چیز کاملا متفاوتی نسبت به آنچه پیش‌بینی شده بود می‌گوید، همه تلاش می‌کنند موقعیت خود را هر چه سریع‌تر تنظیم کنند.

اگر گزارش منتشر شده، نرخ بیکاری را ۱۰۰٪ اعلام کند نیز همین اتفاق می‌افتد. تنها تفاوت در این است که به جای افزایش، دلار مثل سنگ سقوط آزاد می‌کند! از آنجا که اجماع بازار بر روی ۹۰٪ بود اما گزارش واقعی نرخ بیکاری ۱۰۰٪ را نشان داد، بازیگران بزرگ دلارهای خود را به فروش می‌رسانند زیرا آمریکا اکنون نسبت به زمان انتشار پیش بینی بسیار ضعیف‌تر به نظر می‌رسد.

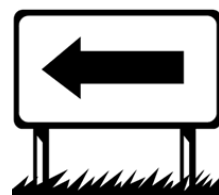
با پیگیری اجماع بازار و ارقام واقعی، بهتر می‌توانید ارزیابی کنید که کدام گزارش‌های خبری باعث می‌شوند که بازار در چه جهتی حرکت می‌کند.

سوگیری غیر جهت‌دار

استراتژی خبری رایج‌تر، رویکرد غیر جهت‌دار است. این روش، سوگیری جهت‌دار را نادیده می‌گیرد و فقط بر این واقعیت تکیه دارد که گزارش خبری بزرگ موجب حرکت بزرگ خواهد شد. مهم نیست که در چه جهتی حرکت می‌کند... فقط می‌خواهم وقتی رخ می‌دهد آنجا باشم!

این بدان معنی است که وقتی بازار در یکی از دو جهت حرکت می‌کند، برنامه دارید که وارد معامله شوید. هیچ سوگیری ندارید که قیمت بالا یا پایین خواهد رفت، از این رو نام آن سوگیری غیر جهت‌دار است.

#### معامله با سوگیری جهت‌دار



اجازه دهید به مثال گزارش نرخ بیکاری در آمریکا برگردیم. پیش از این، مثال‌هایی زدیم از اینکه گزارش مطابق انتظارات یا کمی بهتر باشد. فرض کنید نرخ بیکاری سقوط زیادی داشته باشد. این چه تاثیری می‌تواند بر دلار داشته باشد؟ یکی از چیزهایی که اتفاق می‌افتد این است که ارزش دلار سقوط می‌کند. چی؟ اگر نرخ بیکاری سقوط کند مگر قرار نیست دلار افزایش یابد؟

چند دلیل می‌تواند وجود داشته باشد که چرا دلار هنوز هم می‌تواند سقوط کند حتی اگر نرخ بیکاری کمتر شود.

دلیل اول این می‌تواند باشد که روند بلند مدت و کلی اقتصاد آمریکا هنوز هم در ماریپچ نزولی است. به یاد داشته باشید که چند عامل اصلی وجود دارد که در قدرت یا ضعف اقتصادی نقش دارند. اگرچه نرخ بیکاری کاهش یافت اما ممکن است کاتالیزور بزرگی برای معامله‌گران بزرگ برای شروع تغییر درباره دلار نباشد.

دلیل دوم می‌تواند دلیل کاهش نرخ بیکاری باشد. شاید درست پس از روز شکر گذاری در طول شلوغی تعطیلات باشد. در طول این زمان، بسیاری از شرکت‌ها معمولاً کارکنان فصلی را برای جواب دادن به هجوم خریداران کریسمس استخدام می‌کنند. این افزایش در مشاغل، ممکن است موجب افت کوتاه مدت در نرخ بیکاری شود اما نشان دهنده چشم انداز بلند مدت در اقتصاد آمریکا نیست.

راه بهتری برای به دست آوردن سنجش دقیق تر از وضعیت بیکاری، نگاه رقم سال گذشته و مقایسه آن با امسال است. این گونه می توانید ببینید که بازار کار واقعا بهبود یافته یا خیر.

نکته مهم این است که همیشه یک قدم به عقب بردارید و قبل از هر گونه تصمیم گیری سریع، به تصویر کلی نگاه کنید.

حالا که این اطلاعات را در سر خود دارید، باید ببینید چگونه می توانید اخبار را با سوگیری جهت دار معامله کنید.

اجازه دهید مثال نرخ بیکاری را برای سادگی پیگیری کنیم. اولین چیزی که می خواهید قبل از انتشار گزارش انجام دهید، نگاهی به روند نرخ بیکاری است تا ببینیم که افزایش یا کاهش یافته است. با نگاه به آنچه در گذشته اتفاق افتاده، می توانید خود را برای آنچه ممکن است در آینده اتفاق بیفتد آماده کنید.

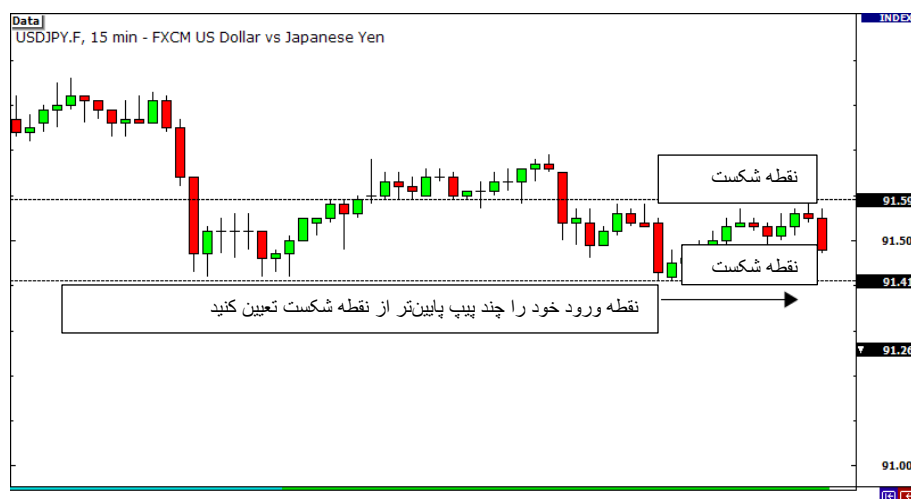
تصور کنید که نرخ بیکاری به طور پیوسته در حال افزایش است. شش ماه پیش، در سطح ۱٪ و در ماه گذشته در اوج خود یعنی ۳٪ بود. هم اکنون می توانید با اطمینان بگویید که شغل ها در حال کاهشند و این امکان وجود دارد که نرخ بیکاری به افزایش خود ادامه داد.

از آنجا که انتظار دارید نرخ بیکاری افزایش یابد، هم اکنون می توانید برای فروش دلار آماده شوید. به خصوص، می توانید USD/JPY را بفروشید.

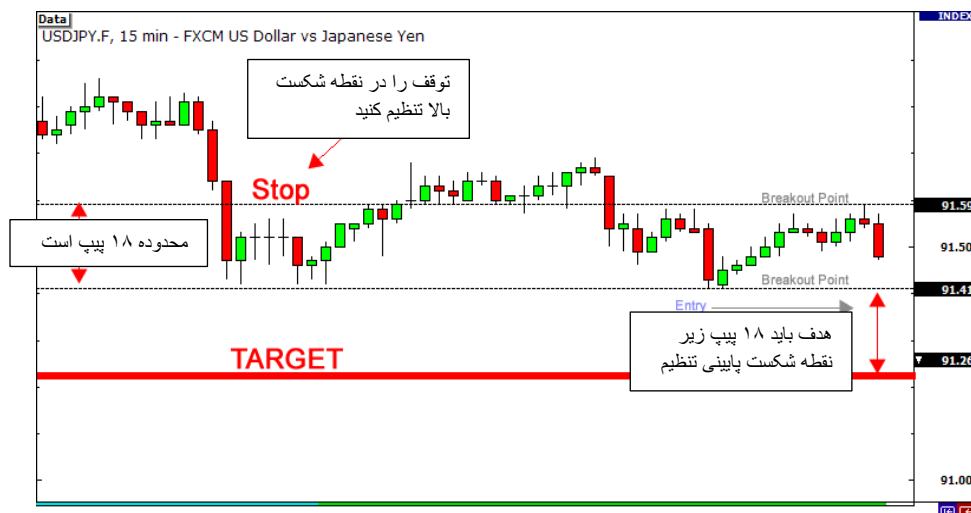
کمی قبل از اعلام نرخ بیکاری، می توانید حداقل ۲۰ دقیقه قبل به حرکت قیمت USD/JPY نگاه کنید و دامنه حرکت را پیدا کنید. به سقف و کفی که ایجاد می شود توجه کنید. این تبدیل به نقاط شکست شما خواهد شد.

\* توجه: هر چه محدوده کوچکتر باشد، تمایل بیشتری برای حرکت سریع وجود دارد.

از آنجا که باید چشم انداز نزولی به دلار داشته باشید، توجه خاص به نقطه شکست پایین تر از آن محدوده دارید. شما انتظار دارید که ارزش دلار کاهش یابد، پس استراتژی معقول همان تنظیم نقطه ورود چند پیپ پایین تر از این سطح است.

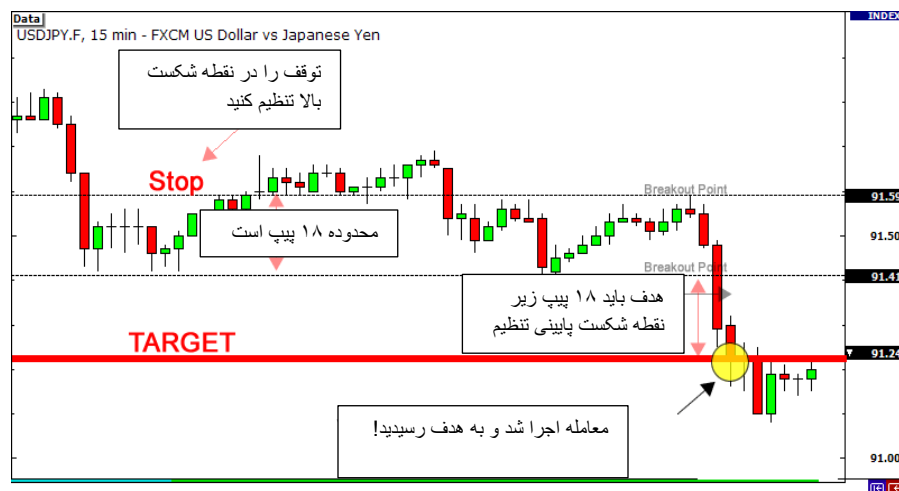


سپس می توانید توقف را در نقطه شکست بالا تعیین کرده و محدودیت خود را برای همان مقدار پیپ به عنوان محدوده نقطه شکست تعیین کنید.



یکی از این دو مورد می تواند در این مرحله اتفاق افتد. اگر نرخ بیکاری افت کند، آنگاه دلار می تواند افزایش یابد. این باعث افزایش USD/JPY می شود و معامله شما به احتمال زیاد اجرا نمی شود. یا اگر خبر مطابق انتظار شماسست و نرخ بیکاری افزایش می یابد، دلار می تواند کاهش یابد (با فرض اینکه کل چشم انداز اصلی برای دلار از قبل نزولی است).

این برای شما خوب است چرا که از قبل معامله ای تعیین کردید که برای دلار نزولی بود و اکنون تنها کافی است آشکار شدن معامله خود را تماشا کنید.



کلید داشتن سوگیری جهت‌دار این است که باید درک درستی از مفاهیم گزارش خبری که قصد دارید معامله کنید داشته باشید. اگر نتوانید تاثیر آن را بر ارزش‌های خاص درک کنید، آنگاه ممکن است گرفتار شوید. خوشبختانه برای شما، به توضیح تاثیر هر گزارش بر بازار فارکس می‌پردازیم.

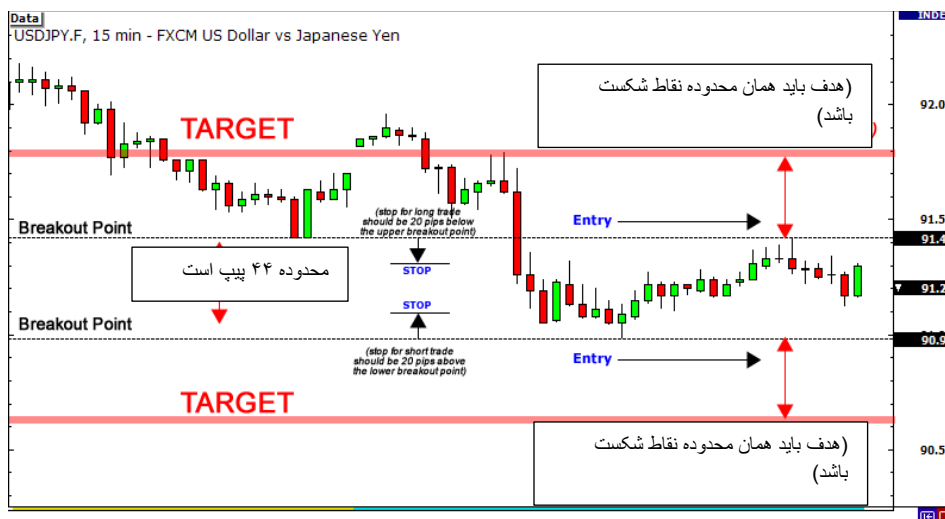
### اجازه دهید بازار جهت را به شما نشان دهد



اولین نکته برای ملاحظه این است که کدام گزارش‌های خبری را معامله کنیم. در حالت ایده آل، تنها می‌خواهید آن گزارش‌ها را معامله کنیم چرا که احتمال بالایی وجود دارد که بازار بعد از اعلام آنها حرکت بزرگی کند.

کار بعدی که باید انجام دهید این است که حداقل ۲۰ دقیقه قبل از انتشار اخبار واقعی به محدوده نگاه کنید. سقف آن محدوده، نقطه شکست بالایی شما خواهد بود و کف آن نقطه شکست کف پایینی شما خواهد بود. توجه داشته باشید که هر چه محدوده کوچک‌تر باشد، به احتمال زیاد حرکت بزرگی بعد از گزارش‌های خبری خواهید دید.

نقاط شکست، سطوح ورودی شما خواهند بود. اینجا جایی است که می‌خواهید دستورات خود را تنظیم کنید. توقف‌های شما باید حدود ۲۰ پیپ پایین و بالای نقاط شکست قرار داده شوند، و اهداف اولیه شما باید تقریباً همان محدوده‌ی سطوح شکست باشد. این موسوم به معامله straddle است که شما به دنبال بازی با هر دو طرف معامله هستید، هر کدام که حرکت کند.



اکنون که آماده ورود به بازار در یکی از دو جهت هستید، فقط باید صبر کنید تا اخبار منتشر شوند. گاهی ممکن است در یک جهت حرکت کنید و سپس متوقف شوید زیرا قیمت به سرعت در جهت دیگر معکوس شده است. با این حال، ورودی دیگر شما اجرا خواهد شد و اگر آن معامله برنده شود، باید زیان اولیه خود را جبران کنید و با کمی سود بیرون بیایید.

سناریوی بهترین حالت، این است که تنها یکی از معاملات شما اجرا شود و قیمت همچنان به حرکت به نفع شما ادامه می‌دهد به طوری که ضرر نکنید. در هر صورت، اگر به درستی انجام شود در انتهای روز باید مثبت باشید.

یکی از چیزهایی که رویکرد سوگیری غیرجهت‌دار را جذاب می‌کند، این است که هر گونه احساسات را حذف می‌کند - فقط می‌خواهید وقتی حرکت اتفاق می‌افتد سود کنید. این امر فرصت‌های بیشتر را به شما می‌دهد.

استراتژی‌های بسیار بیشتری برای معامله اخبار وجود دارد اما هر زمان که در حال کار روی رویکردی برای بهره‌گیری از حرکت‌های گزارش خبری هستید، مفاهیم ذکر شده در این درس همیشه باید بخشی از برنامه شما باشند.

#### خلاصه: معامله بر مبنای اخبار

اکنون می‌دانید که چطور باید بر مبنای اخبار معامله کنید! فقط هنگام معامله موارد زیر را به خاطر داشته باشید:

- وقتی یک گرایش جهت‌دار دارید، انتظار دارید که قیمت‌ها هم در یک مسیر مشخص حرکت کنند و از قبل نیز سفارش‌های خود را انجام داده‌اید.
- بهتر است وقتی خبری منتشر می‌شود دلایل اصلی تغییرات بازار در یک مسیر مشخص را درک کنید.
- وقتی یک گرایش غیرجهت‌دار دارید، قیمت‌ها اهمیتی برای شما ندارند و فقط می‌خواهید کارتان را شروع کنید.
- به داشتن گرایش‌های غیرجهت‌دار، معاملات استرادل<sup>1</sup> هم گفته می‌شود.

همین...

آیا واقعا به همین آسانی است؟؟؟

پیش از آگاهی از این مساله که کدام گزارش‌های خبری سبب تغییر بازار می‌شوند، بازار برای تغییر به چه اندازه شگفتی نیاز دارد و این که چه گزارش‌هایی مانع از معامله می‌شوند، باید به بسیاری از این گزارش‌ها پردازید.

مثل هر روش معاملاتی دیگری، در این خصوص نیز موفقیت‌تان به میزان آمادگی‌تان بستگی دارد.

این امر هم مستلزم زمان و هم نیازمند تمرین است. برای درک اهمیت آنها تکالیف‌تان را انجام دهید و به بررسی شاخص‌های اقتصادی پردازید.

---

<sup>1</sup> Straddle Trades: از انواع اختیار معامله که در آن معامله‌گر دو قرارداد اختیار خرید و اختیار فروش را به طور همزمان یا می‌خرد یا می‌فروشد. مورد معامله، تاریخ سررسید و قیمت توافق شده هر دو قرارداد باید یکسان باشد

به خاطر داشته باشید که هیچ چیز با ارزشی به آسانی به دست نمی‌آید بنابراین آن را پیگیری کنید و به این ترتیب درخواهید یافت که وقتی وارد بطن این گزارش‌های خبری می‌شوید بسیار هم ارزشمند خواهند بود!

### مبادلات انتقالی چیست؟

آیا می‌دانستید که سیستم معاملاتی وجود دارد که حتی وقتی قیمت‌ها تا مدت‌های طولانی ثابت می‌مانند می‌تواند سودآور باشد؟

بله چنین سیستمی وجود دارد و در دنیای مالی یکی از رایج‌ترین روش‌های کسب درآمد برای بسیاری از بزرگترین و برجسته‌ترین مدیران سرمایه محسوب می‌شود!



به این سیستم «تجارت انتقالی» اطلاق می‌شود.

تجارت انتقالی عبارت است از خرید یا فروش یک ابزار مالی با نرخ بهره پایین و استفاده از آن برای خرید یک ابزار مالی دیگر با نرخ بهره بالا.

در حالی که برای ابزار مالی گرفته نرخ بهره پایینی پرداخت می‌کنید، برای ابزار مالی که خریداری کرده‌اید نرخ بهره بالایی دریافت می‌کنید. به این ترتیب سود شما از محل اختلاف نرخ بهره این دو ارز خواهد بود.

برای مثال:

مثلاً فرض می‌کنیم که شما به بانک می‌روید و ۱۰ هزار دلار وام می‌گیرید. نرخ بهره این وام سالانه ۱ درصد از این ده هزار دلار است. اما شما با پولی که وام گرفته‌اید ۱۰ هزار دلار اوراق عرضه‌ای می‌خرید که سالانه ۵ درصد به شما سود می‌دهد.

سود شما چقدر خواهد بود؟

کسی می‌داند؟

بله! سالانه ۴ درصد! یعنی اختلاف بین این دو نرخ بهره!

شاید فکر می‌کنید که با توجه به نوسانات بازار به نظر سودآور و هیجان‌انگیز نیست.

اما وقتی از این روش در بازار معاملات نقدی فارکس استفاده می‌کنید، با توجه به لورج<sup>۲</sup> بالاتر و نرخ بهره روزانه، فقط باید تکیه دهید و تماشا کنید که هر روز حساب‌تان رشد بیشتری می‌کند و جذاب‌تر می‌شود.

برای درک بهتر باید بگوییم که اختلاف ۳ درصد نرخ بهره به نرخ بهره سالانه ۶۰ درصد تبدیل می‌شود یعنی حساب‌تان بیست‌برابر قدرتمندتر می‌شود!

در این بخش به بحث و بررسی نحوه عملکرد تجارت‌های انتقالی، زمان کارآیی آنها و زمان ناکارآمدی آنها خواهیم پرداخت.

مضاف بر این که مقوله ریسک‌گریزی نیز بررسی خواهد شد (WTH همان بیزاری از ریسک است؟ نگران نباشید در بخش‌های بعدی بیشتر به این مقوله خواهیم پرداخت)

### منفعت مبادلات انتقالی برای بازار فارکس

در بازار فارکس ارزها به صورت جفت معامله می‌شوند (مثلا اگر جفت ارز USD/CHF را خریداری کنید در واقع همزمان دلار آمریکا را می‌خرید و فرانک سوییس را می‌فروشید). درست مثل مثالی که عنوان شد، برای پوزیشن ارزی که خریداری می‌کنید بهره پرداخت می‌کنید و برای پوزیشن ارزی که خریداری می‌کنید سود می‌گیرید.

آنچه که تجارت انتقالی را در بازار معاملات نقدی فارکس خاص می‌کند آن است که پرداخت نرخ بهره بر مبنای پوزیشن شما در هر روز معامله رخ می‌دهد. به لحاظ فنی، تمام پوزیشن‌ها پایان روز در بازار معاملات نقدی فارکس بسته می‌شوند. اگر پوزیشن را برای روز بعد باز نگه دارید می‌بینید هیچ اتفاقی رخ نخواهد داد.

کارگزارها پوزیشن شما را می‌بندند و دوباره باز می‌کنند و سپس برای اختلاف نرخ بهره دو ارز در طول شب در برابر شما بستانکار می‌شوند. در واقع این هزینه انتقال یک پوزیشن به روز بعد است (که به آن سود تمدید<sup>۳</sup> نیز گفته می‌شود).

به دلیل لورج یا اهرمی که از طریق کارگزاران فارکس ایجاد می‌شود، این نوع تجارت در بازار معاملات نقدی فارکس رواج بسیاری یافته است. اغلب معاملات فارکس بر مبنای پرداخت ودیعه (Margin) انجام می‌شوند به این معنا که باید مقدار اندکی از پوزیشن را به عنوان ودیعه پرداخت کنید و کارگزاران هم باقیمانده پوزیشن را به عنوان ودیعه می‌گذارد. بسیاری از کارگزاران ودیعه را فقط ۱ تا ۲ درصد از پوزیشن تعیین می‌کنند. چه معامله‌ای، هان؟

در اینجا به یک نمونه کلی نگاه می‌اندازیم تا نشان دهیم که چقدر این معاملات می‌توانند وحشت‌انگیز باشند.

<sup>2</sup> Leverage: لورج در لغت به معنی "اهرم" است یعنی ابزاری که نیروی اندک شما را چندین برابر می‌کند تا بدانسپله بتوانید بارهای سنگین را جابجا کنید. در بازار، بازار ارز نیز لورج تسهیلاتی است که بروکر یا کارگزار در اختیار معامله‌گر قرار می‌دهد تا بتواند سرمایه‌ای را که به ودیعه گذاشته چندین برابر کند و معاملات بزرگتری انجام دهد به طور مثال شما دارای سرمایه‌ای معادل \$۱۰۰۰۰ هستید با حساب لوریج ۱:۱۰۰ بروکر به شما توان خرید \$۱۰۰۰۰۰۰ را می‌دهد.

<sup>3</sup> Rolling over



برای این مثال به معامله جو (Joe) که یک تاجر نوپای بازار فارکس است نگاهی می‌اندازیم.

امروز روز تولد جو است و پدر بزرگ و مادر بزرگ‌اش که انسان‌های دوست‌داشتنی و سخاوتمندی هستند به او ده هزار دلار کادو می‌دهند.

جو به جای آن که کادوی تولدش را صرف بازی‌های رایانه‌ای و خرید پوستر ستاره‌های پاپ کند، تصمیم می‌گیرد آن را برای روز مبادا پس انداز کند. جو به بانک محله‌شان می‌رود و یک حساب پس‌انداز باز می‌کند و مدیر بانک به او می‌گوید: «جو حساب پس‌انداز شما سالانه یک درصد سود به حساب شما واریز می‌کند. عالی نیست؟»

جو اندکی صبر می‌کند و با خود می‌اندیشد: «به ازای هر یک درصد سالانه ۱۰۰ دلار به ۱۰ هزار دلارم اضافه می‌شود.»

"جو" که پسر باهوشی است و مطالب آموزشی را مطالعه کرده است اکنون یک راه بهتر برای سرمایه‌گذاری پول‌اش می‌شناسد.

جو با لبخند پاسخ مدیر بانک را می‌دهد: «ممنون آقا، اما فکر می‌کنم می‌خواهم پولم را جای دیگری سرمایه‌گذاری کنم.»

جو بیش از یک سال است که از چندین سیستم معاملاتی (از جمله تجارت انتقالی) استفاده کرده است بنابراین خوب می‌داند که معاملات فارکس چگونه عمل می‌کنند. او یک حساب واقعی باز می‌کند. کادوی ۱۰ هزار دلاری‌اش را به آن حساب می‌گذارد و طرح‌اش را عملی می‌کند.

جو جفت ارزی را پیدا می‌کند که اختلاف نرخ بهره‌اش سالانه ۵٪+ است. او این جفت ارز را به ارزش ۱۰۰ هزار دلار خریداری می‌کند. از آنجایی که کارگزار ۱ درصد از پوزیشن را مطالبه می‌کند هزار دلار آن را به عنوان ودیعه نگه می‌دارد (لورج 1:100). بنابراین اکنون یک جفت ارز به ارزش ۱۰۰ هزار دلار دارد که سالانه ۵ درصد برای آن سود می‌گیرد.

اگر جو یک سال کاری انجام ندهد برای حساب‌اش چه اتفاقی می‌افتد؟

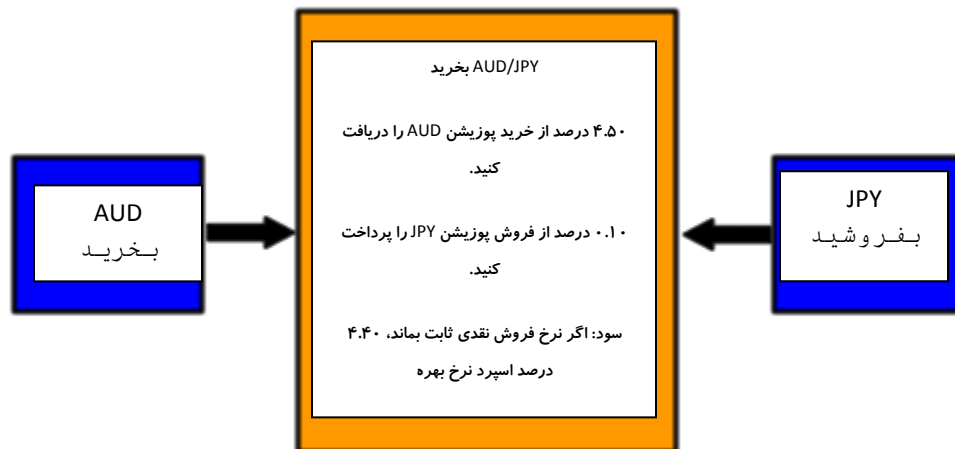
خب، در اینجا سه احتمال وجود دارد. بگذارید به هر یک از آنها نگاهی بیاندازیم:

۱. پوزیشن ارز ارزش خود را از دست می‌دهد: ارزش جفت ارزی که جو خریداری می‌کند مثل یک تکه سنگ سقوط می‌کند. اگر ضرروزیان‌ها به حدی رسد که ارزش حساب جو تا حد ودیعه‌اش پایین آید، پوزیشن بسته می‌شود و تنها چیزی که در حساب جو باقی می‌ماند همان ودیعه ۱۰۰۰ دلاری خواهد بود.
۲. جفت ارز در انتهای سال به همان نرخ معامله می‌رسد: در این حالت هیچ ارزشی از پوزیشن جو کاسته یا به آن افزوده نمی‌شود اما روی پوزیشن ۱۰۰ هزار دلاری‌اش ۵ درصد سود می‌گیرد. این به این معناست که جو فقط با این سود از حساب ۱۰ هزار دلاری‌اش به ۵ هزار دلار دست یافته است. یعنی یک سود ۵۰ درصدی!

۳. پوزشن ارز ارزش می‌یابد: جفت ارز جو با سرعت راکت صعود می‌کند. بنابراین نه تنها جو از پوزیشن‌اش به سود ۵ هزار دلاری می‌رسد بلکه هر سود دیگری را هم که بدست می‌آورد با خود به خانه می‌برد! و این می‌تواند یک کادوی خوب برای تولد سال بعداش باشد!

جو با توجه به لورج 100:1 این پتانسیل را دارد که از ۱۰ هزار دلار اولیه‌اش ۵۰ درصد سود کند.

در اینجا به مثالی از جفت ارزی اشاره شده است که از سپتامبر ۲۰۱۰ اختلاف بهره ۴.۴۰ درصدی می‌دهد:



اگر جفت ارز AUD/JPY خریداری کنید و آن را یک سال نگه دارید، می‌توانید به رقم انتقالی<sup>۴</sup> مثبت ۴.۴۰ درصد دست یابید. البته اگر این جفت ارز را بفروشید عکس این مساله رخ خواهد داد:

<sup>4</sup> Carry: هزینه یا سود باز نگه داشتن یک معامله تا روز تجاری بعد که بستگی به تفاوت نرخ بهره دو ارز موجود در جفت ارزی دارد.



اگر AUD/JPY خریداری کنید و آن را به مدت یک سال نگه دارید، به رقم انتقالی منفی ۴.۴۰ درصد می‌رسید.

مجدداً باید گفت که این یک نمونه کلی از نحوه عملکرد تجارت انتقالی است.

سوالی در مورد این مفهوم دارید؟ خیر؟ می‌دانستم که سریع مطالب را می‌گیرید!

حالا زمان آن رسیده است که به مهمترین بخش این درس یعنی «ریسک تجارت انتقالی» پردازیم.

### مبادله انتقالی، آری یا خیر

چه زمان تجارت انتقالی عملی خواهد بود؟



تجارت انتقالی زمانی بهترین عملکرد را دارد که سرمایه‌گذاران احساس خطر کنند و برای خرید ارزهای با بازدهی بالا و فروش ارزهای کم‌بازده‌تر به اندازه کافی خوشبین باشند.

این مساله داستان فرد خوشبینی است که نیمه پر لیوان را می‌بیند. برای مثال ممکن است وضعیت فعلی ایده‌آل نباشد اما این فرد امیدوار است که اوضاع بهتر خواهد شد. همین مساله در خصوص تجارت‌های انتقالی نیز صادق است. شرایط اقتصادی ممکن است ایده‌آل نباشد اما برای خرید ارز باید نگاهی مثبت‌گرایانه داشت.

اگر ظاهر اقتصاد کشورها هم به زیبایی آنجلینا جولی بود، بانک مرکز کشورها مجبور بودند برای کنترل تورم نرخ بهره‌شان را بالا ببرند.

در واقع این به نفع تجارت انتقالی است چراکه نرخ بهره بالاتر یعنی اختلاف بیشتر نرخ‌های بهره.

از سوی دیگر، اگر چشم‌انداز اقتصادی یک کشور به اندازه کافی مثبت نباشد، هیچ کس آمادگی خرید ارز را نخواهد داشت چراکه فکر می‌کنند بانک مرکزی برای کمک به شرایط اقتصادی آنها باید نرخ‌های بهره را پایین آورد.

به بیان ساده‌تر، تجارت‌های انتقالی زمانی بهترین عملکرد را خواهند داشت که ریسک‌گریزی در سطح پایینی باشد.

وقتی درجه ریسک‌گریزی بالا باشد، تجارت‌های انتقالی عملکرد خوبی نخواهند داشت (یعنی فروش ارزهای با بازده بالاتر و خرید ارزهای کم‌بازده‌تر). وقتی ریسک‌گریزی بالا باشد، سرمایه‌گذاران کمتر وارد سرمایه‌گذاری‌های پرمخاطره می‌شوند.

اکنون از دیدگاهی دیگر به این مساله می‌پردازیم.

فرض کنید شرایط اقتصادی سختی بر جامعه حاکم است و کشور در رکود به سر می‌برد. فکر می‌کنید همسایه بغلی‌تان با پول‌اش چه می‌کند؟

احتمالاً یک سرمایه‌گذاری کم‌هزینه و ایمن را به سرمایه‌گذاری‌های دیگر ترجیح می‌دهد. از آنجایی که این سرمایه‌گذاری یک سرمایه‌گذاری مطمئن است، گردش سرمایه مهم نیست.

این مساله از آنجایی منطقی است که این امکان را به همسایه‌تان می‌دهد تا در شرایط بد عقب‌نشینی کند، یعنی این کار را رها کند. در اصطلاحات فارکس، گفته می‌شود که همسایه‌تان دارای سطح بالایی از ریسک‌گریزی است.

با روانشناسی سرمایه‌گذاران بزرگ می‌توان گفت که آنها هم تفاوت زیادی با همسایه‌تان ندارند. وقتی شرایط اقتصادی در پرده ابهام قرار دارد، سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند سرمایه‌شان را صرف ارزهای ایمن با نرخ بهره پایین مثل دلار آمریکا یا ین ژاپن کنند.

ریسک‌گریزی در قطب مخالف تجارت انتقالی قرار دارد. ریزش سرمایه‌ها به سوی فرصت‌های ایمن‌تر سبب می‌شود تا ارزش‌های با سود کمتر در برابر ارزش‌های با سود بالاتر ارزش بیشتری پیدا کنند.

## معیارها و ریسک تجارت انتقالی

### معیارهای تجارت انتقالی

برای تجارت انتقالی، یافتن یک جفت ارز مناسب کار ساده‌ایست. در این زمینه دو مساله را مورد توجه قرار دهید:

۱. یافتن اختلاف بالای نرخ بهره
  ۲. یافتن جفتی که ثابت یا در یک روند صعودی به نفع ارز با بازده بالاتر باشد. در این شرایط این امکان را می‌یابید که تا جای ممکن در این تجارت باقی بمانید و از اختلاف نرخ بهره دو ارز به سود لازم دست یابید.
- ساده است هان؟ در اینجا یک مثال واقعی از تجارت انتقالی را در نظر می‌گیریم:



این یک نمودار هفتگی از AUD/JPY است. تا همین اواخر، بانک ژاپن سیاست نرخ بهره صفر خود را حفظ کرده بود (اما از سپتامبر ۲۰۱۰، نرخ بهره به ۰.۱۰ درصد رسید).

با توجه به آن که بانک مرکزی استرالیا در میان ارزشهای اصلی نرخ بهره بالاتری دارد (در حال حاضر ۴.۵۰ درصد)، بسیاری از معامله‌گرها به سوی این ارز هجوم آورده‌اند (یکی از فاکتورهای خلق یک روند صعودی اندک اما خوب در این جفت ارز).

از آغاز سال ۲۰۰۹ تا اوایل سال ۲۰۱۰، این جفت از ۵۵.۵۰ به ۸۸.۰۰ افزایش یافته است یعنی ۳.۲۵۰ پپ!

اگر این مساله را با پرداخت سود از اختلاف نرخ بهره دو ارز همراه سازید، این جفت برای بسیاری از سرمایه‌گذاران و معامله‌کنندگان نقشی بلندمدت ایفا خواهد کرد و می‌توانند در نوسانات بازار ارز تغییراتی ایجاد کنند.

البته فاکتورهای سیاسی و اقتصادی هم همواره سبب تغییر و تحول جهان شده‌اند. نرخ‌های بهره و اختلاف نرخ بهره دو ارز هم ممکن است تغییر کنند و سبب شوند تجارت‌های انتقالی رایج (مثلا تجارت انتقالی یین) به نفع سرمایه‌گذاران عمل نکنند.

#### خلاصه: مبادله انتقالی

در حالی که نرخ بهره کمتر برای ابزار مالی که قرض گرفته/فروخته‌اید پرداخت می‌کنید، بهره بالاتر برای ابزار مالی که خریداری کرده‌اید جمع آوری می‌کنید. سود شما پولی است که از تفاوت نرخ بهره جمع آوری می‌کنید.

این راه دیگری است برای پول در آوردن در بازار فارکس بدون نیاز به خرید کم و فروش بالا که انجام هر روزه‌ی آن می‌تواند بسیار دشوار باشد.

معاملات انتقالی زمانی به بهترین شکل کار می‌کند که سرمایه‌گذاران احساس می‌کنند دارند ریسک می‌کنند. لازم نیست شرایط اقتصادی فعلی خوب باشد، اما چشم انداز باید مثبت باشد.

اگر چشم انداز اقتصادی کشور زیاد خوب به نظر نرسد، آنگاه هیچ کس آماده ریسک کردن نیست. به زبان ساده، معاملات انتقالی زمان به بهترین شکل کار می‌کند که سرمایه‌گذاران ریسک‌گریزی پایین است.

زمانی که ریسک‌گریزی بالا معاملات انتقالی خوب جواب نمی‌دهند.

هنگامی که ریسک‌گریزی بالا است، سرمایه‌گذاران کمتر احتمال دارد به خرید ارزشهای پربازده بپردازند یا به احتمال زیاد موقعیت‌های خود در ارزشهای پربازده را کاهش دهند.

هنگامی که شرایط اقتصادی نامشخص است، سرمایه‌گذاران تمایل به قرار دادن سرمایه‌های خود در ارزشهای امن دارند که تمایل به ارائه نرخ‌های بهره پایین دارند از جمله دلار آمریکا و ین ژاپن.

پیدا کردن جفت مناسب برای انجام معاملات انتقالی خیلی ساده است. به دنبال دو چیز باشید:

۱. تفاوت بهره بالا را پیدا کنید.

۲. جفتی پیدا کنید که پایدار است یا در روند صعودی به نفع ارز با بازده بالاتر است. این به شما امکان می‌دهد در تا حد امکان در معامله و از تفاوت نرخ بهره سود کنید.

همیشه به یاد داشته باشید که عوامل اقتصادی و سیاسی هر روز در حال تغییر جهانند. نرخ‌های بهره و تفاوت نرخ‌های سود بین ارزها نیز ممکن است تغییر کنند و معاملات انتقالی محبوب (مانند معامله انتقالی بین) را از علاقه سرمایه گذاران خارج کنند. بنابراین، در زمان انجام معاملات انتقالی، هنوز هم باید زیان خود را مانند معامله جهت‌دار عادی محدود کنید.

هنگامی که به درستی اجرا شود، معامله انتقالی می‌تواند درآمد قابل توجهی به حساب شما اضافه کند، همراه با استراتژی‌های معاملاتی جهت‌دارتان.

## شاخص دلار چیست؟

اگر سهام را داد و ستد کرده‌اید، احتمالاً با تمام شاخص‌های موجود آشنا باشید مثل میانگین صنعتی داو جونز (DJIA)، شاخص نزدک، Russell 2000، S&P 500 و ...

خوب اگر سهام آمریکا دارای شاخص باشد، چرا دلار آمریکا نداشته باشد؟! برای معامله‌گران ارز، شاخص دلار آمریکا (USD) را داریم.

شاخص دلار آمریکا متشکل از متوسط وزنی هندسی سبدهای ارزی خارجی در برابر دلار است.

این بسیار شبیه به طرز کار شاخص‌های سهام است از این جهت که نشانه کلی از ارزش سبد اوراق بهادار فراهم می‌کند. البته، «اوراق بهاداری» که در اینجا در مورد آن صحبت می‌کنیم سایر ارزهای اصلی هستند.

### سبد

شاخص دلار آمریکا، متشکل از شش ارز خارجی است که عبارتند از:

- یورو (EUR)
- ین (JPY)
- پوند (GBP)
- دلار کانادا (CAD)
- کرون (SEK)
- فرانک (CHF)

در اینجا سوال جالبی وجود دارد. اگر شاخص از ۶ ارز ایجاد شده باشد، شامل چند کشور است؟

اگر پاسخ شما «۶» است، در اشتباهید.

اگر پاسخ شما «۲۲» است، نابغه‌اید!

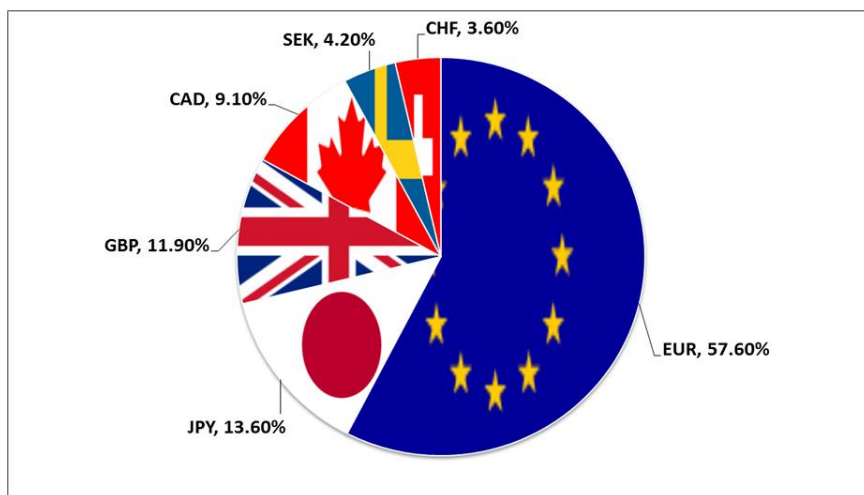
۲۲ کشور وجود دارد، چرا که ۱۷ عضو اتحادیه اروپا وجود دارد که یورو را به عنوان پول خود اتخاذ کرده‌اند، به علاوه پنج کشور دیگر (ژاپن، بریتانیا، کانادا، سوئد و سوئیس) و ارزهای همراهشان.

واضح است که ۲۲ کشور بخش کوچکی از جهان را تشکیل می‌دهند اما بسیاری از ارزهای دیگر به طور بسیار دقیق از شاخص دلار آمریکا پیروی می‌کنند. این امر باعث می‌شود USD ابزار خوبی برای اندازه‌گیری قدرت جهانی دلار آمریکا باشد.

### اجزای تشکیل دهنده USD

حالا که می‌دانیم سبد ارزها متشکل از چیست، اجازه دهید به بخش «میانگین وزنی هندسی» برسیم. از آنجا که همه کشورها یک اندازه نیستند، عادلانه است که هنگام محاسبه شاخص دلار آمریکا به هر کدام وزن مناسب داده شود. وزن‌های فعلی را بررسی کنید:





با ۱۷ کشور، یورو تشکیل دهنده‌ی تکه بزرگی از شاخص دلار آمریکا است. بعدی ین ژاپن است که منطقی است زیرا ژاپن یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان است. چهار کشور دیگر کمتر از ۳۰ درصد USDX را تشکیل می‌دهند.

در اینجا چیزی جالب است: هنگامی که یورو افت می‌کند، کدامیک ممکن است باعث حرکت شاخص دلار آمریکا شود؟

یورو چنین بخش عظیمی از شاخص دلار آمریکا است، می‌توانیم این شاخص را «شاخص ضد یورو» بنامیم. از آنجا که USDX به شدت تحت تاثیر یورو قرار دارد، مردم به دنبال شاخص دلار «متعادل‌ترینند». اطلاعات بیشتر در ادامه ارائه می‌شود. اول، اجازه دهید نمودارها را بررسی کنیم!

### نحوه خواندن شاخص دلار

درست مثل هر جفت ارزی، USDX حتی نمودار خاص خود را دارد.



اول، توجه کنید که این شاخص در ۲۴ ساعت روز، پنج روز هفته محاسبه می‌شود. همچنین، USDX به اندازه گیری ارزش کلی دلار نسبت به پایه ۱۰۰.۰۰۰ می‌پردازد. ها؟!؟

خب. برای مثال، رقم فعلی ۸۶.۲۱۲ است. این بدان معنی است که دلار از آغاز شاخص ۱۳.۷۹٪ کاهش یافته است. (86.212 - 100.000)

اگر رقم فعلی ۱۲۰.۶۵۰ باشد، این بدان معنی است که ارزش دلار از آغاز شاخص، به میزان ۲۰.۶۵٪ افزایش یافته است. (120.650 - 100.00)

شروع این شاخص اول مارس ۱۹۷۳ است. این زمانی است که بزرگترین کشورهای جهان در واشنگتن گرد هم آمدند و همگی موافقت کردند تا پول‌هایشان آزادانه در برابر یکدیگر در نوسان باشد. به آغاز این شاخص نیز «دوره پایه» گفته می‌شود.

#### فرمول شاخص دلار آمریکا

فرمول محاسبه USDX چنین است:

$$USDX = 50.14348112 \times EUR/USD^{(-0.576)} \times USD/JPY^{(0.136)} \times GBP/USD^{(-0.119)} \times USD/CAD^{(0.091)} \times USD/SEK^{(0.042)} \times USD/CHF^{(0.036)}$$

#### شاخص دلار وزنی - معاملاتی

همچنین نوع دیگری از شاخص دلار مورد استفاده توسط فدرال رزرو وجود دارد. به آن «شاخص دلار وزنی - معاملاتی» گفته می‌شود.

فدرال رزرو می‌خواست شاخصی ایجاد کند که بتواند ارزش دلار در برابر ارزهای خارجی را بر اساس قدرت رقابتی کالاهای آمریکایی در مقایسه با کالاهای کشورهای دیگر با دقت بیشتری منعکس کند. این شاخص در سال ۱۹۹۸ برای به‌روز نگه داشتن تجارت آمریکا تشکیل شد.

#### ارزها و وزن‌ها

وزن فعلی (بر حسب درصد) شاخص چنین است:

کشور	وزن (درصد)
منطقه یورو	17.66
چین	17.33
کانادا	15.22
مکزیک	9.72
ژاپن	8.71

انگلستان	4.32
کره	3.50
تایوان	2.37
سنگاپور	2.02
برزیل	1.95
مالزی	1.87
هنگ کنگ	1.75
هند	1.61
سوئیس	1.42
تایلند	1.40
استرالیا	1.20
روسیه	1.17
اسرائیل	1.12
سوئڈ	1.00
اندونزی	0.92
عربستان	0.82
شیلی	0.82
فیلیپین	0.65
کلمبیا	0.50

آرژانتین	0.48
ونزوئلا	0.47
جمع کل	100

\* وزن تا ماه می سال ۲۰۰۹

تفاوت اصلی بین USDX و شاخص دلار وزنی - معاملاتی در سبد ارزشهای مورد استفاده و وزنهای نسبی شان است. شاخص وزنی - معاملاتی شامل کشورهایی از سراسر جهان است از جمله برخی کشورهای در حال توسعه. با توجه به توسعه بازارهای جهانی، این شاخص احتمالاً بازتاب بهتری از ارزش دلار در سراسر جهان است. وزن‌ها بر اساس داده‌های معامله سالانه است.

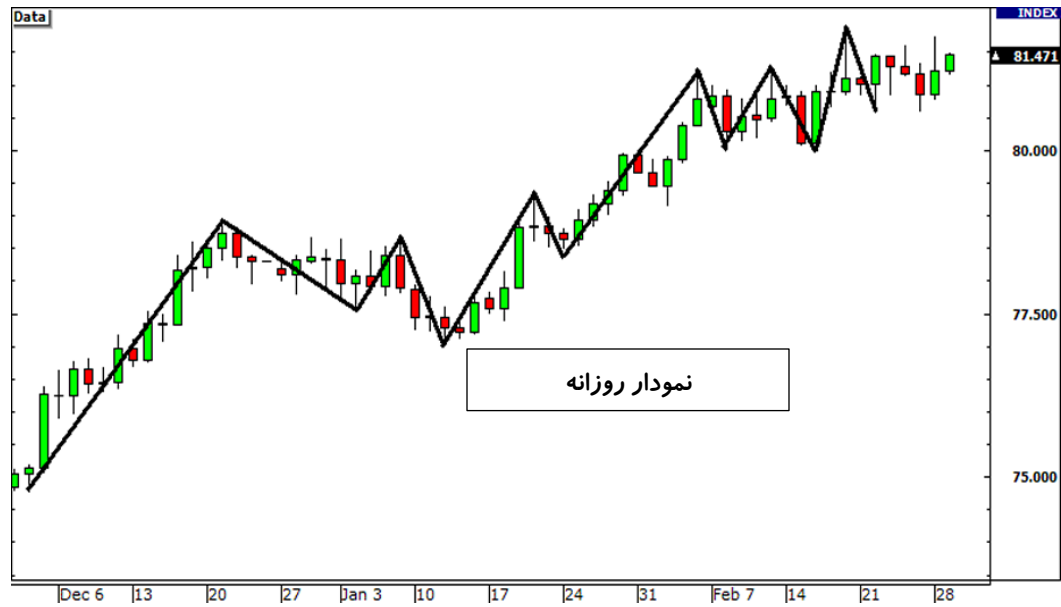
### استفاده از USDX در فارکس

شرط می‌بندم دارید با خود فکر می‌کنید که «چگونه می‌توانم از این چیز در سیستم معاملاتی ام استفاده کنم؟»، خوب، صبور باشید تا بفهمید! همه ما می‌دانیم که بسیاری از جفت ارزهای پر معامله شامل دلار آمریکا هستند. اگر نمی‌دانید، بعضی‌ها که شامل دلار آمریکا هستند عبارتند از EUR/USD, GBP/USD, USD/CHF, USD/JPY و USD/CAD.

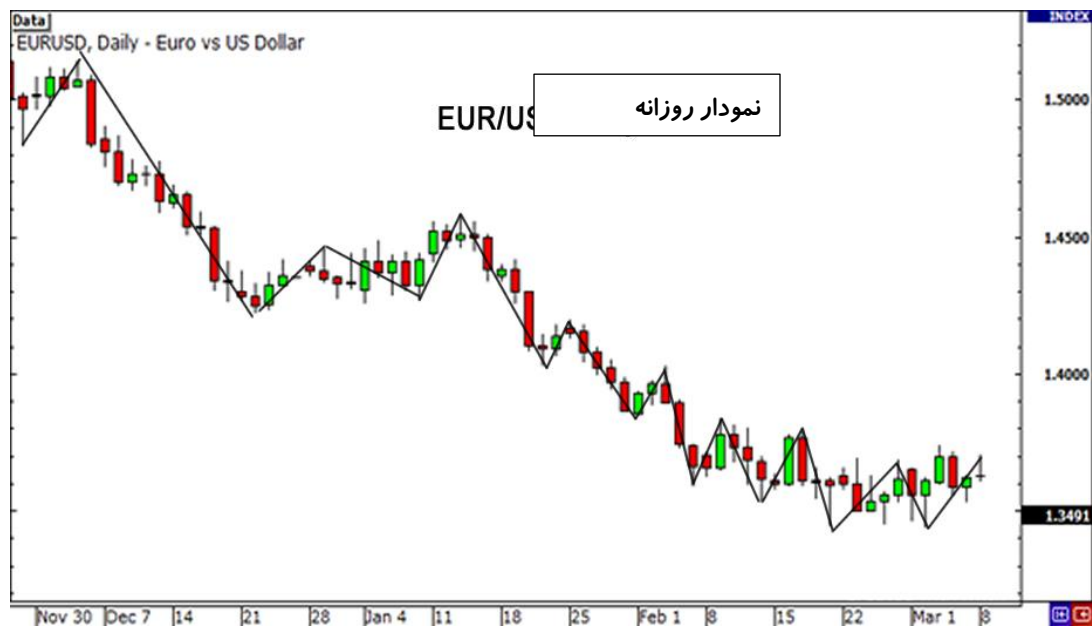
این به چه معنی است؟ اگر هر یک از این جفت‌ها را معامله کنید، USDX می‌تواند بهترین چیز باشد.

اگر این کار را نکنید، USDX هنوز هم ایده‌ای از قدرت نسبی دلار آمریکا در سراسر جهان ارائه می‌دهد. در واقع، زمانی که چشم انداز بازار برای دلار آمریکا مشخص نیست، اغلب USDX تصویر بهتری فراهم می‌کند.

در جهان گسترده فارکس، می‌توان از USDX به عنوان شاخص قدرت دلار آمریکا استفاده کرد. از آنجا که USDX بیش از ۵۰٪ توسط منطقه یورو تشکیل شده است، با EUR/USD رابطه کاملاً معکوس دارند. آن را چک کنید:



سپس، نگاهی به نمودار EUR/USD بیندازید.



این مانند تصویر آینه است! اگر یکی بالا رود، دیگری به احتمال زیاد پایین می‌رود. به آن نگاه می‌کنید؟ به نظر می‌رسد مانند خطوط روند است که تقریباً به طور کامل مطابقت معکوس دارند. این می‌تواند کمک بزرگی برای معامله‌گران EUR/USD باشد.

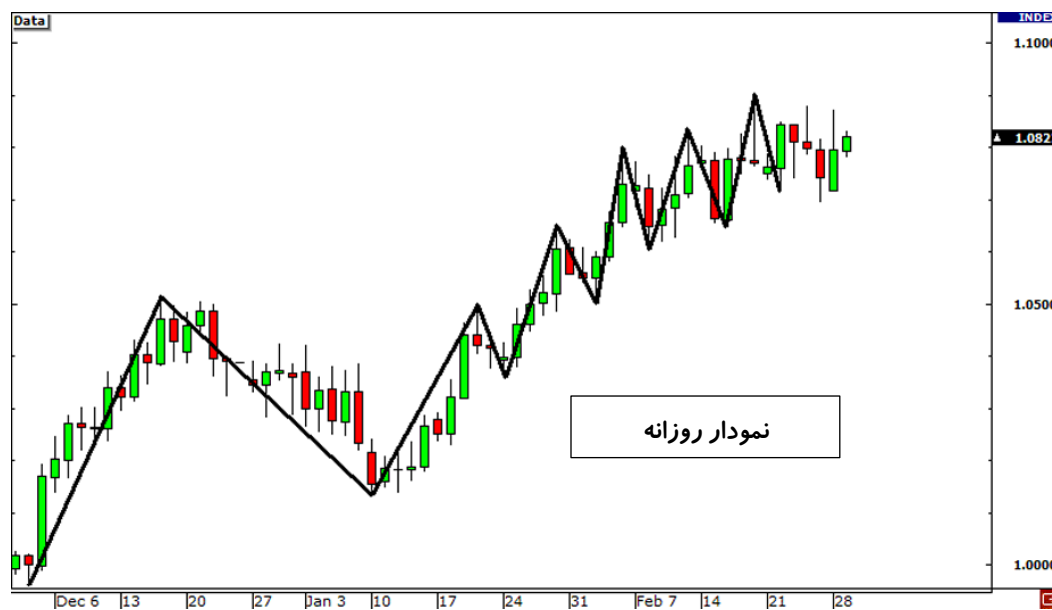
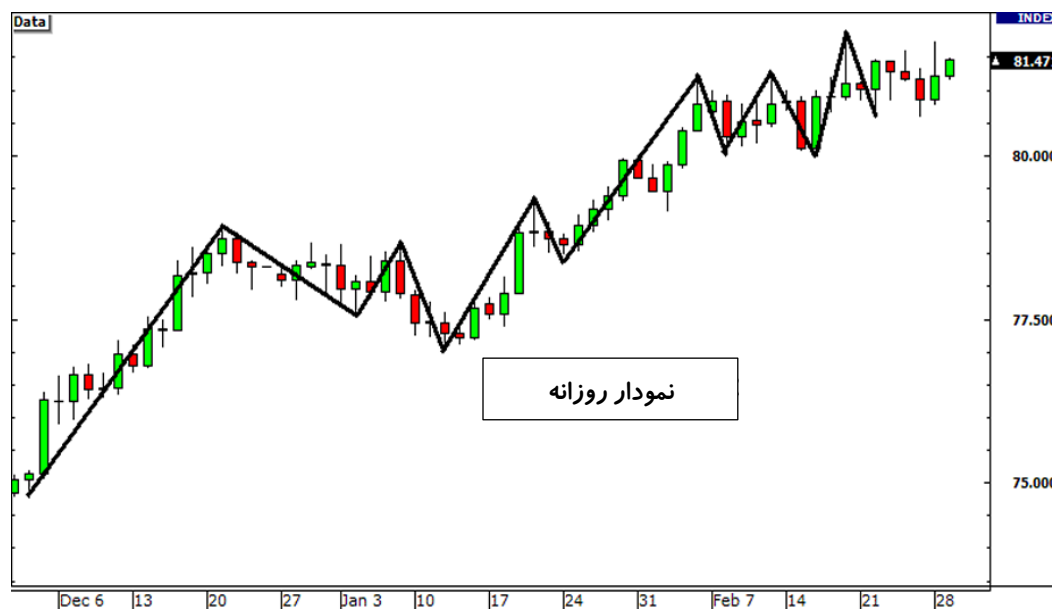
برخی از دوستان معامله‌گر، USDX را به عنوان شاخصی برای EUR/USD بررسی می‌کنند.

اگر USDX حرکت‌های مهم دارد، می‌توانید تقریباً مطمئناً انتظار داشته باشید که معامله‌گران ارز به آن حرکت واکنش نشان می‌دهند. هر دوی USDX و معامله‌گران ارز نقدی به یکدیگر واکنش نشان می‌دهند. شکست‌ها در جفت‌های مقابل USD تقریباً به طور قطع USDX را به طور مشابه حرکت خواهند داد.

به طور خلاصه، معامله گران ارز از USDX به عنوان شاخص کلیدی برای جهت USD استفاده می کنند.

موقعیت USD را در جفت ارزی که معامله می کنید همیشه به یاد داشته باشید.

به عنوان مثال، اگر USDX تقویت شود و افزایش یابد و دارید EUR/USD را معامله می کنید، احتمالاً شاهد روندی نزولی در نمودار EUR/USD خواهید بود. اگر در حال معامله جفت ارزی هستید که در آن USD ارز پایه است، مانند USD/CHF، افزایش در USDX به احتمال زیاد موجب افزایش در نمودارهای USD/CHF خواهد شد مانند زیر.



دو نکته را همیشه به یاد داشته باشید:

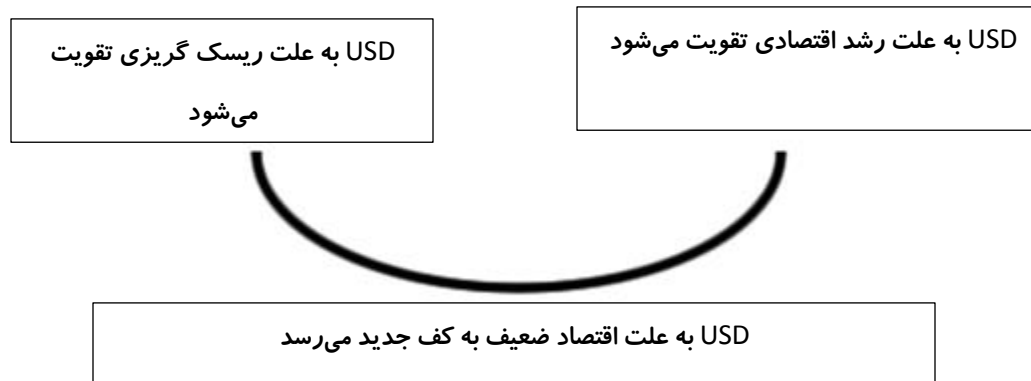
اگر USD ارز پایه است (USD/XXX)، آنگاه USDX و جفت ارز باید در یک جهت حرکت کنند.

اگر USD ارز مقابل است (XXX/USD)، آنگاه USDX و جفت ارز باید در جهت مخالف حرکت کنند.

### نظریه لبخند دلار

آیا فکر کرده‌اید که چرا دلار هم در زمان رکود و هم در زمان رونق اقتصاد تقویت می‌شود. خب، همه این‌ها این‌طوریند. در واقع، شخصی واقعا هوشمند به نام مورگان استنلی نظریه‌ای برای توضیح این پدیده ارائه کرد.

استفان جن، استراتژیست ارز و اقتصاددان سابق، نظریه‌ای ارائه کرد و آن را «تئوری لبخند دلار» نامید. نظریه او سه سناریو اصلی در مورد رفتار دلار آمریکا را به تصویر می‌کشد. تصویر ساده چنین است:



سناریو ۱: بخش اول لبخند نشان می‌دهد که دلار آمریکا از ریسک‌گریزی استفاده می‌کند که باعث می‌شود سرمایه‌گذاران به سراغ ارزهای «مطمئن و امن» بروند مانند دلار و ین. از آنجا که سرمایه‌گذاران فکر می‌کنند که وضعیت اقتصاد جهانی متزلزل است، تردید دارند که به دنبال دارایی‌های پر ریسک بروند و ترجیح می‌دهند دلار کم‌ریسکتر آمریکا را صرف نظر از وضعیت اقتصاد آمریکا بخرند.



سناریو ۲: دلار به کف جدید افت می‌کند. بخش پایین لبخند، نشان دهنده عملکرد ضعیف

دلار آمریکا است زیرا اقتصاد آمریکا در وضعیت ضعیف بسر می‌برد.

امکان کاهش نرخ بهره نیز وزن دلار آمریکا را کاهش می‌دهد.

این منجر به دوری بازار از دلار می‌شود. شعار برای USD می‌شود «فروش! فروش! فروش!»



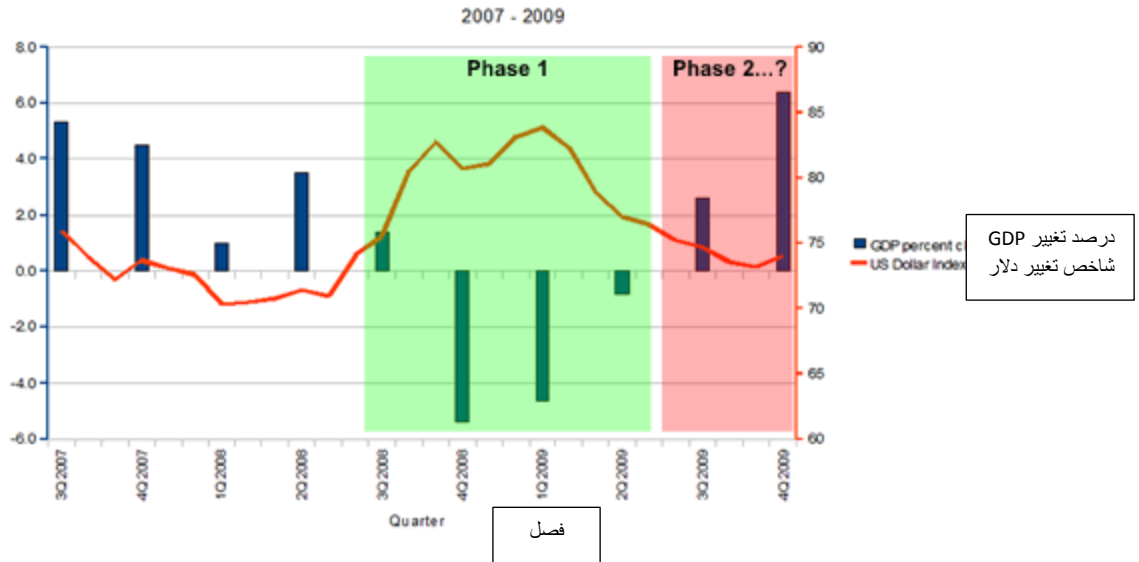
سناریو ۳: دلار به دلیل رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. در نهایت، وقتی اقتصاد آمریکا روزهای خوشی را پیش رو دارد، تشکیل لبخند آغاز می‌شود. با افزایش خوش بینی و ظهور نشانه‌های بهبود اقتصادی، احساسات مربوط به دلار شروع به افزایش می‌کند. به عبارت دیگر، وقتی اقتصاد آمریکا از رشد قوی‌تر GDP برخوردار می‌شود و انتظارات از افزایش نرخ بهره افزایش می‌یابد، دلار آمریکا شروع به افزایش می‌کند.

به نظر می‌رسد این نظریه از آغاز بحران مالی سال ۲۰۰۷ درست بوده است. آیا به یاد دارید که دلار افزایش بزرگی را در اوج رکود اقتصادی جهانی تجربه کرد؟ این مرحله ۱ است.

هنگامی که بازار در نهایت در مارس ۲۰۰۹ افت کرد، سرمایه‌گذاران ناگهان به ارزشهای پربازده برگشتند و دلار را به برنده‌ی جایزه «بدترین ارز» برای سال ۲۰۰۹ تبدیل کردند.



درصد تغییر GDP در برابر شاخص دلار



بنابراین تئوری لبخند دلار درست است؟

تنها زمان این را خواهد گفت.

در هر صورت، این تئوری مهمی برای به خاطر سپاری است. به یاد داشته باشید، تمام اقتصادها سیکلی اند.

بخش کلیدی همانا تعیین این است که اقتصاد در کدام بخش از سیکل است.

درخشان مثل طلا



قبل از اینکه وارد جزئیات ارتباط بین عروسک و طلا شویم، باید بگوییم که دلار آمریکا و طلا رابطه خیلی خوبی با هم ندارند.

معمولا، وقتی ارزش دلار افزایش می‌یابد، طلا کاهش می‌یابد و برعکس.

منطق سنتی این است که در زمان ناآرامی اقتصادی، سرمایه گذاران تمایل به فروش دلار آمریکا و خرید طلا دارند.

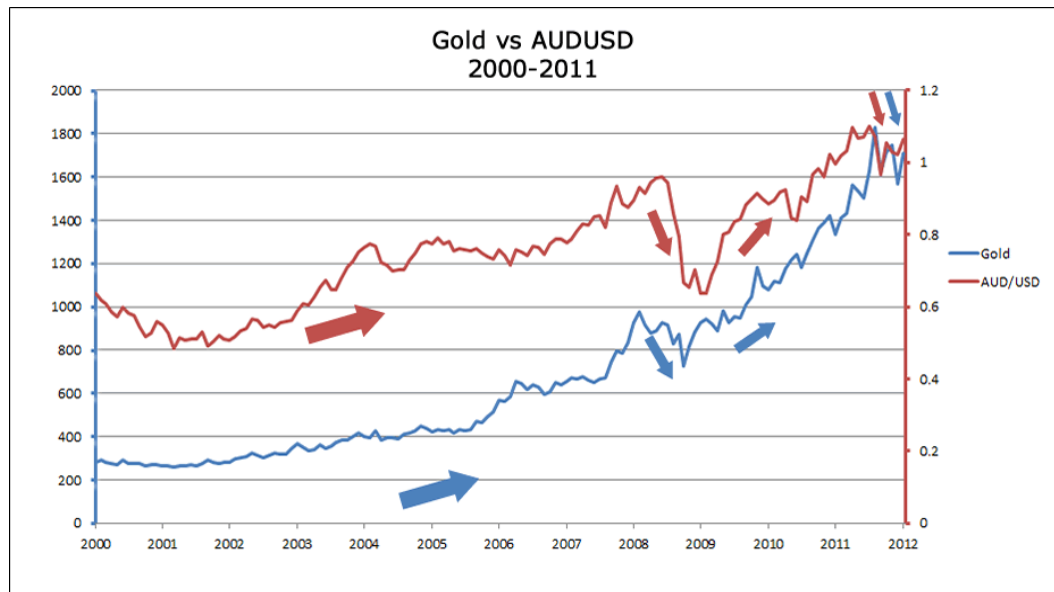
بر خلاف دارایی‌های دیگر، طلا ارزش ذاتی خود را حفظ می‌کند و یا طلا درخشش طبیعی است!

امروزه، رابطه معکوس بین دلار آمریکا و طلا هنوز هم باقی مانده است هر چند دینامیک پشت آن تا حدودی تغییر کرده است.

به دلیل جذابیت پناهگاه امن دلار، هر زمان که مشکل اقتصادی در آمریکا یا سراسر جهان وجود دارد، سرمایه گذاران اغلب به سراغ دلار آمریکا می‌روند.

برعکس این هم اتفاق می‌افتد زمانی که نشانه‌هایی از رشد وجود دارد.

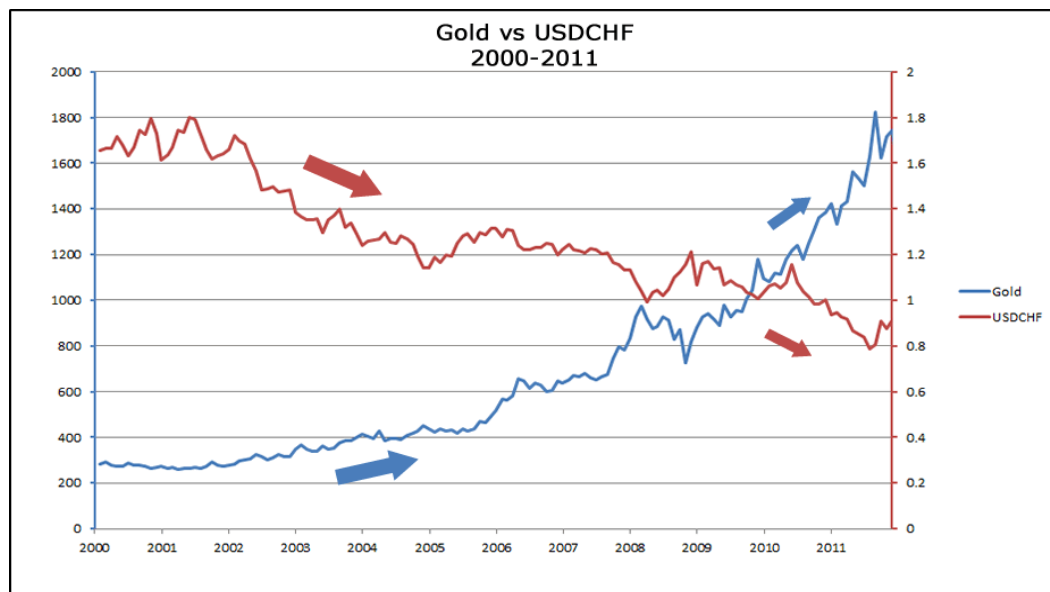
نگاهی به این نمودار عالی بیندازید:



در حال حاضر، استرالیا سومین تولید کننده طلا در جهان است و هر سال حدود ۵ میلیارد دلار طلا تولید می‌کند!

از لحاظ تاریخی، AUD/USD همبستگی عظیم ۸۰٪ را با قیمت طلا دارد!

قانع نشدید؟ یکی دیگه اینجاست:



در هفت دریا، پول سوئیس، فرانک سوئیس، نیز دارای ارتباط قوی با طلاست. با استفاده از دلار به عنوان ارز پایه، USD/CHF معمولاً صعود می‌کند وقتی قیمت طلا کاهش می‌یابد.

در مقابل، وقتی قیمت طلا بالا می‌رود این جفت ارز کاهش می‌یابد. بر خلاف دلار استرالیا، دلیل اینکه فرانک سوئیس به همراه طلا حرکت می‌کند این است که بیش از ۲۵٪ از پول سوئیس توسط ذخایر طلا پشتیبانی می‌شود.

عالی نیست؟

ارتباط بین طلا و ارزهای اصلی تنها یکی از موضوعات بسیاری است که بررسی خواهیم کرد. به خواندن ادامه دهید!



اکنون از نوع دیگری از طلا صحبت می‌کنیم... طلای سیاه.

همانطور که می‌دانید، به نفت خام اغلب «طلای سیاه» می‌گویند ولی ما به آن «کراک سیاه» می‌گوییم.

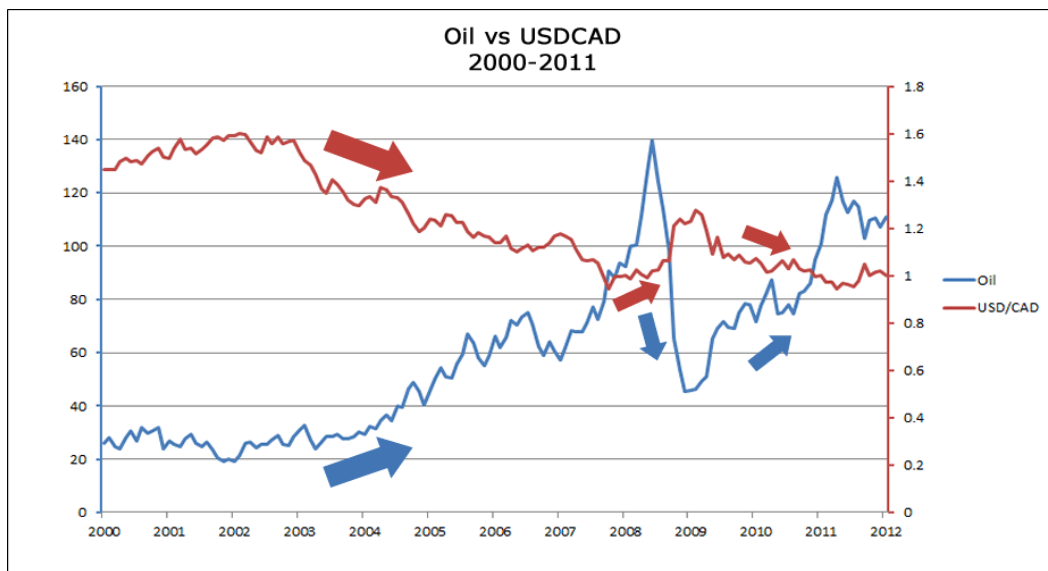
می‌توان بدون طلا زندگی می‌کنند، اما اگر معتاد به کراک باشید، نمی‌توانید بدون آن زندگی کنید.

نفت ماده مخدری است که در رگ‌های اقتصاد جهانی جریان دارد زیرا منبع اصلی انرژی است.

کانادا، یکی از تولیدکنندگان بزرگ نفت در جهان، حدود ۲ میلیون بشکه نفت در روز به آمریکا صادر می‌کند، یعنی بزرگترین تامین کننده نفت آمریکا است!

این بدان معنی است که کانادا فروشنده اصلی طلای سیاه به آمریکا است!

به دلیل حجم بالا، تقاضای زیادی برای دلار کانادا ایجاد می‌کند.



بزرگش در جنوب (یعنی، آمریکا) می‌رود به همین دلیل، USD/CAD می‌تواند نحوه واکنش مصرف کنندگان آمریکا به تغییر قیمت نفت را تا حد زیادی تحت تاثیر قرار دهد.

اگر تقاضای آمریکا افزایش یابد، تولیدکنندگان نیاز به سفارش نفت بیشتری دارند تا به تقاضا پاسخ دهند. این می‌تواند منجر به افزایش قیمت نفت شود که ممکن است به کاهش USD/CAD منجر شود.

اگر تقاضای آمریکا کاهش یابد، تولیدکنندگان ممکن است تصمیم به کاهش واردات بگیرند زیرا نیاز به تولید کالای بیشتر ندارند. تقاضای نفت ممکن است کاهش یابد که می‌تواند تقاضا برای CAD را کاهش دهد.

بنابراین، دفعه بعد که بنزین می‌زنید و می‌بینید که قیمت نفت در حال افزایش است، می‌توانید از این اطلاعات به نفع خود استفاده کنید! این ممکن است نشانه‌ای برای کوتاه کردن USD/CAD باشد!

بعضی از کارگزاران فارکس به شما اجازه می‌دهند تا طلا، نفت و دیگر کالاها را معامله کنید. آنجا به آسانی می‌توانید نمودارهای شان را با استفاده از نرم افزارشان ببینید. همچنین می‌توانید در <http://www.kitco.com> و <http://www.timingcharts.com> قیمت طلا را رصد کنید. به همین ترتیب می‌توانید قیمت نفت، طلا و دیگر فلزات را با استفاده از این لینک بررسی کنید: [http://www.cx-portal.com/wti/oil\\_en.html](http://www.cx-portal.com/wti/oil_en.html) chartologist

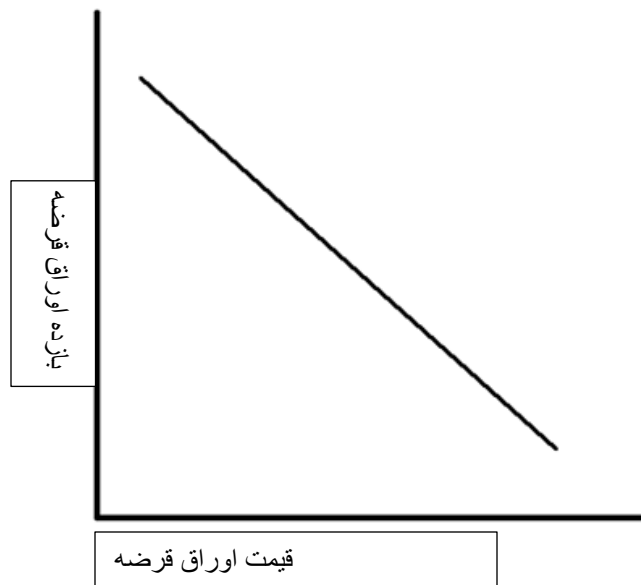
## اوراق قرضه

ورق قرضه «سند» صادر شده توسط یک نهاد در زمانی است که نیاز به قرض گرفتن پول دارد. این نهادها، مانند دولت‌ها، شهرداری‌ها یا شرکت‌های چند ملیتی، نیاز به کلی منابع مالی برای کاتر دارند بنابراین اغلب نیاز به قرض گرفتن از بانک‌ها یا اشخاصی مثل شما دارند. هنگامی که مالک اوراق قرضه دولتی هستید، در واقع، دولت پول از شما قرض گرفته است. شاید فکر می‌کنید که «این عین داشتن سهام است؟»

یک تفاوت عمده این است که اوراق قرضه معمولاً مدت زمان تعریف شده تا سررسید دارد که مالک پولی را که قرض داده، موسوم به اصل پول، را در تاریخ از پیش تعیین شده بازپس می‌گیرد. همچنین، هنگامی که سرمایه‌گذار اوراق قرضه را از شرکتی خریداری می‌کند، با نرخ بازده مشخصی، موسوم به بازده اوراق قرضه، در فواصل زمانی خاص پول می‌گیرد. به این پرداخت‌های بهره دوره‌ای معمولاً اقساط سود گفته می‌شود.

بازده اوراق قرضه اشاره به نرخ بازده یا بهره پرداخت شده به دارنده اوراق قرضه دارد در حالی که قیمت اوراق قرضه مقدار پولی است که دارندگان اوراق قرضه برای آن پرداخت می‌کنند.

در حال حاضر، قیمت اوراق قرضه و بازده اوراق قرضه دارای رابطه معکوسند. هنگامی که قیمت اوراق قرضه زیاد می‌شود، بازده اوراق قرضه سقوط می‌کند و برعکس. تصویر ساده زیر به شما کمک می‌کند این را به یاد داشته باشید:



یک دقیقه صبر کنید... این چه ربطی به بازار ارز دارد؟!

همیشه به یاد داشته باشید که روابط درون بازار حاکم بر اقدام قیمت ارز است.

در این مورد، بازده اوراق قرضه در واقع شاخص بسیار خوبی از قدرت بازار سهام است. به طور خاص، بازدهی اوراق قرضه آمریکا ارزیابی عملکرد از بازار سهام آمریکا است، در نتیجه بازتاب تقاضا برای دلار آمریکا است.

بیباید نگاهی به یک سناریو بیندازیم: تقاضا برای اوراق قرضه معمولاً زمانی افزایش می‌یابد که سرمایه‌گذاران نگران امنیت سرمایه‌گذاری سهام خودند. این نگرانی ایمنی موجب افزایش قیمت اوراق قرضه می‌شود و، به موجب رابطه معکوس‌شان، بازده اوراق قرضه پایین می‌آید.

هر چه سرمایه‌گذاران بیشتری از سهام و دیگر سرمایه‌گذاری‌های پرریسک دوری کنند، افزایش تقاضا برای «بازار کم‌ریسک‌تر» مانند اوراق قرضه آمریکا و دلار امن آمریکا، قیمت‌های خود را بالاتر می‌برند.

یکی دیگر از دلایل برای آگاهی از بازده اوراق قرضه دولتی این است که به عنوان شاخصی از جهت کلی نرخ‌های بهره و انتظارات در کشور عمل می‌کنند.

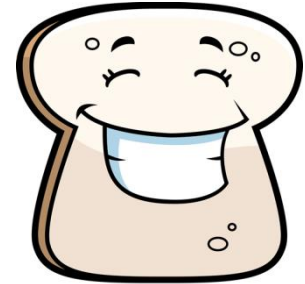
برای مثال، در آمریکا، روی یادداشت ۱۰ ساله خزانه داری تمرکز کنید. بازده صعودی همانا افزایش دلار است. بازده نزولی همانا سقوط دلار است.

مهم است که دینامیک اساسی در مورد دلیل افزایش یا کاهش اوراق قرضه را بدانید. این می‌تواند بر اساس انتظارات نرخ بهره یا عدم قطعیت بازار و «پرواز به ایمنی» به اوراق قرضه کمتر ریسکی باشد.

پس از درک اینکه چگونه افزایش بازدهی اوراق قرضه معمولاً موجب افزایش ارزش پول یک کشور می‌شود، احتمالاً می‌خواهید کاربرد آن را در بازار فارکس بدانید.

به یاد بیاورید که یکی از اهداف ما در معاملات ارز (جدا از به دست آوردن پپ!) جفت کردن ارز قوی با ارز ضعیف ابتدا با مقایسه اقتصادهای آنها است. چگونه می‌توانیم از بازدهی اوراق قرضه آنها برای انجام این کار استفاده می‌کنیم؟

### کارمزد اوراق قرضه



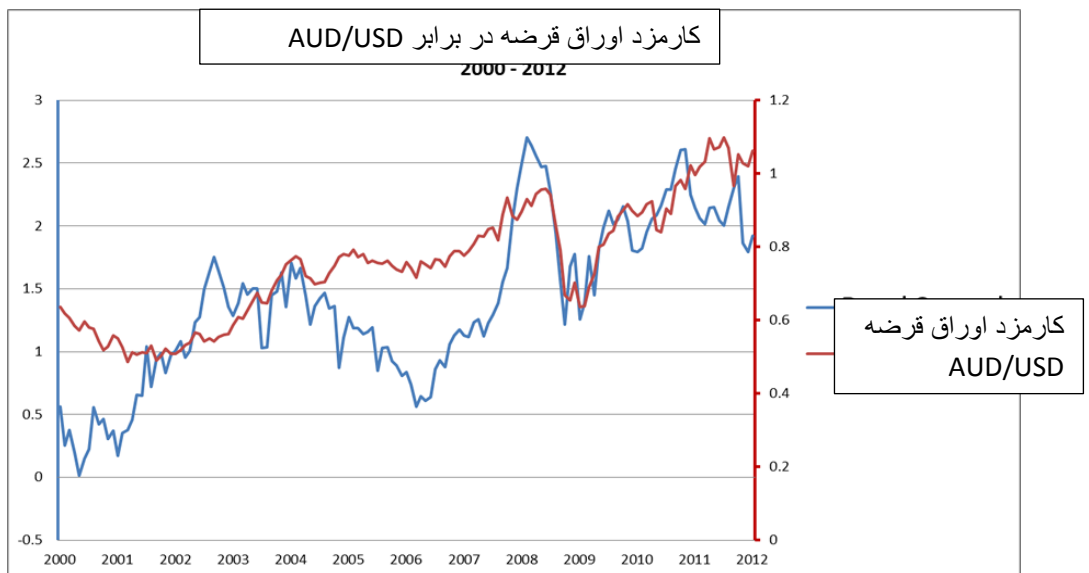
Spread some bonds all over me!

کارمزد نشان دهنده تفاوت بین بازده اوراق قرضه دو کشور است.

این تفاوت‌ها منجر به معامله انتقالی می‌شود که در درس قبلی بحث شد.

با رصد کارمزد اوراق قرضه و انتظارات برای تغییرات نرخ بهره، می‌فهمید جفت ارزها به کدام سو می‌روند.

منظور ما این است:



وقتی فاصله کارمزد اوراق قرضه بین دو کشور افزایش می‌یابد، ارزش کشور با بازده اوراق قرضه بالاتر در مقابل ارزش کشور با بازده اوراق قرضه پایین‌تر افزایش می‌یابد.

می‌توانید این پدیده را با نگاه کردن به نمودار اقدام قیمت AUD/USD و کارمزد اوراق قرضه بین اوراق قرضه دولتی ۱۰ ساله آمریکا و استرالیا از ژانویه ۲۰۰۰ تا ژانویه ۲۰۱۲ ببینید.

توجه داشته باشید که وقتی کارمزد اوراق قرضه از ۰.۵٪ به ۱.۰٪ از ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ افزایش یافت، AUD/USD حدود ۵۰٪ افزایش یافت از ۰.۵۰۰۰ تا ۰.۷۰۰۰.

همین امر در سال ۲۰۰۷ اتفاق افتاد، وقتی اختلاف اوراق قرضه از ۱.۰۰ به ۲.۵۰٪ افزایش یافت، AUD/USD از ۰.۷۰۰۰ به بالای ۰.۹۰۰۰ افزایش یافت. این یعنی ۲۰۰۰ پیپ!

با رکود اقتصادی سال ۲۰۰۸ که تمامی بانکهای مرکزی بزرگ جهان کاهش نرخ بهره خود را آغاز کردند، AUD/USD از ۰.۹۰۰۰ به ۰.۷۰۰۰ سقوط کرد.

پس چه اتفاقی در اینجا افتاده است؟

یکی از عواملی که احتمالاً در اینجا موثر است این است که معامله‌گران از معاملات انتقالی استفاده می‌کنند.

هنگامی که کارمزدهای اوراق قرضه‌ها بین اوراق قرضه استرالیا و خزانه آمریکا در حال افزایش بود، معامله‌گران موقعیت‌های AUD/USD بلند خود را جمع‌آوری کردند.

چرا؟

برای استفاده از معامله انتقالی!

با این حال، وقتی بانک مرکزی استرالیا شروع به کاهش نرخ‌های بهره کرد و کارمزدهای اوراق قرضه شروع به تنگ شدن کردند، معامله‌گران با آزاد کردن موقعیت‌های بلند AUD/USD خود واکنش نشان دادند زیرا دیگر سودآور نبودند.

### بازارهای اوراق قرضه، اوراق بهادار با درآمد ثابت و بازار فارکس

یادآوری سریع: تاکنون، بحث کردیم که چگونه تفاوت در نرخ بازده می‌تواند شاخصی برای حرکت قیمت ارز باشد.

با افزایش اختلاف کارمزد اوراق قرضه و نرخ بهره بین دو کشور، ارزش با بازده اوراق قرضه یا نرخ بهره بالاتر معمولاً در برابر دیگری افزایش می‌یابد.

بسیار شبیه به اوراق قرضه، اوراق بهادار با درآمد ثابت همانا سرمایه‌گذاری‌هایی‌اند که پرداخت ثابت در فواصل زمانی منظم ارائه می‌کنند. اقتصادهایی که بازده بالاتر در اوراق بهادار با درآمد ثابت خود ارائه می‌کنند باید سرمایه‌گذاری بیشتری را جذب کنند، درست است؟



سپس این امر ارزش محلی‌شان را جذاب‌تر از ارزش‌های اقتصادهای دیگری می‌کند که بازده پایین‌تر در بازار درآمد ثابت خود ارائه می‌کنند.

برای مثال، اجازه دهید gilts و Euribors را در نظر بگیریم (داریم در مورد اوراق قرضه انگلستان و اوراق بهادار اروپا صحبت می‌کنیم!).

اگر Euribors نرخ بازده پایین‌تر در مقایسه با gilts ارائه کنند، سرمایه‌گذاران از قرار دادن پول خود در بازار درآمد ثابت منطقه یورو دلسرد می‌شوند و ترجیح می‌دهند پول خود را در دارایی‌های با بازده بالاتر قرار دهند. به همین دلیل، EUR می‌تواند در مقابل ارزش‌های دیگر، به ویژه GBP تضعیف شود.

این پدیده تقریباً به هر بازار درآمد ثابت و به هر ارزی اعمال می‌شود.

می‌توانید بازده در اوراق بهادار با درآمد ثابت برزیل را با بازار درآمد ثابت روسیه مقایسه کنید و از تفاوت‌ها برای پیش‌بینی رفتار واقعی روبل استفاده کنید.

یا می‌توانید بازده درآمد ثابت اوراق بهادار ایرلند را با کره مقایسه کنید... خب، تصویر را گرفتید.

اگر می‌خواهید دست خود را در این همبستگی‌ها امتحان کنید، اطلاعات درباره اوراق قرضه دولتی و شرکتی را می‌توان در این دو وب‌سایت یافت:

- بلومبرگ

- BondsOnline

همچنین می‌توانید از وب‌سایت دولتی یک کشور خاص برای پیدا کردن بازده اوراق قرضه فعلی استفاده کنید. آنها بسیار دقیقند. آنها دولتند. می‌توانید به آنها اعتماد کنید.

در واقع، بسیاری از کشورهای اوراق قرضه را ارائه می‌دهند اما بهتر است به کشورهای ارزش‌های اصلی بچسبید.

برخی از اوراق قرضه محبوب از سراسر جهان و اسم مستعارشان چنین است:

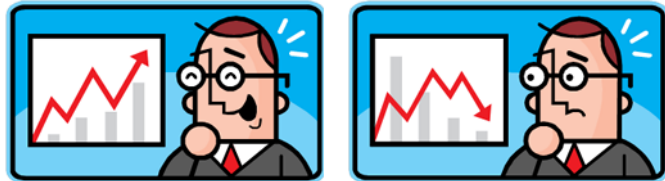
اقتصاد	اوراق قرضه ارائه شده
آمریکا	اوراق خزانه داری آمریکا، اوراق قرضه یانکی
انگلستان	Gilts، اوراق قرضه بولداگ
ژاپن	اوراق قرضه ژاپنی، اوراق قرضه سامورایی
منطقه یورو	اوراق قرضه منطقه یورو، Euribors
آلمان	Bunds
سوئیس	اوراق قرضه سوئیس
کانادا	اوراق قرضه کانادا
استرالیا	اوراق قرضه استرالیا، اوراق قرضه کانگورو، اوراق قرضه ماتیلدا
نیوزیلند	اوراق قرضه نیوزیلند، اوراق قرضه کیوی
اسپانیا	اوراق قرضه ماتادور

برخی کشورها نیز اوراق قرضه با شرایط سررسید مختلف ارائه می کنند بنابراین مطمئن شوید که اوراق قرضه با مدت سررسید مشابه را مقایسه می کنید (مانند gilts ۵ ساله با Euribors ۵ ساله)، در غیر این صورت تحلیل شما نادرست خواهد بود.

## فارکس، بازارهای سهام جهانی، و شما

آیا می‌دانید که از بازارهای سهام نیز می‌توان برای کمک به سنجش حرکت ارز استفاده کرد؟ می‌توانید از شاخص سهام به عنوان گوی بلورین فارکس استفاده کنید.

بر اساس آنچه در تلویزیون مشاهده می‌کنید، آنچه در رادیو می‌شنوید، و آنچه در روزنامه می‌خوانید، به نظر می‌رسد که بازار سهام نزدیک‌ترین ارتباط را با بازار مالی دارد. قطعاً معامله هیجان‌انگیز است زیرا می‌توانید شرکت‌هایی را بخرید که محصولاتی می‌سازند که بدون آنها نمی‌توان زندگی کرد.



یک نکته را به یاد داشته باشید که به منظور خرید سهام از یک کشور خاص، ابتدا باید ارز محلی را داشته باشید.

برای سرمایه‌گذاری در سهام ژاپن، سرمایه‌گذار اروپایی ابتدا باید یوروهای خود (EUR) را به ین ژاپن (JPY) تبدیل کند. این افزایش تقاضا برای JPY باعث می‌شود که ارزش JPY افزایش یابد. از سوی دیگر، فروش یورو موجب افزایش عرضه آن می‌شود که موجب کاهش ارزش یورو می‌شود.

وقتی چشم انداز بازار سهام خاصی خوب به نظر می‌رسد، پول بین‌المللی به داخل جریان می‌یابد. از سوی دیگر، هنگامی که بازار سهام تقلا می‌کند، سرمایه‌گذاران بین‌المللی پول خود را بیرون می‌کشند و دنبال محل مناسب برای پارک پول‌های خود می‌گردند.

حتی اگر شما به عنوان معامله‌گر فارکس سهام را معامله نکنید، باز هم باید به بازار سهام در کشورهای بزرگ توجه کنید.

اگر بازار سهام در یک کشور شروع به ارائه عملکرد بهتر نسبت به بازار سهام در کشور دیگری می‌کند، باید آگاه باشید که پول احتمالاً در حال حرکت از کشور با بازار سهام ضعیف به کشور با بازار سهام قوی‌تر است.

این می‌تواند به افزایش در ارزش پول برای کشور با بازار سهام قوی‌تر منجر شود، در حالی که ارزش پول کشور با بازار سهام ضعیف‌تر می‌تواند کاهش یابد. ایده کلی این است: بازار سهام قوی، ارز قوی؛ بازار سهام ضعیف، ارز ضعیف.

اگر ارز را از کشور با بازار سهام قوی‌تر بخرید و ارز کشور با بازار سهام ضعیف‌تر را بفروشید، به طور بالقوه می‌توانید سود کنید.

با شاخص‌های اصلی سهام جهانی خیلی آشنا نیستید؟ امروز روز شانس شماست! ملاحظه کنید!

شاخص سهام	توضیح
 داو	<p>میانگین صنعتی داو جونز (یا داو به طور خلاصه) یکی از شاخص‌های سهام برتر در آمریکا است. داو به اندازه‌گیری نحوه معامله ۳۰ شرکت برتر دولتی می‌پردازد. به رغم نامش، این شرکت‌ها زیاد ربطی به تولید صنعتی ندارند و در عوض نماینده برخی از بزرگترین شرکت‌ها در امریکا هستند.</p> <p>سرمایه‌گذاران در سراسر جهان آن را با دقت رصد می‌کنند و کاملاً نشانگر تمایلات بازار است، بنابراین به رویدادهای اقتصادی و سیاسی داخلی و خارجی حساس است.</p> <p>شرکت‌های تحت پوشش داو آنقدر بزرگند که احتمالاً هر روز حداقل با یکی از آنها سروکار دارید. زندگی بدون AT&amp;T، مک دونالد، Pfizer یا اینتل را تصور کنید؟ بله - این شرکت‌ها بخشی از داو اند!</p>
 S&P500	<p>Standard &amp; Poor 500 که معمولاً به S&amp;P 500 معروف است، شاخص وزنی قیمت سهام از ۵۰۰ شرکت بزرگ آمریکایی است. این شاخص سکوی پرتاب برای اقتصاد آمریکا تلقی می‌شود و برای پیش بینی جهت آن استفاده می‌شود.</p>
 NASDAQ	<p>بعد از میانگین صنعتی داو جونز، این پرمعامله‌ترین شاخص در آمریکا است. بعضی از صندوق‌های متقابل، صندوق‌های قابل معامله در بورس و صندوق‌های دیگر مانند صندوق‌های بازنشستگی، برای ردیابی عملکرد شاخص S&amp;P 500 طراحی شده‌اند. صدها میلیارد دلار آمریکا به این روش سرمایه گذاری شده است.</p> <p>NASDAQ مخفف National Association of Securities Dealers Automated Quotations است که به بزرگترین بازار معامله اوراق بهادار سهام الکترونیکی مبتنی بر صفحه نمایش در آمریکا، متشکل از حدود ۳,۷۰۰ شرکت اشاره دارد. همچنین بزرگترین حجم معاملات را در میان بازارهای سهام در جهان دارد.</p>
 نیکی	<p>نیکی شبیه به میانگین صنعتی داو جونز است و مهم‌ترین میانگین بازار سهام ژاپن است. این میانگین وزنی قیمت از ۲۲۵ شرکت برتر است و قرار است بازتابی از کل بازار باشد.</p> <p>شاخص سهام نیکی شامل شرکت‌هایی مانند تویوتا، هواپیمایی ژاپن و فوجی فیلم است.</p>
 دکس	<p>DAX مخفف Deutscher Aktien Index است (احتمالاً بهتر است همان دکس را به خاطر بسپارید). این شاخص بازار بورس در آلمان است که متشکل از ۳۰ شرکت برتر تراشه آبی است که در بورس سهام فرانکفورت معامله می‌شوند.</p>
	<p>در آلمان که بزرگترین اقتصاد در منطقه یورو است، دکس معمولاً شاخصی است که بیشتر از سایرین در کل منطقه یورو رصد می‌شود. برخی از شرکت‌ها که بخشی از دکس اند عبارتند از: آدیداس، BMW، و دویچه بانک.</p>

شاخص داو جونز یورو STOXX 50 شاخص تراشه آبی برتر منطقه یورو است. این شامل بیش از ۵۰ سهام برتر از ۱۲ کشور منطقه یورو است.

DJ EURO

این شاخص توسط Stoxx Ltd. ایجاد شد که سرمایه گذاری مشترک Deutsche Boerse AG, Dow Jones & Company و بورس سوئیس SIX است.



STOXX 50

FTSE (با تلفظ «footsie») شاخص عملکرد سرمایه دارترین شرکت های انگلستان فهرست شده در بورس اوراق بهادار لندن است.



FTSE

چند نسخه از این شاخص وجود دارد، مانند FTSE 100 یا FTSE 250، بسته به تعداد شرکت های درون شاخص.

شاخص Hang Seng شاخص بازار سهام در هنگ کنگ است. با ثبت و رصد تغییرات روزانه قیمت سهام موجود در شاخص، عملکرد کلی بازار سهام هنگ کنگ را نشان می دهد.



Hang Seng

این شاخص در حال حاضر توسط HSI خدمات محدود جمع آوری می شود که شرکت تابعه بانک Hang Seng است.

## ارتباط بین سهام و فارکس

یک مسئله برای استفاده از بازارهای سهام جهانی برای تصمیم گیری درباره بازار فارکس فهمیدن این است که کدامیک دیگری را هدایت می کند.

این مثل پاسخ دادن به این سوال قدیمی است، «اول مرغ بود یا تخم مرغ؟»



بازارهای سهام تعیین کننده اند یا بازار فارکس؟

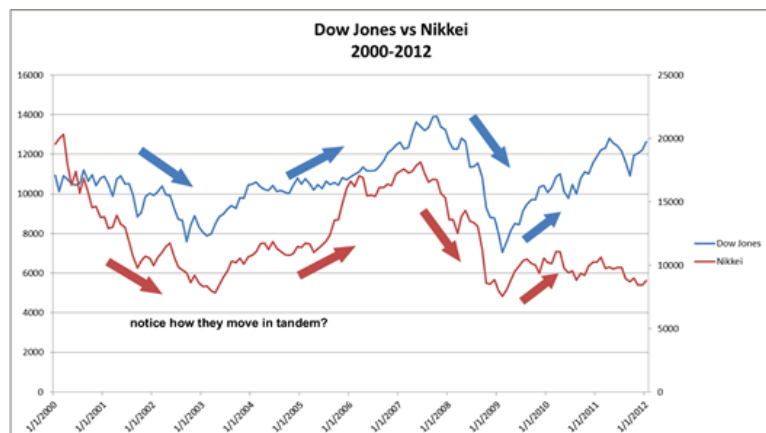
ایده اصلی این است که، وقتی بازار سهام داخلی افزایش می یابد، اعتماد در آن کشور خاص نیز رشد می کند که منجر به جریان وجوه از سرمایه گذاران خارجی می شود. این امر موجب ایجاد تقاضا برای پول داخلی و افزایش ارزش آن در مقابل سایر ارزهای خارجی می شود.

در سمت مقابل، وقتی سهام داخلی انجام افت می کند، اعتماد دچار تزلزل شده، باعث می شود سرمایه گذاران برای وجوه سرمایه گذاری شده خود را دوباره به ارز محلی شان تبدیل کنند.

با این حال، در چند سال گذشته، این اصل برای آمریکا و ژاپن برعکس بوده است.

ارقام اقتصادی خوش بینانه در آمریکا و ژاپن اغلب موجب کاهش ارزش ارزهای مربوطه، یعنی دلار و ین می شوند.

اول، اجازه دهید نگاهی به ارتباط بین میانگین صنعتی داو جونز و نیکی بیندازیم تا ببینیم بازارهای سهام در سراسر جهان نسبت به یکدیگر چگونه عمل می کنند.



از آغاز قرن جدید، میانگین صنعتی داو جونز و نیکی ۲۲۵، یعنی شاخص سهام ژاپن، مانند عاشقان در روز و التاین با هم حرکت کرده، با هم سقوط و صعود می‌کنند. همچنین توجه کنید که گاهی اوقات یک شاخص هدایتگر است و ابتدا یکی سقوط یا صعود می‌کند و دیگری از آن پیروی می‌کند. می‌توان گفت که بازارهای سهام در جهان معمولاً در یک جهت حرکت می‌کنند.

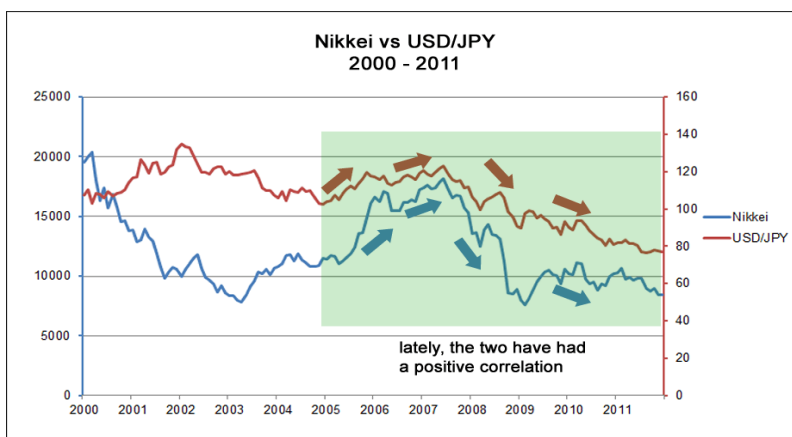
### همبستگی بین سهام و ارز

#### نیکی و USD/JPY

قبل از رکود اقتصادی جهانی که در سال ۲۰۰۷ آغاز شد، زمانی که اکثر اقتصادها دچار رشد منفی متوالی تولید ناخالص داخلی شدند، نیکی و USD/JPY ارتباط معکوس داشتند.

سرمایه‌گذاران بر این باور بودند که عملکرد بازار سهام ژاپن منعکس کننده وضعیت کشور است، بنابراین افزایش در نیکی منجر به تقویت ین شده است.

برعکس آن هم درست است. هر گاه نیکی افت می‌کند، USD/JPY افزایش یابد.



با این حال، وقتی بحران مالی رفع شد، روابط مثل لیندسی لوهان دیوانه شدند.

نیکی و USD/JPY، که سابق بر این در خلاف جهت هم حرکت می‌کردند، اکنون در یک جهت حرکت می‌کنند.

شگفت‌انگیزه، نه؟

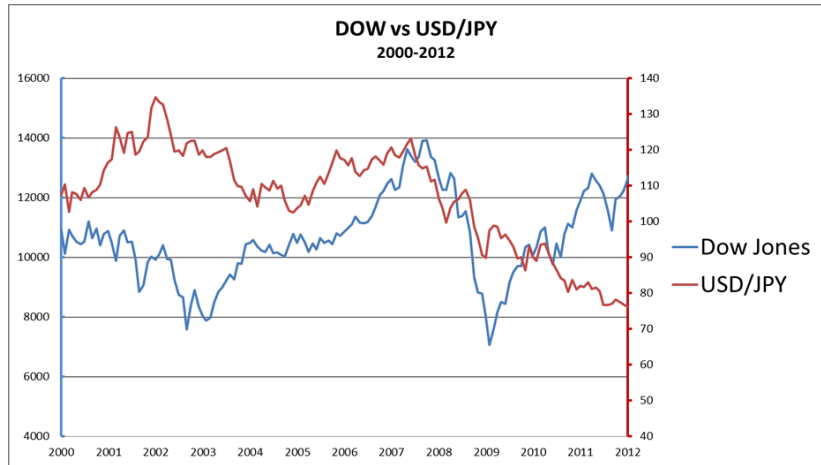
چه کسی فکر می‌کرد که سهام با بازار ارز ربط داشته باشد؟

خب، دارد و اکنون شما هم می‌دانید!

ارتباط USD/JPY و داو

اجازه دهید نگاهی به ارتباط بین USD/JPY و داو بیندازیم. بر اساس آنچه قبلاً ذکر شد، ممکن است فرض کنید که USD/JPY و داو می‌توانند ارتباط بالایی داشته باشند.

با این حال، نگاهی به جدول زیر به شما خواهد گفت که اصلاً چنین نیست. اگرچه همبستگی مثبت است اما زیاد قوی نیست.



نگاهی به داو (خط آبی) بیندازید.

در ۱۴،۰۰۰ در اواخر سال ۲۰۰۷ به اوج خود رسید و سپس مانند سیب زمینی داغ در سال ۲۰۰۸ سقوط کرد. در همان زمان، USD/JPY (خط نارنجی) نیز کاهش یافت، اما نه به شدت داو.

این می‌تواند یادآوری کند که همیشه باید اصول، تکنیک‌ها، و تمایلات بازار را در نظر بگیریم بنابراین همیشه مطالعه کنید! همبستگی‌ها را مسلم فرض نکنید زیرا هیچ چیز قطعی نیست!

EUR/JPY: ریسک سنج شما!



همانطور که قبلاً هم گفتیم، برای اینکه کسی در بازار سهام خاصی سرمایه‌گذاری کند، نیاز به ارزش محلی برای خرید سهام دارد.

می‌توانید تصور کنید بازارهای سهام مانند دکس (که بازار سهام آلمان است)، چه اثری بر ارزش دارد.

در تئوری، هر گاه دکس افزایش می‌یابد، احتمالاً انتظار داریم یورو افزایش یابد زیرا سرمایه‌گذاران نیاز به یورو دارند.

در حالی که همبستگی ناقص است، آمار نشان می‌دهد که هنوز بسیار دقیق عمل می‌کند.

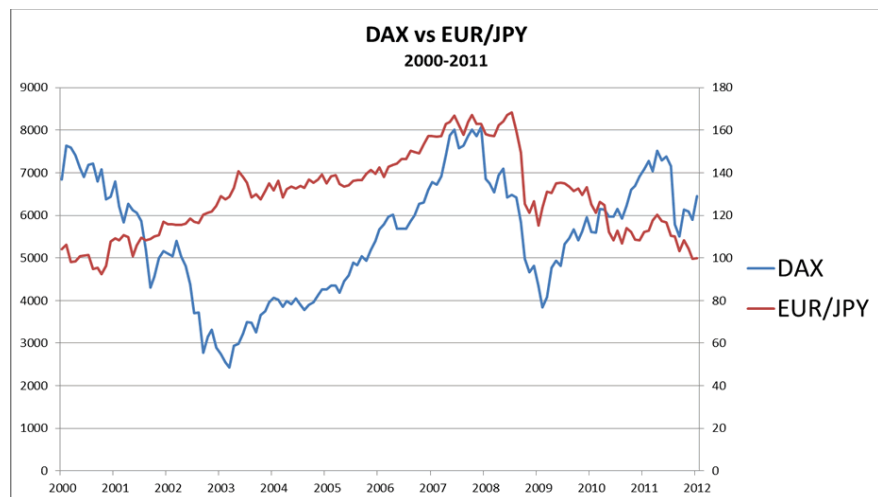
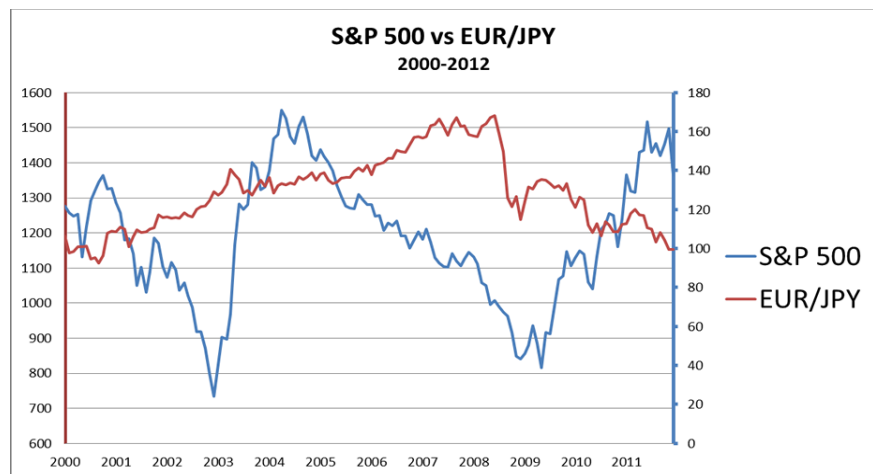


ما در اینجا در تحقیقاتی انجام دادیم و متوجه شدیم که EUR/JPY ظاهراً همبستگی بالایی با بازارهای سهام در سراسر جهان دارد. باید بدانید که این، همراه با دلار آمریکا، در میان ارزهای اصلی پناهگاه‌های امن در نظر گرفته می‌شوند.

هرگاه اعتماد در اقتصاد جهانی کاهش یابد و معامله‌گران بترسند، معمولاً پول خود را از بازار سهام بیرون می‌کشند که منجر به کاهش ارزش‌های دکس و S&P500 می‌شود.

با خروج پول از این بازارها، معمولاً EUR/JPY سقوط می‌کند زیرا معامله‌گران برای پوشش می‌روند. در سمت مقابل، وقتی خورشید روشن است و ریسک‌پذیری شایع است، سرمایه‌گذاران پول خود را به بازار سهام می‌ریزند که به نوبه خود منجر به افزایش EUR/JPY می‌شود.

نگاهی به نمودار زیر برای دیدن ارتباط EUR/JPY و دکس و S&P500 بیندازید.



به نظر می‌رسد همبستگی در دهه گذشته وجود داشته زیرا EUR/JPY و هر دو شاخص با هم تا سال ۲۰۰۸ به طور پیوسته افزایش یافتند زمانی که با بحران مالی مواجه شدیم. در اواخر سال ۲۰۰۷، EUR/JPY به اوج خود رسید و همین‌طور شاخص سهام.

اگر می‌خواهید داده‌های خام را ببینید، [Yahoo! Finance](http://Yahoo! Finance) را چک کنید.

این محل عالی برای شروع و انجام تحقیقات است.





این سایت داده‌های تاریخی قیمت تقریباً برای تمام جفت ارزها و بازارهای سهام ارائه می‌دهد.

می‌توانید قیمت‌های تاریخی را مقایسه کنید و بارومتر ریسک خود را به دست آورید.

### برگه تقلب برای تحلیل بازارها

کلی همبستگی بین بازار برای خاطر سپاری وجود دارد پس بیا بید یادآوری سریع ایجاد کنیم. نوسانات قیمت ارز اغلب توسط ارتباطشان با کالاها، اوراق قرضه، اوراق و شاخص‌های سهام هدایت می‌شود.

یادداشت زیر به شما در این مورد کمک می‌کند.

دلایل	آنگاه	اگر
در زمان ناآرامی‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاران تمایل به تخلیه دلار به نفع طلا دارند. بر خلاف دارایی‌های دیگر، طلا ارزش ذاتی خود را حفظ می‌کند.	USD  	طلا  
استرالیا سومین تولیدکننده بزرگ طلا در جهان است و حدود ۵ میلیارد دلار طلا در سال تولید می‌کند.	AUD/USD  	طلا  
نیوزیلند (رتبه ۲۵) نیز تولیدکننده بزرگ طلا است	NZD/USD  	طلا  
۲۵ درصد از ذخایر سوئیس توسط طلا پشتیبانی می‌شود. با افزایش قیمت طلا، این جفت ارز کاهش می‌یابد. (CHF خریداری می‌شود).	USD/CHF  	طلا  
کانادا پنجمین تولیدکننده بزرگ طلا در جهان است. با افزایش قیمت طلا، این جفت ارز کاهش می‌یابد. (CAD خریداری می‌شود).	USD/CAD  	طلا  



EUR/USD از آنجا که هر دوی طلا و یورو «ضد دلار» تلقی می‌شوند، اگر قیمت طلا بالا رود، EUR/USD نیز ممکن است بالا رود.



Bond yields



Local Currency



اقتصادی که بازده بالاتر برای اوراق قرضه ارائه می‌کند سرمایه‌گذاری بیشتری را جذب می‌کند. این باعث می‌شود پول محلی جذاب‌تر از پول اقتصاد دیگری باشد که بازده اوراق قرضه آن پایین‌تر است.

Dow



Nikkei



عملکرد اقتصاد آمریکا ارتباط نزدیکی با ژاپن دارد.

Nikkei



USD//JPY



سرمایه‌گذاران بین را مطمئن تلقی می‌کنند و در دوره پریشانی اقتصادی تمایل به آن دارند.

### راهنمای معامله‌گران فارکس در اقتصادهای بزرگ



امروز قصد سفر دور دنیا را داریم اما نه در ۸۰ روز.

اگر به اندازه کافی سریع باشید، احتمالاً فقط ۸۰ ثانیه طول می‌کشد!

در هر صورت، مطمئن خواهیم شد که جزئیات هر اقتصاد و محرک‌های آن را آموخته‌اید.

برای هر کشوری که به آن سفر خواهیم کرد، نگاه اجمالی به حقایق و ارقام مهم و سپس مرور کلی اقتصاد آن را خواهیم داشت.

سپس از بانک مرکزی آن کشور بازدید می‌کنیم تا برخی از اسرار را پیدا کنیم. در این بخش، ابزارهای قدرتمند سیاست پولی که بانک‌های مرکزی برای کنترل اقتصاد کشور به کار می‌گیرند بررسی خواهیم کرد.

در نهایت، ویژگی‌های مهمی که وجه تمایز پول آن کشور از سایرین است و نیز شاخص‌های اقتصادی آن کشور را بررسی خواهیم کرد.

برای جالب شدن سفر، هر از گاهی تاکتیک‌های معامله مفید را بیان خواهیم کرد.

و همانطور که وعده داده بودیم، این سفر میدانی بسیار منحصر به فرد تحت پوشش بورسیه شماست. بدون نیاز به ویزا و بدون نیاز به خرید بلیط سفر کنید.

### ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده آمریکا از ۵۰ ایالت تشکیل شده است و منطقه فدرال است. اکثر کشور را می‌توان در شمال آمریکا یافت اما آمریکا چند منطقه نیز در اقیانوس آرام دارد.

از زمان استقلال از انگلیس در چهارم ژوئیه سال ۱۷۷۶، آمریکا تبدیل به ابرقدرت اقتصادی نه تنها در غرب بلکه در تمام جهان شده است.

آمریکا که بزرگترین اقتصاد جهان است نقش جدی در بازار جهانی ایفا می‌کند. تقریباً هر توسعه اقتصادی در آمریکا، مانند افزایش یا کاهش هزینه‌های مصرف کننده یا امور خصوصی رئیس جمهورش که عمومی می‌شود، می‌تواند تاثیر بسیار زیاد بر اقتصاد در سراسر جهان ایجاد کند!



آمریکا: حقایق، ارقام و ویژگی‌ها



- همسایگان: کانادا، مکزیک، پورتوریکو، کوبا
- مساحت: ۳۷۹۴۱۰۱ مایل مربع
- جمعیت: ۳۰۹،۳۴۹،۶۸۹
- تراکم: ۸۷.۴ نفر در هر مایل مربع
- پایتخت: واشنگتن، دی سی
- رئیس دولت: رئیس جمهور باراک اوباما
- بازیگران مشهور: ساندرایا بولاک، جف بریجز، جانی دپ، هال بری
- واحد پول: دلار آمریکا (USD)
- واردات اصلی: تجهیزات صنعتی (نفت خام، و غیره)، کالاهای سرمایه‌ای (کامپیوتر، تجهیزات مخابراتی، قطعات خودرو، ماشین‌های اداری، ماشین‌آلات برق)، کالاهای مصرفی (خودرو، پوشاک، دارو، مبلمان، اسباب بازی)، و محصولات کشاورزی
- صادرات اصلی: کالاهای سرمایه‌ای (ترانزیستورها، هواپیما، قطعات خودرو، کامپیوتر، تجهیزات مخابراتی)، صنعتی (مواد شیمیایی آلی)، کالاهای مصرفی (خودرو، دارو)، محصولات کشاورزی (سویا، میوه، ذرت)، باربی، کنسول‌های ایکس باکس و آی پدهای اپل
- شرکای واردات: چین (۲۷ درصد)، کانادا (۲۱.۴ درصد)، مکزیک (۱۷.۸ درصد)، ژاپن (۸.۷ درصد)، آلمان (۶.۶ درصد)
- شرکای صادرات: کانادا (۱۹.۴ درصد)، مکزیک (۱۲.۸ درصد)، چین (۷.۲ درصد) و ژاپن (۴.۷ درصد)
- منطقه زمانی: GMT -5، GMT -6، GMT -7، GMT -8، GMT -9، GMT -10
- وب سایت: <http://www.usa.gov>

#### مرور اقتصادی

آمریکا ثروتمندترین کشور جهان با تولید حدود ۱۵.۰۹ تریلیون دلار در خروجی سال ۲۰۱۱ است. این کشور دارای رتبه ۸ در سال ۲۰۱۱ از نظر درآمد سرانه بود (سرانه یعنی کل درآمد کشور تقسیم بر جمعیت آن) در حدود ۴۸۳۸۶ دلار در سال. صنایع اصلی آمریکا عبارتند از: هواپیما، خودرو، ترانزیستورها، تجهیزات مخابراتی، و دیگر مواد صنعتی. اگرچه ممکن است به نظر برسد که اقتصاد آمریکا به شدت متمایل به سمت تولید کالاهای فیزیکی است، ۷۰ درصد از خروجی آن در واقع از بخش خدمات می‌آید!

در مورد معامله، یکی از عناصر کلیدی اقتصاد آمریکا این است که این کشور به خاطر کسری تجاری بزرگ بدنام است (یعنی، ارزش کل کالای ورودی به کشور بیش از ارزش کل خروجی از آن است).

آمریکا همچنین موطن بازار بورس نیویورک، بزرگ‌ترین بورس اوراق بهادار در جهان است. همچنین موطن بزرگترین بازار اوراق قرضه در جهان، با سرمایه‌گذاری بازار بیش از ۳۱ تریلیون دلار و بیش از ۸۲۲ میلیارد دلار در معامله روزانه اوراق قرضه به طور متوسط است.

آمریکا که اقتصاد برتر جهان در بازار جهانی شده‌ی امروز است و هر رویداد داخلی مؤثر بر آمریکا پتانسیل تاثیرگذاری بر بازارها در سراسر جهان را دارد... بله، حتی در بازار ارز!

### سیاست پولی و مالی

هیئت مدیره فدرال رزرو، موسوم به Fed، بدنه اصلی حاکم بر آمریکا برای تنظیم و اجرای سیاست‌های پولی است.

سیاست پولی تنها روش فدرال رزرو برای کنترل در دسترس بودن و عرضه پول در اقتصاد است و چیزی که باعث تمایز فدرال رزرو از دیگر بانک‌های مرکزی می‌شود این است که اهداف آن مبتنی بر اثرات بلند مدت سیاست‌های پولی‌اش است.

فدرال رزرو دارای دو هدف اصلی است. اولی پایدار نگهداشتن قیمت کالاها و خدمات مصرفی و دوم اطمینان از اینکه رشد اقتصادی پایدار وجود دارد.

به عبارت دیگر، فدرال رزرو فقط می‌خواهد مطمئن شود که ارزش دلار شما کاهش نمی‌یابد و پدر و مادر شما از کار بیکار نمی‌شوند! کمیته بازار آزاد فدرال (FOMC) بخشی از فدرال رزرو است. در حال حاضر رئیس آن بن برنانکی، رئیس فدرال رزرو، است و وظیفه آن اخذ تصمیمات منطقی درباره سیاست‌های پولی است.

FOMC دو سلاح اصلی برای استفاده در جنگ در برابر تورم و رسیدن به اهداف بلند مدت خود دارد: عملیات بازار باز و نرخ وجوه فدرال رزرو.

اولین خط دفاعی فدرال رزرو، یعنی عملیات بازار باز، خرید یا فروش ابزارهای مالی دولتی مانند اوراق بهادار و اوراق قرضه است.

نرخ وجوه فدرال رزرو، اسلحه قوی‌تر آن، نرخ بهره‌ای است که فدرال رزرو به دیگر بانک‌های تجاری ارائه می‌دهد.

در حال حاضر، تنها مسئول تصمیم‌گیری در مورد سیاست‌های مالی همانا وزارت خزانه داری آمریکا است. سیاست مالی یعنی استفاده از هزینه‌های دولت یا جمع‌آوری مالیات برای تاثیرگذاری بر جهت اقتصاد.

برای تشویق فعالیت کسب و کار، وزارت خزانه داری آمریکا، برای مثال، می‌تواند مالیات کمتر و تخصیص بودجه بیشتر به زیرساخت‌های سرمایه را انتخاب کند مانند بزرگراه‌ها، مدارس، پهنای باند، پایگاه‌های نینجا محرمانه نظامی، و غیره. از سوی دیگر، اگر تورم شروع به افزایش کند، می‌تواند نرخ‌های مالیاتی را افزایش می‌دهد و هزینه‌ها را کاهش دهد.

### آشنایی با USD

آیا می‌دانستید نام مستعار «باک» برای دلار آمریکا نشات گرفته از پوست گوزن است که وسیله رایج تبادل پول در زمانی بود که مهاجران اولیه آمریکا با سرخپوستان داد و ستد می‌کردند؟

حتی بعد از جایگزین شدن پوست گوزن توسط پول کاغذی در سیستم داد و ستد کالا، مردم هنوز هم به وسیله مبادله باک می‌گویند! این ویژگی‌های مربوط به فارکس درباره باک را بررسی کنید:

درصد عظیمی از معاملات هر روز شامل USD هستند. کالاها مانند طلا و نفت خام نیز با دلار معامله می‌شوند. فقط در بازار آسیا، دلار حدود ۹۳٪ از تمام معاملات ارز را تشکیل می‌دهد!

برای مثال، بورس اوراق بهادار نیویورک و بازار اوراق قرضه آمریکا را در نظر بگیرید. ارزش شرکت‌های فهرست شده در NYSE بالغ بر ۲۸.۵ تریلیون دلار حدود ۷۸٪ از اندازه بازار سهام ۳۶.۶ تریلیون دلاری در جهان است.

به طور مشابه، از ارزش ۸۲.۲ تریلیون دلاری بازار اوراق قرضه جهانی، سهم آمریکا ۳۱.۲ تریلیون دلار است. هر معامله تکی، به نحوی، شامل USD است. در مورد نقدینگی چطور؟

فدرال رزرو و دولت آمریکا بر این باورند که دلار باید قوی باقی بماند

در طول چند دهه گذشته، فدرال رزرو و خزانه داری آمریکا سیاست «دلار قوی» را حفظ کرده‌اند. آنها بر این باورند که سیاست پولی و مالی باید به سمت نرخ ارز قوی USD برود زیرا این به نفع دلار آمریکا و بقیه جهان است.

تعیین ارزش ارز بسیاری از کشورهای در حال ظهور به دلار تکیه دارد

چقدر این عبارت را شنیده‌اید، دلار ارز ذخیره جهان است؟ خوب، دلیل آن این است که برخی از کشورها پول خود را در برابر دلار ثابت می‌کنند!

هنگامی که کشوری این کار را انجام می‌دهد، دولت موافقت می‌کند ارز خود را با قیمت ثابت در برابر دلار خرید یا فروش کند. در حالی که دولت می‌تواند عرضه پول را افزایش و کاهش دهد، هنوز هم باید مقدار معادل دلار را ذخیره کنند.

این فرایند اهمیت دلار را در سراسر جهان افزایش می‌دهد چرا که بدان معنی است که برخی از اقتصادها به طور کامل وابسته به دلارند!

اگر ارزش دلار به شدت سقوط کند، این امر اثر منفی گسترده بر تولید همه کشورهای دیگر که پول خود را روی دلار ثابت کرده‌اند دارد.

شاخص‌های اقتصادی مهم برای USD

تغییر اشتغال غیر کشاورزی (NFP) - گزارش اشتغال NFP به اندازه گیری تغییر در تعداد افراد شاغل در ماه قبل می‌پردازد.

GDP - گزارش تولید ناخالص داخلی (GDP) به اندازه گیری ارزش کل کشور از تمام کالاها و خدمات نهایی می‌پردازد.

فروش خرده فروشی - گزارش فروش خرده فروشی به اندازه گیری تغییرات ماهانه در ارزش کل فروش در سطح خرده فروشی می‌پردازد. نسخه اصلی این گزارش، از سوی دیگر، شامل خرید و فروش خودرو نیست.

شاخص تورم مصرف کننده (CPI) - CPI به اندازه گیری تغییر در قیمت سبد ثابتی از کالاها و خدمات می‌پردازد. حساب اصلی شامل قیمت مواد غذایی و انرژی به دلیل ماهیت فرارشان نیست.

شاخص مخارج مصرفی شخصی - این بسیار شبیه به گزارش CPI است زیرا به اندازه گیری تغییرات قیمت کالاهای مصرفی آمریکا می‌پردازد. دلیل بررسی این گزارش این است که فدرال رزرو هنگام تصمیم گیری در مورد سیاست‌های پولی به این گزارش نگاه می‌کند. فقط می‌خواهیم با کارشناسان هماهنگ باشیم.

تمایلات مصرف کننده دانشگاه میشیگان - هر ماه، دانشگاه میشیگان گزارش تمایلات مصرف کننده خود را عرضه می‌کند. این شاخص به اندازه گیری نگرش مصرف کنندگان درباره اقتصاد منطقه می‌پردازد. هر چه مصرف کنندگان اعتماد بیشتری به شرایط اقتصادی داشته باشند، بیشتر احتمال دارد که پول خرج کنند.

## عوامل حرکت USD؟

### حرکت طلا

هر گاه دلار در معرض خطر از دست دادن ارزش خود به دلیل تورم باشد، سرمایه گذاران برای ایمنی به سراغ طلا می‌روند. بر خلاف بسیاری از دارایی‌های مالی، طلا ارزش ذاتی خود را حفظ می‌کند. طلا طلا است - همه جا طلاست! بنابراین، هنگامی که قیمت طلا در حال افزایش است، می‌تواند نشانه آن باشد که دلار دارد جذابیت خود را از دست می‌دهد.

### تحولات اقتصادی در آمریکا

در واقع، تحولات اقتصادی مثبت در آمریکا موجب جذب شرکت کنندگان بیشتری برای سرمایه گذاری در آمریکا می‌شود. یک سرمایه گذار البته نیاز به مقداری دلار دارد تا قادر به داد و ستد در آمریکا باشد بنابراین با افزایش تقاضا برای سرمایه گذاری‌های آمریکا، تقاضا برای دلار آمریکا نیز افزایش می‌یابد.

### سرمایه ورودی و خروجی

با توجه به ژاپن و لندن، آمریکا احتمالاً عمیق‌ترین و پیشرفته‌ترین بازارهای مالی را دارد. این برای بسیاری از پادشاهان، سلاطین، میلیاردرها، و وارثان سراسر جهان بسیاری از انواع سرمایه گذاری را فراهم می‌کند که می‌توانند از بین آنها انتخاب کنند. به منظور سرمایه گذاری در این دارایی‌های آمریکا، سرمایه گذاران ابتدا باید پول خود را به دلار آمریکا تبدیل کنند. سرمایه ورودی و خروجی از بازارهای مالی آمریکا می‌تواند اثر قابل توجهی بر ارزش دلار داشته باشد.

### توسعه اقتصادی در سراسر جهان

از آنجا که USD در اکثر معاملات روزانه وجود دارد، هر تحول مهم در جهان (برای مثال رشد تولید ناخالص داخلی قوی در استرالیا، سقوط بازار سهام در پکن یا حمله گودزیلا در توکیو) بر ارزش کوتاه مدت آن تاثیر می‌گذارد.

### تفاوت‌های بازده اوراق قرضه

برای سرمایه گذاران که همواره به دنبال بهترین معامله برای پول خودند، مهم است که تفاوت در بازدهی اوراق قرضه آمریکا و دیگر کشورهای خارجی را پیگیری کنند.

اگر سرمایه گذاران ببینند که بازدهی اوراق قرضه در کشورهای خارجی در حال افزایش است در حالی که بازدهی در آمریکا ثابت مانده یا کاهش یافته است، سرمایه گذاران وجوه خود را از اوراق قرضه آمریکا خارج می‌کنند (در این فرایند، دلار خود را می‌فروشند) و شروع به خرید اوراق قرضه خارجی می‌کنند.

شایعه درباره نرخ بهره



شرکت کنندگان بازار به روندهای نرخ بهره توجه می‌کنند، و شما هم باید چنین کنید.

اگر انتظار می‌رود که فدرال رزرو نرخ بهره را افزایش دهد، این بدان معنی است که تقاضا برای دارایی‌های مالی بیان شده با دلار (مثل اوراق قرضه) می‌تواند افزایش یابد، که می‌تواند ارزش دلار را افزایش دهد.

اگر انتظار می‌رود فدرال رزرو نرخ بهره را کاهش دهد، تقاضا برای این دارایی‌ها می‌تواند کاهش یابد و می‌توانیم ببینیم که سرمایه‌گذاران وجوه خود را از دلار خارج می‌کنند.

از آنجا که مقامات فدرال رزرو معمولاً نکاتی در مورد حرکت‌های آینده نرخ بهره بانک مرکزی بیان می‌کنند، معامله‌گران در سخنرانی‌های سیاست‌گذاران سراپا گوشند.

### معامله USD

#### USD به عنوان ارز پایه

USD/XXX با مقادیر بر حسب USD معامله می‌شود. اندازه لات استاندارد ۱۰۰۰۰۰ USD و اندازه مینی لات ۱۰۰۰۰ USD است.

ارزش پیپ، که بر حسب XXX بیان می‌شود، با تقسیم ۱ پیپ از USD/XXX محاسبه می‌شود که برابر با ۰.۰۰۰۰۱ و ۰.۰۱ (بسته به جفت ارز) ضربدر نرخ فعلی USD/XXX خواهد بود.

سود و زیان بر حسب XXX بیان می‌شود. برای یک اندازه موقعیت لات استاندارد، هر حرکت پیپ به ارزش XXX 10 است. برای یک اندازه موقعیت مینی لات، هر حرکت پیپ به ارزش XXX ۱ است. برای مثال، اگر یک پیپ برابر با ۰.۰۰۰۰۱ و نرخ ارز فعلی USD / XXX برابر با 1.4000 باشد، یک پیپ از یک لات استاندارد برابر با USD 14 است.

محاسبات ودیعه بر حسب دلار آمریکا است. با ضریب اهرمی ۱:۱۰۰، 1000 USD باید 100000 USD/CAD را معامله کند.

#### USD به عنوان ارز مقابل

XXX/USD بر حسب XXX معامله می‌شود. اندازه لات استاندارد ۱۰۰،۰۰۰ XXX و اندازه مینی لات ۱۰،۰۰۰ XXX است.

ارزش پیپ، که بر حسب دلار آمریکا بیان می‌شود، با تقسیم ۱ پیپ از XXX/USD (۰.۰۰۰۰۱ یا ۰.۰۱ بسته به جفت ارز) بر نرخ فعلی XXX/USD است.

سود و زیان بر حسب USD بیان می‌شود. برای یک اندازه موقعیت لات استاندارد، هر حرکت پیپ به ارزش USD 10 است. برای یک اندازه موقعیت مینی لات، هر حرکت پیپ به ارزش USD ۱ است.

محاسبات ودیعه بر حسب دلار آمریکا است. برای مثال، اگر نرخ فعلی XXX/USD برابر با 0.8900 است و ضریب اهرمی ۱:۱۰۰ باشد، 890 USD در ودیعه برای معامله لات استاندارد 100000 XXX مورد نیاز است. با این حال، با افزایش نرخ XXX/USD، ودیعه‌های بزرگ‌تر در USD مورد نیاز است. در مقابل، با کاهش نرخ XXX/USD، ودیعه کمتری مورد نیاز است.

## تاکتیک‌های معامله USD

حالا تمام این مطالب را گرد هم می‌آوریم و به چند تاکتیک معامله USD می‌رسیم.

بررسی تفاوت‌ها در تحولات اقتصادی آمریکا و داده‌های اقتصادی از دیگر اقتصادهای مهم راه خوبی برای شروع معاملات USD است. به عنوان مثال، جهش در فروش خرده‌فروشی آمریکا و نتایج زشت در گزارش وضعیت اشتغال انگلیس می‌تواند دلیل خوبی برای فروش GBP/USD باشد.

شاخص دلار آمریکا یا USDX، که عملکرد USD را در مقابل سبد ثابتی از ارزها ردیابی می‌کند نیز شاخص مهمی از قدرت USD است. با بررسی منظم شاخص دلار آمریکا، می‌توانید سرنخ‌هایی از جهت حرکت USD پیدا کنید.

USDX که روند صعودی دارد می‌تواند تایید اضافی برای کوتاه کردن موقعیت EUR/USD به شما بدهد.

مذاکرات نرخ وجوه فدرال رزرو، که نشان دهنده احتمال بازده بالاتر برای دارایی‌های آمریکا است، معامله‌گران را تشویق به خرید USD می‌کند. خب، جا نمانید!

توجه به چشم انداز سیاست پولی فدرال رزرو، که معمولاً بخشی از سخنرانی مقامات فدرال رزرو است، می‌تواند سرنخ‌هایی در مورد جهت USD ارائه کند.

اظهارات جنگ طلبانه می‌تواند سیگنالی برای خرید USD/JPY باشد در حالی که اظهارات صلح طلبانه می‌تواند دلیلی برای فروش USD/JPY باشد.

برای به روز ماندن درباره توسعه اقتصادی در آمریکا، مطمئن شوید که هر روز تفسیر اقتصادی آمریکا را می‌خوانید!

## منطقه یورو

اتحادیه اروپا (EU) مجموعه‌ای از ۲۷ کشور عضو است که از گروه کوچکی از شش کشور همسایه در سال ۱۹۵۱ آغاز شد. با قدرت‌های جادویی پیمان ماستریخت، به بلوک بزرگ اقتصادی و سیاسی بزرگی تبدیل شد که آن را به بزرگترین اقتصاد منطقه‌ای در جهان تبدیل کرد. در مورد نقش بزرگ آن در معامله بین‌المللی و امور جهانی اقتصادی فکر کنید!

در این میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا، هفده کشور یورو (EUR) را به عنوان پول رایج خود تصویب کردند. این کشورها منطقه یورو را تشکیل می‌دهند که اتحادیه پولی اروپا (EMU) یا یورولند هم نامیده می‌شود.

اعضای این باشگاه نخبگان عبارتند از: اتریش، بلژیک، قبرس، استونی، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، ایسلند، ایتالیا، لوکزامبورگ، مالت، هلند، پرتغال، اسلواکی، اسلونی، و اسپانیا.

گذشته از اتخاذ پول مشترک، این کشورها همان سیاست‌های پولی تعیین شده توسط بانک مرکزی اروپا (ECB) را اجرا می‌کنند.



منطقه یورو: حقایق، ارقام، و ویژگی‌ها



- کشورهای عضو: اتریش، بلژیک، قبرس، استونی، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، ایسلند، ایتالیا، لوکزامبورگ، مالت، هلند، پرتغال، اسلواکی، اسلونی، و اسپانیا
- مساحت: ۱۶۶۹۸۰۷ مایل مربع
- جمعیت: ۵۰۱،۲۵۹،۸۴۰
- تراکم: ۳۰۰.۲ نفر در هر مایل مربع
- رئیس کمیسیون اروپا: خوزه مانوئل باروسو
- رئیس پارلمان اروپا: مارتین شولتز
- رئیس شورای اروپا: هرمان ون رومپوی
- واحد پول: یورو (EUR)
- واردات عمده: ماشین آلات، وسایل نقلیه، هواپیما، پلاستیک، نفت خام، مواد شیمیایی، منسوجات، فلزات
- صادرات اصلی: ماشین آلات، وسایل نقلیه موتوری، هواپیما، پلاستیک، دارو و مواد شیمیایی دیگر، آنتونیو باندرا، پنه لوپه کروز، ژان کلود ون دوم «عضله‌ای از بروکسل»
- شرکای واردات: چین ۱۵.۸۹ درصد، آمریکا ۱۱.۹۷ درصد، روسیه ۱۱.۲۲ درصد، نروژ ۶.۱۳ درصد، سوئیس ۵.۱۴ درصد
- شرکای صادرات: آمریکا ۱۹.۰۷ درصد، روسیه، ۸.۰۳ درصد، سوئیس ۷.۴۹ درصد، چین ۶ درصد، ترکیه ۴.۱۴ درصد
- منطقه زمانی: GMT, GMT+1, GMT+2
- وب سایت: <http://www.europa.eu>

دید کلی اقتصادی

منطقه یورو که شامل بیش از نیمی از کشورهای اتحادیه اروپا است، بزرگترین اقتصاد با GDP برابر با ۹.۴ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۱ محسوب می‌شود. به عنوان اقتصاد خدمات‌گرا، خدمات ۷۰ درصد از GDP آن را به خود اختصاص می‌دهند!

به علاوه، منطقه یورو مفتخر است که رتبه دوم جذاب‌ترین بازار سرمایه گذاری برای سرمایه گذاران داخلی و بین المللی را دارد. به عنوان اتحادیه اقتصادی، منطقه یورو دارای سیستم استانداردی از قوانین است، به خصوص برای معامله. اندازه کل اقتصادشان منطقه یورو را به بازیکن بزرگی در عرصه معامله بین المللی تبدیل می‌کند.

از آنجا که تک تک کشورها به صورت یک نهاد گروه بندی می‌شوند، می‌توانند معامله را عمدتاً با شریک تجاری شماره یک، یعنی آمریکا تسهیل کنند.

این شرکت فعال در معامله بین المللی همچنین تاثیر قابل توجهی در نقش EUR به عنوان ارز ذخیره دارد.

دلیل آن این است که کشورهایی که با منطقه یورو داد و ستد می‌کنند نیاز به مقدار قابل توجهی از ارزهای ذخیره به منظور کاهش ریسک نرخ ارز و به حداقل رساندن هزینه‌های معامله دارند.

سیاست پولی و مالی

بانک مرکزی اروپا (ECB) به عنوان سازمان حاکم بر سیاست‌های پولی اتحادیه اروپا عمل می‌کند. رئیس فعلی این بانک، ماریو اندرتی، منظور ما ماریو دراچی است، هیئت اجرایی نیز شامل معاون رئیس جمهور بانک مرکزی اروپا و چهار سیاستگذار دیگر است.

همراه با اسلحه‌های برتر از بانک‌های مرکزی ملی در منطقه یورو، شورای مدیریت بانک مرکزی اروپا را تشکیل می‌دهند که به تغییر سیاست پولی رای می‌دهند.

هدف اصلی بانک مرکزی اروپا حفظ ثبات قیمت‌ها در کل منطقه است! برای رسیدن به این هدف، منطقه یورو پیمان ماستریخت را امضا کرد که مجموعه‌ای از معیارها را برای کشورهای عضو اعمال می‌کند. برخی از الزامات مورد نیاز عبارتند از:

- نرخ تورم کشور نباید ۱.۵٪ بیشتر از میانگین تورم سه کشور برتر (پایین‌ترین نرخ تورم) باشد.
- نرخ‌های بهره بلند مدت آنها نباید بیشتر از میانگین این کشورها کم تورم بیش از ۲٪ باشد.
- نرخ‌های ارز باید در محدوده مکانیزم نرخ ارز برای حداقل چند سال باقی بماند.
- کسری بودجه دولت آنها باید کمتر از ۳٪ از تولید ناخالص داخلی‌شان باشد.

اگر کشوری نتواند این شرایط را برآورده کند، با جریمه سنگین تنبیه می‌شوند.

بانک مرکزی اروپا همچنین از حداقل نرخ پیشنهاد و عملیات بازار باز به عنوان ابزار سیاست پولی خود استفاده می‌کند. حداقل نرخ پیشنهاد یا نرخ بهره بانک مرکزی اروپا نرخ بازدهی است که بانک مرکزی به بانک‌های مرکزی کشورهای عضو خود ارائه می‌دهد. آنها از این نرخ برای کنترل تورم استفاده می‌کنند.

از سوی دیگر، از عملیات بازار باز برای مدیریت نرخ بهره، کنترل نقدینگی و ایجاد موضع سیاست پولی استفاده می‌شود. این عملیات از طریق خرید یا فروش اوراق بهادار دولتی در بازار انجام می‌شود.

به منظور افزایش نقدینگی، بانک مرکزی اروپا اقدام به خرید اوراق بهادار و پرداخت با یورو می‌کند که سپس گردش می‌کند. در مقابل، برای جمع کردن نقدینگی مازاد، بانک مرکزی اروپا اوراق بهادار در مبادله برای یورو به فروش می‌رساند.

غیر از استفاده از این ابزارهای سیاست پولی، بانک مرکزی اروپا نیز می‌تواند در بازار ارز برای مهار بیشتر تورم مداخله کند. به همین دلیل، معامله‌گران توجه دقیق به نظرات اعضای شورای حکومتی دارند زیرا می‌تواند بر EUR تاثیر بگذارد.

آشنایی با یورو

گذشته از لقب ضد دلار، یورو دارای نام مستعار «فیبر» است. برخی می‌گویند که این نام مستعار از فیبر نوری اقیانوس اطلس که برای ارتباطات استفاده می‌شود گرفته شده در حالی که برخی استدلال می‌کنند که از کاغذ مورد استفاده برای چاپ اسکناس اروپا گرفته شده است! در اینجا برخی از ویژگی‌های دیگر را یورو بررسی می‌کنیم.

به یورو ضد دلار می‌گویند!

یورو که ضد دلار شناخته می‌شود، EUR/USD جفت ارز با بیشترین معامله فعال است. بدین ترتیب، نقدترین جفت اصلی و کمترین کارمزد پیمپ را ارائه می‌دهد.

یورو در جلسه لندن مشغول است...

یورو در GMT ۸:۰۰، در آغاز جلسه لندن فعال است. یورو اغلب حرکت کمی در نیمه دوم جلسه آمریکا، در حدود GMT ۱۷:۰۰ دارد.

و یورو چند رابطه دارد.

EUR/USD اغلب به حرکت بازار سرمایه مرتبط است، مانند اوراق قرضه و سهام. این جفت همبستگی منفی با حرکت S&P 500 دارد که نشان دهنده عملکرد بازار سهام آمریکا است.

هر چند، این همبستگی پس از بحران مالی سال ۲۰۰۷ از بین رفت. در حال حاضر، EUR/USD دارای همبستگی کمی مثبت با S&P 500 است.

EUR/USD نیز همبستگی منفی با USD/CHF دارد که نشان می‌دهد فرانک سوئیس چگونه تقریباً کاملاً هماهنگ با یورو حرکت می‌کند.

شاخص‌های مهم اقتصادی برای یورو

تولید ناخالص داخلی - تولید ناخالص داخلی معیار اصلی رشد اقتصادی در منطقه است. از آنجا که آلمان بزرگترین اقتصاد منطقه یورو است، GDP آن گرایش به حرکت دادن بیشتر یورو دارد.

تغییر اشتغال - یورو حساس به تغییرات در اشتغال، به ویژه در بزرگترین اقتصاد منطقه یورو مانند آلمان و فرانسه است.

تولیدات صنعتی آلمان - به اندازه گیری تغییر در حجم خروجی تولید آلمان، استخراج از معادن، صنایع و معادن می‌پردازد. به همین دلیل، نشان دهنده قدرت کوتاه مدت فعالیت‌های صنعتی آلمان است.

گزارش فضای کسب و کار IFO آلمان - این یکی از گزارش‌های کلیدی کسب و کار کشور است. این گزارش که ماهانه انجام می‌شود، حساب وضعیت فعلی کسب و کار در آلمان و نیز انتظارات برای شرایط آینده را در نظر می‌گیرد.

کسری بودجه - به یاد بیاورید که یکی از معیارها در پیمان ماستریخت مستلزم آن است که اقتصاد منطقه یورو نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی خود را کمتر از ۶۰٪ و کسری بودجه خود را کمتر از ۳ درصد از تولید ناخالص داخلی سالانه خود نگه دارد. عدم دستیابی به این اهداف می‌تواند منجر به بی‌ثباتی مالی در منطقه یورو شود.

شاخص قیمت مصرف کننده - از آنجا که یکی از اهداف بانک مرکزی اروپا حفظ ثبات قیمت است، شاخص‌های تورم از جمله شاخص تورم مصرف کننده را زیر نظر دارند. اگر CPI سالانه از هدف بانک مرکزی منحرف شود، بانک مرکزی اروپا می‌تواند از ابزار سیاست پولی خود برای کنترل تورم استفاده کند.

چه چیزی موجب حرکت EUR می‌شود؟

اصول منطقه یورو

گزارش‌ها از عملکرد اقتصادی قوی توسط منطقه یورو به طور کلی، یا توسط کشورهای عضو آن، می‌تواند ارزش یورو را افزایش دهد. برای مثال، گزارش GDP بهتر از انتظار برای آلمان یا فرانسه می‌تواند معامله‌گران را تشویق به خرید یورو کند.

حرکت دلار

تغییرات ناگهانی در تمایلات بازار، عمدتاً توسط داده‌های اقتصادی آمریکا، معمولاً تأثیر بسیار زیادی بر EUR/USD دارد.

یورو که ضد دلار در نظر گرفته می‌شود، با مذاکرات تنوع سازی رزرو از دلار آمریکا فاصله می‌گیرد. یورو به عنوان ارز ذخیره جدید، کسی نبود؟

تفاوت در نرخ بازدهی

کارمزد اوراق قرضه بین اوراق قرضه دولتی ۱۰ ساله آمریکا و اوراق قرضه ۱۰ ساله آلمان معمولاً نشان دهنده جهت EUR/USD است.

اگر تفاوت بین بازده اوراق قرضه آمریکا و آلمان افزایش یابد، EUR/USD به نفع ارز با بازده بالاتر حرکت می‌کند.

مشابه بازدهی اوراق قرضه، تفاوت نرخ بهره نیز شاخص بسیار عالی برای حرکت EUR/USD است. برای مثال، معامله‌گران معمولاً به مقایسه نرخ سلف Euribor با نرخ سلف Eurodollar می‌پردازند.

Euribor مخففی برای نرخ بهره بین بانکی یورو است که نرخ است که بانک‌های منطقه یورو برای انجام معاملات بین بانکی استفاده می‌کنند، در حالی که Eurodollarها سپرده‌های بیان شده بر حسب دلار آمریکا هستند.

معامله EUR/USD

EUR/USD با مقادیر بیان شده با یورو معامله می‌شود. اندازه لات استاندارد ۱۰۰,۰۰۰ EUR و اندازه مینی لات ۱۰,۰۰۰ EUR است.

ارزش پيپ، که به دلار آمریکا بيان می‌شود، با تقسيم ۱ پيپ از EUR/USD (که ۰.۰۰۰۱ است) بر نرخ EUR/USD محاسبه می‌شود.

سود و زیان برحسب USD بيان می‌شود. برای یک اندازه موقعیت لات استاندارد، هر حرکت پيپ به ارزش 10 USD است. برای یک اندازه موقعیت مینی لات، هر حرکت پيپ به ارزش ۱ USD است.

محاسبات ودیعه بر حسب دلار آمریکا است. برای مثال، اگر نرخ فعلی EUR/USD برابر با 1.4000 و ضریب اهرمی ۱:۱۰۰ باشد، 1,400.00 USD ودیعه برای معامله لات استاندارد 100000 EUR مورد نیاز است.

با افزایش نرخ EUR/USD، ودیعه‌های بزرگ‌تر در USD مورد نیاز است. در مقابل، با کاهش نرخ EUR/USD، ودیعه کمتری مورد نیاز است.

### تاکتیک‌های معامله EUR/USD

حرکات طرفدار یورو، که معمولاً پس از انتشار ارقام اقتصادی قوی از منطقه یورو رخ می‌دهد، موجب ایجاد فرصت‌هایی برای معاملات بلند USD/EUR می‌شود.

حرکات ضد یورو، که معمولاً پس از انتشار ارقام اقتصادی ضعیف از منطقه یورو رخ می‌دهد شوند، موجب ارائه مبنایی برای معامله کوتاه EUR/USD می‌شود.

از آنجا که EUR/USD معمولاً معیاری از دیدگاه معامله‌گران در دلار آمریکا است، درک جهت دلار آمریکا می‌تواند چند استراتژی تجاری برای EUR/USD ایجاد کند.

به عنوان مثال، اگر انتظار می‌رود که معامله‌گران دلار را خرید کنند اگر گزارش فروش خرده فروشی آمریکا نتایج بهتر از حد انتظار را نشان دهد، می‌توانید به دنبال فرصتی برای کوتاه کردن EUR/USD باشید.

گذشته از انتظار برای جفت ارز EUR/USD برای رسیدن یا شکستن سطوح معنادار حمایت و مقاومت، در نظر گرفتن معامله بر اساس ریتریسمنت‌ها نیز برای این جفت ارز جواب می‌دهد.

EUR/USD بسیار مستعد به ریتریسمنت‌ها است، که بدان معنی است که تنظیم دستورهای کوتاه یا بلند در سطوح معنادار فیبوناچی می‌تواند چند پيپ بازدهی داشته باشد. با گرفتن ریتریسمنت‌ها، ممکن است قادر به وارد شدن به معامله با قیمت بهتر باشید تا اینکه فقط در جهت حرکت قیمت پرش کنید.

اگر کمی ماجراجوترید، دیگر جفت‌های یورو وجود دارد، مانند EUR/JPY، EUR/CHF و EUR/GBP، که می‌توانید بررسی کنید! هر کراس EUR دارای ویژگی‌های خوب و منحصر به فرد نیز هست.

به عنوان مثال، EUR/JPY که فرارتر از EUR/USD است تمایل دارد در بازار آسیا و لندن فعال‌تر باشد.

EUR/CHF و EUR/GBP تمایل دارند اکثر اوقات محدود باشد. هرچند، دومی بیشتر مستعد نوسانات بزرگ با توجه به سطح پایین‌تر نقدینگی است.



بنابراین اگر قصد دارید هر یک از جفت‌های یورو را معامله کنید، به روزرسانی روزانه اقتصادی در منطقه یورو Diddy را از دست ندهید.

### انگلستان

بریتانیا سرزمین بسیاری از لهجه‌ها است زیرا در واقع متشکل از چهار کشور است: انگلستان، ایرلند شمالی، اسکاتلند و ولز. بریتانیا با رهبری ملکه، سلطنت مشروطه محسوب می‌شود، اما از طریق سیستم پارلمانی اداره می‌شود که در پایتخت انگلستان لندن واقع است.

انگلیس همچنین بخشی از اتحادیه اروپا است. با این حال، انگلیس از پیوستن به منطقه یورو خودداری کرده است و مصمم به استفاده از پوند به عنوان واحد پول خود است. متأسفانه، این بدان معنی است که داشتن ویزای شنگن اجازه نمی‌دهد به انگلستان سفر کنید، باید ویزای جداگانه بگیرید!



انگلستان: آمار، ارقام، و ویژگی‌ها





- همسایگان: ایرلند، آلمان، فرانسه
- مساحت: ۹۴,۰۵۸ مایل مربع
- جمعیت: ۶۳,۰۴۷,۱۶۲ (رتبه ۲۲)
- تراکم: ۶۷۰.۳ نفر در هر مایل مربع
- پایتخت: لندن (جمعیت ۸,۶۱۵,۰۰۰)
- رئیس دولت: ملکه الیزابت دوم
- نخست وزیر دولت: دیوید کامرون
- ارز: پوند انگلیس (GBP) یا استرلینگ
- واردات اصلی: محصولات تولیدی، ماشین آلات، سوخت، مواد غذایی
- صادرات اصلی: کالاهای تولیدی، سوخت، مواد شیمیایی، تنباکو، دیوید بکهام، سیمون کول
- شرکای واردات: آلمان ۱۳.۱ درصد، چین ۹.۱ درصد، هلند ۷.۵ درصد، فرانسه ۶.۱ درصد، آمریکا ۵.۸ درصد، نروژ ۵.۵ درصد، بلژیک ۴.۹ درصد، ایتالیا ۴.۲ درصد
- شرکای صادرات: آمریکا ۱۱.۴ درصد، آلمان ۱۱.۲ درصد، فرانسه ۷.۷ درصد، ایرلند ۶.۸ درصد، بلژیک ۵.۴ درصد
- منطقه زمانی: GMT
- وب سایت: <http://number10.gov.uk>

#### دید کلی اقتصادی

انگلیس هفتمین اقتصاد بزرگ جهان و سومین در اروپا پس از آلمان و فرانسه است. تا آنجا که تاریخ به ما نشان می‌دهد، آنها نیرویی اند که باید روی‌شان حساب کنیم. هر چه باشد، این انگلیس بود که انقلاب صنعتی را آغاز کرد.

انگلیس روزگاری بزرگترین امپراطوری جهان نیز بود. بنابراین برای ۳۰۰ سال گذشته، انگلستان قدرت جهانی مرتبط بوده است. حالا این چیزی است که شما به آن سازگاری می‌گویید!

از نظر تجاری، انگلستان وارد کننده کالا با کسری تجاری سازگار است. بزرگترین شریک تجاری‌اش منطقه یورو است، به ویژه آلمان که نباید مایه شگفتی باشد چون آلمان به اندازه پرتاب سنگ از کانال انگلیس فاصله دارد.

فعالیت تجاری با منطقه یورو بیش از نیمی از فعالیت‌های تجاری در انگلستان را به خود اختصاص می‌دهد. آمریکا، به تنهایی، هنوز هم بزرگترین شریک تجاری بریتانیا باقی مانده است.

انگلیس نه تنها دارای لهجه‌ها و خوشگل‌هایی مثل کیت بکینسیل است، بلکه موطن قدیمی‌ترین مرکز مالی مهم در جهان نیز هست؛ یعنی، لندن. داشتن مرکز مالی مثل لندن موجب تقویت جایگاه انگلستان در معامله جهانی می‌شود.

## سیاست پولی و مالی

حالا به این نکته توجه کنید: قدیمی‌ترین بانک مرکزی در جهان بانک مرکزی انگلستان (BOE) است.

قدیما، زمانی که انگلستان در آستانه توسعه اقتصادی بود، رهبران دولت متوجه شدند که نیاز به نهادی برای کمک به تسهیل معامله بین‌المللی دارند. بانک مرکزی انگلیس ایجاد شد. در سال ۱۶۹۴، بانک مرکزی انگلیس برای کمک به تسهیل معامله و رشد برای انگلستان تأسیس شد.

امروز، هدف اصلی سیاست پولی بانک مرکزی انگلیس حفظ ثبات قیمت‌ها و همزمان، افزایش رشد و اشتغال است.

هدف بانک مرکزی انگلیس نرخ تورم هدف ۲.۰٪ است که با شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI) اندازه‌گیری می‌شود. به منظور تحقق این هدف، به بانک مرکزی انگلیس قدرت جادویی برای تغییر نرخ بهره به سطوحی که معتقدند موجب تحقق این هدف می‌شود اعطا شده است.

گروهی در بانک مرکزی انگلیس که مسئول تعیین نرخ بهره است کمیته سیاست‌گذاری پولی (MPC) است.

MPC جلسات ماهانه برگزار می‌کند که منجر به اطلاعیه‌هایی در مورد تغییر سیاست‌های پولی از جمله تغییرات در نرخ بهره می‌شود. مثل همه چیز دیگر انگلیس، نرخ بهره دارای نام متفاوتی در انگلستان است. در انگلستان، به نرخ بهره نرخ bank repo گفته می‌شود.

ابزارهای سیاست اصلی مورد استفاده توسط کمیته سیاست پولی بانک مرکزی انگلیس نرخ بهره و عملیات بازار باز است. نرخ بهره نرخ تعیین شده توسط بانک مرکزی انگلیس برای انجام عملیات خود در بازار برای کمک به تحقق هدف تورم MPC است. هرگاه MPC این نرخ را تغییر دهد، بر نرخ‌هایی که بانک‌های تجاری برای سپرده‌گذاران و وام‌گیرندگان خود تعیین می‌کنند اثرگذار است. این به نوبه خود بر هزینه و خروجی در اقتصاد و در نهایت بر هزینه‌ها و قیمت‌ها تأثیر می‌گذارد.

مانند سایر بانک‌های مرکزی، اگر بانک مرکزی انگلیس نرخ بهره را افزایش می‌دهد، هدف‌شان مقابله با تورم است. از سوی دیگر، در صورتی که نرخ را کاهش دهند، هدف‌شان تحریک رشد در اقتصاد است.

هنگامی که بانک مرکزی انگلیس درگیر عملیات بازار باز می‌شود، بانک مرکزی انگلیس اوراق بهادار و خزانه‌های بیان شده با GBP را برای کنترل عرضه پول خرید و فروش می‌کند. این روش دیگری برای افزایش نقدینگی در بازارهای مالی است.

اگر بانک مرکزی انگلیس احساس کند که به تحریک اقتصاد نیاز است، «پول بیشتری چاپ می‌کند» و این عرضه پول را از طریق خرید از دولت و اوراق بهادار شرکت‌های بزرگ تزریق می‌کند.

از سوی دیگر، اگر بانک مرکزی انگلیس احساس کند اقتصاد آب‌نبات به اندازه کافی دارد، اوراق بهادار بیشتری را به فروش می‌رساند و به طور موثر پول را از اقتصاد «پس می‌گیرد».

## آشنایی با GBP

GBP باید بچه بسیار محبوبی باشد زیرا کلی اسامی مستعار باحال دارد. غیر از استرلینگ و پوند، جفت‌های GBP دارای نام‌های مستعار عالی مانند کابل (GBP/USD) و گوپی (GBP/JPY) اند. جالبه، نه؟

GBP/USD یکی از نقدترین جفت ارزهای در بازار فارکس است. چگونه؟ به یاد داشته باشید که لندن تا مدت طولانی مرکز مالی مهم در جهان بوده است. با معاملات کسب و کار اصلی که هر روز صورت می‌گیرد، کلی پول به لندن داخل و خارج می‌شود.

با این حال، GBP/USD فقط ۱۴٪ از معاملات روزانه جهانی را به خود اختصاص می‌دهد، و دارای رتبه سوم فعال‌ترین جفت ارز معامله شده است. احتمالاً به همین دلیل کارمزد GBP/USD معمولاً یک یا دو پیپ بیشتر از EUR/USD و USD/JPY است.

.... و معامله‌گران پوند را دوست دارند چون منحنی‌های زیبا دارد

چون دارای نرخ‌های بهره بالاتر (معمولاً) در میان ارزهای اصلی دارد، سرمایه‌گذاران ممکن است اوراق بهادار بریتانیا را جذاب‌تر بدانند. به منظور رسیدن به این دارایی‌ها، سرمایه‌گذاران ابتدا باید GBP بخرند.

پوند در جلسه لندن زیرک است...

حجم معاملات GBP/USD در بازار اروپا بالاترین است و پتانسیل حرکت‌های قوی در طول جلسه نیویورک دارد در زمانی که اطلاعات کلیدی انگلیس و آمریکا منتشر می‌شوند.

بازار آسیا معمولاً حرکت زیادی ندارد زیرا معامله‌گران اروپایی هنوز در رختخوابند در حالی که معامله‌گران آمریکا به تازگی روز خود را به پایان رسانده‌اند.

... اما مراقب باشید چون می‌تواند عجیب و غریب باشد!

جفت‌های GBP بسیار مستعد حرکت‌های فرار به دلیل سطح پایین‌تر نقدینگی نسبت به EUR است.

با نقدینگی در حال رشد در زمان‌های خاص در بازار، GBP می‌تواند در یک جهت گرفتار شود، به خصوص اگر دستورهای بزرگ خرید و فروش در آن جهت وجود دارد. در مقایسه با سایر جفت ارزها، جفت‌های GBP تمایل به نشان دادن واکنش قوی‌تر برای متعجب کردن انتشار آمارهای اقتصادی دارند.

شاخص‌های مهم اقتصادی برای GBP

شاخص تورم مصرف‌کننده (CPI) - بانک مرکزی انگلیس این حساب را معیار سنجش تورم می‌داند. این شاخص تغییر در قیمت کالاهای مصرفی را اندازه‌گیری می‌کند.

نرخ بیکاری - این معیار تعداد افراد بیکار در اقتصاد انگلستان است. تحلیلگران این حساب را با دقت نگاه می‌کنند زیرا می‌تواند شاخص پیشرو از هزینه‌های آینده باشد. چگونه؟ خب، اگر فردی بیکار باشد، پول ندارد. بدون پول، هیچ‌کس قادر به پرداخت هزینه چای هم نیست!

تولید ناخالص داخلی (GDP) - این رقم منعکس‌کننده وضعیت اقتصاد انگلستان است. این شاخص نشان می‌دهد که اقتصاد در حال رشد و پررونق است یا در حال رکود.

شاخص مدیران خرید (PMI) - این شاخص به نظر سنجی از مدیران کسب و کار می‌پردازد و نظرشان را درباره چشم‌انداز اقتصادی کنونی می‌پرسد. نمرات بالاتر از ۵۰.۰ نشان‌دهنده شرایط بهبود است که ممکن است به گسترش منجر شود، در حالی که نمرات زیر ۵۰.۰ اشاره به انقباض احتمالی دارد.

گزارش اعتماد مصرف کننده GFK - این گزارش به اندازه گیری اعتماد مصرف کنندگان در مورد شرایط اقتصادی فعلی و آینده می پردازد. هر چه مصرف کنندگان با اعتماد بیشتری در مورد وضعیت اقتصاد انگلیس داشته باشند، بیشتر احتمال دارد که مایل به خرج کردن باشند.

## عوامل حرکت GBP

### تغییرات در سیاست پولی

بسیاری از سرمایه گذاران به پوند برای دارایی های پر بازده و معامله انتقالی نگاه می کنند. تغییرات در نرخ بهره MPC موجب تغییر احساسات درباره پوند می شود زیرا بر بازده اوراق بهادار بریتانیا تاثیر می گذارد.

علاوه بر این، تغییرات در نرخ بهره همچنین چشم انداز بانک مرکزی انگلیس در اقتصاد را نشان می دهد.

اگر مقامات بانک مرکزی انگلیس احساس کنند که اقتصاد در خطر است، پول بیشتری چاپ کنند یا نرخ بهره را کم خواهند کرد که به عموم مردم علامت می دهد که اقتصاد ناپایدار است.

اگر بانک مرکزی انگلیس احساس کند که افزایش اقتصاد ممکن است به فشارهای ناشی از تورم منجر شود، ممکن است پول عرضه شده را کاهش دهد یا نرخ بهره را افزایش دهد.

### تحولات در منطقه یورو و آمریکا

مانند سایر جفت ارزها، GBP/USD نیز به شدت تحت تاثیر تحولات در منطقه یورو و آمریکا قرار دارد. داده های اقتصادی آمریکا به طور مستقیم سرمایه گذاران و احساسات معامله گران در بازار را تحت تاثیر قرار می دهد. داده های خوب یا بد از آمریکا هم می تواند موجب ارسال شرکت کنندگان در بازار به سوی GBP در صورت افزایش ریسک پذیری شود یا به دنبال ایمنی در USD در صورت ریسک گریزی شود.

### اثر نشت

منطقه یورو اکثر روابط تجاری بریتانیا را به خود اختصاص می دهد. به این دلیل، همچنین باید دوربین دوچشمی خود را آماده نگه دارید تا هر گونه پیشرفت در سرزمین اصلی را ببینید (به یاد دارید که انگلیس جزیره است!). هر گونه خبر بد یا عملکرد ضعیف اقتصادی به طور بالقوه می تواند به احساسات نزولی به سمت GBP منجر شود.

### تحریک شده توسط تمایلات ریسک

اگرچه کوچک است اما GBP از این واقعیت منتفع می شود که دارای نرخ بهره بالاتر در میان سایر ارزها است. هنگامی که معامله گران در جستجوی بازده بیشترند، به دلیل پتانسیل کسب بازده بالاتر در سرمایه گذاری های خود به انگلیس نگاه می کنند. هنگامی که معامله گران می خواهند سرمایه گذاری های پر بازده خود را بی خیال شوند و دنبال USD بروند، شروع به فروش GBP خواهند کرد.

## معامله GBP/USD

GBP/USD به مقادیر بیان شده بر حسب GBP معامله می‌شود. اندازه لات استاندارد ۱۰۰,۰۰۰ GBP و اندازه مینی لات ۱۰,۰۰۰ GBP است.

ارزش پیپ، که بر حسب دلار آمریکا بیان می‌شود، با تقسیم ۱ پیپ از GBP/USD (برای GBP/USD، این رقم ۰.۰۰۰۱ است) بر نرخ فعلی GBP/USD است.

سود و زیان بر حسب USD بیان می‌شود. برای یک اندازه موقعیت لات استاندارد، هر حرکت پیپ به ارزش 10 USD است. برای یک اندازه موقعیت مینی لات، هر حرکت پیپ به ارزش 1 USD است.

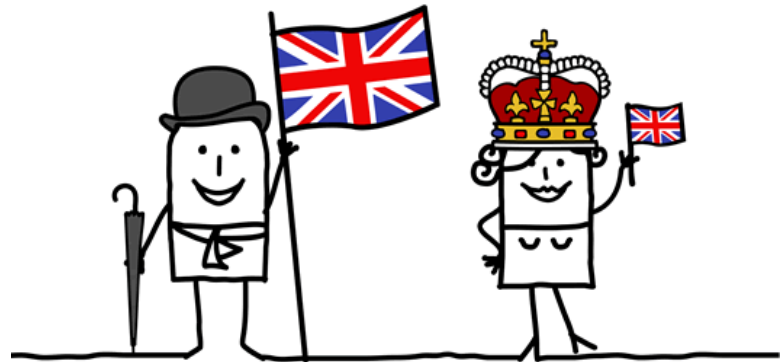
محاسبات ودیعه بر حسب دلار آمریکا است. برای مثال، اگر نرخ فعلی GBP/USD برابر با 1.5000 و ضریب اهرمی ۱:۱۰۰ باشد، 1.5000 USD در ودیعه برای معامله لات استاندارد 100000 GBP مورد نیاز است. با این حال، با افزایش نرخ GBP/USD، ودیعه‌های بزرگ‌تر در USD مورد نیاز است. در مقابل، با کاهش نرخ GBP/USD، ودیعه کمتری مورد نیاز است.

## تاکتیک‌های معامله GBP/USD

یک راه برای معامله جفت‌های GBP توجه کردن به زمان انتشار گزارش‌های کلیدی است. جفت‌های GBP تمایل به واکنش قوی‌تر به گزارش‌های اقتصادی دارند.

به عنوان مثال، اگر ارقام GDP انگلیس بسیار بهتر از انتظار باشند، می‌تواند به افزایش شدید GBP منجر شود. حتی اگر دیر وارد شوید، هنوز هم می‌توانید چند پیپ جمع کنید چرا که جفت‌های GBP واقعا زیاد حرکت می‌کنند.

هر چند مراقب باشید - GBP/USD و GBP/JPY فرارترین جفت‌ها در میان جفت‌های اصلیند. در واقع، GBP/USD به طور متوسط ۱۶۰ پیپ در روز به اطراف حرکت می‌کند. از آنجا که GBP بسیار فرار است، ممکن است بخواهید دستورهای توقف زیان گسترده‌تر را تنظیم کنید تا در برابر تمام حرکت‌های قوی در بازار مقاومت کنید.



## ژاپن

کنی چیوا (اصطلاح ژاپنی به معنای عصر بخیر)!

ژاپن واقع در شرق آسیا مجمع الجزایری شامل ۶۸۵۲ جزیره است، اگرچه ۴ جزیره بزرگتر آن بخش اعظم مساحت این کشور را تشکیل می دهند.

با وجود اینکه ژاپن کشور نسبتاً کوچکی به شمار می رود، پایتختش، توکیو، دارای ۳۶ میلیون شهروند سخت کوش است که این شهر را به بزرگترین منطقه شهری جهان تبدیل کرده است.

همچنین، با وجود جمعیت بسیار متراکم ژاپن، ژاپنی ها دارای یکی از بالا ترین استانداردهای زندگی و همچنین بالاترین میزان امید به زندگی در جهان هستند.

ژاپن همچنین یکی از پیشرفته ترین و تکنولوژیک ترین کشورهای جهان به شمار می رود. می شود دنیای بدون کارائوکه، گیم بوی یا پریوس را تصور کرد؟ درست است - معلوم است که نمی شود.

آیا می دانستید حروفی که کلمه ژاپن را می سازند به معنای خاستگاه خورشید هستند، و اینکه اغلب از ژاپن با عنوان <<سرزمین طلوع خورشید>> یاد می شود؟



ژاپن: حقایق، چهره های برجسته، و ویژگی ها



- همسایه ها: روسیه، کره، چین
- مساحت: ۳۳۴،۸۲۵ مایل مربع
- جمعیت: ۱۲۷،۳۶۸،۰۰۸ نفر (دهمین)
- تراکم جمعیت: ۵۴۲.۴۰ نفر در مایل مربع
- پایتخت: توکیو (با جمعیت ۱۳،۱۸۹،۰۰۰ نفر)
- پادشاه: امپراتور آکیهیتو
- رئیس دولت: نخست وزیر یوشیهیکو نودا
- واحد پول: ین ژاپنی (JPY)
- واردات اصلی: نفت خام، گاز طبیعی مایع، پوشاک، نیم رسانا ها، زغالسنگ، دستگاه های صوتی تصویری
- صادرات اصلی: وسایل نقلیه موتوری، نیم رسانا ها، محصولات آهن و فولاد، قطعات خودرو، سوزوکی ایچپرو، پلی استیشن سونی، شمشیر های سامورایی، آقای میاگی
- شرکای وارداتی: چین ۲۲.۱٪، ایالات متحده آمریکا ۹.۹٪، استرالیا ۶.۵٪، عربستان سعودی ۵.۲٪، امارات متحده عربی ۴.۲٪، کره جنوبی ۴.۱٪
- شرکای صادراتی: چین ۱۹.۴٪، ایالات متحده ۱۵.۷٪، کره جنوبی ۸.۱٪، هنگ کنگ ۵.۵٪، تایلند ۴.۴٪
- منطقه زمانی: GMT +09
- وبسایت: <http://kantei.go.jp>

#### شرایط اقتصادی

ژاپن علاوه بر اینکه پایتخت بازی های ویدئویی جهان به شمار می رود، از سال ۲۰۱۱ رتبه سوم اقتصاد جهان را نیز به خود اختصاص داده است.

ژاپن از پایان جنگ جهانی دوم رشد اقتصادی بسیار زیادی داشته است، علی‌رغم اینکه کشوری کوهستانی و آتشفشانی است. و این، به دلایل قوانین طبیعت، رشد منابع طبیعی ژاپن را محدود می‌کند.

اقتصاد ژاپن برای جبران کمبود منابع طبیعی وابستگی زیادی به صادرات پیدا کرده است، به طوری که صادرات این کشور در سال ۲۰۱۱ به ۸۰۰ میلیارد دلار رسید. این رقم نه تنها ۱۴٪ تولید این کشور را تشکیل می‌دهد بلکه پنجمین رتبه جهانی را به خود اختصاص می‌دهد!

اخیراً، ژاپن از رشد انبوه جمعیت چین نفع می‌برد. از آنجایی که ژاپن نزدیکترین اقتصاد بزرگ به چین است، تقاضای چین موجب خرید انبوه از محصولات ژاپنی شده است.

ژاپن نه تنها دارای غذا های عالی است (غذایی روی دست تمپورا و سوشی نیست!)، بلکه در بردارنده یکی از بزرگترین مراکز مالی جهان – توکیو! – است.

همانطور که در فیلم‌ها دیده‌اید، تاجران ژاپنی در کارشان خیلی جدی هستند! با این همه پولی که روزانه وارد توکیو شده از آن خارج می‌شود، تاجران و سرمایه‌گذاران می‌توانند از ژاپن به عنوان نماینده‌ای از خاور دور استفاده کنند.

سیاست‌های پولی و مالی

با اینکه بانک ژاپن (BOJ) از اواخر دهه ۱۸۰۰ تأسیس شده است، تا همین اواخر از وزارت دارایی (MoF) مستقل نبود. دولت ژاپن در سال ۱۹۹۸ قوانینی تصویب کرد که کنترل بر سیاست‌های مالی را به عهده BOJ می‌گذاشت.

توجه داشته باشید که مسئولیت سیاست‌های ارزی همچنان با وزارت دارایی است، که موجب تنش و اختلافات مداومی بین این دو سازمان است.

به طور معمول دولت و بانک مرکزی مستقل از هم عمل می‌کنند – هیچ‌یک نباید بر دیگری اثر بگذارد. اما در ژاپن اینطور نیست. با اینکه BOJ از دولت مستقل شده است، سوال این است که در واقع << کدام نهاد مسئول است >>.

MoF دائماً BOJ را کنترل کرده آن را به تصویب قوانینی وادار می‌کند که به رسیدن ین به اهداف ارزی MoF کمک کند. هدف اصلی BOJ نیز مانند هر بانک مرکزی دیگر ثبات قیمت است. بانکداران نینجای BOJ از عملیات بازار آزاد و تغییر نرخ بهره برای رسیده به اهداف خود استفاده می‌کنند.

یکی از مواردی که باید در مورد BOJ بدانید این است که برای مدت بسیار طولانی نرخ سود را پایین نگه داشته است، و در حال حاضر نرخ سودش رقمی بین ۰.۰۰٪ تا ۰.۱۰٪ است. از آنجایی که این نرخ سود خود به خود بسیار پایین است، بانک مرکزی نمی‌تواند برای ایجاد نقدینگی یا تحریک رشد اقتصادی از کاهش نرخ سود استفاده کند.



برای مثال، BOJ برای مبارزه با تورم شوریکن ها را از بازار جمع کرده از طریق عملیات نامتعارف تسهیل کمی، جریان نقدی زیادی را وارد بازار کرده است.

عملیات تسهیل کمی اقداماتی هستند که بانک های مرکزی برای افزایش دادن نقدینگی و ذخیره پولی از طریق خرید سهام دولت انجام می دهند.

گاهی به این اقدام <<چاپ پول>> می گویند، زیرا بانک مرکزی در واقع از هوا پول درست می کند تا سهام دولت را بخرد. قاعداً، افزایش عرضه پول موجب افزایش وام و هزینه می شود.

ژاپن در طی سالیان با اجرای برنامه های متفاوتی در اقتصاد که موجب خرید و فروش اوراق قرضه و اسناد مالی دولت در بازار نقدینگی می شوند، در بازار نقدینگی ایجاد کرده است.

## آشنایی با JPY

ین آنقدر سرسخت بوده است که هیچگاه نام دیگری را نپذیرفته است. با نام ین وارد بازار ارز شده است و تا کنون نیز ین نام دارد. ین، ین است که ین است. ین همچنین در جفت های ارزی، به ویژه در مقابل EUR، GBP، و AUD فعال است.

بازرگانان من را دوست دارند همانطور که ژاپنی ها سوشی را دوست دارند.

JPY پس از USD و EUR پر معامله ترین واحد پول جهان است، و USD/JPY دومین جفت ارزی پر معامله هستند. بدلیل نقش مهم ژاپن در تجارت بین الملل، معاملات جهانی برای کامل شدن نیازمند JPY هستند.

آماده شور آسیایی هستید؟

سرمایه گذاران زمان فکر کردن به آسیا ناخودآگاه به ژاپن فکر می کنند. از آنجایی که توکیو یکی از مراکز مالی بزرگ دنیاست، اغلب از ژاپن با عنوان نماینده آسیا یاد می شود.

ژاپن معمولاً شریک تجاری اصلی سایر قدرت های آسیایی است. تجارت خوب در آسیا معمولاً بازتابی از عملکرد نیکی، بورس سهام اصلی توکیو، است.

همیشه در حال تغییریم...

از آنجایی که گزارش های ژاپن در طول جلسه آسیا منتشر می شوند، کاملاً طبیعی است که معامله ین در طول جلسه آسیا فعال باشد (0:00 GMT).

بسته به نوع داده های اقتصادی منتشر شده، ین می تواند در سایر جلسات نیز فعال باشد. دور از انتظار هم نیست – این بخشی از فرهنگ ژاپنی است، ژاپنی ها شبانه روز در حال تجارتند!

... اما چنگی هم به دل نمی زنم!

در حالیکه بسیاری از سرمایه گذاران در پی بیشترین نرخ سود هستند، برخی به تجارت حمل متوسل می شوند. از آنجایی که JPY دارای پایین ترین نرخ سود است، معمولاً به عنوان منبع بودجه در تجارت حمل مورد استفاده قرار می گیرد.

ژاپنی ها معمولاً مثل هم فکر می کنند.

مدیران سرمایه ژاپنی معمولاً تصمیم های سرمایه گذاری مشابهی می گیرند. و این موجب موقعیت هایی با همبستگی بالا می شود، به این معنا که می توان روند توسعه را پیش بینی کرد.

من مستعد تغییرات ناگهانی هستم...

یکی از ویژگی های جفت های ارز ین این است که برای مدتی رکود پیدا می کنند، سپس ناگهان تغییر می کنند، و بعد دوباره راکد می شوند، و بعد دوباره تغییر می کنند! حسابی حواستان را جمع کنید چون هیچ کس نمی داند چه زمانی این اتفاق می افتد!

... و با چین رابطه عشق و نفرت دارم

با ظهور چین به عنوان یک قدرت اصلی در جهان، تأثیر آن روی JPY همچنان رو به افزایش است. اگر نشانه ها حاکی از رشد اقتصاد چین باشند، ممکن است روی تقاضای JPY نیز اثر گذار باشد.

اما چطور؟

همانطور که گفته شد، چین یکی از شرکای تجاری اصلی ژاپن است. طبیعتاً، با رونق یافتن اقتصاد چین، نیاز چین به واردات از ژاپن بیشتر می شود. و این به نوبه خود تقاضای JPY و ارزش آن را افزایش می دهد.

شاخص های اقتصادی مهم برای JPY

تولید ناخالص داخلی – این شاخص میزان فعالیت اقتصادی ژاپن را اندازه گیری می کند. و نشان می دهد که آیا اقتصاد در ژاپن مثل گدازه های کوهستان فوجی آتشین و پر رونق است یا رو به افول و زوال است.

نظرسنجی تنکان – این گزارش ها از مدیران طیف وسیعی از صنایع نظر سنجی کرده دیدگاه آنها در مورد اقتصاد را جویا می شوند. حس ترقی (نمرات بالای ۰.۰) نشان می دهد که تاجران ژاپنی انتظار دارند فعالیت تجاری رشد داشته باشد. نمرات زیر ۰.۰ خلاف این را نتیجه می دهند.

تراز تجاری - اقتصاد ژاپن به شدت به صادرات وابسته است. کاهش میزان صادرات می تواند منجر به کاهش فعالیت های اقتصادی شود.

نرخ بیکاری - این شاخص نرخ بیکاری در ژاپن را اندازه گیری می کند. نرخ بالای بیکاری می تواند منجر به کاهش هزینه مصرف کننده شود - بیکارها چگونه می توانند از پس مخارج بازی های ویدئویی و انیمیشن برآیند؟؟

شاخص قیمت مصرف کننده (CPI) - بانک ژاپن در گذشته نشان داده است که به راحتی حاضر است در راستای مقابله با تورم اقدام کند. اگر روند حاکی از این باشد که قیمت شمشیرهای سامورایی و شوریکن ها مداوماً کاهش پیدا خواهد کرد، ممکن است BOJ اقدامات غیر منتظره ای در این رابطه داشته باشد.

سفارشات ماشین آلات اصلی - بخش عظیمی از صادرات ژاپن را سفارشات ماشین آلات تشکیل می دهد. افزایش یا کاهش میزان سفارش ماشین آلات اصلی می توان نشان دهنده وضعیت فعلی تجارت در ژاپن باشد.

چه چیز روی JPY اثر می گذارد

اثرات سرمایه گذاری

نظر به پایین بودن نرخ سود JPY، این واحد پول به عنوان منبع بودجه خوبی برای سرمایه گذاری در سایر کشورها به شمار می رود. به این معنا که اگر تاجران و سرمایه گذاران احساس خطر کنند، روی دارایی های پربازده تر سرمایه گذاری می کنند. زمانیکه تاجران دست به رها کردن این موقعیت های پرخطر تر (تجارت حمل) می زنند، مجبور خواهند بود برای پوشش دهی معاملات کوتاه مدت JPY دست به بازخرید این واحد پول بزنند.

اثر BOJ

منظور از این اثر، اثرات اعلام شده و برنامه ریزی شده نیست. منظور مداخله ارز است! BOJ و MoF توجه ویژه ای به بازارهای FX دارند. از آنجایی که اقتصاد ژاپن وابستگی زیادی به صادرات دارد، ارزش ین نقش کلیدی ای در تجارت بازی می کند.

BOJ تمایلی به افزایش بیش از حد ارزش ین ندارد زیرا این امر می تواند موجب گران تر شدن نسبی صادرات ژاپن شود. با پایین نگه داشتن ارزش ین، می توانند تقاضای محصولات ژاپنی را افزایش دهند و این به نوبه خود برای اقتصاد کشور مفید است.

مبادله USD/JPY

USD/JPY به مقادیر تعیین شده توسط ارز پایه، دلار ایالات متحده، مبادله می شود. سایز لات استاندارد ۱۰۰،۰۰۰ واحد USD و سایز لات مینی ۱۰،۰۰۰ واحد است. بسیاری از کارگزاران در حال حاضر اندازه لات قابل تنظیم تا ۱ واحد را نیز پیشنهاد می دهند.

تغییر در ارزش این جفت توسط ارز جاری، این ژاپن، تعیین می شود. دقت کنید که برای جفت های ارزی شامل ین، محل دهنده ۰.۰۱ است. بنابراین، تغییر در ارزش USD/JPY از ۹۵.۰۰ به ۹۵.۰۱، ۱ پیپ تغییر است.

مانند هر جفت ارز، تغییر ارزش توسط ارز جاری تعیین می شود. سود و زیان بر حسب ین ژاپن محاسبه می شود و سپس به ارز پایه تبدیل می شود. برای یک لات استاندارد، هر پیپ تغییر برابر 1000 JPY است. برای یک لات مینی، هر پیپ تغییر به اندازه 100 JPY است. برای مثال، اگر نرخ فعلی جفت ارزی USD/JPY برابر ۹۵.۰۰ باشد و بخواهید یک لات استاندارد مبادله کنید، آنگاه یک پیپ برابر با 10.52 USD خواهد بود (به درس پیپ ها و پیپت ها در مورد چگونگی محاسبه ارزش پیپ مراجعه کنید).

محاسبات حاشیه ای بر حسب دلار آمریکا هستند. برای مثال، برای مبادله 100,000 USD/JPY با نسبت بدهی به دارایی خالص ۱:۱۰۰ باید ۱۰۰۰ دلار آمریکا کنار بگذارید.

### تاکتیک های تجاری USD/JPY

USD/JPY معمولاً از روند های کوتاه تا میان مدت، که چند روز به طول می انجامد، پیروی می کند. اگر در پی یک تجارت نوسانی هستید، یعنی تجاری که دارای روندی بیش از یک روز است، می توانید سعی کنید با تغییرات نرخ در مسیر مخالف روند قبلی هماهنگ شوید.

وقتی قیمت رو به تحکیم می گذارد، می توانید موقعیت خود را ببندید، و منتظر ظهور یک روند دیگر باشید. توجه داشته باشید که وقتی قیمت به طور ناگهانی تغییر می کند، احتمالاً شاهد تغییری پایدار خواهید بود زیرا تاجران دوباره وارد روند می شوند.

نکته دیگری که باید به یاد داشته باشید این است که شرکت های صنعتی ژاپن معمولاً سفارش های خود را با ارقام رندی مثل ۱۰۰.۰۰ یا ۹۰.۵۰ تنظیم می کنند. باید دقت کنید که قیمت چه زمانی به این ارقام نزدیک می شود، چراکه این ارقام می توانند به عنوان حمایت کوتاه مدت و سطح مقاومت عمل کنند.

در آخر، باید به سایر جفت های ارزی ین مثل EUR/JPY و GBP/JPY نیز دقت کنید. اگر یکی از این جفت ها نزدیک به رد کردن یک سطح فنی کلیدی باشد، ممکن است منجر به سیل عظیم خرید و فروش JPY شود که اثرات کَلّی زیادی را با خود به همراه خواهد داشت.



برای آگاهی دائم از وضعیت اقتصادی ژاپن، به تفسیر ژاپن پیپ دیدی در فروم ما سر بزنید.

### کانادا

کانادا... رفیق مهربان، و طبیعت دوست، تحت تأثیر فرانسه، و نیمه یخ بسته عمو سم در شمال قاره آمریکا که خالق برخی از شگفت انگیز ترین چیز های جهان، مثل بسکتبال، بیسبال، شربت افرا، و اسمارتیز بوده است.

کانادا، که منطقه جغرافیایی اش بیشتر محدوده آمریکای شمالی را به خود اختصاص می دهد، از اقیانوس اطلس تا شرق اقیانوس آرام کشیده شده است. این کشور از ده استان و سه منطقه تشکیل شده است و یکی از توسعه یافته ترین کشور های جهان به شمار می آید.

کانادا از نظر وسعت بلافاصله پس از روسیه و در جایگاه دوم جهان قرار دارد! با توجه به وسعت زیاد و سهم بسزایی که کانادا در جهان دارد، می توان تصور کرد که واحد پول داخلی اش، دلار کانادا، تا چه حد برای تجارت در بازار فارکس مهم است.



کانادا: حقایق، چهره های برجسته، و ویژگی ها

- همسایه ها: ایالات متحده آمریکا
- مساحت: ۳,۸۵۵,۱۰۱ مایل مربع
- جمعیت: ۳۳,۴۷۶,۶۸۸ نفر
- تراکم جمعیت: ۸.۳ نفر در هر مایل مربع
- پایتخت: اوتاوا
- رئیس دولت: فرماندار کل لوید جانستون به نمایندگی از ملکه الیزابت II
- نخست وزیر: استفن هارپر
- واحد پول: دلار کانادا (CAD)
- واردات اصلی: تجهیزات و ماشین آلات، وسایل نقلیه موتوری و قطعات آن ها، وسایل الکترونیکی، نفت خام، مواد شیمیایی، برق، کالا های مصرفی بادوام

- صادرات اصلی: وسایل نقلیه موتوری و قطعات آنها، ماشین آلات صنعتی، هواپیما، تجهیزات ارتباط از راه دور، وسایل الکترونیکی، مواد شیمیایی، مواد پلاستیکی، کود های شیمیایی، خمیر چوب، الوار، نفت خام، گاز طبیعی، برق، آلومینیوم، استیونش، سیدنی کرازی
- شرکای وارداتی: ایالات متحده ۵۰.۴٪، چین ۱۱٪، مکزیک ۵.۵٪
- شرکای صادراتی: ایالات متحده ۷۲.۳٪، ژاپن ۲.۵٪
- منطقه های زمانی: GMT -4, GMT -5, GMT -6, GMT -7, GMT -8
- وبسایت: <http://www.canada.gc.ca/home.html>

#### وضعیت اقتصادی

کانادا کشوری مبتنی بر منابع است، که اصولاً یعنی رشد اقتصادی ای که در ابتدا داشته است از استفاده و صادرات منابع طبیعی اش حاصل شده است.

طبق IMF، اقتصاد کانادا دهمین اقتصاد بزرگ جهان است که آن را بخشی از G8 جهان کرده است. کانادا هفتمین تولید کننده بزرگ طلا و هفتمین تولید کننده بزرگ نفت است.

کانادا علی رغم داشتن صنایع تولیدی قوی، در واقع بیشتر GDP خود را وام دار بخش خدمات است. بخش خدمات پیشرفته این کشور از هر چهار نیروی کار کانادایی سه نفر را به استخدام خود درآورده و حدود ۷۰٪ از GDP کشور را تشکیل می دهد. دفعه بعدی که یک کانادایی را می بینید، با او شرط ببندید که در صنایع خدماتی کار می کند. به احتمال زیاد شرط را خواهید برد!

اقتصاد کانادا در ژانویه ۱۹۸۹ زمانیکه توافقنامه تجارت آزاد بسته شد شروع به پیشرفت کرد. این توافقنامه اساساً همه عوارض (یعنی مالیات بر تجارت) بین ایالات متحده و کانادا را از میان برداشت. در نتیجه، در حال حاضر کانادا بیش از ۷۰٪ از کالاهای خود را به ایالات متحده صادر می کند.

#### سیاست های پولی و مالی

بانک کانادا (BOC) سازمان تصمیم گیرنده اصلی در مورد سیاست های مالی است. تصمیمات سیاست های مالی توسط شورای حاکم، که از رئیس بانک، معاون ارشد و چهار معاون دیگر تشکیل شده است، گرفته می شود.

BOC برخلاف بیشتر بانک های مرکزی دیگر، زمان معینی برای تغییر سیاست های خود ندارد. اعضای شورا هر روز کاری با هم ملاقات داشته می توانند در هر زمان طبق میل خود سیاست های مالی را تغییر دهند.

حکم عمومی این بانک مانند سایر بانک های مرکزی است چراکه هدف اصلی اطمینان حاصل کردن از ثبات ارزش دلار کانادا و این است که نرخ تورم بین ۱ تا ۳٪ باشد. BOC با عملیات بازار آزاد و اصلاح دائمی نرخ بانک در این جهت گام بر می دارد.

BOC عملیات بازار آزاد خود را با استفاده از روشی به نام سیستم انتقال مقادیر بالا (LVTS) پیاده سازی می کند. LVTS به همه بانک های تجاری کانادا این امکان را می دهد که از هم وام گرفته به هم وام دهند تا بتوانند اقدامات روزانه خود را انجام دهند. حال، نرخ سود در نظر گرفته شده برای این مبادلات نرخ بانک نام دارد. BOC می تواند با تغییر دادن نرخ بانک جریان نقدی اقتصاد را تحت کنترل داشته باشد.

برای روشن شدن مطلب، فرض کنید نرخ بانک ۲.۰۰٪ تعیین شده باشد. BOC در یکی از نشست ها متوجه می شود که ارزش CAD با سرعتی بیش از حد انتظار رو به کاهش گذاشته است، و این منجر به افزایش قیمت کالاها و خدمات کسب و کارهای مختلف شده است. در اینحالت BOC تصمیم می گیرد نرخ بانک را به ۲.۵۰٪ افزایش دهد.

با بالا رفتن نرخ بانک، سود پرداختی به وام دهندگان افزایش پیدا می کند که به نوبه خود احتمال گرفتن وام اضافی توسط بانک ها، کسب و کارها و مصرف کنندگان را کاهش می دهد. حال، از آنجایی که مصرف کنندگان پول نقد کمتری دارند، احتمال خرج کردنشان پایین می آید، و این از بالاتر رفتن تورم جلوگیری می کند. کدام کسب و کار عاقلانه ای است که وقتی کسی خرید نمی کند قیمتش را بالا ببرد؟

### آشنایی با CAD

شاید برایتان سؤال باشد که چرا به CAD نام پرندۀ ملی کانادا، لونی، داده شده است... دلیلش این است که طرح حک شده روی سکه های کانادا تصویر این پرندۀ است! در ادامه به سایر ویژگی های جالب لونی می پردازیم:

### من و نفت

از نظر تاریخی، قیمت نفت با USD/CAD همبستگی زیادی داشته است. قانون کلی این است که وقتی قیمت نفت رو به افزایش می گذارد، ارزش CAD هم در پی آن بالا می رود. اگر پیش بینی شده باشد که طی چند سال آینده قیمت نفت افزایش می یابد، بهتر است USD/CAD را بفروشید!

ساعت کاری کمی داریم...

اصولاً USD/CAD در بیشتر ساعات روز تغییر چشمگیری ندارد. USD/CAD تنها در طول فصل مشترک جلسات تجاری اروپا و آمریکا یعنی زمانی که تاجران آمریکایی مشغول صبحانه خوردن هستند تغییر می کند.

... برخلاف رفیق شفیقم، USD...



یک نکته مهم در مورد مبادله USD/CAD این است که وابستگی زیادی به اقتصاد ایالات متحده دارد. به یاد داشته باشید که ایالات متحده آمریکا و کانادا علاوه بر اینکه همسایه هستند با هم تبادلات زیادی نیز دارند. وقتی اقتصاد ایالات متحده دارای رشدی چشمگیر است، اقتصاد کانادا نیز معمولاً بلافاصله پس از اقتصاد آمریکا قرار دارد! بنابراین وقتی تصمیم به مبادله CAD دارید، ببینید اوضاع اقتصادی آمریکا چقدر خوب (یا بد) است.

... با اینحال در طول جلسه ایالات متحده آمریکا تغییر می کنم.

CAD معمولاً تا زمان جلسه معاملاتی ایالات متحده، حدود ساعت ۱:۰۰ بعد از ظهر GMT تغییری نمی کند. CAD در طول جلسه معاملاتی آسیا و جلسه معاملاتی صبح اروپا تغییری نمی کند.

### شاخص های اقتصادی مهم برای CAD

شاخص قیمت مصرف کننده (CPI) – هدف بانک کانادا مانند هر بانک مرکزی دیگر اطمینان حاصل کردن از این است که تورم از کنترل خارج نشود. از آنجایی که شاخص قیمت مصرف کننده افزایش (یا کاهش) قیمت کالاها و خدمات مصرف کنندگان را نشان می دهد، معامله گران ارز بدقت این گزارش را مطالعه می کنند.

تولید ناخالص داخلی (GDP) – GDP گسترده ترین شاخص فعالیت اقتصادی کاناداست. که نشان می دهد کشور رو به رشد هست یا نه.

تراز تجاری – اقتصاد کانادا نیز مانند اقتصاد سایر کشورهای مبتنی بر کالا تا حد زیادی تحت تأثیر تغییرات موجود در فعالیت های صادرات و وارداتش است.

شاخص مدیران خرید ایوی (PMI) – PMI یک نظر سنجی است که برای بررسی اینکه آیا کسب و کارها در مورد اقتصاد کشور خوشبین یا بدبین هستند طراحی شده است. نمره بالای ۵۰.۰۰ به این معناست که شرایط در بخش کسب و کار رو به رشد است درحالیکه نمره زیر ۵۰.۰۰ خلاف این را نشان می دهد.

چه چیز موجب تغییر CAD می شود؟

داده های اقتصادی ایالات متحده آمریکا

معمولاً اطلاعات اقتصادی آمریکا تقریباً همزمان با اطلاعات اقتصادی کانادا منتشر می شود. از طرفی، اطلاعات منفی از جانب آمریکا و اطلاعات مثبت از جانب کانادا می تواند منجر به کاهش اساسی ارزش USD/CAD شود. از طرف دیگر، اطلاعات مثبت از جانب آمریکا و اطلاعات منفی از جانب کانادا می تواند ارزش USD/CAD را به طور سرسام آوری بالا ببرد!

ادغام ها و اکتساب ها

بدلیل مجاورت بین آمریکا و کانادا، ادغام شرکت ها و اکتساب به وفور روی می دهد. این موجب گردش مالی بسیار زیادی بین این دو کشور می شود که تأثیر بسزایی روی بازار ارز دارد.

برای مثال، وقتی یک شرکت آمریکایی قصد خرید یک شرکت کانادایی را داشته باشد، برای تکمیل معامله باید ابتدا دلار های آمریکایی خود را به دلار کانادایی تبدیل کند. تصور کنید که تنها برای عقد یک قرارداد چقدر پول در بازار ارز جابه جا می شود!

### مبادله USD/CAD

USD/CAD بر اساس مقادیر تعیین شده توسط USD مبادله می شود. اندازه لات استاندارد ۱۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا و اندازه لات مینی ۱۰،۰۰۰ دلار آمریکاست.

ارزش پیپ که توسط دلار کانادا تعیین می شود با تقسیم ۱ پیپ USD/CAD (یعنی ۰.۰۰۰۱) بر نرخ فعلی USD/CAD محاسبه می شود.

سود و زیان توسط دلار کانادا تعیین می شوند. برای یک لات استاندارد، هر پیپ تغییر برابر با ۱۰ دلار کاناداست. برای یک لات مینی، هر پیپ تغییر به اندازه ۱ دلار کاناداست. برای مثال، اگر نرخ فعلی ارز USD/CAD ۱.۱۰۰۰ باشد و بخواهید یک لات استاندارد مبادله کنید، یک پیپ برابر ۹.۹۰ دلار آمریکا خواهد بود.

محاسبات حاشیه ای بر اساس دلار آمریکا هستند. با نرخ بدهی به دارایی خالص ۱:۱۰۰، ۱۰۰۰ دلار آمریکا برای مبادله ۱۰۰،۰۰۰ USD/CAD لازم است.

### تاکتیک های مبادله USD/CAD

از آنجایی که USD/CAD تنها در طول جلسه معاملاتی ایالات متحده فعال است، تا حد زیادی طی دو جلسه معاملاتی دیگر در معرض جعل قرار دارد. به این معنی که رد شدن از سطح حمایت قابل توجه در USD/CAD در طول جلسه معاملاتی صبح اروپا اغلب جعلی است.

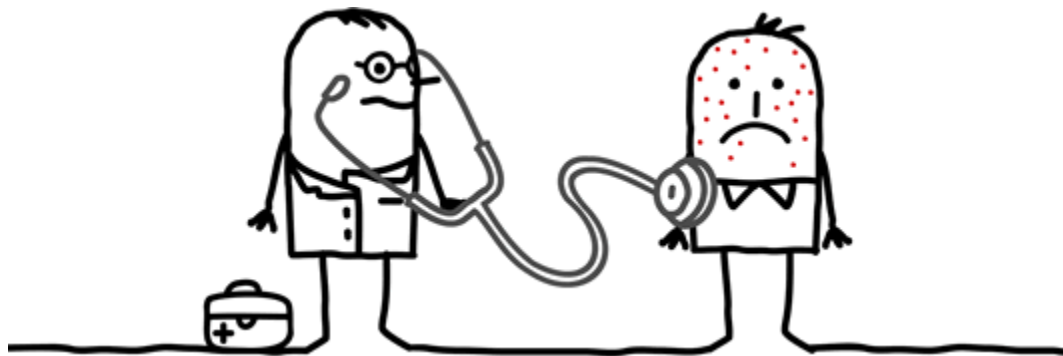
توجه به تفاوت های نتایج اطلاعات اقتصادی بین آمریکا و کانادا نیز راه خوبی برای پی بردن به روند آتی USD/CAD است. از آنجایی که اطلاعات آمریکا و کانادا با اختلاف چند ساعت یا چند دقیقه منتشر می شوند، اختلاف در نتایج اصولاً موجب تغییرات زیادی می شوند.

برای مثال، اطلاعات منفی آمریکا همراه با اطلاعات مثبت کانادا دلیل خوبی برای فروش USD/CAD است.

در آخر، علاوه بر توجه به اطلاعات اقتصادی، تحلیل رفتار قیمت نفت نیز می تواند در مبادله CAD مفید باشد.

از آنجایی که کانادا یکی از بزرگترین تولید کنندگان نفت دنیا به شمار می رود، تغییر در قیمت نفت تأثیر زیادی روی ارزش CAD می گذارد. در واقع، از سال ۱۹۸۸، نرخ ارز USD/CAD و قیمت نفت تا ۶۸٪ همبستگی معکوس داشته اند.

چطور می توان از این موضوع به نفع خود استفاده کرد؟ اگر در طول زمان به افزایش قیمت نفت در پمپ بنزین محل خود پی بردید، می توانید اطمینان حاصل کنید که زمان فروش USD/CAD فرا رسیده است.



پی گیری روزانه حجم عظیم مقالات اقتصادی کانادا بسیار طاقت فرساست. برای اطلاعات کامل و به روز به تفسیر اقتصادی کانادا در پیپ دیدی که روزانه به روز رسانی می شود رجوع کنید.

## استرالیا

استرالیا که از آن با عنوان کشور مشترک المنافع استرالیا یاد می شود در نیم کره جنوبی درست در جنوب شرقی آسیا واقع شده است.

استرالیا که بزرگترین جزیره جهان به شمار می آید تنها کشور روی زمین است که یک قاره را تشکیل می دهد!

پیش از ورود مهاجران اروپایی به استرالیا در سال ۱۷۸۸، بیشتر ساکنین این کشور را بومیان منطقه تشکیل می دادند.

از آن زمان به بعد، افراد از سراسر دنیا به استرالیا مهاجرت کرده آن را تبدیل به یکی از پر تنوع ترین کشور ها از نظر فرهنگی کرده اند. در حال حاضر افرادی از بیش از ۲۰۰ کشور مختلف در استرالیا زندگی می کنند.

آخرین و شاید مهمترین نکته این باشد که استرالیا برای پرورش بدجنس ترین و سرسخت ترین بازیگران از جمله مل گیبسون دلاور؛ هیو جکمن خونخوار؛ و طناز افسانه ای، هت لجر معروف است!

علاوه بر این، استرالیا دارای کانگوروهای مکانیکی، گورکن های تانکی، و پلیکان های بمب افکن است. بنابراین سایر جهانیان به ناچار باید نام یک قاره را به این کشور می دادند.



استرالیا: واقعیت ها، چهره های برجسته، و ویژگی ها

- همسایه ها: نیوزلند، گینه نو، اندونزی
- مساحت: ۲،۹۶۹،۹۰۷ مایل مربع
- تراکم جمعیت: ۷.۳ نفر به ازای هر مایل مربع
- پایتخت: کانبرا (جمعیت ۳۵۸،۲۲۲ نفر)
- رئیس کشور: ملکه الیزابت II
- رئیس دولت: نخست وزیر جولیا گیلارد
- واحد پول: دلار استرالیا (AUD)
- واردات اصلی: ماشین الات و ترابری، تجهیزات الکتریکی و ارتباطی؛ نفت خام و فرآورده های نفتی
- صادرات اصلی: سنگ های معدنی و فلزات؛ پشم، خوراک و دام زنده؛ سوخت، ماشین آلات و تجهیزات ترابری، هیو جکمن، نیکول کیدمن، هت لجر
- شرکای وارداتی: چین ۱۹.۲٪، ایالات متحده آمریکا ۱۲.۱٪، ژاپن ۷.۸٪، سنگاپور ۵.۳٪، آلمان ۵.۱٪
- شرکای صادراتی: چین ۲۶.۴٪، ژاپن ۱۹.۱٪، کره جنوبی ۹.۲٪، هند ۶.۴٪، تایوان ۳.۷٪

▪ منطقه زمانی: GMT +10

▪ وبسایت: <http://www.australia.gov.au>

#### وضعیت اقتصادی

اقتصاد استرالیا در مقایسه با کشور های G7 نسبتاً کوچک است. اما به گفته بانک جهانی، GDP استرالیا به ازای هر فرد حتی از بریتانیا، آلمان و حتی آمریکا بالا تر است!

اقتصاد استرالیا در پانزده سال گذشته به طور میانگین سالانه ۳.۶٪ رشد داشته است، که بالاتر از حد متوسط ۲.۵٪ جهانی است. و از همین رو رتبه سوم شاخص رفاه ۲۰۱۱ موسسه لگاتوم را به خود اختصاص داده است!

اقتصاد استرالیا تا حد زیادی مبتنی بر خدمات است، و بیش از ۷۰٪ از GDP خود را وام دار صنایعی چون صنایع مالی، آموزشی و گردشگری است.

استرالیا علی رغم صادرات قوی و رشد چشمگیرش به کسری حساب جاری بالا بدنام شده است. این به این معناست که استرالیا از منابع بیشتری از سایر اقتصاد ها برای برآورده کردن نیاز های مصرفی داخلی استفاده می کند.

#### سیاست های پولی و مالی

بانک مرکزی استرالیا (RBA) حرف اصلی سیاست های پولی و مالی را در استرالیا می زند. RBA دارای اهدافی سه گانه است:

۱. ثابت نگه داشتن نرخ ارز

۲. اطمینان حاصل کردن از رشد اقتصادی

۳. حفظ اشتغال کامل

این بانک مرکزی بر این باور است که به منظور رسیدن به این اهداف، نرخ تورم باید بین ۲ تا ۳ درصد نگه داشته شود. با مهار کردن تورم، ارزش پول داخلی حفظ می شود، و این سرانجام منجر به رشد اقتصادی پایدار می شود.

RBA چطور تورم را کنترل می کند؟ به دو روش: تنظیم نرخ بهره و انجام عملیات بازار آزاد.

نرخ بهره نرخ سودی است که توسط بانک های وام دهنده به وام های یک شبه گرفته شده توسط سایر موسسات مالی تعلق می گیرد.

از طرف دیگر، عملیات بازار آزاد روشی است که RBA بوسیله آن عرضه پول را از طریق خرید و فروش وام‌ها یا سایر دارایی‌های مالی دولت کنترل می‌کند. RBA به استثنای ماه ژانویه، هر ماه نشست داشته تغییرات لازم در سیاست‌های مالی را به بحث می‌گذارد.

برای روشن شدن مطلب، به این مثال توجه کنید. فرض کنید تورم در استرالیا با سرعت بسیار بیشتر از انتظار بانک مرکزی بالا برود. بانک برای مهار کردن نرخ تورم تصمیم می‌گیرد نرخ بهره را بالا ببرد تا هزینه وام گرفتن توسط ... توسط وام‌گیرندگان به طور مؤثری بالا رود.

طبیعتاً این اقدام وام‌دادن و میزان کل پول در جریان را کاهش می‌دهد. و قانون پایه عرضه و تقاضا حاکی از آن است که هرچه چیزی کمیاب‌تر باشد، ارزشش بیشتر است!

## آشنایی با AUD

اگرچه فصول در استرالیا نسبت به سایر نقاط جهان متفاوت است، استرالیایی‌ها همیشه سر وقت و فعال هستند. این عمدتاً به این دلیل است که بازار استرالیا اولین بازاریست که هر هفته باز می‌شود! واحد پول استرالیا، AUD، نیز مانند افرادی که در استرالیا زندگی می‌کنند آزی نام دارد.

بی‌جهت نیست که مرا دلار کالا می‌نامند...

یکی از ویژگی‌های مهم AUD همبستگی مثبت و بالای آن با قیمت طلاست. آن هم به این دلیل که استرالیا سومین حفار بزرگ طلا... بخشید، تولیدکننده بزرگ طلا در جهان است. در نتیجه، با افزایش و کاهش قیمت طلا، قیمت AUD نیز افزایش و کاهش می‌یابد.

... من یکی از بهترین گزینه‌های تجارت حمل هستم.

AUD در مقایسه با سایر واحد‌های پولی مهم دارای نرخ بهره بالاییست. و این موضوع آن را تبدیل به گزینه خوبی برای تجارت حمل کرده است. تجارت حمل یعنی خرید یک ارز با نرخ بهره بالا در مقابل ارزی با نرخ بهره پایین.

تنها چند ساعت در روز فعال هستم...

بیشتر تغییرات AUD طی جلسه معاملاتی آسیا، زمانیکه اطلاعات اقتصادی استرالیا منتشر می‌شود، صورت می‌گیرد.

... هوای بد یکی از بدترین دشمنان من به شمار می‌رود!

با توجه به کالا محور بودن اقتصاد استرالیا، شرایط جوی نامساعد می تواند مانع اساسی ای برای رشد استرالیا باشد که منجر به ارزان شدن AUD می شود.

تأثیر شرایط جوی روی AUD تا چه حد جدی است؟

به عنوان مثال طی خشکسالی ۲۰۰۲ در استرالیا، AUD/USD به ۰.۴۷۷۰ رسید - که تقریباً نصف نرخ ارز فعلی است!

شاخص های اقتصادی مهم استرالیا

شاخص قیمت مصرف کننده - از آنجایی که هدف اصلی RBA کنترل تورم است، بانک مرکزی بدقت CPI را، که تغییر کلی در قیمت مصرف کننده کالا و خدمات را اندازه گیری می کند، تحت نظر دارد.

تعادل تجارت - استرالیا دارای بخش تجاری بسیار قوی ای است بنابراین معامله گران ارز و مقامات بانک تغییرات موجود در سطوح صادرات و واردات را تحت نظر دارند.

تولید ناخالص داخلی - این شاخص نشان دهنده میزان موفقیت اقتصاد استرالیا است. مقادیر مثبت نشان دهنده رشد اقتصادی و مقادیر منفی نشان دهنده رکود اقتصادیست.

نرخ بیکاری - نرخ بیکاری نشان می دهد چند نفر از نیروی کاری استرالیا بیکار هستند. تعداد افراد شاغل، یا در این مورد، تعداد افراد بیکار دارای همبستگی بالایی با فعالیت اقتصادی است. بیکار بودن مساوی با این است که فرد بیکار پول کمتری برای خرج کردن دارد.

چه چیزی موجب تغییر AUD می شود

چشم انداز اقتصادی و نرخ بهره

AUD بشدت تحت تأثیر عوامل اقتصاد کلان از جمله سیاست های مالی، نرخ بهره و اطلاعات اقتصاد داخلی است.

در هنگام معامله AUD، همیشه به چشم انداز نرخ بهره توجه ویژه داشته باشید. برای مثال، نظرات مقامات RBA در مورد نرخ بهره می تواند اثر قابل توجهی روی AUD داشته باشد.

اقتصاد چین

در بخش عمده دهه گذشته، چین موفقیت های پی در پی و رشد کلانی داشته است. چین برای تولید کالا های نهایی بسیاری از مواد خام خود مانند زغالسنگ و سنگ آهن را از استرالیا وارد می کند.

چین باید برای خرید مواد خام از استرالیا ابتدا واحد پول خود را به AUD تبدیل کند. این یعنی تقاضای بیشتر برای کالا های چینی می تواند منجر به افزایش ارزش AUD شود.

به همین ترتیب، کاهش تقاضا برای کالا های چینی می تواند منجر به کاهش ارزش AUD باشد.

#### اطلاعات نیوزلند

اطلاعات اقتصادی نیوزلند نیز بر قیمت AUD اثر می گذارد، البته نه به اندازه اطلاعات اقتصادی چین. دقت داشته باشید که اقتصاد نیوزلند شباهت زیادی به اقتصاد استرالیا دارد و این باعث همبستگی بالا بین واحد پول این دو کشور است.

در واقع، گاهی از رابطه بین این دو کشور با عنوان <<ترانس-تاسمان>> یاد می شود که نشان دهنده نزدیکی زیاد اقتصاد این دو کشور و وجود دریای تاسمان در بین آنهاست.

بنابراین، مهم است که از اطلاعات اقتصادی مهم نیوزلند با خبر باشید چراکه می تواند به طور غیر مستقیم موجب تغییر در AUD شود.

#### مبادله AUD/USD

AUD/USD به مقادیر تعیین شده توسط AUD مبادله می شود. اندازه لات استاندارد ۱۰۰،۰۰۰ AUD و اندازه لات مینی 10,000 AUD است.

ارزش پیپ، که توسط دلار آمریکا تعیین می شود، با تقسیم ۱ پیپ AUD/USD (یعنی ۰.۰۰۰۱) بر نرخ فعلی AUD/USD محاسبه می شود.

سود و زیان بر اساس دلار آمریکا تعیین می شوند. برای یک لات استاندارد، هر پیپ تغییر برابر با ۱۰ دلار آمریکاست. برای یک لات مینی، هر پیپ تغییر برابر با ۱ دلار آمریکاست.

محاسبات حاشیه ای بر اساس دلار آمریکا هستند. برای مثال، اگر نرخ فعلی AUD/USD ۰.۹۰۰۰ باشد و نسبت بدهی به دارایی ۱۰۰:۱ باشد، ۹۰۰ دلار آمریکا در حاشیه موجود برای مبادله لات استاندارد ۱۰۰،۰۰۰ دلار استرالیا لازم است. اما، با افزایش AUD/USD به حاشیه موجود USD بیشتری نیاز است. برعکس، هر چه نرخ AUD/USD کمتر باشد، حاشیه موجود کمتری لازم است.

#### تاکتیک های مبادله AUD/USD



از آنجایی که AUD یکی از بهترین گزینه های تجارت حمل، یعنی خرید واحد پول با نرخ بهره بالاتر و فروش واحد پول با نرخ بهره پایین تر، به شمار می رود، AUD/USD بشدت تحت تأثیر جفت های ارزی قرار دارد.

چطور می توانید از این موضوع به نفع خود استفاده کنید؟

اگر شاهد شکست سطح حمایت فنی خاصی در AUD/JPY بودید، می توانید آن را نشانه خوبی برای فروش AUD/USD بدانید!

مورد مهم دیگر در مبادله AUD و USD اطلاعات اقتصادی نیوزلند است. بدلیل مجاورت و روابط اقتصادی استرالیا با نیوزلند، اطلاعات اقتصادی مثبت نیوزلند معمولاً به بالا رفتن ارزش AUD کمک می کند.

یعنی گزارش های اقتصادی بهتر از سطح مورد انتظار نیوزلند را می توان نشانه خوبی برای خرید AUD دانست. برعکس، اطلاعات اقتصادی نامساعد نیوزلند می تواند دلیلی برای فروش AUD باشد.

در آخر، به قیمت کالا ها، به ویژه طلا دقت کنید. بیشتر اوقات، قیمت طلا قیمت AUD را تعیین می کند.

یعنی هرگاه ارزش طلا بالا رود، AUD/USD نیز با فاصله کمی پس از آن بالا می رود! و البته زمانیکه ارزش طلا کاهش می یابد، ارزش AUD نیز در پی آن پایین می آید.



## نیوزلند

اگر ارباب حلقه ها را دیده باشید، احتمالاً می دانید که میانه زمین در امتداد تپه های نیوزلند است.

نیوزلند علاوه بر اینکه سرزمین فرودو بگینز و رفقای هایتش است، یکی از همسایگان نزدیک استرالیا در اوشنا، منطقه جنوبی اقیانوس آرام، است.

این کشور از دو جزیره اصلی، جزیره شمالی و جزیره جنوبی، و چند جزیره کوچکتر تشکیل شده است.

در نیوزلند که جمعیت گوسفند هایش از انسان هایش بیشتر است حدود چهار میلیون نفر جمعیت سکونت دارد. برای درک بهتر از این رقم، نیویورک در سال ۲۰۱۱ دارای جمعیت ۸.۴ میلیون نفر بوده است.

از نیوزلند همچنین با عنوان Aotearoa نیز یاد می شود که در زبان مائوری، یکی از زبان های اصلی نیوزلند به معنای <<سرزمین ابر سفید بلند>> است.



نیوزلند: واقعیت ها، چهره های برجسته، و ویژگی ها



- همسایه ها: استرالیا، فیجی، تونگا
- مساحت: ۴۵۴،۱۰۴ مایل مربع
- جمعیت: ۴،۲۶۸،۶۰۰ (۱۲۴ ام)
- تراکم جمعیت: ۴۰.۹ نفر در هر مایل مربع
- پایتخت: ولینگتون (با جمعیت ۱۷۹،۴۶۶ نفر)
- رئیس کشور: ملکه الیزابت II
- رئیس دولت: نخست وزیر جان کی
- واحد پول: دلار نیوزلند (NZD)
- واردات اصلی: تجهیزات و ماشین آلات، وسایل نقلیه و هواپیما، نفت خام، وسایل برقی، منسوجات، مواد پلاستیکی
- صادرات اصلی: راسل کرو، سنگ های معدنی و فلزات؛ پشم، خوراک و دام زنده؛ سوخت، تجهیزات و ماشین آلات حمل و نقل
- شرکای وارداتی: آلمان ۱۳.۵٪، ایالات متحده آمریکا ۱۰.۲٪، فرانسه ۸.۱٪، هلند ۶.۳٪، بلژیک ۴.۹٪، ایتالیا ۴.۷٪
- شرکای صادراتی: ایالات متحده ۱۵.۷٪، آلمان ۱۰.۵٪، فرانسه ۸.۱٪، هلند ۶.۹٪، ایرلند ۶.۵٪، بلژیک ۵.۶٪، اسپانیا ۴.۴٪، ایتالیا ۴.۴٪
- منطقه زمانی: GMT +12
- وبسایت: <http://www.newzealand.govt.nz>

وضعیت اقتصادی

اقتصاد نیوزلند نیز مانند جمعیتش نسبتاً محدود است. GDP نیوزلند، که در سال ۲۰۱۱ برابر با ۱۲۳ میلیارد دلار آمریکا بود، ۶۵ امین رتبه در اقتصاد جهان را به خود اختصاص می دهد. اما نباید نیوزلند را دست کم گرفت... این کشور مساحت کم خود را با نقش فعالی که در تجارت دارد جبران کرده است!

فعالیت اقتصادی این کشور عمدتاً وابسته به تجارت با همسایه پابینی اش (استرالیا)، سرزمین طلوع خورشید (ژاپن)، و عمو سم (ایالات متحده) است. اقتصاد این کشور وابسته به صادرات است و صادرات اصلی آن سنگ های معدنی، فلزات، و پشم است که یک سوم GDP آن را تشکیل می دهد. نیوزلند همچنین بیشتر دام ها و محصولات لبنی خود را صادر می کند. با آنگوس بیف که آشنا هستید؟

صنایع اصلی نیوزلند کشاورزی و گردشگری هستند و صنایع تولید و بخش های فناوری در این کشور محدود است. به همین دلیل، واردات این کشور از سایر کشور ها عمدتاً ماشین آلات سنگین، تجهیزات، ماشین آلات، و محصولات الکترونیکی است. از آنجایی که نیوزلند موانع زیادی را از سر راه سرمایه گذاری خارجی برداشته است، بانک جهانی آن را پس از سنگاپور کسب و کار پسند ترین کشور جهان معرفی کرده است.

#### سیاست های پولی و مالی

بانک مرکزی نیوزلند (RBNZ) مسئول سیاست های پولی و مالی این کشور است. RBNZ که در حال حاضر فرماندار آلان بولارد ریاست آن را بر عهده دارد در سال هشت نشست سیاست مالی برگزار می کند. وظیفه RBNZ حفظ ثبات قیمت، تعیین نرخ بهره، و نظارت بر تولید و نرخ ارز است.

RBNZ برای حفظ ثبات قیمت ها باید اطمینان حاصل کند که تورم سالانه مطابق با ۰.۵٪ مورد نظر بانک مرکزی باشد... در غیر اینصورت دولت می تواند رئیس RBNZ را اخراج کند (بی شوخی).

RBNZ در راستای سیاست های مالی اش مجهز به ابزار زیر است:

نرخ بهره رسمی (OCR)، که بر نرخ بهره کوتاه-مدت اثر می گذارد، و توسط رئیس RBNZ تعیین می شود. بانک مرکزی می تواند با وام دادن ۲۵ واحد بالاتر از این نرخ و وام گرفتن ۲۵ واحد زیر OCR به بانک های تجاری نرخ بهره پیشنهادی به افراد و کسب و کار ها را تحت کنترل داشته باشد.

از عملیات بازار آزاد برای رسیدن به هدف نقدی یا میزان ذخایر موجود در بانک های تجاری استفاده می شود. RBNZ با پیش بینی روزانه هدف نقدی قادر است میزان پولی که باید برای رسیدن به هدف نقدی به بازار تزریق کند را مجاسبه نماید.

## آشنایی با NZD

نام مستعار دلار نیوزلند <<کیوی>> است. کیوی یک پرنده است! یک هواپیماست! نه، صبر کنید، واقعاً یک پرنده است. کیوی همچنین سمبل ملی کشور نیوزلند است... اما در حال حاضر تمرکز ما روی کیوی به عنوان یک واحد پول و ویژگی های آن است.

از کالا ها چه خبر؟

از آنجایی که اقتصاد نیوزلند عمدتاً وابسته به صادرات کالا ها و محصولات کشاورزی است، عملکرد کلی اقتصادی این منطقه به قیمت کالا ها وابسته است.

اگر قیمت کالا افزایش پیدا کند، آنگاه میزان پول هزینه شده برای صادرات نیوزلند نیز افزایش می یابد، که سبب بالا رفتن GDP این کشور می شود. و از آنجایی که GDP بالا تر نشان دهنده عملکرد اقتصادی بهتر است، این می تواند منجر به بالا رفتن ارزش کیوی باشد.

برعکس، کاهش قیمت کالا منجر به کاهش ارزش پولی صادرات شده کمک کمتری به افزایش GDP می کند. و GDP پایین تر موجب پایین آمدن ارزش کیوی می شود.

همگام با AUD تغییر می کنم

از آنجایی که استرالیا شریک تجاری شماره یک نیوزلند است، عملکرد اقتصادی استرالیا تأثیر زیادی روی عملکرد اقتصادی نیوزلند دارد.

برای مثال، زمانیکه عملکرد اقتصادی استرالیا خوب است، بنگاه های استرالیایی فعالیت های وارداتی خود را افزایش می دهند و کیست که از این موضوع نفع می برد؟ البته که نیوزلند!

... و، درست مثل AUD، من هم از تجارت حمل بهره مند هستم!

نیوزلند نیز درست مثل استرالیا در مقایسه با سایر اقتصاد های کلان دنیا مانند اقتصاد آمریکا، بریتانیا، یا ژاپن دارای نرخ بهره بالاتری است.

تفاوت نرخ بهره بین اقتصاد های مختلف اغلب شاخص جریان پول هستند. از آنجایی که سرمایه گذاران ترجیح می دهند نرخ بهره بالاتری دریافت کنند، سرمایه گذاری های کم بازده خود را در مقابل دارایی ها یا ارز های پر بازده تر می فروشند. به عبارت دیگر، هرچه نرخ بهره بالاتر باشد، جریان نقدی بیشتری وارد اقتصاد می شود.

لطفاً بیشتر مهاجرت کنید.

از آنجایی که جمعیت نیوزلند نصف جمعیت نیویورک است، افزایش مهاجرت به این کشور می تواند تأثیر به سزایی بر اقتصاد آن داشته باشد. چراکه وقتی جمعیت افزایش پیدا می کند، تقاضا برای کالاها افزایش می یابد و میزان مصرف کلی بالا می رود.

من هم نسبت به شرایط آب و هوا حساس هستم.

اقتصاد نیوزلند نیز تا حد زیادی وابسته به صنعت کشاورزی است، و این یعنی شرایط نامساعد جوی از جمله خشکسالی آثار مخرب زیادی بر اقتصاد این کشور دارد. موج های گرما در استرالیا بسیار رایج هستند و اغلب تبدیل به آتش سوزی در جنگل ها می شوند و تقریباً به اندازه ۱٪ از GDP خسارت وارد می کنند. این اصلاً تأثیر خوبی بر NZD نمی گذارد...

### شاخص های اقتصادی مهم برای NZD

تولید ناخالص داخلی – تولید ناخالص داخلی (GDP) برای نیوزلند نیز مانند هر کشور دیگر به منزله گزارشی اقتصادی است و به عنوان شاخصی از عملکرد اقتصادی کلی نیوزلند بر میزان تقاضای NZD اثر می گذارد.

شاخص قیمت مصرف کننده (CPI) – شاخص قیمت مصرف کننده تغییر در قیمت را اندازه گیری می کند و به عنوان شاخصی از تورم در تعیین سیاست های مالی تحت نظارت دقیق RBNZ قرار دارد. به یاد دارید که هدف RBNZ حفظ ثبات قیمت بود؟

تراز تجارت – از آنجایی که اقتصاد نیوزلند وابسته به صادرات است، تاجران اغلب برای اندازه گیری تقاضا برای محصولات نیوزلند به تراز تجارت توجه می کنند.

چه چیزی باعث تغییر NZD می شود؟

### رشد اقتصادی

رشد مثبت GDP نشان دهنده موقعیت اقتصادی قوی نیوزلند است و تقاضای واحد پول آن را افزایش می دهد. رشد منفی GDP نشان دهنده عملکرد اقتصادی ضعیف این کشور است و تقاضای NZD را با کاهش مواجه می کند.

### نوسان ناگهانی در صادرات

تقاضای بیشتر برای محصولات نیوزلند اغلب منجر به بالا رفتن GDP این کشور شده ارزش NZD را بالا می برد. برعکس، صادرات کمتر یعنی رشد کمتر GDP که منجر به کاهش ارزش NZD می شود.

### افزایش قیمت کالا

افزایش قیمت کالا ارزش پولی صادرات نیوزلند و در نتیجه GDP آن را افزایش می دهد. از طرف دیگر، کاهش قیمت کالا موجب کاهش ارزش پولی صادرات و در نتیجه کاهش GDP می شود.

## مبادله NZD/USD

از آنجایی که ارز جاری دلار آمریکا است، تغییرات ارزش بر حسب دلار آمریکا محاسبه می شود.

در موقعیت ۱۰۰،۰۰۰ واحد NZD/USD، هر پیپ تغییر برابر با ۱۰ دلار آمریکا است در حالی که در اندازه موقعیت NZD/USD ۱۰،۰۰۰، هر پیپ تغییر برابر با ۱ دلار آمریکا است.

محاسبات حاشیه ای بر اساس دلار آمریکا هستند. برای مثال، اگر نرخ NZDUSD ۰.۷۰۰۰ و نسبت بدهی به دارایی ۱:۱۰۰ باشد، ۷۰۰ دلار آمریکا در حاشیه موجود برای موقعیت ۱۰۰،۰۰۰ دلار نیوزلند لازم است. موقعیت ۱۰،۰۰۰ دلار نیوزلند نیازمند ۷۰ دلار آمریکا در حاشیه موجود است.

همانطور که مشاهده می کنید دلیل ارزش نسبتاً پایینی که کیوی در مقایسه با دلار آمریکا دارد، بین سایر واحد های پولی نیازمند کمترین میزان حاشیه موجود است. این یعنی مبادله کیوی ارزان تر است!

## تاکتیک های مبادله NZD/USD

گزارش های اقتصادی خوب از طرف نیوزلند منجر به بالا رفتن ارزش NZD می شود بنابراین اگر احتمال این وجود داشته باشد که گزارش اقتصادی آن بتواند از حد انتظار بهتر باشد، می توان آن را به فال نیک گرفت و دست به مبادله NZD/USD زد.

از طرف دیگر، گزارش های اقتصادی ضعیف موجب کاهش ارزش NZD می شوند. اگر احتمال این هست که گزارش اقتصادی ضعیف تر از حد انتظار باشد، باید از مبادله NZD/USD خودداری کرد.

علاوه بر دقت به گزارش های اقتصادی، توجه به رفتار قیمت کالا نیز می تواند در پیش بینی قیمت NZD/USD مفید باشد.

در تاریخ معاصر، قیمت کالا با افزایش تقاضا برای دارایی های پر خطر تر افزایش یافته است. در این شرایط، سرمایه گذاران پول خود را روی دارایی های با بازده بیشتر مانند طلا و سایر کالاها سرمایه گذاری می کنند و دلار آمریکا با بازده پایین تر را می فروشند. در نتیجه، کیوی که مبتنی بر کالاست کاملاً بر خلاف دلار آمریکا حرکت می کند.

از طرف دیگر، زمانیکه ریسک گریزی سرمایه گذاران را به روی آوردن به دلار آمریکا وادار می کند، NZD بر خلاف دلار آمریکا با کاهش تقاضا رو به رو می شود.

NZD نیز مانند AUD گزینه خوبی برای تجارت حمل است. از آنجایی که تجارت حمل شامل خرید واحد پول با نرخ بهره بالا و فروختن واحد پول با نرخ بهره پایین است، نرخ بهره نسبتاً بالای نیوزلند به نفع NZD تمام می شود.



## سوئیس

سوئیس که در سال ۱۲۹۱ بنا نهاده شده است در میانه غربی اروپا قرار دارد و در بیشتر بخش های تاریخش با آلمان، اتریش، ایتالیا، و فرانسه مشترک است.

اگرچه سوئیس درست وسط اروپا قرار دارد، عضو اتحادیه اروپا نیست. در حالیکه در دهه ۱۹۹۰ مذاکراتی بین اتحادیه اروپا و سوئیس در جریان بود، مردم سوئیس پیشنهاد پیوستن به اتحادیه اروپا را رد کردند. از آن زمان، سوئیس استقلال اقتصادی خود را حفظ کرده است.

سوئیس به عنوان یک کشور کوچک شناخته می شود اما ناگفته نماند که کشور بسیار پرجمعیتی است و حدود ۷.۷۸ میلیون نفر جمعیت و تراکم جمعیتی حدود ۴۷۷ نفر به ازای هر مایل مربع دارد.

سوئیس همچنین معروف به خنثی و بی طرف بودن است چراکه در هیچ یک از جنگ های جهانی شرکت نداشته است.





سوئیس: واقعیت ها، چهره های برجسته، و ویژگی ها



- همسایه ها: آلمان، فرانسه، ایتالیا، اتریش
- مساحت: ۱۵،۹۴۰ مایل مربع
- جمعیت: ۷،۹۵۲،۶۰۰ نفر
- تراکم جمعیت: ۴۷۷.۴ نفر به ازای هر مایل مربع
- پایتخت: برن
- رئیس کنفدراسیون سوئیس: اولین ویدمر-اسکلامف
- واحد پول: فرانک سوئیس (CHF)
- واردات اصلی: تجهیزات حمل و نقل و ماشین آلات، محصولات دارویی و داروسازی، سایر مواد شیمیایی، کالاهای تولیدی
- صادرات اصلی: مواد شیمیایی، ساعت های دیواری و مچی، خوراک، ابزار آلات، جواهرات، ماشین آلات، محصولات دارویی، فلزات گرانبها، منسوجات، رولکس، راجر فدرر
- شرکای وارداتی: آلمان (۲۷.۷٪)، ایالات متحده (۱۰.۶٪)، ایتالیا (۱۰.۳٪)، فرانسه (۸.۴٪)، روسیه (۴.۴٪)، بریتانیا (۴٪)
- شرکای صادراتی: آلمان (۲۱.۲٪)، ایالات متحده (۸.۷٪)، فرانسه (۸.۲٪)، ایتالیا (۷.۹٪)، اتریش (۴.۵٪)
- منطقه زمانی: GMT + 1

## وضعیت اقتصادی

سوئیس از نظر درآمد سرانه (یعنی GDP تقسیم بر جمعیت کشور) ثروتمندترین کشور جهان است.

این کشور در سال ۲۰۱۰ تولید کلی برابر با \$۵۲۹.۹ داشت. اگرچه این مقدار ناچیز است، اگر بر اساس هر نفر حساب کنیم، GDP ای برابر با \$۴۶,۸۱۵ ایجاد می شود که مقام هفتم دنیا را به خود اختصاص می دهد.

شرکای تجاری اصلی این کشور آلمان، ایالات متحده، فرانسه، ایتالیا، اتریش، روسیه، و بریتانیا هستند. سوئیس نیز مانند ژاپن وابستگی زیادی به صادرات دارد که حدود ۳۰۸ میلیارد دلار یا ۵۸.۲٪ GDP را تولید می کند.

صنایع اصلی سوئیس عبارتند از ماشین آلات، مواد شیمیایی، منسوجات، ابزار و ساعت های دقیق. به مورد آخر نخبید - ساعت های دقیق واقعاً بخش قابل توجهی از تولید سوئیس را تشکیل می دهند! در هر صورت، وقتش است که مطلب را ادامه دهیم!

## سیاست های پولی و مالی

بانک ملی سوئیس (SNB)، که در حال حاضر آقای توماس جردن ریاست آن را بر عهده دارد، با اثر گذاری روی شرایط مالی و اعتباری کشور سیاست های مالی کشور را اجرا می کند.

هیئت رئیسه این بانک که مسئولیت تعیین سیاست های بانک را به عهده دارد از ۳ عضو تشکیل شده است - رئیس، معاون رئیس، و یک عضو سوم. درست است - هیئت رئیسه تنها از سه نفر تشکیل شده است!

SNB برخلاف بیشتر بانک های مرکزی به جای یک رقم ثابت دامنه خاصی را به مدت سه ماه برای نرخ بهره تعیین می کند (که لیبور نیز نامیده می شود).

SNB علاوه بر هدفش مبنی بر کنترل عرضه پول کشور و تعیین نرخ بهره، نقش مهم دیگری نیز در ثابت نگاه داشتن ارزش CHF دارد.

ارزش بیش از حد CHF می تواند منجر به بالا رفتن تورم و همچنین تحلیل رفتن صادرات کشور باشد. با توجه به وابستگی زیاد سوئیس به صادرات، SNB از CHF با ارزش کمتری بهره مند بوده از هیچ اقدامی برای مداخله در بازار های فارکس و پایین آوردن ارزش CHF فروگذار نمی کند.

یکی از سیاست های مالی اصلی SNB هدف قرار دادن تورم است. نرخ تورم مورد انتظار این بانک، که بر اساس CPI ارزیابی می شود، زیر ۲٪ در سال است.

SNB سعی دارد از طریق عملیات بازار آزاد و با تغییر نرخ لیبور نرخ تورم واقعی کشور را تحت کنترل داشته باشد.

در رابطه با عملیات بازار آزاد، SNB نرخ لیبور را از طریق قرارداد های با خرید (معاملات مخزن) کوتاه مدت تغییر می دهد. معامله مخزن یعنی فروش یک سهام خاص در ازای پول نقد و توافق بر با خرید همان سهام در تاریخ معینی در آینده.

اگر نرخ بهره در بازار آزاد بالاتر از حد مورد انتظار SNB برود، بانک مرکزی با معاملات مخزن با نرخ مخزن پایین تر جریان نقدی بیشتری را به سایر بانک ها وارد می کند.

از طرف دیگر، SNB می تواند با افزایش دادن نرخ مخزن نقدینگی را کاهش داده سرانجام نرخ لیبور را نیز افزایش دهد.

از نظر مالی، یکی از سیاست های مالی جالب سوئیس این است که دارای یکی از پایین ترین نرخ های مالیات بین کشور های توسعه یافته است. در واقع، اغلب از سوئیس با عنوان <<بهشت مالیاتی>> یاد می شود.

نرخ مالیات سازمانی در سوئیس از ۸.۵٪ تا ۱۰.۰٪ متغیر است. این، علاوه بر قوانین رازداری بانکی، سوئیس را به یکی از کسب و کار پسند ترین کشور های دنیا تبدیل کرده است.

## آشنایی با CHF

تا چند وقت پیش، فرانسه، بلژیک، و لوکزامبورگ واحد پول خود را فرانک قرار داده بودند... تا اینکه سرانجام به یورو تغییر موضع دادند. در حال حاضر، سوئیس تنها کشوری است که از فرانک به عنوان واحد پول خود استفاده می کند، فرانک سوئیس (CHF).

نام مستعار فرانک سوئیس <<سوئیس>> نام دارد.

به لطف بی طرف بودن سوئیس...

سوئیس بنا به قوانین رازداری بانکی اش که CHF را <<بهشت ایمن>> نیز لقب داده است از نظر سیاسی بی طرف و خنثی به شمار می آید. معمولاً، در دوره های ناپایداری اقتصادی، سرمایه گذاران سرمایه خود را به سوئیس انتقال می دهند که در نتیجه آن ارزش CHF بالا می رود.

هنوز در عصر زرق و برق به سر می برم!

سوئیس نه تنها از پیوستن به "بر و بچه ها" ی اتحادیه اروپا سر باز می زند، بلکه تنها کشوریست که همچنان به استاندارد طلا پایبند است.

حدود ۲۵٪ پول این کشور را ذخایر طلا تشکیل می دهد، که این موجب همبستگی ۸۰٪ CHF با قیمت طلا شده است. این یعنی هرگاه قیمت طلا افزایش پیدا کند، CHF نیز افزایش قیمت خواهد داشت.

## شاخص های اقتصادی مهم CHF

**GDP** – تولید ناخالص داخلی (GDP) معیار اندازه گیری ارزش کل همه کالاها و خدمات نهایی کشور است. این گزارش تغییرات موجود در خروجی کلی اقتصاد از دوره قبل را نشان می دهد.

خرده فروشی – عنوان گزارش خرده فروشی تغییر ماهانه ارزش کلی خرده فروشی را نشان می دهد.

شاخص قیمت مصرف کننده (CPI) – CPI تغییر در قیمت سبد کالا و خدمات را نشان می دهد. CPI بدقت تحت نظارت SNB قرار دارد چرا که SNB از این گزارش برای تحلیل تورم استفاده می کند.

تبادل تجارت – تعادل تجارت تفاوت کل بین ارزش کالا های وارداتی و صادراتی کشور را اندازه می گیرد. سوئیس دارای صنعت صادرات قوی ای است بنابراین تاجران اغلب از تعادل تجاری این کشور برای اندازه گیری موفقیت اقتصادی آن استفاده می کنند.

چه چیزی موجب تغییر CHF می شود

### قیمت طلا

همانطور که پیش تر نیز به آن اشاره شد، CHF دارای همبستگی ۸۰٪ با قیمت طلاست، زیرا ۲۵٪ از پول سوئیس را ذخایر طلا تشکیل می دهند. وقتی قیمت طلا بالا می رود، قیمت CHF نیز معمولاً بالا می رود. برعکس، با کاهش قیمت طلا، قیمت CHF نیز کاهش می یابد.

توسعه در منطقه یورو و ایالات متحده

از آنجایی که سوئیس کشوری وابسته به صادرات است، تا حد زیادی تحت تأثیر توسعه اقتصادی شرکای تجاری اصلی اش در منطقه یورو و ایالات متحده است. شرکای اصلی صادرات سوئیس در منطقه یورو آلمان (۲۱.۲٪)، فرانسه (۸.۲٪)، ایتالیا (۷.۹٪)، و اتریش (۴.۵٪) هستند.

در ضمن ایالات متحده حدود ۸.۷٪ صادرات سوئیس را به خود اختصاص می دهد. عملکرد اقتصادی ضعیف هر یک از این کشورها می تواند به معنای تجارت کمتر برای سوئیس باشد.

### رفع نواقص

تنش سیاسی در کشورهای همسایه سوئیس در اروپا، به ویژه در منطقه یورو، می تواند منجر به این شود که تاجران به دنبال امنیت سوئیسی بروند.

به یاد دارید که منطقه یورو مجموعه ای از ۱۶ کشور است که ECB مجموعه ای از سیاست های مالی را برایشان وضع و اجرا می کند.

با توجه به اینکه اقتصاد هر یک از کشورهای عضو این منطقه با سرعت متفاوتی رشد می کند، گاهی سیاست های ECB برخلاف نیاز یک کشور خاص در یک زمان خاص عمل می کنند.

### عامل X

USD/CHF همچنین تحت تأثیر نرخ های جفت های ارزی مثل EUR/CHF قرار دارد. برای مثال بالا رفتن ارزش EUR بدلیل بالا رفتن نرخ بهره ECB می تواند کاهش ارزش سوئیسی را به سایر جفت های ارز مثل USD/CHF انتقال دهد.

### اقدامات ادغام و اکتساب (M&A)

صنعت اصلی سوئیس بانکداری و سرمایه گذاریست. اقدامات ادغام و اکتساب (M&A) یا صرفاً خرید و فروش بنگاه ها در این کشور بسیار رایج هستند.

این چطور بر قیمت نقدی CHF اثر می گذارد؟

برای مثال، اگر یک بنگاه خارجی قصد اکتساب یک کسب و کار در سوئیس را داشته باشد، باید به CHF هزینه این کار راپردازد. از طرف دیگر، اگر برای مثال بانک سوئیس قصد خرید یک بنگاه آمریکایی را داشته باشد، باید CHF خود را به USD تبدیل کند.

### مبادله USD/CHF

USD/CHF با مقادیر تعیین شده توسط USD مبادله می شود. اندازه لات استاندارد ۱۰۰،۰۰۰ دلار و اندازه لات مینی ۱۰،۰۰۰ دلار است.

ارزش پیپ، که توسط CHF تعیین می شود، با تقسیم کردن ۱ پیپ (۰.۰۰۰۱) بر نرخ USD/CHF محاسبه می شود.

سود و زیان بر حسب فرانک سوئیس تعیین می شوند. برای یک لات استاندارد، هر پیپ نوسان برابر ۱۰ CHF است. برای یک لات مینی، هر پیپ نوسان برابر ۱ CHF است. برای روشن شدن مطلب، اگر نرخ بازار غالب USD/CHF ۱.۰۶۰۰ باشد و بخواهید یک لات استاندارد مبادله کنید، آنگاه یک پیپ برابر ۹.۴۳۴۰ USD خواهد بود.

محاسبات حاشیه ای معمولاً بر حسب USD انجام می شوند. با نسبت بدهی به دارایی ۱:۱۰۰، برای کنترل ۱۰۰،۰۰۰ واحد USD/CHF به ۱۰۰۰ دلار نیاز دارید.

### تاکتیک های مبادله USD/CHF

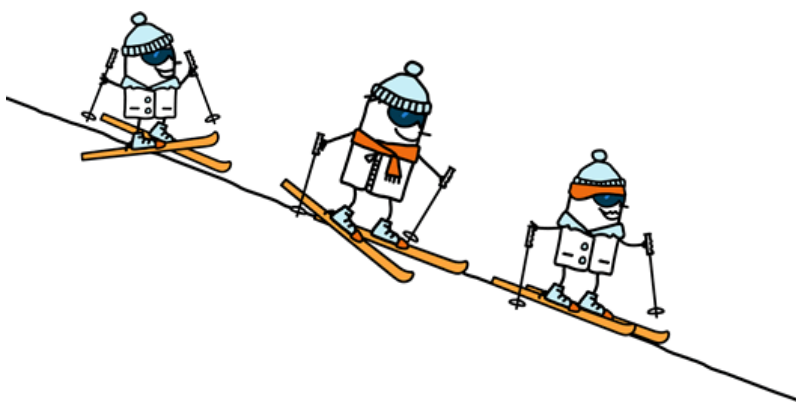
جفت های ارز سوئیسی (USD/CHF و EUR/CHF) معمولاً تنها طی جلسه معاملاتی اروپا فعال هستند. هر دوی این جفت های ارز بیشتر اوقات محدود به دامنه خاصی هستند. با توجه به این موضوع، اغلب در معرض تغییرات ناگهانی هستند.

همانطور که قبلاً به آن اشاره کردیم، SNB توجه زیادی به نظارت بر ارزش سوئیسی دارد و همه می دانند که برای کاهش ارزش CHF به ویژه زمانیکه ارزش آن به سطوح دور از انتظار می رسد در بازار فارکس مداخله می کند.

برای مثال، اگر USD/CHF بدلیل افزایش ریسک پذیری به ارزش پایین سالانه خود برسد، SNB در کمین است تا ارزش این جفت را دوباره بالا ببرد.

همچنین می توانید با بررسی اصول اقتصادی شرکای تجاری اصلی سوئیس، در منطقه یورو، دست به مبادله سوئیسی بزنید. هر تنش سیاسی یا اقتصادی در منطقه یورو می تواند سرمایه گذاران را به سمت امنیت سوئیسی بکشاند.

با توجه به این موضوع، جفت های ارزی چون EUR/CHF می توانند برای مبادله مثلاً USD/CHF نیز به کار روند. افزایش نرخ توسط ECB که EUR/CHF را افزایش می دهد می تواند به USD/CHF نیز سرایت کند.



## چین

به میز بزرگ سالها، به چین، خوش آمدید!

اگر چین را فقط به دیوار چین و اینکه بیشترین جمعیت جهان را دارد می شناسید، باید بیشتر مطالعه کنید!

اولین باری که چین به عنوان یک کشور واحد شناخته شد سال ۲۲۱ پیش از میلاد بود. در آن زمان چین توسط کین دیناستی اداره می شد. نه، پاندا های بزرگ و چاق آن زمان استاد کنگ فو نبودند؛ حداقل ما فکر نمی کنیم اینطور بوده باشد. از آن زمان سلسله های زیادی آمده اند و رفته اند تا سرانجام جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۵ بنا نهاده شد.

اما همین اواخر بود که چین به عنوان یک قدرت بر حق جهانی ظاهر شد. حال این کشور دارای شهر هایی در سطح جهانی، مدال آوران طلای المپیک، و غذای لذیذ دیمسوم است. چین نه تنها زادگاه یائو مینگ است، بلکه سومین کشوری است که انسان را به فضا فرستاده است.

چین چه در ورزش چه در سفر به فضا و قدرت اقتصادی به آرامی به سمت پیشگام شدن در حرکت است!



چین: واقعیت ها، چهره های برجسته، و ویژگی ها



- کشور های همسایه: کره، مغولستان، هند، ژاپن، روسیه
- مساحت: ۳,۷۰۴,۴۲۷ مایل مربع
- جمعیت: ۱,۳۴۷,۳۵۰,۰۰۰ نفر
- تراکم جمعیت: ۳۶۳.۳ نفر به ازای هر مایل مربع
- پایتخت: پکن (جمعیت: ۱۱,۷۱۶,۰۰۰)
- رئیس دولت: هو جین تائو
- واحد پول: رنمینی چین / یوان (CNY)
- واردات اصلی: نفت خام، مس، آهن، فولاد، ماشین آلات، مواد پلاستیکی، تجهیزات پزشکی، مواد شیمیایی آلی
- صادرات اصلی: برنج، پوشاک، البسه، ماشین آلات اداری، کالاهای الکترونیکی، ماشین آلات، فولاد، یائو مینگ، جکی جان، آی پد اپل، ماشین های چری
- شرکای وارداتی: ژاپن ۱۲.۷٪، کره جنوبی ۹.۹٪، ایالات متحده ۷.۳٪، آلمان ۵.۳٪، استرالیا ۴.۳۷٪
- شرکای صادراتی: ایالات متحده ۱۸.۰٪، ژاپن ۷.۷٪، کره جنوبی ۴.۴٪، آلمان ۴.۳٪، هلند ۳.۲٪
- منطقه زمانی: GMT +4, GMT +5, GMT +6, GMT +7, GMT +8
- وبسایت: <http://english.gov.cn/>

#### وضعیت اقتصادی

در اواخر سال ۲۰۰۹ چین جایگاه دوم بزرگترین اقتصاد جهان را که تا آن زمان به ژاپن تعلق داشت به خود اختصاص داد و تا سال ۲۰۱۱ GDP چین به ۷ میلیارد دلار آمریکا رسید.

البته اوضاع چین همیشه اینگونه نبوده است. تا مدت زیادی اقتصاد چین از بقیه جهان مجزا بود و طی تشکیل دولت جدیدش، جمهوری خلق چین، بود که درهای اقتصادی خود را به روی سایر جهان باز کرد.



چین در دهه های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ رشد ناگهانی عظیمی داشت، چراکه دارای رشدی دورقمی بود. و این اقتصاد به سرعت توسعه یافته چین را سردمدار رشد بازار در جهان قرار داد.

جالب است بدانید که این رشد ناشی از صنایع کشاورزی و صنعتی هستند که بیش از ۶۰٪ GDP کل کشور را به خود اختصاص می دهند.

صادرات نیز نقش مهمی در این موضوع داشته است، و یوان کم ارزش نیز به جذابیت کالا های چینی در بازار های بین المللی کمک کرده است.

البته در یک سال گذشته این نگرانی وجود داشته است که شاید اقتصاد چین بیش از حد رشد داشته باشد. دولت چین به منظور رویارویی با این موضوع سیاست های پولی و مالی متفاوتی را برای تسهیل رسیدن به سطح رشد پایدار تر به کار گرفته است.

سیاست های پولی و مالی

بانک خلق چین (PBoC)، واقع در پکن، مسئول وضع سیاست های مالی چین است. PBoC علاوه بر کنترل نرخ سود و الزامات نسبت ذخیره، موظف به کنترل نهاد های مالی در سرزمین اصلی چین نیز هست.

یک نکته ظریف: آیا می دانستید که PBoC در حال حاضر دارای بالاترین دارایی مالی بین نهاد های مالی دولتی موجود است؟ که فارق از سهام سایر کشور ها در ترازنامه اش، دارای اوراق خزانه ای به ارزش بیش از ۳ تریلیون دلار آمریکا است!

این با توجه به اینکه چین توانسته است بیشتر کشور های را از نظر عملکرد اقتصادی مغلوب سازد خیلی هم تعجب برانگیز نیست!

نکته جالب دیگر در مورد PBoC این است که چند سال پیش نرخ بهره اش مضرب ۹ بود نه مضرب ۲۵. چراکه چینی ها سیستم نرخ خود را بر اساس چرتکه، که دارای مضارب ۹ بود، تعیین کرده بودند. می توانید تصور کنید که در مورد رشد ۰.۱۸٪ نرخ بهره بخوانید؟

اما اخیراً، PBoC تصمیم گرفت دست از این اقدام سنتی کشیده از روش افزایش و کاهش نرخ بهره با مضارب ۰.۲۵٪ استفاده کند. در واقع، PBoC مشهور به این است که بسته به وضعیت اقتصادی اش تغییرات ناگهانی ای در نرخ بهره ایجاد می کند.

پیام بازرگانی

PBoC علاوه بر نرخ بهره می تواند نسبت ذخیره مورد نیاز (RRR) را برای بانک ها موجود در عرصه سیاست های مالی اش تعیین کند. می دانید که RRR یعنی میزان پول نقدی که باید بانک های چین ذخیره داشته باشند. PBoC با تغییر دادن این نرخ می تواند مقدار پول در گردش را کنترل کرده تورم را در حد انتظار نگه دارد.

## آشنایی با CNY

یوان واحد شمارش اصلی واحد پول جدید چین یا رنمینبی است. اگر مثل دکتر پپ اسلو که بیشتر اوقات در شیرین کردن قهوه صبحش نمک و شکر را اشتباه می گیرد، یوان و رنمینبی را اشتباه می کنید، کافیت به یاد داشته باشید که رنمینبی نام رسمی واحد پول چین است درحالیکه که یوان واحد شمارش اصلی به شمار می رود.

اگرچه چین رأس اصلاح سیاست های نرخ ارز است، یوان همچنان وابسته به دلار آمریکاست. این یعنی کاهش و افزایش ارزش دلار آمریکا کاهش و افزایش ارزش یوان را به همراه دارد. از این رو، یوان واحد پول رایجی در مبادلات بازار فارکس نیست.

یکی از مسائل مربوط به این وابستگی این است که موجب اختلافاتی بین چین و ایالات متحده که چین را کنترل کننده ارز می داند شده است. مخالفان چین ادعا می کنند که ارزش پایین یوان به چین مزیت تجاری نا عادلانه ای داده محرک اصلی رشد چین بوده است.

البته در سال های اخیر چین این وابستگی را به طور تدریجی کاهش داده است. آن هم از طریق کاهش دادن سرعت معرفی اوراق بهادار مبتنی بر CNY در هنگ کنگ. شایعه شده است که سرمایه گذاران بزرگ بی صبرانه منتظرند پول نقد خود را به یوان تبدیل کرده و روی دارایی های مبنی بر CNY سرمایه گذاری کنند.

### شاخص های اقتصادی مهم برای CNY

**GDP** – این رقم مانند کارت گزارش اقتصادی چین عمل می کند زیرا میزان توسعه و زوال اقتصادی آن را (که در تاریخ معاصر همواره توسعه آن هم با نرخ رشد دو رقمی بوده است!) در یک دوره نشان می دهد.

**CPI – PboC** بدقت گزارش CPI چین را تحت نظر دارد زیرا این گزارش میزان تغییر سطح قیمت طی یک دوره خاص را نشان می دهد. اگر میزان CPI سالانه از میزان مورد انتظار دولت چین بالاتر یا پایین تر باشد، PBoC می تواند در تصمیم گیری بعدی اش در مورد نرخ ابزار های سیاست های مالی اش را به خوبی به کار گیرد.

تراز تجاری – بخش عظیمی از اقتصاد چین از تجارت بین المللی تشکیل شده است، این یعنی تراز تجاری شاخص مهمی از رشد اقتصادی به شمار می رود.

تصمیم **PBoC** در مورد نرخ بهره – همانطور که پیش تر هم به آن اشاره شد، PBoC معروف به ایجاد تغییرات ناگهانی در سایست های مالی اش در زمان هایبست که حس می شود اقتصاد چین دارای رشد بیش از حد بوده یا به تحرک بیشتری نیاز دارد.

مبادله گزارش های اقتصادی چین

اینکه یوان واحد پول رایجی در مبادلات نیست به این معنا نیست که نمی توان از گزارش های اقتصادی چین برای سود کردن استفاده کرد!

از آنجایی که اقتصاد چین بسیار بزرگ است، وقایع اقتصادی چین می توانند کشور های در ارتباط با چین را تحت تأثیر قرار دهند. یکی از این کشور ها استرالیا است. چین بزرگترین شریک تجاری استرالیا است، و این دو کشور سالانه نزدیک به صد میلیارد دلار کالا مبادله می کنند.

از این روی، گزارش های اقتصادی چین از بین جفت های ارزی اصلی بیش از همه بر دلار استرالیا اثر می گذارند. اطلاعات اقتصادی قوی چین اصولاً به این معناست که تقاضای چین به کالا های استرالیایی افزایش خواهد داشت، درحالیکه اطلاعات اقتصادی ضعیف چین می تواند مساوی با کاهش مبادلات چین با استرالیا باشد.

البته، از آنجایی که چین پس از عمو سم جایگاه دومین اقتصاد بزرگ جهان را به خود اختصاص می دهد، موقعیت اقتصادی اش تأثیر زیادی روی ریسک پذیری دارد. این یعنی رکود در چین می تواند میل تاجران به ریسک کردن و ارز های با بهره کمتر را کاهش دهد زیرا باعث نگرانی آنها در مورد اثر بالقوه این رکود بر اقتصاد جهانی خواهد شد. از طرف دیگر، رشد اقتصادی در چین می تواند تأثیر مثبتی روی ریسک داشته باشد زیرا شرکای بازار آن را نشانه ای از رشد آینده اقتصاد جهانی می دانند.

تاکتیک های خرید و فروش

اگر مثل شاهزاده دلار کلاهی پیپ حواستان به دلار استرالیا باشد، باید حتماً در تقویم هایتان تاریخ انتشار گزارش های اقتصادی چین و بیانیه های PBoC را علامت بزنید.

بیشتر اوقات، اطلاعات اقتصادی بهتر از انتظار چین موجب بالا رفتن ارزش AUD/USD یا AUD/JPY می شود درحالیکه نتایج ضعیف تر از انتظار معمولاً موجب فروش آزی می شود. تصمیمات در مورد نرخ PBoC کمی پیچیده تر هستند زیرا به تمایلات غالب بازار بستگی دارند، بنابراین بهترین کار این است که مشق شبستان را انجام دهید و مقالات تحلیل اقتصادی گامپ فارکس را بخوانید تا در جریان اوضاع قرار بگیرید!

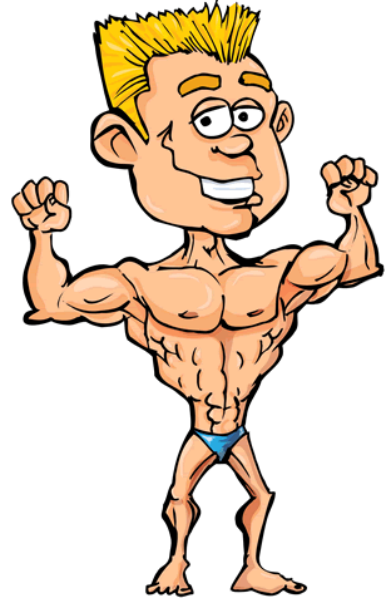


### طرح معاملاتی چیست؟

حالا که نیمی از مسیر دانشگاه را پشت سر گذاشته اید، نظرتان را به چند نصیحت که باید همیشه به یاد داشته باشید جلب می کنیم. تاجر خود باشید.

به عبارت دیگر: کورکورانه نصیحت های تجاری دیگران را دنبال نکنید! اینکه روشی برای کسی بسیار موفقیت آمیز بوده است به این معنا نیست که برای شما هم روش خوبی خواهد بود. هر کدام از ما در موقعیت متفاوتی قرار داشته دیدگاه بازاری، فرآیند فکری، سطح پذیرش ریسک، و تجربه بازاری متفاوتی داریم.

طرح تجاری فارکس شخصی خودتان را داشته باشید و طبق یافته هایتان از بازار آن را به روز کنید.



با داشتن قاعده ای خیلی قوی، تجارتان این شکلی می شود.

تنظیم یک طرح تجاری و وفادار ماندن به آن دو عنصر اصلی قاعده تجاری هستند.

اما قاعده تجاری به تنهایی کافی نیست.

حتی قاعده تجاری قوی نیز به تنهایی کافی نیست.

قاعده تجاری باید خیلی قوی باشد.

تکرار می کنیم: خیلی قوی. مثل عضلات شکم جیکوب بلک.

قاعده پلاستیکی به درد نمی خورد. قاعده پوشالی و چوبی نیز همینطور.

نمی خواهیم بچه خوک باشیم. می خواهیم مبادله گر هایی موفق باشیم!

و داشتن قاعده تجاری خیلی قوی مهم ترین ویژگی مبادله گر موفق است. طرح تجاری آنچه باید انجام شود و چرا و زمان و چگونگی آن را تعریف می کند. و شخصیت تجاری، انتظارات شخصی، قوانین مدیریت ریسک، و سیستم یا سیستم های تجاری فرد را پوشش می دهد.

طرح تجاری در صورت اجرا شدن به محدود شدن اشتباهات تجاری و به حداقل رساندن ضرر کمک می کند. می دانیم که >> اگر نتوانید برنامه ریزی کنید، برنامه ریزی کرده اید که نتوانید.<<

طرح تجاری امکان تصمیم گیری اشتباه در لحظه را از بین می برد. وقتی حرف از پول است، احساسات باعث می شوند تصمیمات غیر منطقی بگیرید. و این اصلاً به نفعتان نیست.

بهترین راه برای جلوگیری از این مشکل به حداقل رساندن (دقت کنید که نمی گوئیم حذف کامل) فکر کردن به وسیله داشتن برنامه ای برای هر قدم بالقوه در تجارت است.

وقتی یک طرح تجاری درست دارید، هر قدم برایتان مشخص شده است، بنابراین مجبور نخواهید بود در لحظه تصمیمات عجولانه بگیرید. کفایت طبق تجارستان عمل کنید.

پیش از ادامه دادن بحث، باید به تفاوت بین طرح تجاری و سیستم تجاری پردازیم.

سیستم تجاری نشان می دهد چطور وارد تجارت شده از آن خارج شوید. سیستم تجاری بخشی از طرح تجاریست اما تنها یکی از بخش های مهم آن، از جمله تحلیل، اجرا، مدیریت ریسک، و غیره است. از آنجایی که شرایط بازار همیشه در حال تغییر است، یک مبادله گر خوب معمولاً دو یا بیش از دو سیستم تجاری در طرح تجاری خود دارد.

سیستم تجاری در ادامه درس با جزئیات بیشتری مورد بررسی قرار خواهد گرفت، اما مهم بود که برای جلوگیری از اشتباه در این بخش به تفاوت بین این دو اشاره ای داشته باشیم.

### چرا طرح معاملاتی لازم است؟

طرح تجاری تجارت را آسان تر از حالتی می کند که طرح تجاری ندارید.

زمانی را تصور کنید که از دستگاه GPS استفاده می کنید. نام جایی که می خواهید بروید را وارد دستگاه می کنید. دستگاه ابتدا متوجه می شود که در حال حاضر کجا هستید و سپس نشان می دهد چطور می توانید به جایی که می خواهید برسید. می توانید دائماً GPS خود را چک کنید تا مطمئن شوید که مسیر را درست طی می کنید. وقتی جایی اشتباه دور می زنید، دستگاه می تواند مسیر را اصلاح کند، و شما را دوباره به مسیر درست هدایت نماید.

طرح تجاری همان GPS تجاری شماست که به شما نشان می دهد که به عنوان یک تاجر در حال حاضر کجا هستید و شما را یاری می کند تا به مقصد خود یعنی سودآوری پایدار برسید.



سفر کردن بدون GPS کار هوشمندانه ای نیست. نمی دانید چطور به مقصد خود برسید و به احتمال زیاد مانند مرغ سر کنده دور خود می چرخید. احتمالاً به این فکر می کنید که می شود از وسیله ای قدیمی به نام <<نقشه>> استفاده کرد. نقشه دیگر چیست. لطفاً دیگر از این پیشنهاد های بی فایده ندهید.

تجارت بدون طرح تجاری نیز درست مثل رانندگی کردن بدون GPS است – فکر خوبی نیست. سعی دارید به سرزمین موعودی به نام <<سود پایدار>> برسید، اما از آنجایی که اصلاً نمی دانید که در مسیر درست هستید یا نه، به احتمال زیاد حساب خود را خالی خواهید کرد.

فایده طرح تجاری این است که به شما نشان می دهد آیا در مسیر درست قرار دارید. طرح تجاری چارچوبیست برای اندازه گیری عملکرد تجارستان. و می توانید طرح تجارستان را دائماً چک کنید، درست مثل GPS.

و این تجارت با احساسات و استرس کمتر را برایتان ممکن می سازد.

چیزی که بدون طرح تجاری تقریباً امکان ناپذیر است. بدون طرح تجاری یک <<تاجر گاوچران>> خواهید بود که هر چه به ذهنتان می رسد انجام می دهید، بر اساس تجربه شخصی و احساس عمل می کنید و به حس و حدس های خود یا راهنمایی های دیگران تکیه می کنید. این تجارت نیست – این قمار است!

هر گاه که مبادله ارز می کنید، احتمالاً مضطرب و ناراحت خواهید شد و با گریه بخواب می روید چراکه مانده حسابتان مثل سوهانی روی روحتان کشیده می شود. (قبول، خیلی اغراق آمیز بود، اما اینطوری متوجه مطلب شدید).

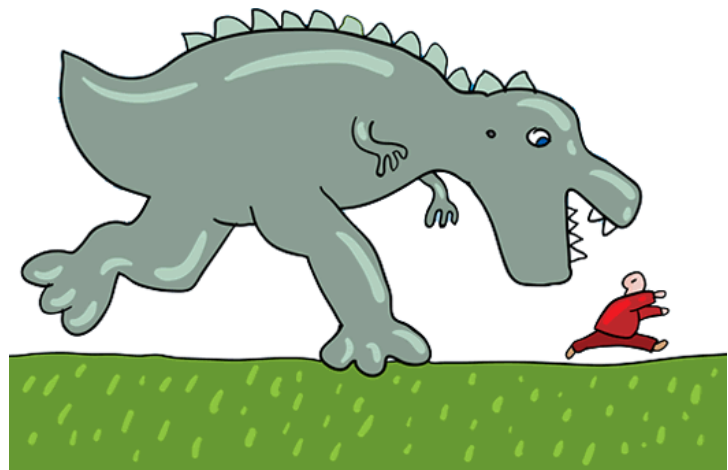
همانطور که GPS هم در پیدا کردن راه کمکتان می کند و هم در مطمئن شدن از مسیری که تا به حال طی کرده اید، طرح تجاری نیز به شما می گوید چطور به سود پایدار برسید و نشان می دهد که آیا در مسیر درست قرار دارید یا نه.

مهم تر از همه اینکه، اگر در تجارت موفق نباشید ( که اول کار قطعاً نیستید)، می دانید که دلیلش یکی از این دو مورد است: یا طرح تجاربتان مشکل دارد یا به طرح تجاربتان عمل نمی کنید.

اگر طرح تجاری نداشته باشید، اصلاً نمی توانید بفهمید کجای کارتان درست است و کجای کارتان غلط. هیچ راهی برای ارزیابی نتایج نخواهید داشت، بنابراین هیچگاه نخواهید فهمید چطور از شکست خوردنتان جلوگیری کنید.

هر قدر هم این جمله را بگوییم کم است... <<اگر نتوانید برنامه ریزی کنید، برنامه ریزی کرده اید که نتوانید.>>

روشن است که طرح تجاری موفقیت را تضمین نمی کند اما یک طرح تجاری خوب که طبق آن عمل شود به شما کمک می کند بیشتر از مبادله گرانی که طرح تجاری ندارند در بازی فارکس باقی بمانید.



جان سالم به در بردن بهتر از شکست خوردن است و این باید اولین هدف شما به عنوان یک مبادله گر تازه کار باشد.

یادتان باشد، ۹۰٪ از تاجران تازه کار موفق به ادامه مبادله نمی شوند. و شما می خواهید جز آن <<۱۰٪>> خاصی باشید که موفق می شوند.

احتمالاً با خودتان می گوئید، <<چه حرفا! طرح تجاری دیگه چیه. من بدون طرح تجاری هم می تونم جز اون ۱۰٪ باشم!>>

شاید تجارت فی البداهه و سوسه برانگیز باشد، اما اگر یک طرح تجاری دقیق تنظیم نکنید یا با نظم و پیوستگی آن را دنبال نکنید، به عنوان یک معامله گر ارز در پول درآوردن پایدار با مشکل مواجه خواهید شد.

**توجه پذیر در مقابل توجه ناپذیر**

اگر سود کنید، چه اشکالی دارد اگر از طرح معاملات ارزتان سرپیچی کرده باشید؟



شاید وقتی طرح تجاری را دور بیندازید، و به طور اتفاقی در تجارت موفق باشید حس رضایت کوتاه مدتی حاصل شود، اما اتفاقی وارد تجارت شدن می تواند کاملاً برعکس عمل کند و بر توانایی شما در حفظ نظم در طولانی مدت تأثیر منفی بگذارد.

تجارت دوی ماتون است، نه دوی سرعت!



وقتی از طرح تجاریتان پیروی نکنید، با موفقیت های کوتاه فریب عدم نداشتن نظم را می خورید و شاید باور کنید که طرح تجاری آنقدر ها هم ضروری نیست.

و این موفقیت توجیه ناپذیر می تواند میل شما به عدم استفاده از طرح تجاری در آینده را افزایش دهد. شاید فکر کنید >>>یک بار به نعم تمام شد، شاید دفعه بعد هم همینطور باشد. شانسم را امتحان می کنم.<<< اما نتایج مثبت تجارت بدون قاعده معمولاً کوتاه مدت هستند و بی قاعدگی در نهایت موجب زیان های بلند مدت تجاری خواهد شد.

مهم است که بین موفقیت های توجیه پذیر و توجیه ناپذیر تفاوت قائل شویم.

موفقیت توجیه پذیر زمانیست که طرح تجاری بسیار دقیقی آماده می کنید و آن را عملی می کنید. موفقیتی که از عملی کردن طرح تجاری حاصل شده باشد توجیه پذیر است و قاعده کارتان را تقویت می کند.

موفقیت توجیه ناپذیر زمانی روی می دهد که طرح تجاری آماده می کنید اما آن را عملی نمی کنید یا اصلاً طرحی تهیه نمی کنید. شاید موفق شوید، اما این نتیجه خوب اتفاقی و بر حسب تصادف است. مثلاً می توانید برای تصمیم های تجاری یک سکه را هم بالا بیندازید یا نسخه چاپ شده نمودارهایتان را به دیوار بزنید و به آن دارت پرتاب کنید. اما موفقیت حاصل شده از این روش توجیه نشده است و ممکن است تجارت بی قاعده را ترویج کند.

ایجاد قاعده برای تجارت سودآور و پایدار ضروریست. تجارت یعنی کاری کنید که قانون میانگین ها به نفعتان عمل کند. باید بارها و بارها طبق استراتژی های تجاری فارکس عمل کنید تا طی چند مبادله، استراتژی ها طوری عمل کنند که سودی کلی را نتیجه دهد. مثل این است که در زمین بسکتبال آنقدر پشت هم توپ را به سبد پرتاب کنید تا به تعداد کافی گل بزنید. هرچه بیشتر پرتاب داشته باشید، احتمال رسیدن به تعداد گل مورد نظر بیشتر می شود. کفایت به کوب برابنت و داین وید فکر کنید.

بازیکن برنده کسی است که ابتدا مهارت پرتاب منظم را در خود ایجاد کرده باشد، طوری که در هر فرصت ممکن، احتمال رد شدن توپ از سبد وجود داشته باشد. این مهارت را دارد که هر بار توپ را به همان شکل قبلی پرتاب کند. پایداری در روش خیلی مهم است!

تجارت هم همینطور است. باید در هر تجارت به طور پایدار و طبق یک طرح تجاری خاص عمل کنید. اگر یک بار با یک شیوه تجارت کنید و بار بعدی با روشی دیگر، عملکردتان اتفاقی و برحسب تصادف خواهد بود.

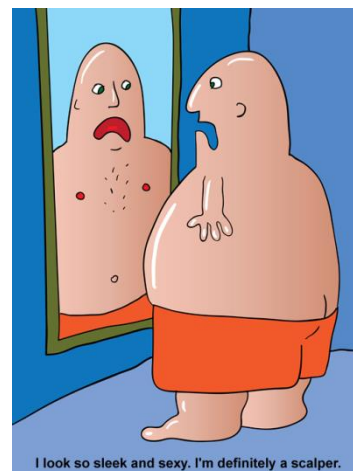
این اصل خیلی مهم است که...

باید اجازه دهید قانون میانگین ها به نفعتان کار کند، طوری که طی مجموعه ای از تجارت ها، به یک سود کلی برسید.

اگر گاهی از طرح پیروی کنید و گاهی از آن چشم پوشی کنید، احتمالات را به هم می ریزید، و به احتمال زیاد در مجموع زیان خواهید کرد.

سود در پی قاعده می آید. اجازه ندهید موفقیت های توجیه ناپذیر توانایی شما در قاعده مند بودن را خدشه دار کند. از طرح تجاری خودتان پیروی کنید، و این را ملکه ذهنتان کنید که اگر از طرحتان پیروی کنید، در طولانی مدت به سود کلی بیشتری خواهید رسید.

حال که در مورد اهمیت طرح تجاری صحبت کردیم (هرقدر رویش تأکید کنیم کم است!)، وقت آن رسیده است بدانید که یک طرح تجاری خوب باید شامل چه چیزهایی باشد.



خیلی براق و جذابم. شک ندارم که یک معامله گر ارز خوبی هستم.

اولین قدم در ایجاد یک طرح تجاری این است که ابتدا نگاهی کلی و واقع بینانه به خودتان بیندازید.

پایه و اساس طرح تجاری با تصویری که از خودتان دارید شروع می شود زیرا شما تنها کسی هستید که از این طرح استفاده خواهد کرد. تصویری که از خود دارید تصویر تجاری شما یعنی شما به عنوان یک معامله گر ارز را نشان می دهد. اینکه به عنوان یک معامله گر ارز چه ویژگی هایی دارید روش مناسب تجارت برای شما را تعیین می کند. استراتژی ها، سیستم ها، و روش هایی که با پروفایل و سبکتان منطبق نباشند تا حد زیادی شانس موفقیت شما را کاهش می دهند.

بیشتر تاجران تمایل دارند فوراً به سراغ ایجاد یا پیدا کردن سیستم ها و استراتژی های تجاری بروند، اما اگر ابتدای زمانی را به تصویر سازی از خودشان اختصاص ندهند نمی توانند تشخیص دهند که چه سیستم ها و استراتژی هایی با شخصیت و موقعیت منحصر به فردشان منطبق است.

پیش از آنکه به کلیک کردن روی دکمه خرید یا فروش روی سکوی تجاربتان فکر کنید، ابتدا باید چند سؤال را از خودتان پرسید تا بتوانید طرح تجاری خود را به نحو احسن تنظیم کنید. در این زمان، باید جواب هایتان را یادداشت کنید. نوشتن جواب ها به شما یادآوری می کند که قرار است چکار کنید و به وفادار ماندن شما به طرح تجاربتان کمک می کند.

آماده چند پرسش و پاسخ هستید؟

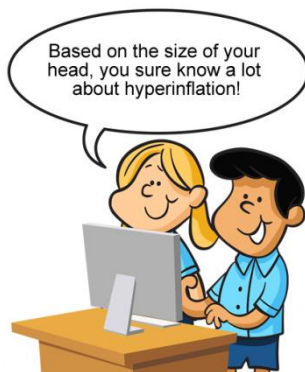
در بخش های بعدی، چند سؤال مطرح می کنیم که پاسخ آنها به روشن سازی اینکه پروفایل تجاری چیست و چگونه طرح تجاربتان را شکل می دهد کمک می کند.

## تعیین هدف و انگیزه

انگیزه شما از مبادله ارز چیست؟

انگیزه تان ثروتمند شدن است؟ دوست دارید کاری پر چالش و هیجان انگیز انجام دهید؟ دختر مورد علاقه تان خرید و فروش ارز

می کند و می خواهید او را تحت تأثیر قرار دهید؟



از اندازه سرت معلومه که خیلی چیزها در مورد تورم حاد میدونی!

مهم است که انگیزه واقعی خود را بدانید، و اینکه آیا اصلاً به درد خرید و فروش می خورید یا نه. آن دسته از تاجران فارکس که در کارشان جدی نیستند یا تعهد لازم را ندارند به سرعت از بازار حذف می شوند.

برای مثال، دنبال هیجان بودن و دنبال سود پایدار بودن با هم جور در نمی آیند. شاید موقعیت <<شرط بندی مزرعه>> لذت بخش باشد، اما باور کنید، وقتی خرید و فروش با شکست مواجه شود دیگر لذتی باقی نخواهد ماند.

اگر در پی هیجان هستید می توانید به کازینو بروید، از هواپیما پایین پیرید یا یک ماشین مسابقه F1 را برانید.

بهتر از آن، اگر دنبال یک هیجان واقعی هستید، با یک ماشین مسابقه F1 از هواپیما روی یک کازینو پیرید. یک هیجان واقعی! اینگونه شاید پول کمتری را نسبت به خرید و فروش از دست بدهید.

هدف یا اهداف خود از خرید و فروش ارز را چه می دانید؟

این مورد را می توان از لحاظ مالی با استفاده از یک هدف سود (بر حسب ارز یا درصد بازگشت) به ازای هر واحد زمان مطرح کرد. برای مثال، ممکن است هدفتان در آوردن ۴،۲۲۳،۸۳۴،۱۴۵.۵۳ دلار در ماه یا رسیدن به ۵۲۹٪ بازگشت در هفته باشد.

هدف الزاماً مالی نیست. مثلاً <<هدف من از خرید و فروش ارز این است که بتوانم مدل جدید کتانی جردن را بخرم تا دختر مورد علاقه ام را تحت تأثیر قرار دهم که عاشق من شود و با هم به خوبی و خوشی زندگی کنیم.>>

یا <<هدفم این است که آنقدر پول داشته باشم که جراحی پلاستیک کنم و شبیه هیل بری شوم تا همه جلویم خم و راست شوند.>> بسیار خوب.

دروغ گفتیم.

همه چیز به پول وابسته است.

هر تصمیمی که می گیرید، صرفاً اطمینان حاصل کنید که هدفتان مشخص و قابل اندازه گیری باشد. اهداف تجاری ای برای خودتان قرار دهید که شما را در پیشرفت کردن به عنوان یک بازرگان کمک کند.

هدف نباید مبهم باشد مثلاً <<می خواهم ثروتمند شوم.>> تغییر این جمله به <<می خواهم خیلی ثروتمند شوم.>> هم کمکی نمی کند.

دقیق تر تعیین هدف کنید!

<<می خواهم هفته ای ۱٪ سود کنم.>>

<<می خواهم تا پایان امسال ۵۰٪ مواقع سود کنم.>>

<<می خواهم ظرف شش ماه حسابم را دو برابر کنم.>>

<<امروز نمی خواهم هیچ اشتباهی در خرید و فروش داشته باشم.>>

وقتی هدف گذاریتان مشخص و قابل اندازه گیری باشد، نه تنها می دانید که واقعاً چه می خواهید، بلکه خواهید توانست پیشرفت خود را بررسی کرده ببینید که آیا پیشرفتی داشته اید یا خیر.

## سرمایه قابل ریسک

سرمایه قابل ریسکتان چقدر است؟ چقدر پول برای خرید و فروش دارید که حاضر باشید ریسک کنید که همه را از دست بدهید؟

Dude, where's my capital?



ای بابا، سرمایه ام کجا بود؟

باید بدانید آیا اصلاً می‌توانید خرید و فروش کنید.

خرید و فروش ارز تنها باید با سرمایه قابل ریسک انجام شود.

سرمایه قابل ریسک پولی است که حاضر به پذیرفتن ریسک از دست دادن آن هستید.

یعنی پولی که اگر آن را از دست دهید، خانه، ماشین، همسر، اعضای بدن، برق و غیره را از دست نمی‌دهید.

پولی که نمی‌توانید از دستش بدهید را به خطر نیاندازید!

اگر با پولی که برای پرداخت قبض هایتان به آن نیاز دارید خرید و فروش کنید، بر توانایی خود برای تصمیم‌گیری‌های معاملاتی بی‌طرفانه اثر منفی گذاشته‌اید.

تصور کنید چقدر مضطرب خواهید بود اگر در حالی خرید و فروش کنید که بدانید شاید پولتان را از دست بدهید و نتوانید مایحتاج زندگیتان را تأمین کنید.

هر یک پیپ که علیه شما باشد، با خودتان می‌گویید، <<فردا از نهار خبری نیست!>>

شما که نمی خواهید گشنه، و بی خانمان و بی پول شوید، می خواهید؟

شاید بخواهید.

در این صورت، اشکالی ندارد، همه پولی که به سختی درآورده اید را در فارکس به خطر بیاندازید.

حماقت نکنید!

اگر در سفره تان نان نداشته باشید، نمی توانید در بازا فارکس پول درآورید.

تا وقتی که نمی دانید واقعاً با چه خطراتی مواجه هستید کاری نکنید!

بعد ها، در مورد مدیریت ریسک و اینکه چطور سرمایه تان را مدیریت کنید به شما آموزش خواهیم داد.

ملاحظات شیوه زندگی



چند ساعت در روز/هفته/ماه (هرکدام که برایتان مناسب تر است) را می توانید به الزامات متعدد خرید و فروش در فارکس و مدیریت کردن یک سیستم خرید و فروش اختصاص دهید؟

**میزان زمان در دسترس شما سبک خرید و فروشتان را مشخص می کند.**

هرچه بازه زمانی ای که در آن خرید و فروش کرده اید کوتاه تر باشد، باید زمان بیشتری را به بررسی جدول ها اختصاص دهید. اگر روز اولتان است، از وقتی وارد خرید و فروش می شوید تا وقتی که از آن خارج می شوید، کل روز را باید پشت صفحه نشسته باشید.

هرچه زمان بیشتری به خرید و فروش مشغول بوده باشید، نیاز به بررسی بازار کاهش می یابد. می توانید هر از چندی خرید و فروشتان را چک کنید.

از چیزهایی که تمرکزتان را بر هم می زنند غافل نشوید!

وقتی می گوئید ۸ ساعت در روز می توانید به خرید و فروش ارز پردازید، یعنی ۸ ساعت توجه کامل به جدول ها و تحلیل گزارش های اقتصادی؟ یا ۸ ساعت توجه به جدول ها و تحلیل گزارش های اقتصادی در حالیکه برای عزیزتان صبحانه نیز درست می کنید، چاقو هم تیز می کنید، با بچه هایتان هم بازی می کنید، جاستین بیبر را هم در یوتیوب می بینید، لیدی گاگا را نیز در توئیتر پیگیری می کنید، کسی را هم در فیسبوک دنبال می کنید، و مشغول نجات دادن دنیا از شر نیروی های شیطانی هم هستید؟

چون اگر مبادله گر ارز بودید، احتمالاً خیلی از ورود و خروج ها را از دست می دادید، و در عوض بدلیل ضررهای زیادی که کردید یا فرصت های سود آوری که از دست دادید باید سرتان را به دیوار می کوبیدید.

همچنین باید زمانی را به ایجاد و ارتقای سیستم خرید و فروش خود اختصاص دهید. خرید و فروش طبق سیستم خرید و فروشتان مستلزم آن است که بدقت حداقل را بررسی کرده دنبال مؤلفه های احتمالی بگردید. آنگاه وقتی وارد خرید و فروش می شوید، باید آن را مدیریت کنید.

پس از اتمام خرید و فروش، باید زمانی را به مرور خرید و فروش خود و پیدا کردن راه هایی برای ارتقای آن اختصاص دهید. و زمانی را نیز به نوشتن هر آنچه حس کردید و انجام دادید در دفترچه خرید و فروشتان اختصاص دهید.

زمان لازم برای انجام همه این کارها به سیستم خرید و فروشتان بستگی دارد.

به طور طبیعی، سیستم خرید و فروش ارزتان باید میزان زمانی که می توانید به این کارها اختصاص دهید را در نظر بگیرد.

همه این ها مبنی بر این فرض است که تنها یک سیستم خرید و فروش داشته باشید.



برای هر سیستم خرید و فروشی که قصد خرید و فروش در آن را دارید باید همین فرآیند را تکرار کنید. هر چند <<ساعت کاری>> که برای خود در نظر می‌گیرید، اطمینان حاصل کنید که می‌توانید همواره به آن پایبند باشید.

### توقعات



انتظار دارید چه نوع بازدهی داشته باشید؟

خب معلوم است، هرکسی که علاقه مند به خرید و فروش ارز باشد قطعاً آرزو دارد پول زیادی درآورد. منطقی هم هست - خرید و فروش ریسک دارد، و انتظار داریم پاداش این ریسک را بگیریم.

شکی نیست که هر مبادله گر ارز انتظار دارد سود کند.

اما سؤالی که باید از خودتان پرسید این است:

انتظار دارید چه نوع بازدهی داشته باشید؟

جوابی که به این سؤال می‌دهید نقش مهمی در تعیین سبک خرید و فروشی که به کار خواهید گرفت، جفت‌های ارز و زمان‌هایی که خرید و فروش می‌کنید، و مهم‌تر از همه، ریسک‌هایی که در رسیدن به اهداف خود با آن مواجهید خواهد داشت.

برای درک بهتر موضوع به این مثال توجه کنید. فرض کنید دو مبادله گر ارز فارکس داشته باشیم، بروس و مایک. بروس می‌خواهد ۱۰٪ در سال سود کند درحالی‌که مایک کمی بلند پروازتر است و می‌خواهد حسابش را دو برابر کرده ۱۰۰٪ سود کند.

همانطور که می‌توان حدس زد، مبادله گری مثل مایک، که می‌خواهد حسابش را دو برابر کند، در موقعیت بسیار متفاوتی قرار دارد.

احتمالاً مایک باید بیشتر از بروس خرید و فروش کند و/یا ریسک بپذیرد. اگر بخواهد به هدف ۱۰۰٪ سود برسد باید خودش را در معرض ضرر بالقوه بیشتری قرار دهد.

مبادله گران همچنین باید کاهش موجودی را هم در نظر داشته باشند.

کاهش موجودی معمولاً به عنوان فاصله بین بالاترین ارزش حساب تا پایین ترین نقطه آن محاسبه می شود. (در درس بعدی بیشتر در این مورد توضیح می دهیم. فعلاً حواستان را به درس بدهید!)

هر مبادله گر ارز باید تصمیم بگیرد که برای رسیدن به اهداف سود دهی اش چه کاهش موجودی ای را می تواند بپذیرد.

از سمتی، مبادله گرانی هستند که از ریسک دوری می کنند و ترجیح می دهند کاهش موجودی کمتری داشته باشند. بده بستانی که اینجا مطرح است این است که این افراد سود بالقوه ی کمتری نیز خواهند داشت.

از سمت دیگر، مبادله گرانی هستند که مشکلی با کاهش موجودی زیاد ندارند، به شرطی که سیستم مبادله شان بازده بالایی داشته باشد.

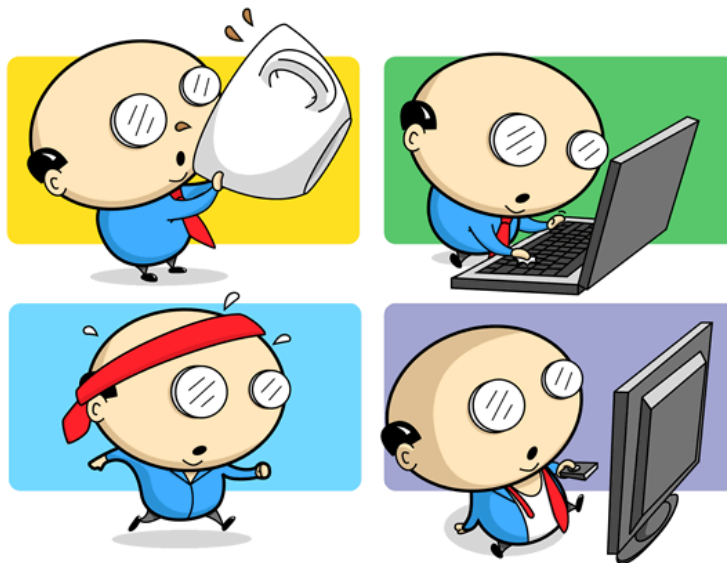
همچنین باید در نظر داشته باشید چقدر می توانید به خرید و فروش زمان اختصاص دهید. اگر نتوانید زمان قابل توجهی را به کار کردن روی سیستم خود، خواندن اخبار بازار و یادگیری تکنیک های جدید خرید و فروش، و ثبت و مرور تجربیات خود اختصاص دهید، مطمئن باشید که برای رسیدن به اهداف خود با مشکلات زیادی رو به رو خواهید بود.

اگر نمی توانید این تعهد زمانی را داشته باشید، باید توقعات خود در مورد سود کردن را تغییر دهید. به شدت توصیه می کنیم که موضوع خزنده لوله در مورد تعیین انتظارات تازه وارد ها را بخوانید.

در آخر، بدانید که موفقیت به خودتان بستگی دارد.

آیا نظم و قاعده لازم برای بالا بردن دائمی مهارت و تجربه لازم برای چیره شدن بر بازار را دارید؟

اگر ندارید، در طولانی مدت، انتظار سود ناپایدار را داشته باشید، البته اگر سودی در کار باشد.



قبل از شروع معامله، چه اقداماتی انجام خواهید داد؟

منظور ما این نیست که دوش بگیرید و دندان‌هایتان را مسواک بزنید (گرچه همیشه باید دوش بگیرید و دندان‌هایتان را مسواک بزنید. شما که نمی‌خواهید بوی پیپ پاک کن بدهید، این‌طور نیست؟)

روال معاملاتی فارکس باید در انجام تکالیف ذیل به شما کمک کند:

• بررسی پوزیشن‌های باز و انجام تنظیمات ضروری

• بررسی معاملات دیروز

• هماهنگ کردن خودتان با سرعت بازار

• شناسایی اخبار آتی که می‌توانند موجب بی‌ثباتی شوند

• آماده بودن برای معامله وقتی جلسه معاملاتی بعدی باز می‌شود

احساسات روز بازار سراسری را تعیین کنید، معاملات دیروز و چگونگی پایان یافتن جلسه معاملاتی قبلی را مرور کنید، و شاید بتوانید ناحیه‌های کلیدی بازار مثل حمایت و مقاومت [support and resistance](#) را شناسایی کنید.

حالا وقت آن است که سیستم معاملاتی خود را شروع کنید!

روال قبل از بازار برای موفقیت شما به عنوان یک معامله‌گر ضروری خواهد بود. این روال به شما در برنامه‌ریزی روزتان کمک خواهد کرد تا در مدت ساعات بازار، برای فهمیدن اخبار یا داده‌های آتی بازار، و اینکه چه کار کنید اگر بازار کاری غیرمنتظره انجام داد، زمان و تلاش بیهوده صرف نکنید.



بزن بریم آقای بازار! من آماده ام!

شما می‌خواهید جلسه‌ی معامله‌ی ارز خود را با احساس آرامش، آسودگی و آمادگی برای هر آنچه که بازار به سویتان پرتاب می‌کند، آغاز کنید.

هم با اصول و هم با فنون تأثیرگذار بر بازار، خود را به‌روز نگه دارید. معامله‌گر بی‌خبر، معامله‌گری بدهکار است.

### سلاح‌های انتخاب

از کدام نرم افزار، سخت افزار یا دیگر ابزار معاملات فارکس استفاده خواهید کرد؟



برای حرفه‌ی معامله‌گری از کدام «اسباب بازی‌ها» استفاده خواهید کرد؟

سخت افزار، نرم افزار، دیتافید، و دسترسی به اینترنت تشکیل دهنده «میز معاملاتی» را یادداشت کنید.

پشتیبان‌ها (بک آپ) را فراموش نکنید! مطمئن شوید که برای هر چیزی یک پشتیبان دارید، برای مواردی که وسط معامله، ابزار اصلی شما خراب می‌شود. اگر کامپیوترتان از کار بیفتد و پشتیبان راه‌اندازی نشود، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ اگر اتصال اینترنت قطع شود، چه؟ اگر برق برود، چطور؟ (لپ تاپ و ایرکارد. بَم!) اگر به هنگام معامله، سی دی تیلور سوئیفتی که همیشه گوش می‌دهید، پرش کند؟ (نه! این یکی نه!)

و در آخر، گول فروشندگان فریبکار معاملات ارز (scammers) [کلاه‌برداران] را نخورید. آیا واقعاً به نرم افزار تشخیص الگوی نمودار ۵۰۰۰ دلاری که در 3D IMAX به نمایش در می‌آید، احتیاج دارید؟ فکر نمی‌کنم. پول خود را پس انداز کنید و از آن برای سرمایه استفاده کنید.

از کدام کارگزار/سکوی معاملاتی<sup>۵</sup> استفاده خواهید کرد؟

معاملات خود را در کجا اجرا خواهید کرد؟ این کار مثل این نیست که به بانک زنگ بزنید و بگویید: «من می‌خواهم یورو و دلار آمریکا بخرم.» قبلاً می‌توانستید این کار را انجام دهید، اما فعلاً ما در قرن بیست و یکم زندگی می‌کنیم – زمان آن رسیده که سرعت خود را بالا ببریم و از آن سکوی آنلاین استفاده کنیم!

اما به این سادگی هم نیست. اطمینان حاصل کنید که زیر و بم کارگزار انتخابی خود را می‌دانید، از فرمان‌های اجرایی گرفته تا واریز و برداشت پول (به امید سود، نه؟). برای خواندن درس انتخاب کارگزار فارکس وقت بگذارید – پشیمان نخواهید شد!

### به برنامه معاملاتی پایبند باشید

برنامه معاملاتی فارکس تنها وقتی کارآمد است که با علاقه دنبال شود. مجبورید به آن پایبند باشید. انجامش به نظر ساده می‌آید. عقل سلیم می‌گوید که همین‌طور است اما اکثر معامله‌گران هنوز نمی‌توانند این کار را انجام دهند. واقعاً چرا؟

ناهماهنگی معامله‌گر. برنامه معاملاتی باید برنامه‌ای شخصی شده برای شما باشد، برنامه‌ای که با اهداف، تحمل ریسک و سبک زندگی فردی شما متناسب باشد. شما باید هر جزء را بر مبنای فردی توسعه دهید، هرگز این حقیقت را نادیده نگیرید که برنامه باید کاملاً متناسب با شما و نیازهای شما باشد. نه نیازهای دوست دخترتان. نه نیازهای دوست پسران. نه نیازهای مربی بسکتبالتان. نه حتی رونالد، بهترین دوست عجیب غریبتان که کله‌اش شبیه همبرگر است و دوست دارد شلوار صورتی خالی بپوشد و رپر مشتاقی است.

<sup>5</sup> platform



Yo my homie! My trading plizan is da bizomb!

برنامه معاملاتی شما باید بر اساس واقعیت ریخته شود، نه امید. اگر فقط سعی کنید برنامه معاملاتی کسی دیگر را کپی کنید یا برنامه خودتان مبتنی بر فرضیات کذب باشد، با آن هماهنگ نخواهید شد و در دنبال کردن آن به دردسر خواهید افتاد.

راه حل: با خودتان صادق باشید. سپس برنامه معاملاتی خود را اصلاح کنید.

برنامه های معاملاتی برای بلند مدت در نظر گرفته می شوند. بسیاری از معامله گران، پس از تحمل یک رشته ضرر و زیان، برنامه معاملاتی، یا غالباً به طور خاص تر، سیستم معاملاتی خود را رها می کنند، به جای اینکه در اوقات سخت اجتناب ناپذیر به آن عمل کنند.

راه حل: صبور باشید!

بی انضباطی: معامله طبق یک برنامه مستلزم عمل کردن به آن، با وجود همه گرفتاری هاست. این مستلزم انضباط است. انضباط سفت و سخت. معامله گران بی نظم و انضباط به برنامه معاملاتی خود عمل نمی کنند. شما باید با انضباط باشید. سفت و سخت. به نظر می رسد داریم زور بی خودی می زنیم و وقت تلف می کنیم؟ باشد، خوب است.

راه حل: با انضباط بمانید!

رفتار خود – ویرانگر: بعضی از معامله گران عادات روان شناختی دیرینه عمیقی دارند که آن ها را خراب خواهند کرد. این مسأله را می توان با کار سخت روی خود برطرف کرد، اما معامله گر باید قبل از هر چیز، از چنین مسائلی خود – آگاهی داشته باشد. اگر مسأله را به طور ریشه ای شناسید، نمی توانید راه حلی برای آن بیندیشید.

راه حل: به آینه نگاه کنید. انشالله به سنگ تبدیل نمی شوید.

اگر شخصاً با پایبندی به برنامه معاملاتی خود مشکل دارید، به احتمال زیاد به یکی از دلایل بالاست. اگر این طور است، به راه حل ذکر شده در زیر آن مراجعه کنید.



تفاوت بین پول درآوردن و از دست دادن پول می‌تواند به سادگی معامله با برنامه یا بدون برنامه باشد. برنامه معاملاتی رویکردی سازمان یافته برای اجرای یک سیستم معاملاتی است که شما مبتنی بر چشم انداز و تحلیل‌های خود از بازار شکل داده‌اید، در حالی که مدیریت ریسک و روان‌شناسی شخصی را نیز در نظر داشته‌اید.

مهم نیست که برنامه معاملاتی شما تا چه اندازه خوب است، اگر آن را دنبال نکنید، عملی نخواهد شد.

معامله گرانی که رویکردی منضبط را دنبال می‌کنند، کسانی هستند که سالیان سال دوام می‌آورند. حتی شاید معاملاتی که در آنها ضرر کرده‌اند خیلی بیشتر از معاملات برنده آنها باشد و باز هم سود کنند، چراکه از رویکردی منظم و منضبط دنباله‌روی می‌کنند.

در اینجا خلاصه ای از مزایای اصلی برنامه ارائه می‌گردد:

- معامله با برنامه آسان‌تر از معامله بدون برنامه است.
- کاهش استرس که به معنای سلامتی بیشتر است.
- توانایی ارزیابی عملکرد خود، شناسایی مشکلات، و ایجاد اصلاحات.
- برنامه معاملاتی کمک می‌کند تا از ریشه دار شدن بسیاری از مسائل روان شناختی پرهیز شود.
- تعهد کامل به برنامه معاملاتی تعداد معاملات بد را کاهش خواهد داد.
- برنامه معاملاتی به اجتناب از رفتار غیرمنطقی در لحظه کمک خواهد کرد.
- برنامه معاملاتی به شما امکان کنترل تنها چیزی را که می‌توانید کنترل کنید، می‌دهد ... خودتان!
- برنامه معاملاتی حجم بالایی از نظم و انضباط را به معاملات شما تزریق خواهد کرد. قماربازان نه انضباط دارند و نه برنامه معاملاتی.

• برنامه به شما امکان خواهد داد خارج از منطقه آسایش خود معامله کنید. چند بار به ادامه یافتن یک زیان کمک کرده‌اید و چند بار سودی را نیمه کاره رها کرده‌اید، به این دلیل که کار راحت همین بوده است؟ برنامه ای که با انضباط اجرایی شود، به شما کمک خواهد کرد تا مانع این اتفاق شوید.

• برنامه جی پی اس شماست که به شما امکان خواهد داد از جایی که هم اکنون هستید به هر جایی که می‌خواهید، برسید: سودآوری اصولی.

• برنامه معاملاتی شما به شیوه ای طراحی می‌شود که اگر «اشتباه بپیچید»، خیلی زود خواهید فهمید قبل از اینکه ماریج زیان‌ها از کنترل خارج شود، و فرصت اصلاح مسأله را خواهید داشت.

آخرین نکته پیش از اینکه به کلاس بعدی بروید ...

همیشه به خاطر داشته باشید که برنامه معاملاتی کاری در حال پیشرفت است.

وقتی تغییری ایجاد می‌شود، برنامه معاملاتی هم باید تغییر کند. برنامه معاملاتی خود را ارزیابی و به طور دوره ای پردازش کنید، به خصوص وقتی در وضعیت مالی یا زندگی خود، شاهد تغییرات هستید. همچنین، همان طور که تحقیقات شما به تغییرات در روش‌ها و سیستم معاملاتی شما می‌انجامد، اطمینان حاصل کنید که آن انطباق‌ها را در برنامه معاملاتی خود منعکس کرده‌اید.

همان‌طور که پیپ‌پاک‌کن همیشه می‌گوید: «منطبق شوید و زنده بمانید!»

یادتان باشد، هدف اصلی برنامه معاملاتی این است که شما پیوسته به سوی هدف حرکت کرده و به طور اثربخش و کارآمد برای گرفتن تصمیمات معاملاتی خوب عمل کنید. با این حال، خوب بودن برنامه به شما بستگی دارد و کاملاً بی استفاده خواهد بود اگر عملاً به کار نرود.

### هر معامله‌گر منحصر به فرد است

بیش از ۸ میلیارد نفر در جهان وجود دارند (از جمله آدم فضایی‌هایی که خود را به شکل انسان درآورده‌اند) و یک نفر هم دقیقاً شبیه به دیگری نیست. حتی دوقلوهای همسان اثرانگشت متفاوت دارند.

هرکس چهره، شخصیت، استعدادها، و انتخاب‌های مخلفات روی پیتزای خود را دارد (ما پیرونی و چیپس سیب زمینی دوست داریم). همه ما چیزهای مختلفی را می‌پسندیم و به روش خودمان، منحصر به فرد هستیم.





من زلترانم! معامله گری بی نظیرم! به چشمهام نگاه کن!

معامله هم همین‌طور است. شخصیت‌های بی‌نظیر ما موجب می‌شود معاملاتمان با یکدیگر فرق داشته باشد. بعضی‌ها شاید عصبانی باشند، معامله‌گرانی که شخصیت «نوع الف» دارند، بعضی دیگر ممکن است آرام‌تر باشند، معامله‌گرانی که شخصیت «نوع ب» دارند. بعضی‌ها شاید همیشه به سودهای کوچک علاقمند باشند، در حالی که دیگران برای دست‌یابی به سودهای کلان، به زیان‌های کوچک اهمیت نمی‌دهند.

نکته اینجاست که حتی دو معامله‌گر به هم شبیه نیستند. حتی اگر قرار بود گروهی از اشخاص با مقررات یک سیستم مشابه معامله کنند، نتایج پایانی هر شخص به احتمال زیاد با نتایج هر کس دیگر فرق می‌کرد.

آیا این چیز بدی است؟ اصلاً!!

بی‌همتایی ما همان چیزی است که باعث می‌شود زمین بچرخد، بنابراین شناختن سبک زندگی و شخصیت شما برای کمک به شناسایی نقاط ضعف و قوت معامله از اهمیت برخوردار است. سعی در به زور پیش بردن معامله‌ای که با شخصیت شما هماهنگ نیست، به فرسودگی منتهی خواهد شد و می‌تواند شما را از سودآوری اصولی باز دارد.

این درس شما را با انواع شیوه‌های معامله آشنا خواهد کرد تا بتوانید شیوه‌ای را که به بهترین نحو با شما هماهنگی دارد، شناسایی کنید.

اشتباه رایج بسیاری از معامله گران جدید این است که فکر می‌کنند، می‌توانند به سرعت پول در آورند! در عین اینکه این امر حقیقت دارد و می‌توان در مدت زمان کوتاهی پول در آورد، به این معنا نیست که در بلند مدت، به سودآوری خواهید رسید.

سناریوی معمول این است که معامله گر تازه کار کمی دربارهٔ فارکس مطالعه می‌کند، سیستم آنلاینی را پیدا می‌کند که مدعی به سرعت پول در آوردن است، و سپس مستقیماً وسط معامله می‌پرد، چون احساس می‌کند سابقهٔ کافی برای حصول میلیون‌ها دلار را به دست آورده است.

متأسفانه بعد از اتمام «ماه غسل» و فرونشستن هیجانات، این معامله گر تازه کار حالا می‌فهمد که معامله به آن سادگی که فکر می‌کرد، نیست. ظاهراً این سیستم، آن گونه که ادعا می‌شد، کار نمی‌کند و معامله گر دربارهٔ دلایل بازار برای آنچه که انجام می‌دهد، هیچ ایده‌ای ندارد.

مهم‌ترین موردی که می‌توانید به عنوان یک معامله گر در آن سرمایه‌گذاری کنید، وقت است! هر روز معامله تجربه‌ای برای یادگیری است و اگر یادگیری را متوقف کنید، هرگز یک معامله گر واقعی موفق نخواهید شد. مدت زمان لازم برای یادگیری مبانی را محاسبه کنید. سپس مدت زمانی را که در روال روزانهٔ خود برای خواندن نمودارها، گزارش‌های جدید، ثبت معاملات خود، و حضور در بازارها صرف می‌کنید، حساب کنید.

برای کسی که می‌تواند ذهنیت شغلی «تمام وقت» به معامله‌گری اختصاص دهد، این مسأله‌ای نیست. با این حال، اگر شبیه به اکثر مردم هستید، احتمالاً شغل، کارهای دانشگاهی، دروس توبا، نسخه‌های روزانهٔ بازی ورلد او وارکرفت<sup>6</sup> دارید، پس نمی‌توانید دقیقاً کل روز خود را به معامله اختصاص دهید.

این بدان معنا نیست که نمی‌توانید معامله کنید، اما هنگام تعیین شیوهٔ معاملاتی خود، باید انتظارات واقع‌گرایانه‌ای داشته باشید. احتمالاً نمی‌توانید معامله گر روزانه باشید، اما شاید معاملات بلند مدت برای زمان‌بندی شما عملی‌تر باشند.

هر روز لازم است وقت خود را صرف تجزیه و تحلیل بازار کنید. از آنجایی که اخبار موجب حرکت بازار می‌شوند، بررسی تحولات اقتصادی سراسر جهان دارای اهمیت است و باید آن را بخشی از روال روزانهٔ خود کنید.

چند مورد که باید در تجزیه و تحلیل بازار در نظر داشته باشید:

---

<sup>6</sup> World of Warcraft



• تحولات بازار فارکس – به شایعات دنیای فارکس در بخش [talk of the town](#) نگاه کنید. ببینید تحلیل گران درباره چه موضوعی پیچ پیچ می کنند و ارزشها چه واکنشی به آن داشته اند.

• انتشار اخبار – از گزارش های خبری که هر روز منتشر می شوند و نحوه تأثیر گذاری آنها بر بازارها مطلع باشید. هرچه گزارش خبری مهم تر باشد، می توانید انتظار دیدن حرکت بیشتری در ارز آن داشته باشید. اطمینان حاصل کنید که تقویم فارکس ([Forex Calendar](#)) معرکه ما را بررسی می کنید.

• قیمت های بازار سایر کالاها – قیمت نفت یا بازده های وزارت خزانه داری ایالات متحده می تواند بر روش حرکت ارزشها اثر بگذارد، بنابراین پی بردن به دلیل افزایش و تنزل این موارد و به خاطر داشتن آن به هنگام معامله ارز از اهمیت برخوردار است.

• رویدادهای جاری – وب سایت های خبری را بررسی کنید و از اتفاقات سراسر جهان باخبر شوید. رویدادهایی همچون انتخابات بزرگ، درگیری های نظامی، و رسوایی های سیاسی همگی می توانند بر حرکات ارز یا احساسات جهانی نسبت به ریسک اثرگذار باشند. و بالاخره این که، پس از مرور تحلیل های اقتصادی روزانه خود، باید نگاهی به نمودارها بیندازید. نمودارها موجب شناخت شما از سطوح کلیدی حمایت و مقاومت، روندها، و نقاط قیمت احتمالی که از آنها به بازار وارد می شوید، خواهند بود.



اسکالپینگ مثل آن فیلم‌های فوق‌العاده وحشتناک اکشن است که شما را بر جای خود میخکوب می‌کند. همزمان، سریع، هیجان‌انگیز و تکان‌دهنده است. این نوع معاملات معمولاً حداکثر تنها چند ثانیه تا چند دقیقه نگه داشته می‌شوند! هدف اصلی برای اسکالپرها (scalpers) به دست آوردن چند پیپ (pip) در طول شلوغ‌ترین اوقات روز است، هر چند بار که می‌توانند.

از آنجا که اسکالپرها اساساً مجبورند از نمودارها چشم‌بردارند، برای کسانی بیشترین تناسب را دارد که می‌توانند چندین ساعت را صرف توجه تمام و کمال به معاملات خود کنند.

اسکالپینگ برای موفق بودن، مستلزم تمرکز زیاد و تفکر سریع است. این پُست را که توسط روان‌شناس قابل‌ما، دکتر پیپ اسلو درباره نحوه کار کردن روی مهارت‌های تمرکزی گذاشته شده، بررسی کنید. این برای کسانی که همیشه دنبال سودهای بالا هستند، مناسب نیست بلکه ترجیحاً برای کسانی خوب است که مایلند سودهای اندک را در بلندمدت جمع کنند تا به یک سود کلی برسند.



شاید بتوانید اسکالپر باشید اگر:

• معامله سریع و هیجان را دوست دارید

- از اینکه چندین ساعت در یک زمان به نمودارها چشم بدوزید، ناراحت نمی‌شوید
- آدم ناشکیبایی هستید که دوست ندارد منتظر معاملات طولانی مدت بشود
- می‌توانید سریع فکر کنید و به سرعت سمت و سوی خود را تغییر دهید
- انگشتان سریعی دارید (آن مهارت‌های استارکرفت ۲ را به کار اندازید!)
- جراح هستید!

نمی‌توانید اسکالپر باشید اگر:

- به آسانی در محیط‌های سریع حرکت استرس می‌گیرید
  - نمی‌توانید از عهدۀ چندین ساعت توجه تمام و کمال به نمودارهای خود برآیید
  - مایلید وقت خود را صرف تحلیل تصویر کلی بازار کنید
- اگر تصمیم به اسکالپینگ دارید، این موارد را مد نظر داشته باشید:
- فقط جفت‌هایی که بیشترین نقد شوندگی را دارند معامله کنید
- جفت ارزهایی همچون EUR/USD، GBP/USD، USD/CHF و USD/JPY کمیاب‌ترین اسپردها<sup>۷</sup> هستند، برای اینکه بالاترین حجم معاملاتی را دارند. شما می‌خواهید که اسپردهایتان تا جای ممکن کمیاب باشند، چراکه مکرراً به بازار وارد خواهید شد.
- فقط در شلوغ‌ترین اوقات روز معامله کنید
- نقد شدنی‌ترین اوقات روز، طی همپوشانی‌های جلسه است که از ساعت دو تا ۴ بامداد و از ۸ بامداد تا ۱۲ ظهر به وقت استاندارد شرقی (EST) است.
- مطمئن شوید که اسپرد را به حساب می‌آورید
- از آنجایی که مکرراً به بازار وارد می‌شوید، اسپردها عامل بزرگی در سود کلی شما خواهند بود. مطمئن شوید اهداف سودی شما حداقل دو برابر اسپرد شما باشند تا بتوانید اوقاتی را که بازار خلاف شما حرکت می‌کند، محاسبه کنید.
- در ابتدا سعی کنید بر یک جفت ارزی تمرکز کنید

<sup>7</sup> - تفاوت بین نرخ خرید و نرخ فروش یک جفت ارزی. در واقع تفاوت بین قیمت‌های "بید و اسک" به عنوان مثال برای جفت ارزی Spread<sup>7</sup> یورو به یو اس دی دو قیمت مشاهده می‌شود که یکی ۱.۳۶۰۱ و دیگری ۱.۳۶۰۴ است. به تفاوت موجود بین این دو قیمت اسپرد گفته می‌شود یعنی این ارز دارای ۳ پیپ اسپرد است.

اسکالپینگ خیلی جدی و فشرده است و اگر بتوانید همه انرژی خود را معطوف به یک جفت ارزی کنید، شانس بهتری برای موفقیت خواهید داشت. اگر به شتاب بازار عادت کنید، می‌توانید شروع به اضافه کردن یک جفت ارزی دیگر کنید و ببینید چگونه برای شما کار می‌کند.

مطمئن شوید که از مدیریت پولی خوبی دنباله روی می‌کنید

این نکته برای هر نوع معامله ای صادق است، اما از آنجایی که شما طی یک روز، چندین معامله انجام می‌دهید، به طور خاص مهم است که به شیوه‌های مدیریت خوب پولی پایبند باشید.

گزارش‌های خبری شما را گمراه می‌کنند

به دلیل نوسانات قیمت و بی ثباتی زیاد، معامله بر اساس گزارش‌های خبری پیش‌بینی شده می‌تواند بسیار خطرناک باشد. هنگامی که به طور غیرمنتظره جهش قیمت را در جهت مخالف معامله خود به خاطر یک گزارش خبری می‌بینید، از کوره در می‌روید.



معامله روزانه، شیوه معامله کوتاه مدت دیگری است، اما برخلاف اسکالپینگ، معمولاً فقط یک معامله در یک روز انجام می‌دهید و وقتی روز به پایان می‌رسد، آن را می‌بندید. این معامله گران تمایل دارند در ابتدای روز، طرفی را بگیرند، روی سوگیری‌های خود کار کنند، و سپس روز خود را با یک سود یا یک زیان به پایان ببرند. آن‌ها دوست ندارند معاملات خود را شب هنگام انجام دهند.

معامله روزانه برای کسانی مناسب است که در طول روز، زمان کافی برای تجزیه و تحلیل، اجرا و نظارت بر یک معامله در اختیار دارند. اگر فکر می‌کنید که اسکالپینگ بی اندازه سریع است اما معامله سوینگ<sup>۸</sup> برای سلیقه شما کمی کند است، پس معامله روزانه احتمالاً مناسب شماست.

شاید بتوانید معامله گر روزانه باشید اگر:

- مایلید معامله را در یک روز شروع و تمام کنید.
- برای تجزیه و تحلیل بازارها در ابتدای روز، وقت دارید و می‌توانید طی روز بازار را کنترل کنید.
- مایلید بدانید در انتهای روز، سود می‌کنید یا زیان.
- شما نمی‌توانید معامله گر روز باشید اگر:
- معامله کوتاه مدت تر یا بلند مدت تر را می‌پسندید.
- برای تجزیه و تحلیل بازارها و کنترل آن در طی روز، زمان ندارید.

<sup>8</sup> – معامله در نوسان – سبکی از معامله که تلاش می‌کند طی یک تا چهار روز در بورس به سود دست یابد. Swing trading

• شغل روزانه دارید.

اگر تصمیم به معامله روزانه می‌گیرید، به این موارد توجه کنید:

آگاهی مستمر از آخرین رویدادهای بنیادین برای کمک به شما در انتخاب جهت

شما باید خود را با آخرین اخبار اقتصادی به روز نگه دارید تا بتوانید در آغاز روز، تصمیم‌های معاملاتی خود را بگیرید.

آیا برای نظارت بر معامله خود وقت دارید؟

اگر یک شغل تمام وقت دارید، به چگونگی مدیریت زمان خود بین کار و معاملاتتان توجه داشته باشید. در وهله اول ... به این دلیل که همیشه نمودارها را بررسی می‌کنید، از شغل خود بیرون نیاید!

انواع معاملات روزانه

معامله بر اساس روند

معامله بر اساس روند وقتی است که نموداری با چهارچوب زمانی طولانی‌تر را در نظر می‌گیرید و روندی کلی را تعیین می‌کنید. وقتی روند کلی تثبیت شد، به سوی چهارچوب زمانی کوچک‌تری حرکت می‌کنید و فرصت‌های معامله در جهت آن روند را جستجو می‌کنید. استفاده از شاخص‌های روی نمودار دارای چهارچوب زمانی کوتاه‌تر به شما برای تعیین وقت ورودهایتان کمک خواهند کرد. برای نمونه ای از این سبک معامله، وبلاگ پیمایش گر را ببینید، چرا که با سیستم کوابونگای خود «[Cowabunga System](#)» خود که شهرت جهانی دارد، داد و ستد می‌کند.

ابتدا با بررسی یک چهارچوب زمانی طولانی‌تر، روند کلی را تعیین کنید. می‌توانید از شاخص‌ها برای تأیید روند کمک بگیرید.





پس از تعیین روند کلی، می‌توانید به چهارچوب زمانی کوچک‌تری تغییر موضع داده و ورودی‌ها را در همان جهت جستجو کنید. یادتان می‌ماند؟ به این می‌گویند تحلیل چهارچوب چندزمانه! «[Multi-time Frame Analysis](#)»



معامله بر اساس روند معکوس

معامله بر اساس روند معکوس شبیه به معامله بر اساس روند است به استثنای اینکه، پس از تعیین روند کلی، معاملات را در جهت عکس جستجو می‌کنید. ایده این سبک معامله، پی بردن به انتهای یک روند و ورود به موقع، به هنگام حرکت معکوس روند است. این روش کمی پرخطرتر است اما می‌تواند بازده بسیار بزرگی داشته باشد.



در این مثال، می‌بینید که روند نزولی طولانی و ازپافتاده ای روی این نمودار ۴ ساعته وجود دارد که نشان دهنده این است که شاید بازار برای بازگشت (تغییر مسیر کلی بازار) آماده باشد.



از آنجایی که ما به «رند معکوس» فکر می‌کنیم، در مسیر مخالف رند کلی و روی چهارچوب زمانی کوچک‌تر، مثلاً نمودار ۱۵ دقیقه‌ای، معاملات را جستجو می‌کنیم.



به خاطر داشته باشید که حرکت بر خلاف مسیر رند بسیار پرخطر است، اما اگر به درستی زمان‌بندی شود، می‌توانید به پادشاهی هنگفتی دست پیدا کنید!

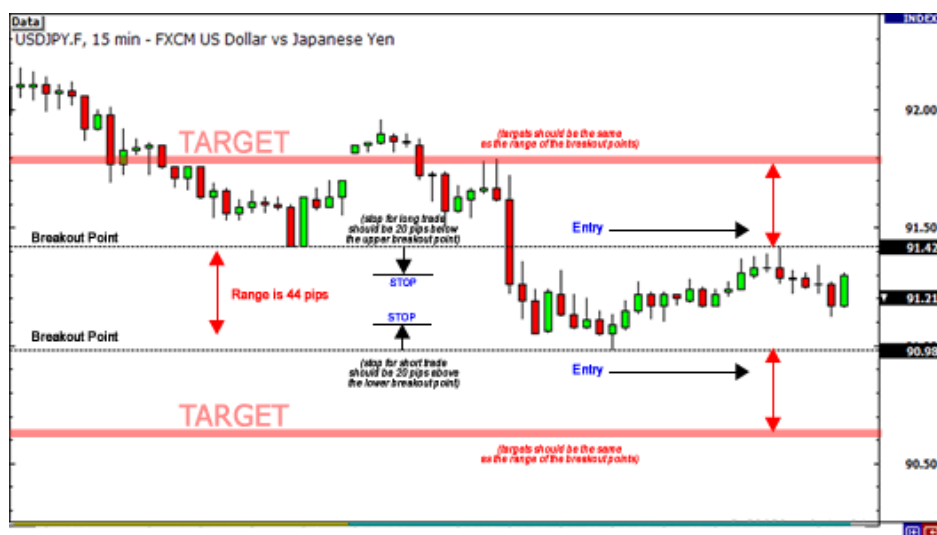
### معامله برک آوت<sup>۹</sup> (شکست)

معامله برک آوت وقتی است که شما محدوده‌ای<sup>۱۰</sup> را که یک جفت ارزی طی ساعات معین روز تشکیل داده، بررسی می‌کنید و سپس معاملات را بر یکی از دو طرف انجام می‌دهید، با این امید که در هر جهتی، به یک برک آوت دست پیدا کنید. این سبک به طور خاص وقتی کارآمد است که یک جفت ارزی دامنهٔ صعب‌الحصول تری داشته باشد چون این معمولاً نشان‌دهندهٔ این است که

<sup>۹</sup> Breakout

<sup>۱۰</sup> تفاوت بین بالاترین و پایین‌ترین قیمت در یک معامله Range

این جفت ارز آماده حرکت بزرگی هستند. در اینجا هدف شما این است که هنگامی که حرکت صورت می‌گیرد، برای بهره بردن از آن آماده باشید.



در معامله برک آوت، شما محدوده ای را تعیین می‌کنید که در آن سطح حمایت و مقاومت قویاً حفظ شده است. پس از تعیین این محدوده می‌توانید نقاط ورود را بالا و زیر سطوح برک آوت خود تنظیم کنید. طبق یک قاعده تجربی، شما می‌خواهید همان میزان پیپ را که محدوده تعیین شده شما را تشکیل می‌دهد، هدف بگیرید. اطمینان حاصل کنید که درس برک آوت های معاملاتی [Trading Breakouts](#) ما را بررسی می‌کنید تا برایتان مثل آب خوردن شود!

### معامله سوینگ



معامله سوینگ سبک معاملاتی بلند مدت تر است که مستلزم شکیبایی برای نگه داشتن معاملات برای چند روز در یک بار است.

این سبک معامله برای کسانی ایده آل است که نمی‌توانند نمودارها را در طی روز کنترل کنند اما می‌توانند هر شب، چند ساعتی را به تحلیل بازار اختصاص دهند.

احتمالاً این روش برای کسانی مناسب‌تر است که مشاغل یا دانشگاه تمام وقت دارند، اما زمان آزاد کافی برای به روز ماندن با رویدادهای در حال انجام در اقتصادهای جهانی را دارند.

در معامله سوینگ سعی بر این است که روندهای میان مدت را شناسایی کنیم و تنها وقتی وارد شویم که ظاهراً بالاترین سودآوری وجود داشته باشد.

از آنجایی که معاملات کمی طولانی‌تر از یک روز به طول می‌انجامد، توقف زیان‌های<sup>11</sup> بزرگ‌تری برای پشت سر گذاشتن نوسانات لازم است، و معامله گر باید آن را با برنامه مدیریت پولی تطبیق دهد.

به احتمال خیلی زیاد، خواهید دید که معاملات، طی زمان صرف شده برای معامله، بر خلاف شما حرکت می‌کنند، چراکه که در چهارچوب‌های زمانی کوتاه‌تر، نوسانات قیمت بسیاری وجود دارد.

این نکته اهمیت دارد که بتوانید طی این اوقات آرام بمانید و به تحلیل‌های خود اعتماد کنید.

از آنجایی که معاملات معمولاً اهداف سودی بزرگ‌تری دارند، اسپردها تأثیر چندانی بر سودهای کلی ندارند. در نتیجه، جفت‌های معاملاتی دارای اسپردهای بزرگ‌تر و نقدشوندگی پایین‌تر قابل قبول هستند.

شاید بخواهید معامله گر سوینگ باشید اگر:

- برایتان مهم نباشد که معاملات خود را برای چندین روز نگه دارید.
- مایل به انجام معاملات کمتری هستید، اما برای حصول اطمینان از تنظیم‌های خیلی خوب معاملاتتان، دقت بیشتری دارید.
- به داشتن توقف زیان‌های بزرگ اهمیت نمی‌دهید.
- صبور هستید.
- قادرید به هنگام حرکت معاملات در خلاف جهت شما، آرامش خود را حفظ کنید.
- شاید نخواهید معامله گر سوینگ باشید اگر:
- معامله سریع و هیجان‌انگیز را دوست دارید.
- ناشکیبا هستید و مایلید بلافاصله از درستی و غلطی کار خود آگاه شوید.
- مضطرب و خیس عرق می‌شوید وقتی معاملات بر خلاف شما پیش می‌روند.

---

<sup>11</sup> Stop losses

- نمی‌توانید هر روز، چند ساعتی را صرف تحلیل بازارها کنید.
- نمی‌توانید جلسات حمله و رلد آو وارکرفت خود را رها کنید.



### معامله گر موقعیتی

معامله موضعی (بر اساس پوزیشن) طولانی مدت‌ترین معامله است و می‌تواند معاملاتی را داشته باشد که چندین ماه تا چندین سال به طول می‌انجامند!

این نوع از معامله به معامله گران فوق‌صبور اختصاص داده می‌شود و مستلزم درک درستی از مبانی است.

از آنجایی که معامله موضعی به مدت خیلی طولانی حفظ می‌شود، به هنگام تحلیل بازارها، موضوعات بنیادین تمرکز غالب خواهند بود.

اصول بنیادین روندهای بلند مدت جفت ارزها را دیکته می‌کنند و مهم است که شما نحوه تأثیرگذاری داده‌های اقتصادی بر کشور خود و چشم‌انداز آتی آن را درک کنید. به دلیل زمان صرف شده خیلی طولانی معاملات، توقف زیان‌های شما بسیار بزرگ خواهند بود.

شما باید از تأمین سرمایه خود اطمینان حاصل کنید و گرنه به احتمال زیاد درخواست تکمیل ودیعه (مارجین کال) دریافت خواهید کرد.

برای اینکه کم و بیش پی ببرید که چه مقدار پول باید در حساب معاملات خود داشته باشید، درس مدیریت پول ما را مطالعه کنید. همچنین در معامله موضعی لازم است که پوست کلفتی داشته باشید، چون تقریباً تضمین شده است که معاملات شما اینجا و آنجا، بر خلاف شما پیش بروند. این‌ها تنها پیمایش‌های مجدد کوچک نخواهند بود. ممکن است سوینگ‌های بزرگی را تجربه کنید و باید آماده باشید و به تحلیل‌های خود اعتماد مطلق داشته باشید تا طی این اوقات، آرامش خود را از دست ندهید.

شاید یک معامله گر موضعی باشید اگر:

- یک متفکر مستقل هستید. شما مجبورید که بتوانید دیدگاه‌های عمومی را نادیده بگیرید و دربارهٔ اینکه بازار به چه سمتی می‌رود، حدس قریب به یقین بزنید.
  - فهم بالایی از اصول بنیادین و نگرش خوبی به نحوهٔ تأثیرگذاری آن‌ها بر جفت ارزهای خود در بلند مدت دارید.
  - پوست کلفت هستید و می‌توانید هر پیمایش مجددی را که پیش رویتان قرار می‌گیرد، پشت سر بگذارید.
  - اگر بازار مخالف شما حرکت کند، سرمایهٔ کافی برای تحمل چند صد پیپ را دارید.
  - به منتظر ماندن برای پاداش بزرگتان اهمیت نمی‌دهید. معاملهٔ بلند مدت می‌تواند چند صد تا چند هزار پیپ برای شما به همراه داشته باشد. اگر با داشتن ۵۰ پیپ هیجان زده می‌شوید و از قبل می‌خواهید معاملهٔ خود را خاتمه دهید، تغییر موضع به یک سبک معاملاتی کوتاه مدت تر را در نظر داشته باشید.
  - فوق‌العاده صبور و آرام هستید.
- شاید نتوانید یک معامله گر موضع نگه دار باشید اگر:
- به آسانی تحت تأثیر دیدگاه‌های عمومی دربارهٔ بازارها قرار می‌گیرید.
  - فهم خوبی از نحوهٔ تأثیرگذاری اصول بنیادین بر بازارها در بلندمدت ندارید.
  - صبور نیستید. حتی اگر تا اندازه ای صبور باشید، این سبک تجاری مناسب شما نیست. وقتی پای این نوع صبوری به میان می‌آید، مجبورید استاد غایی ذن باشید!
  - سرمایهٔ اولیهٔ کافی در اختیار ندارید.
  - حرکت بازار بر خلاف خودتان را نمی‌پسندید.
  - دوست دارید به نتایج سریع برسید. شاید بتوانید چند روزی منتظر بمانید، اما چندین ماه و حتی چندین سال انتظار، برای شما بی‌اندازه طولانی است.

خلاصه: چه نوع معامله گری هستید؟



چهار نوع اصلی معامله گر وجود دارد:

۱. اسکالپر ([The Scalper](#))

۲. معامله گر روزانه ([The Day Trader](#))

۳. معامله گر سویینگ ([The Swing Trader](#))

۴. معامله گر موضع نگه دار ([The Position Trader](#))

اسکالپر ها چند ثانیه تا حداکثر چند دقیقه، معامله را نگه می دارند. هدف اصلی آن ها رسیدن به مقادیر بسیار کوچک پیم، هر چند بار که بتوانند، در شلوغ ترین اوقات روز است.

معامله گران روزانه معمولاً در آغاز روز، طرفی را انتخاب می کنند. روی گرایش خود کار می کنند، و سپس روز را با سود و یا زیان به پایان می برند. این نوع معامله گران در طول شب، معامله نمی کنند.

معامله گران سویینگ کسانی هستند که دوست دارند معاملات خود در یک بار را چند روز نگه دارند. این نوع معامله گران نمی توانند نمودارهای خود را در طول روز کنترل کنند، بنابراین هر شب، چند ساعتی را به تحلیل بازار اختصاص می دهند تا بتوانند تصمیمات معاملاتی معقولی بگیرند.

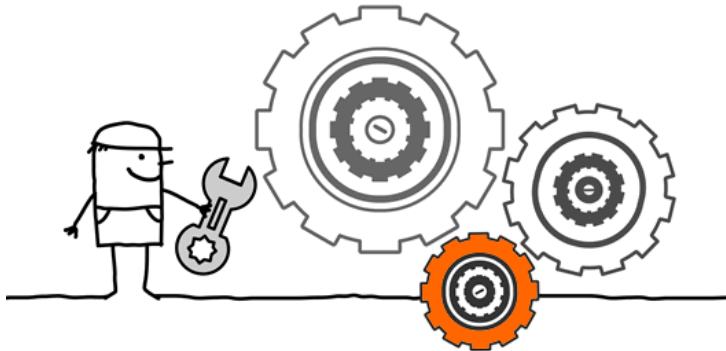
معامله گران موضع نگه دار کسانی هستند که معاملاتشان چند هفته، چند ماه یا حتی چند سال به طول می انجامد. این معامله گران می دانند که موضوعات بنیادین، به هنگام تحلیل بازارها، فاکتور غالب هستند و بنابراین، تصمیمات معاملاتی خود را بر مبنای آن ها اتخاذ می کنند.

فرقی نمی کند چه سبکی را انتخاب می کنید، باید مطمئن شوید که حقیقتاً این سبک مناسب شماست.



همیشه تغییر شیوه معاملاتی می‌تواند به دردرس منتهی شود و قطعاً گرفتاری در پیش خواهد داشت.

اما اگر اسکالپینگ را امتحان کنید و بعد از یک هفته متوجه شوید که بی اندازه سریع یا بی اندازه تحلیل برنده است، برای تغییر آن، انعطاف کافی نشان دهید.



### سیستم‌های معاملاتی مکانیکی

تا اینجا، نحوه توسعه برنامه معاملاتی را به شما درس داده‌ایم. همچنین درباره میزان اهمیت آن برای کشف نوع معامله‌گری که هستید، بحث کرده‌ایم.

پس از این، می‌خواهیم با نشان دادن چگونگی ایجاد یک سیستم معاملاتی، چهارچوب برنامه معاملاتی شما را کمی قوی‌تر کنیم.

به طور خاص‌تر، برآنیم تا همه چیز را درباره سیستم‌های معاملاتی مکانیکی به شما یاد بدهیم.

سیستم‌های معاملاتی مکانیکی عبارتند از سیستم‌هایی که سیگنال‌های معاملاتی را برای معامله‌گر تولید می‌کنند. به آن‌ها مکانیکی گفته می‌شود چون معامله‌گر بدون توجه به آنچه که در حال روی دادن در بازار است، معامله خواهد کرد.

در نظریه، این باید همه سوگیری‌ها و هیجانات در معامله شما را حذف کند، چراکه فرض بر این است که شما از مقررات سیستم خود، هر چه که باشد، تبعیت می‌کنید.

اگر جستجوی ساده‌ای در گوگل برای «سیستم‌های معاملاتی فارکس»<sup>۱۲</sup> داشته باشید، اشخاص بسیار بسیار زیادی را پیدا خواهید کرد که ادعا می‌کنند سیستم «جام مقدس» را دارند که می‌توانید «تنها» با چند هزار دلار، آن را خریداری کنید. این سیستم‌ها ظاهراً هفته‌ای چند هزار پیپ برای شما خواهند داشت و هرگز زیان نمی‌دهند. آن‌ها «نتایج» مفروض سیستم‌های کامل خود را به شما نشان خواهند داد و همان‌طور که آنجا نشسته‌اید و چشم به علامت‌های دلار (\$) دوخته‌اید، به خودتان می‌گویید: «وای! اگر فقط ۳۰۰۰\$ به این آدم بدهم، می‌توانم آن همه پول درآورم. به علاوه، اگر سیستم او هفته‌ای چند هزار پیپ می‌دهد، بلافاصله به پول خودم می‌رسم».

یواش گاوچران. مواردی وجود دارند که قبل از اینکه شماره کارت اعتباری خود را به آن‌ها بدهید و این خرید شتاب‌زده را انجام دهید، باید بدانید.

<sup>12</sup> Forex trading systems

حقیقت این است که بسیاری از این سیستم‌ها، حقیقتاً عملی هستند. مسأله این است که معامله‌گران برای تبعیت از مقرراتی که در راستای سیستم پیش می‌روند، از انضباط کافی برخوردار نیستند.

حقیقت دوم (آیا چیزی با عنوان حقیقت دوم وجود دارد؟) این است که به جای پرداخت هزاران دلار برای یک سیستم، در حقیقت شما می‌توانید برای توسعه سیستم خودتان، به طور رایگان زمان صرف کنید، و از آن پول به عنوان سرمایه برای حساب خود استفاده کنید.

حقیقت سوم این است که تولید سیستم‌ها به آن سختی‌ها هم نیست. چیزی که سخت است، پیروی از مقرراتی است که به هنگام توسعه سیستم خود، تنظیم می‌کنید.

مقاله‌های زیادی موجود هستند که سیستم می‌فروشند، اما ما مقاله‌ای ندیده‌ایم که نحوه ایجاد سیستم خودتان را به شما یاد بدهند.

این درس در طول مراحل لازم برای توسعه سیستمی مناسب شما، راهنمایتان خواهد بود. در انتهای این درس، مثالی از سیستمی به شما خواهیم داد که یکی از اعضای فارکس از آن استفاده می‌کند تا به شما نشان دهیم چه قدر محشریم! (شکلک خنده شیطانی را اینجا بگذارید).

#### اهداف سیستم معاملاتی

می‌دانیم الان می‌گویید، «هدف سیستم معاملاتی من در آوردن چند میلیارد دلار است!»

در عین اینکه این هدفی شگفت‌انگیز است، دقیقاً همان هدفی نیست که از شما معامله‌گر موفق خواهد ساخت.

وقتی سیستم خود را توسعه می‌دهید، می‌خواهید به دو هدف بسیار مهم دست یابید:

۱. سیستم شما باید بتواند هر چه زودتر، روندها را شناسایی کند.

۲. سیستم باید بتواند شما را از زیان‌های دو سویه دور نگه دارد.

اگر بتوانید با سیستم معاملاتی خود، به این دو هدف دست یابید، شانس بیشتری برای موفقیت خواهید داشت.

بخش سخت درباره اهداف این است که در تناقض با یکدیگرند.

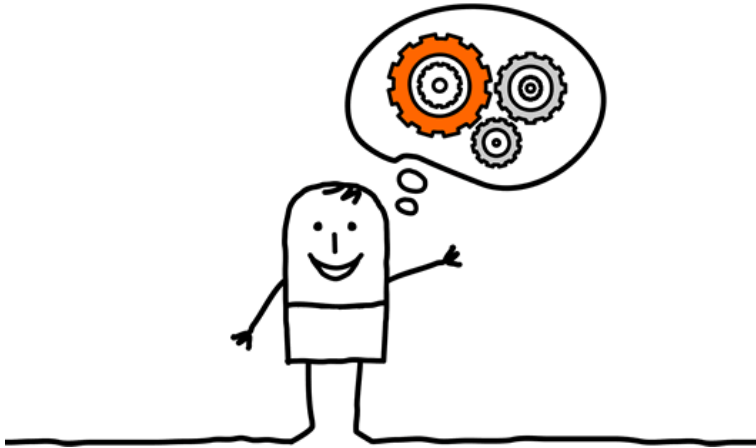
اگر سیستمی دارید که هدف اولیه‌اش فهمیدن زود هنگام روندهاست، پس احتمالاً بارها گول خواهید خورد.

از سویی دیگر، اگر سیستمی دارید که بر اجتناب از زیان دو سویه تمرکز می‌کند، پس برای بسیاری از معاملات دیر خواهید کرد و همچنین، احتمالاً خیلی از معاملات را از دست خواهید داد.

به هنگام توسعه سیستم مکانیکی، تکلیف شما ایجاد هماهنگی بین این دو هدف است. راهی برای شناسایی زود هنگام روندها پیدا کنید، و همچنین راهی پیدا کنید که برای تشخیص سیگنال‌های دروغین از سیگنال‌های واقعی به شما کمک کند.

اگر نمی‌دانید از کجا شروع کنید، سری به موضوع سیستم‌های معاملاتی رایگان «Free Forex Trading Systems» در انجمن‌های ما بزنید. بسیاری از معامله‌گران ایده‌های خود برای سیستم‌های معاملاتی را در آنجا قرار می‌دهند و شما می‌توانید یکی دو تا از آن‌ها را پیدا کنید که به هنگام ساختن سیستم خودتان، آن‌ها را به کار ببرید.

یستم معاملاتی خود را در شش مرحله طراحی کنید



تمرکز اصلی این مقاله، هدایت شما در طول فرآیند توسعه سیستمتان است. در عین اینکه دستیابی به یک سیستم وقت زیادی نمی‌گیرد، مدتی برای آزمایش گسترده آن صرف می‌شود. پس صبور باشید؛ در بلند مدت، یک سیستم خوب می‌تواند به طور بالقوه مبالغه زیادی پول برای شما به ارمغان بیاورد.

### مرحله ۱: چهارچوب زمانی

اولین تصمیمی که به هنگام ایجاد سیستم باید بگیرید، این است که چه نوع معامله‌گری هستید. آیا معامله‌گر روزانه ([day trader](#)) هستید یا معامله‌گر سوینگ ([swing trader](#))؟ آیا دوست دارید هر روز، هر هفته، هر ماه یا حتی هر سال نمودارها را بررسی کنید؟ چه مدت می‌خواهید پوزیشن‌های خود را نگه دارید؟ این به شما در تعیین چهارچوب زمانی‌ای که برای معامله استفاده خواهید کرد، کمک خواهد کرد. حتی اگر هنوز چهارچوب‌های زمانی چندگانه را بررسی می‌کنید، این چهارچوب زمانی اصلی‌ای خواهد بود که به هنگام جستجوی سیگنال‌های معامله، به کار خواهید برد.

### مرحله ۲: پیدا کردن شاخص‌هایی که در شناسایی روند جدید کمک می‌کنند.

از آنجایی که هدف شما، شناسایی هرچه زودتر روندهاست، باید از شاخص‌هایی استفاده کنیم که می‌توانند به این هدف دست یابند. میانگین‌های متحرک یکی از محبوب‌ترین شاخص‌هایی هستند که معامله‌گران برای شناسایی روند مورد استفاده قرار می‌دهند.

به طور خاص، آن‌ها از دو میانگین متحرک استفاده خواهند کرد (یکی کند و یکی سریع) و منتظر می‌شوند تا زمانی که متحرک سریع از رو و یا زیر متحرک سریع بگذرد. این مبنای همان چیزی است که به عنوان سیستم «تقاطع میانگین متحرک» معروف است.

تقاطع های میانگین متحرک در ساده ترین شکل خود، سریع ترین و آسان ترین راه برای شناسایی و تشخیص روندهای جدید هستند.

البته، راه های بسیار دیگری برای تشخیص روندها توسط معامله گران وجود دارد، اما استفاده از میانگین های متحرک، از همه آسان تر است.

### مرحله ۳: شاخص هایی را پیدا کنید که به تایید روند کمک می کنند.

دومین هدف ما برای سیستمان این است که توانایی اجتناب از زیان های دو سو به داشته باشیم، به این معنا که نمی خواهیم در یک روند «کاذب» گیر بیفتیم. روش انجام این کار، اطمینان حاصل کردن از این است که وقتی سیگنالی را برای روندی جدید می بینیم، بتوانیم با استفاده از سایر شاخص ها آن را تایید کنیم.

شاخص های بسیاری خوبی برای تایید روندها موجود هستند اما پیپ پیمایش گر [Stochastic](#)، [MACD](#) و [RSI](#) را واقعاً دوست دارد. وقتی با شاخص های گوناگون آشنا تر شوید، شاخص هایی را پیدا خواهید کرد که به سایر شاخص ها ترجیحشان می دهید و می توانید آن ها را با سیستم خود هماهنگ کنید.

### مرحله ۴: ریسک خود را تعریف کنید

به هنگام توسعه سیستم، بسیار مهم است که اندازه ضرر خود در هر معامله را تعریف کنید. بیشتر مردم دوست ندارند درباره ضرر کردن صحبت کنند، اما در واقعیت، یک معامله گر خوب به چیزی که احتمالاً از دست خواهد داد، پیش از فکر کردن درباره چیزی که می تواند به دست آورد، فکر می کند.

مقدار پولی که مایلید از دست بدهید، با هر کس دیگر متفاوت خواهد بود. شما باید درباره حجم فضایی کافی برای تنفس معامله تان تصمیم گیری کنید، اما همزمان، در هر معامله، ریسک بیش از اندازه نداشته باشید. درباره مدیریت پول در درس بعدی، بیشتر خواهید آموخت. مدیریت پول در میزان ریسکی که باید در هر معامله داشته باشید، نقش مهمی بر عهده دارد.

### مرحله ۵: ورودی ها و خروجی ها را تعریف کنید

به منظور دستیابی به بالاترین سود، پس از تعریف میزان ضرر در هر معامله، مرحله بعدی پی بردن به محل های ورود به معامله و خروج از آن است.

بعضی ها دوست دارند بلافاصله پس از هماهنگی همه شاخص ها و دادن یک سیگنال خوب وارد شوند، حتی اگر شمع بسته نشده باشد. دیگران مایلند تا زمان بسته شدن شمع منتظر بمانند. تا زمان بسته شدن شمع منتظر بمانیم. او در موقعیت های زیادی قرار گرفته که در میانه شمع قرار داشته و همه شاخص ها جفت و جور بوده اند، اما متوجه شده که با بسته شدن شمع، مسیر معامله به طور کامل بر خلاف مسیر او شده است! همه این ها حقیقتاً موضوع سبک معامله هستند. بعضی از مردم تهاجمی تر از دیگرانند و شما در نهایت، متوجه خواهید شد که چه نوع معامله گری هستید.

برای خروجی ها، چند گزینه مختلف دارید. یک روش این است که توقف خود را تعقیب کنید، به این معنا که اگر قیمت به نفع شما و به میزان «X» تغییر کند، شما توقف خود را به میزان «X» تغییر دهید.

روش دیگر خروج این است که مجموعه ای از اهداف سودی<sup>۱۳</sup> داشته باشید، و وقتی قیمت به هدف زد، خارج شوید. نحوه محاسبه هدف به خود شما بستگی دارد. بعضی از افراد سطوح حمایت و مقاومت را به عنوان اهداف خود انتخاب می کنند.

<sup>13</sup> targets

دیگران میزان یکسان پیب در هر معامله را ترجیح می‌دهند. با هر روشی که مایلید هدف خود را محاسبه کنید، اما فقط اطمینان حاصل کنید که همان را ادامه می‌دهید. هر اتفاقی هم که بیفتد، هرگز زود خارج نشوید. سیستم خود را رها نکنید! هر چه نباشد، خودتان آن را توسعه دادید!

راه دیگر برای خروج، داشتن مجموعه‌ای از معیارهایی است که پس از رعایت شدن، برای خروج به شما علامت می‌دهند. مثلاً، می‌توانید این قانون را برای سیستم خود وضع کنید که اگر شاخص‌ها اتفاقاً به سطحی معین برگشت داشتند، از معامله خارج شوید.

### مرحله ۶: قوانین سیستم خود را بنویسید و آن‌ها را رعایت کنید!

این مهم‌ترین مرحله ایجاد سیستم معاملاتی است. شما باید قوانین سیستم معاملاتی خود را بنویسید و همیشه آن‌ها را رعایت کنید. انضباط یکی از مهم‌ترین خصیصه‌هایی است که معامله‌گر باید داشته باشد، بنابراین باید همیشه به یاد داشته باشید که به سیستم خود پایبند باشید! هیچ سیستمی برای شما کار نخواهد کرد اگر به قوانین آن پایبند نباشید، پس یادتان باشد که با انضباط باشید.

بله، به شما خاطر نشان کردیم که همیشه به قوانین پایبند باشید؟

چگونه سیستم معاملاتی خود را آزمایش کنیم (تستینگ)

سریع‌ترین روش برای آزمایش سیستم پیدا کردن یک بسته نرم افزار رسم نمودار است که بتوانید به موقع برگردید و هر بار به اندازه یک شمع، نمودار را به جلو ببرید. وقتی هر بار، نمودار خود را یک شمع جلو می‌برید، می‌توانید از قوانین سیستم معاملاتی خود پیروی کرده و طبق آن معاملات خود را انجام دهید.

رکورد معاملاتی خود را ثبت کنید، با خودتان صادق باشید! سودها، زیان‌ها، میانگین سود و میانگین زیان را ثبت کنید. اگر از نتایج حاصله راضی هستید، می‌توانید به مرحله بعدی آزمایش وارد شوید: معامله با پوزیشن لایو<sup>۱۴</sup> بر اساس یک حساب مجازی.

حداقل دو ماه با حساب مجازی در سیستم جدید خود معامله کنید. در این صورت احساس خواهید کرد که چگونه می‌توان در زمان حرکت بازار، روی سیستم خود معامله کرد. به ما اعتماد کنید، معامله با پوزیشن لایو خیلی با بک‌تست‌گیری<sup>۱۵</sup> متفاوت است.

پس از دو ماه معامله لایو با حساب مجازی، خواهید فهمید که سیستم شما حقیقتاً می‌تواند در بازار روی پای خود بایستد یا نه. اگر هنوز دارید نتایج خوبی می‌گیرید، می‌توانید معاملات روی سیستم خود را به حساب واقعی تغییر دهید.

در این نقطه، باید احساس اطمینان زیادی به سیستم خود داشته باشید و برای معامله بدون درنگ، احساس راحتی کنید.

### سیستم معامله خود را در شش مرحله بسازید

در این بخش، تصویر اولیه شکل ظاهری سیستم معامله را به شما ارائه خواهیم داد. به این صورت متوجه می‌شوید که به هنگام توسعه سیستم خود باید به دنبال چه چیزی باشید.

تنظیم (ست آپ) سیستم معاملاتی

• بر اساس نمودار روزانه معامله کنید (معامله سوینگ)

• SMA ۵ (میانگین متحرک ساده) اعمال شده روی قیمت بسته شدن (close)

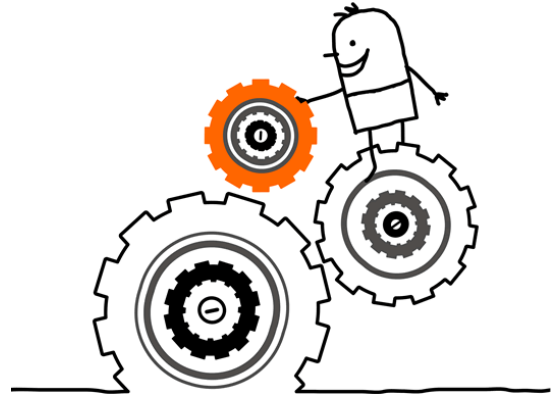
<sup>14</sup> Trading live

<sup>15</sup> backtesting

• ۱۰ SMA اعمال شده روی قیمت بسته شدن

• استوکاستیک<sup>۱۶</sup> (۱۴.۳.۳)

• RSI (۹) (شاخص قدرت نسبی)



قوانین معامله‌گری

قوانین ورود

با پوزیشن Long وارد شوید اگر:

• SMA ۵ بالاتر از SMA ۱۰ بگذرد و هر دو خط تصادفی (استوکاستیک) سیر صعودی داشته باشند (اگر خطوط تصادفی از پیش

در ناحیه بیش خرید<sup>۱۷</sup> باشند، وارد نشوید)

• RSI بالای ۵۰ باشد

با پوزیشن Short وارد شوید اگر:

• SMA 5 از زیر SMA ۱۰ عبور کند و هر دو خط تصادفی سیر نزولی داشته باشند و (اگر خطوط تصادفی از پیش در ناحیه بیش

فروش<sup>۱۸</sup> قرار داشته باشند، وارد نشوید)

قوانین خروج

• وقتی SMA ۵ در جهت مخالف معامله شما از SMA ۱۰ عبور کند یا اگر RSI به ۵۰ برگردد، خارج شوید

• وقتی معامله به توقف زیان ۱۰۰ پیپ می‌رسد، خارج شوید

خب، بیایید نگاهی به برخی از نمودارها داشته باشیم و این نوزاد را در عمل ببینیم...

<sup>16</sup> - تصادفی Stochastic

<sup>17</sup> overbought

<sup>18</sup> oversold

سیستم «آنقدر آسان به نظر مسخره می‌رسد»



همان‌طور که می‌بینید، ما همه مؤلفه‌های یک سیستم معاملاتی خوب را در اختیار داریم. ابتدا، تصمیم گرفته‌ایم که یک سیستم معاملاتی سوینگ داشته باشیم، و اینکه بر اساس نمودار روزانه معامله خواهیم کرد. سپس، از میانگین‌های حرکتی ساده «[simple moving averages](#)» استفاده خواهیم کرد که در شناسایی هر چه زودتر روند جدید به ما کمک خواهند کرد.

استوکاستیک «[Stochastic](#)» به ما کمک می‌کند تا تعیین کنیم که آیا هنوز برای ما خوب است که بعد از یک تقاطع میانگین حرکتی به معامله وارد شویم، و همچنین به ما کمک می‌کند از ناحیه‌های بیش‌خرید و بیش‌فروش دور بمانیم. RSI ابزار تایید دیگری است که به ما در تعیین قدرت روندمان کمک می‌کند.

پس از فهمیدن تنظیم سیستم معاملاتی، ریسک هر معامله را تعیین می‌کنیم. برای این سیستم، ترجیح ما بر ریسک ۱۰۰ پیپ در هر معامله است. معمولاً، هر چه چهارچوب زمانی بالاتر باشد، باید پیپ بیشتری را ریسک کنید چراکه سودهای شما معمولاً بیشتر از وقتی است که با چهارچوب زمانی کوچک‌تر معامله می‌کنید.

پس، به روشنی قوانین ورود و خروجمان را تعریف کردیم. در این نقطه، مرحله آزمایش (تستینگ) را با شروع آزمایش‌های پشتیبان دستی آغاز می‌کنیم.

این نمونه‌ای از تنظیم بلند مدت معامله است:





اگر به موقع برمی گشتیم و به این نمودار نگاه می کردیم، می دیدیم که طبق قوانین سیستم ما، وقت خوبی برای پیش روی با پوزیشن لانگ بود.

برای بک تست گیری، این که در چه قیمتی وارد شده اید، توقف زیان، و راهبرد خروج خود را می نوشتید. سپس هر بار به اندازه یک شمع، نمودار را حرکت می دادید تا بفهمید معامله چگونه باز می شود.



در این مورد خاص، مقدار پیپ معقول و مناسبی به دست نمی آوردید! بعد از این معامله، می توانستید یک چیز خوشگل برای خود بخرید!

می بینید که وقتی میانگین های حرکتی در جهت مخالف می گذرند، زمان خوبی برای خروج ماست. البته، همه معاملات شما تا این حد جذاب به نظر نخواهند رسید. بعضی از آن ها مثل ماده گاوهای زشت خواهند بود، اما شما همیشه باید به خاطر داشته باشید که با نظم و انضباط بمانید و به قوانین سیستم معاملاتی خود پایبند باشید.

در اینجا مثالی از دستور فروش (short) برای این سیستم «آقدر آسان است که مسخره به نظر می رسد» ارائه می کنیم.



می بینیم که معیارهای ما رعایت شده اند، همان طور که حرکت متقاطع میانگین حرکتی اتفاق می افتاد، استوکاستیک حرکت نزولی را نشان می دهد و هنوز در ناحیه بیش خرید قرار ندارد، و RSI کمتر از ۵۰ است. در این نقطه با پوزیشن کوتاه وارد می شدیم. حالا قیمت ورود، توقف زیان و راهبرد خروج خود را ثبت می کردیم و سپس نمودار را هر بار، یک شمع پیش می بردیم تا ببینیم چه اتفاقی می افتد.



بععهعله! همان‌طور که می‌بینیم، این روند کاملاً قوی است و قبل از اینکه حرکت متقاطع دیگری انجام شود، جفت ارز تقریباً ۸۰۰ پیپ ریزش می‌کند! حالا واقعاً به طور مسخره ای آسان نیست؟

می‌دانیم که احتمالاً دارید فکر می‌کنید که این سیستم بیش از آن ساده است که سودآور باشد. حقیقت این است که ساده است. شما نباید از چیزی که ساده است، بترسید.

در حقیقت، کلمه مخففی وجود دارد که غالباً آن را در دنیای معاملات می‌بینید و KISS خوانده می‌شود. این کلمه مخفف **Keep It Simple Stupid** (ساده و احمق نگهش دار!) است که در وهله اول به این معناست که سیستم‌های معاملاتی نباید حتماً پیچیده باشند. شما مجبور نیستید تعداد بی‌نهایت شاخص روی نمودار خود داشته باشید. در حقیقت، ساده نگه داشتن آن، برایتان در دسر کمتری خواهد داشت.

مهم‌ترین چیز نظم و انضباط است. به قدر کافی نمی‌توانیم روی آن تاکید کنیم. خب البته، چرا می‌توانیم.

شما همیشه باید به قوانین سیستم معاملاتی خود پایبند باشید!

اگر سیستم خود را از طریق بک تستینگ و از طریق گذاشتن معامله روی پوزیشن لایو روی یک حساب مجازی به مدت حداقل دو ماه، به طور کامل آزمایش کرده‌اید، پس باید به قدر کافی اعتماد به نفس داشته باشید که بدانید تا زمانی که قوانین خود را رعایت می‌کنید، در بلند مدت به سوددهی خواهید رسید.

به سیستم خود و به خودتان اعتماد کنید!



سیستم‌های بسیاری وجود دارند که کار می‌کنند، اما بسیاری از معامله‌گران فاقد نظم و انضباط کافی برای رعایت قوانین هستند و در نتیجه، با از دست دادن پول به کار خود پایان می‌دهند. سیستم معاملاتی شما باید تلاش کند به ۲ هدف نائل آید:

۱. بتواند هر چه زودتر، روند را شناسایی کند.

۲. بتواند راهی برای اجتناب از زیان‌های دو سویه پیدا کند (تایید روند شما).

اگر این کار سودآور است، پس سیستم خود را در پوزیشن لایو روی یک حساب مجازی، به مدت حداقل ۲ ماه باز نگه می‌دارید. این به شما کمک خواهد کرد تا بفهمید به هنگام حرکت بازار، چگونه با سیستم خود معامله کنید. معامله لایو با بک تستینگ دستی تفاوت خیلی زیادی دارد.

پس از اینکه سیستم به مدت حداقل دو ماه روی پوزیشن دمو (حساب مجازی) قرار گرفت، می‌توانید سیستم خود را روی پوزیشن لایو گذاشته و برای معامله با پول واقعی آماده باشید. با این حال، همیشه باید به خاطر داشته باشید که به قوانین خود، هر چه که باشند، پایبند باشید!

۶ مرحله برای توسعه سیستم وجود دارد:

۱. چهارچوب زمانی خود را پیدا کنید.

۲. شاخص‌هایی را برای کمک به شناسایی زود هنگام روندها پیدا کنید.

۳. شاخص‌هایی را برای کمک به دوری از زیان‌های دوسویه و تایید روند خود پیدا کنید.

۴. تحمل ریسک خود را تعریف کنید.

۵. ورود و خروج خود را تعریف کنید.

۶. قوانین سیستم معاملاتی خود را یادداشت کرده و همیشه به آن‌ها پایبند باشید!

۳ فاز برای آزمایش سیستم وجود دارد:

۱. به عقب برگردید، زمان بندی کنید و نمودار خود را هر بار یک شمع به جلو ببرید. سیستم خود را طبق قوانین آن معاملاتی کنید و معاملات خود را ثبت کنید تا بفهمید سودآور هستند یا نه. به این کار بک تستینگ می‌گویند.

۲. اگر سودآور باشد، پس سیستم خود را بر اساس حساب مجازی به مدت حداقل ۲ ماه روی لایو قرار دهید (باز نگه دارید). این به شما کمک می‌کند تا بفهمید به هنگام حرکات و تغییر بازار، سیستم خود را چگونه معاملاتی کنید. معامله لایو بسیار با یک تستینگ به طور دستی متفاوت است.

۳. پس از اینکه برای سیستم خود، به مدت حداقل دو ماه از حساب مجازی استفاده کردید و هنوز سود می‌کنید، آماده‌اید تا سیستم خود را در پوزیشن لایو و با پول واقعی معاملاتی کنید.

حالا، موضوعات حقوقی‌ای که وکلای ما خواستند تا به درس اضافه کنیم:

عملکرد فرضی نتایج عملکردی فرضی محدودیت‌های ذاتی بسیاری دارند که برخی از آن‌ها در ذیل تشریح می‌شوند. هیچ شکایتی نمی‌شود که هر حسابی، احتمالاً شبیه به آن‌هایی که نشان داده شده، سود یا زیان می‌کند یا خواهد کرد. در حقیقت، تفاوت‌های متداول آشکاری بین نتایج عملکرد فرضی و نتایج واقعی که متعاقباً توسط هر برنامه تجاری خاص حاصل می‌آید، وجود دارد. یکی از محدودیت‌های نتایج عملکرد فرضی این است که به طور کلی، آن‌ها با بهره‌مندی از بازاندیشی تهیه شده‌اند. به علاوه، معامله فرضی با ریسک مالی دخیل نیست و هیچ سابقه معاملاتی فرضی‌ای نمی‌تواند به طور کامل، اثر ریسک مالی در معامله حقیقی را محاسبه کند. برای مثال، توانایی تحمل زیان یا وفادار ماندن به یک برنامه معاملاتی خاص، علی‌رغم زیان‌های معاملاتی، نکات اصلی‌ای هستند که همچنین می‌توانند تأثیر معکوس بر نتایج معاملات حقیقی داشته باشند. عوامل بی‌شمار دیگری وجود دارند که به طور کلی به بازارها مربوط می‌شوند و یا به اجرای هر برنامه معاملاتی‌ای که به طور کامل نمی‌توانند در آماده سازی نتایج عملکرد فرضی به حساب آیند و همه آن‌ها می‌توانند بر نتایج معامله حقیقی، اثر معکوس داشته باشند.

## چرا ژرنال (دفتر یادداشت روزانه) داشته باشیم؟



ژرنال نویسی؟!؟

آیا ژرنال نویسی فقط برای دختر مدرسه ای‌های احمق که درباره عشق و عاشقی‌شان با پسر مدرسه‌ای‌های احمق می‌نویسند، نیست؟  
بله هست!

خب، در واقع نه... دختر مدرسه ای‌ها دفتر خاطرات دارند.  
معامله‌گران ژرنال‌های معاملاتی می‌نویسند.

دو مورد کاملاً متفاوت! درست متوجه بشوید! خدایا!

ژرنال نویسی در حقیقت تکلیفی حساس و مهم در هر نوع عملکرد یا رفتار هدف محور است. کلید ژرنال نویسی داشتن روشی برای  
سنجش، پیگیری و متمرکز ماندن روی بهبود عملکرد است.

قهرمانان جهان ژرنال نویسی می‌کنند تا چیزی را که برای بهتر، سریع‌تر و قوی‌تر بودن در میدان یا زمین مسابقه به آن‌ها کمک  
می‌کند، پیگیری کنند. دانشمندان ژرنال نویسی را در فرآیند یافتن بزرگ‌ترین کشف بعدی خود انجام می‌دهند. و معامله‌گران  
ژرنال نویسی می‌کنند تا در جمع کردن دوکات<sup>۱۹</sup> به آن‌ها کمک شود!

جمع کردن دوکات به زبان ساده به معنای منضبط شدن، تداوم و مهم‌تر از همه، سودآوری است.

معامله‌گر منضبط معامله‌گری است که سود می‌کند و نوشتن ژرنال معاملاتی اولین گام شکل دادن به نظم و انضباط است.

شاید این خیلی ساده و آسان به نظر برسد اما به شما اطمینان می‌دهیم که شروع آن حقیقتاً می‌تواند بسیار سخت باشد. در حقیقت،  
خیلی از معامله‌گران پس از مدتی ژرنال نویسی را رها می‌کنند و به گزارش‌های ثبت شده ای (لاگ) که کارگزاران در اختیارشان  
می‌گذارند، تکیه می‌کنند.

گزارش‌های ثبت شده یا تاریخ تراکنش‌ها از کارگزار شما اطلاعاتی ارائه می‌دهد که در بهترین حالت، از لحاظ حاشیه‌ای (مارجین)  
مفید است، چراکه درباره چرایی ورود و خروج شما به معامله مطالب زیادی نمی‌گوید.

آن اطلاعات کمکی به معامله بعدی شما نمی‌کنند.

هیچ کمکی!<sup>۲۰</sup>

<sup>19</sup> سکه ای طلا که سابقاً در برخی از کشورهای اروپایی رایج بود.

<sup>20</sup> (هیچ به اسپانیایی) nada (هیچ به آلمانی)، nein (هیچی)، zilch (صفر)، zero در متن اصلی آمده

ژرنال معاملاتی فقط درباره نوشتن قیمت‌های ورود و خروج و مدت زمان اجرای معامله نیست. علاوه بر این‌ها، ژرنال معاملاتی درباره اصلاح روش‌ها و تسلط بر روانشناسی شماست.

حتی به طور تخصصی‌تر می‌توان گفت که ژرنال نویسی درباره روان‌شناسی هیجانی فردی، قبل، حین و پس از معامله است. مثلاً، روش معامله شما می‌گوید که USD/JPY خریداری کنید.

اما احساس شهودیتان به شما می‌گوید که این معامله عملی نخواهد شد...

بنابراین به خودتان یادآوری می‌کنید که، «فکر نمی‌کنم این معامله به خوبی پیش برود. اما مجبورم از برنامه معاملاتی خودم پیروی کنم پس انجامش خواهم داد.»

وسط معامله، قیمت ۳ پیپ از توقف زیان شما دور می‌شود و شما دارید فکر می‌کنید، «خدایا! این معامله خیلی خوب به نظر نمی‌رسد. می‌دانستم! چرا به خودم گوش نکردم؟ عجب احمقی هستم! چیزی نمانده ضرر کنم! همین حالا خارج خواهم شد.»

در اینجا تصمیم می‌گیرید که معامله را ببندید. چند لحظه بعد، قیمت به هدف اولیه سود شما می‌زند. اگر در معامله باقی مانده بودید، کلی پیپ به جیب می‌زدید.

به همین دلیل است که باید ژرنال معاملاتی بنویسید. این یک مورد کلاسیک است که احتمالاً برای بسیاری از معامله‌گران اتفاق می‌افتد.

در ماندن در معامله ناموفق هستیم، در معاملاتی کردن برنامه ناموفق هستیم و مهم‌تر از همه اینکه در دور کردن هیجانانگاز معامله خود ناموفق هستیم.

اگر به آن شکل معامله کنید و ژرنال بنویسید، تراز حساب معاملاتی شما، قبل از اینکه متوجه اشتباهتان شوید، به صفر خواهد رسید.

## مزایای ژرنال نویسی

خب، دیگر آه و ناله کافیسیت. فقط بگوییم که اکثر معامله گران متخصص یک ژرنال معاملاتی دارند و همواره معاملات خود را مرور می کنند.

و می دانید متخصص ترین معامله گران چه طوری هستند؟ هر چند خیلی ها این را قبول نخواهند کرد...

آن ها بسکتبالیست هستند! به پول رسیدند. به ماشین رسیدند. به لباس رسیدند. به یخ رسیدند.

شاید داریم اغراق می کنیم، اما فقط کمی.

علاوه بر کمک به شما در سفر خود به سوی وضعیت یک بسکتبالیست حرفه ای، مزایای شخصی دیگری برای ژرنال نویسی وجود دارد...

• تعریف خود و وضعیتتان در زندگی

• پیش روی به سوی اهدافی که در برنامه معاملاتی خود «[Trading Plan](#)» تنظیم کرده اید

• روشن کردن نقاط ضعف و قوتتان در عملکرد و کنترل فشار

• ارائه روشی برای خود آموزی و بهبود بدون کمک دیگران

همه که مدرک کارشناسی ارشد یا دکترای ریاضیات، علوم کامپیوتری، مهندسی مالی یا هر چیزی ندارند، یا به مؤسسات بزرگ مالی یا بنگاه تجاری اختصاصی نمی روند.

همه ما «آدم های متوسطی» هستیم که از خانه یا هر جایی که بتوانیم اتصال اینترنت پیدا کنیم، یاد می گیریم. این بدان معناست که می توانیم نحوه معامله کردن را از صفر یاد بگیریم و روش های خودمان را توسعه دهیم.

خوشبختانه، به خاطر اینترنت و انجمن های تجاری «[trading forums](#)»، می توانیم یاد بگیریم و با افراد همفکر خود، هم تازه کار و هم باتجربه، ارتباط برقرار کنیم تا آن منحنی یادگیری را کوتاه تر کنیم. با این همه، اکثر ما به آن سرمایه مهم و حیاتی برای یادگیری سریع و کارآمد هر تکلیف و مهارتی دسترسی نداریم: مربی یا مشاور. مربی یا مشاور حضور دارد تا در همه مراحل مسیر شما را هدایت کند، اشتباهات شما را متذکر شود، مواردی را که به خوبی انجام شدند، تشخیص دهد و شما را برای عملکردتان، مسئول و منضبط نگه دارد. برای اکثر معامله گران تازه کار، پیدا کردن یک مربی با هر نوع توانایی و قابلیتی سخت است، بنابراین، ما مجبوریم بهترین کار بعدی را انجام دهیم: با یک ژرنال معاملاتی به خودمان مشاوره دهیم.

یک ژرنال معاملاتی دقیق و به خوبی حفظ شده، تقریباً می تواند به خوبی داشتن مربی ای باشد که نگران شماست و در یادگیری آن دروس کمکتان می کند. نوشتن ژرنال شاید کسل کننده و زمان بر باشد، اما معامله گر اغلب می تواند از مرور معاملات خود، بیشتر بیاموزد تا از خواندن یک کتاب یا حتی شرکت در یک سمینار.

اگر سوابق دقیق هر چیزی درباره معامله گری خود را ثبت کنید (از موضوعات روان شناختی و محیط بازار گرفته تا ترفندهای سیستم و غیره) در گذر زمان، ژرنال شما با خودتان رشد خواهد کرد و به شما در یادگیری دروس مهمی همچون موارد ذیل کمک خواهد کرد:

• از کدام رویدادهای خبری باید اجتناب کرد

• به ازای هر معامله، کم و بیش، چه میزان ریسک لازم است



• چه وقت باید معامله را شروع کنید و چه وقت بازی مینی گلف آنلاین «[online mini-golf](#)» را خاتمه دهید. همچنین، میزان منظم و منضبط بودن شما در نوشتن ژرنال، پیش‌بین فوق‌العاده‌ای برای موفقیت‌های تجاری کلی در طی این مسیر خواهد بود.



چه مواردی باید در ژرنال ثبت شود؟

پاسخ به این سؤال ساده است ... همه چیز!!!  
هر آنچه را که قبل، حین و بعد از تکمیل معامله احساس می‌کنید و انجام می‌دهید، ثبت می‌کنید.  
معامله‌گری یک مهارت اجرایی است، بدون در نظر گرفتن سبک معاملاتی «[trading style](#)» یا روش شما.  
نحوه تحلیل شما از محیط بازار، توانایی شما در ایجاد یک برنامه یا روش معاملاتی، نحوه اجرای برنامه و شانس تعیین‌کننده نتیجه شما هستند.

متغیرهای زیادی وجود دارند که به موفقیت می‌انجامند، بنابراین، مجبورید هر چیزی را برای تعیین نقاط ضعف و قوت خود یادداشت کنید.

برای معامله گران، این به معنای ثبت موارد ذیل است:

کی هستید و انگیزش‌های شما برای معامله کدامند. برای یافتن روش معاملاتی مناسب خود، باید بدانید چه کسی هستید، ملاحظات سبک زندگی خود را بشناسید، و بدانید چرا کارهایی را که انجام می‌دهید، انجام می‌دهید.

• دیدگاه‌ها و فلسفه بازار. این چگونگی درک شما از بازار است، و نحوه تصمیم‌گیری‌هایتان برای عمل و مدیریت ریسک حسابتان.  
• مشاهدات بازار. در بازار، هر روز با روز دیگر متفاوت است، اما این بدان معنا نیست که «رفتارها» یا «گرایش‌های» مشخص وجود دارند که می‌توانید از آن‌ها بهره ببرید. با مشاهده دائمی و دقیق، می‌توانید به این «گرایش‌ها» پی ببرید و راهبردهای خود را ایجاد کرده یا با آن‌ها مطابقت دهید. همچنین، اگر محیط تغییر کند، در رأس شرایط قرار دارید و با آن تغییر می‌کنید!

• اشتباهات معامله‌گری و فرصت‌های از دست رفته. اشتباهات و فرصت‌های از دست رفته به همان اندازه تعیین‌کننده موفقیت شما هستند که حرکت بازار در جهت مخالف معامله شما. بستن خیلی زود معامله‌ها، نداشتن تنظیمات درست و معقول، وارد شدن با سطوح ورود یا اندازه‌های پوزیشن اشتباهی و غیره باید در ژرنال شما ثبت شوند تا از اشتباهات مشابه در آینده اجتناب کنید.

• آمارهای عملکرد. بسیاری از جنبه‌های عملکرد معاملاتی شما می‌توانند به صورت داده‌های سخت، کمی شوند. این به شما تصویری واقع‌گرایانه از نحوه عملتان می‌دهد. اعداد هم مثل شکیرا، آرام و قرار ندارند. و گاهی برای اینکه به هدف بنزید، نمایی از واقعیت، برایتان کافیست.

برای اینکه شروع کار را برای شما آسان تر کنیم، حداقل موارد لازم را در اینجا ارائه می‌دهیم. عناصری که به نظر ما برای ژرنال معاملاتی ضروری هستند و شما باید از آنها برخوردار باشید.

قبل از اینکه فهرست خود را نشان دهیم، فقط می‌خواهیم متذکر شویم که این چیزی است که ما معتقدیم باید در یک برنامه معاملاتی گنجانده شود.

این فهرست را در اختیار شما می‌گذاریم، فقط برای اینکه بتوانید ایده بهتری از آنچه که باید در برنامه‌تان گنجانده شود، داشته باشید، اما لزوماً مجبور به تبعیت دقیق از آن نیستید.

بسیار خوب، ۵ عنصری که باید در ژرنال معاملاتی داشته باشید، به قرار ذیل هستند:

۱. ناحیه معاملاتی احتمالی

۲. entry trigger (ماشه ورود)

۳. اندازه پوزیشن

۴. قوانین مدیریت معامله

۵. برگشتی‌های معامله

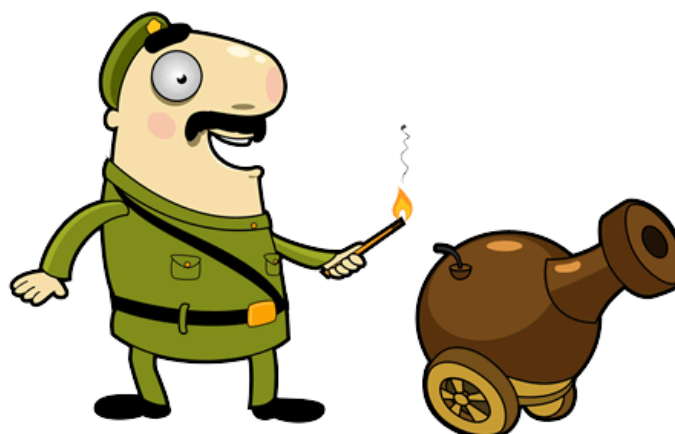
باز هم، به شما بستگی دارد.

این ژرنال معاملاتی شماست.

درست مثل شخصیت ورلد آو وارکرفت سفارشی، باید ژرنال معاملاتی خود را متناسب با خودتان سفارشی کنید.

به خاطر داشته باشید، شما کسی هستید که قرار است از نوشتن ژرنال معاملاتی سود ببرد. بنابراین، چیزی را یادداشت کنید که فکر می‌کنید بیشترین مزیت را برایتان خواهد داشت!

### ناحیه معاملاتی احتمالی

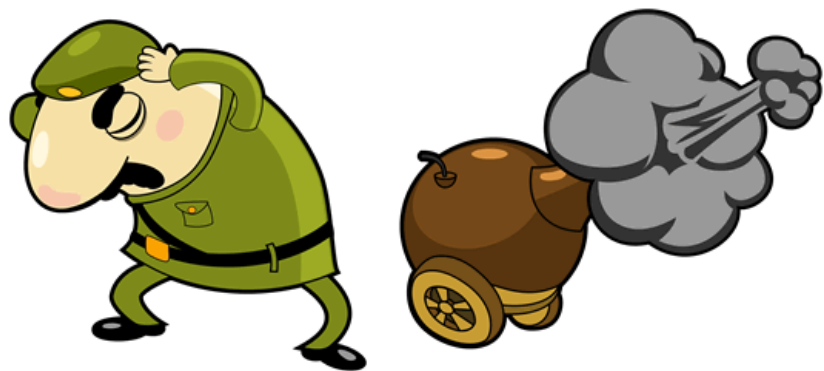


برای ورود به هر معامله ای باید دلیل معتبری داشته باشید. این امر با عنوان منطق یا معقولیت نیز شناخته می‌شود. شما نه غارنشین هستید و نه قمارباز، درست است؟

چرا به دنبال ورود به این ناحیه هستید؟ این ناحیه از طریق روش تشخیص تنظیمی که در برنامه معاملاتتان نوشته‌اید، تعیین می‌شود. شاید مثال آن، محل تقاطع دو میانگین متحرک و مقاومت قیمت در سطح اصلاحی فیبوناچی باشد. ناحیه معامله احتمالی شما بین قیمت فعلی و تریگر ورود شما قرار می‌گیرد. قویاً پیشنهاد می‌کنیم که تصویری از صفحه نمایش (screenshot) نمودار نشان دهنده این ناحیه بگیرید. سعی کنید به عکس گرفتن از نمودارهایتان عادت کنید. بعداً وقتی زمان مرور معاملات می‌رسد، دیدن بصری آنچه که اتفاق افتاده است، به چشم‌های شما کمک می‌کند تا به دیدن فرصت‌ها یا تله‌های احتمالی عادت کنند تا در زمان واقعی، از آن‌ها روی نمودارها اجتناب شود. این به شما کمک می‌کند تا دلیل ورود خود به معامله را به خاطر داشته باشید، یا موجب می‌شود متوجه چیزی بشوید که شاید از نظرتان دور مانده باشد.

ناحیه احتمالی معامله به باور شما، جایی است که مزیت معامله با احتمال بالای موفقیت را داراست و نسبت پاداش/ریسک آن به نفع شماست. باید برای خودتان تعیین کنید که می‌خواهید این الزام را چگونه برآورده کنید. وقتی روی صندوق‌های در مقابل صفحه نمایش نشستید، «آماده» معامله بودید. ناحیه معاملاتی احتمالی همان جایی است که شما «هدف می‌گیرید». این شما را از ورود به معامله بدون برنامه و هدف گیری بی دقت باز خواهد داشت.

#### اقدام به انجام معامله



تریگر ورود به شما می‌گوید چه وقت «شلیک» کنید. تریگر ورود به شما می‌گوید که وقتی در ناحیه معامله احتمالی قرار گرفته‌اید، واقعاً چه زمانی وارد معامله شوید.

این تکنیک ورود خاص شماست. حالا که تصمیم گرفته‌اید از کجا وارد معامله شوید، مجبورید به طور واقعی، درباره نحوه ورود به معامله تصمیم گیری کنید.

آیا کورکورانه وارد می‌شوید؟ اگر بخواهید از خیابان عبور کنید، آیا فقط شروع به راه رفتن در عرض خیابان می‌کنید؟ مگر اینکه احتمالاً بخواهید زیر گرفته شوید. البته که ابتدا، به دو طرف نگاه می‌کنید تا از «امن» بودن آن اطمینان حاصل کنید. همین رویکرد برای معامله هم عملی است. شما می‌خواهید از «امن» بودن ورود بازار مطمئن شوید (به عبارتی، تنظیم معامله با احتمال بالا). تکنیک ورود به شما کمک خواهد کرد تا از سر راه معامله گرانی که به روشی که شما در ناحیه معاملاتی احتمالی خود انتظار دارید، رفتار نمی‌کنند، دور نگه داشته شوید.

بیباید وانمود کنیم که ناحیه معامله احتمالی، جایی است که واگرایی نزولی وجود دارد. آیا به طور خودکار وارد پوزیشن کوتاه (short position) می‌شوید؟ یا صبر می‌کنید تا قیمت به سطح مقاومت قابل توجهی نزدیک شود؟ شاید حتی منتظر شوید تا شمع (کندل استیک) برگشتی خسته مثل یک شهاب تشکیل شود؟

به جای منتظر شدن ... وارد پوزیشن کوتاه شوید، و سپس حواستان به صعود قیمت و متوقف شدن و خارج شدن باشد. فقط به این دلیل که ناحیه خوبی برای معامله پیدا کرده‌اید، به این معنا نیست که باید بلافاصله وارد آن شوید. یک تکنیک خوب ورود، برای حفاظت از شما از معاملات زیان آور، تأییدیه محکمی برایتان فراهم می‌کند.

باز هم، از نمودار خود عکس بگیرید و محل تریگر ورود خود را علامت بزنید.

فراموش نکنید که باید یک تریگر ورود خوب را با یک ناحیه معامله احتمالی خوب ترکیب کنید. تقاطع میانگین متحرک «[moving](#) [average crossover](#)» شاید محبوب‌ترین تکنیک ورود باشد اما اگر ناحیه ای را که به فکر ورود به آن هستید، محاسبه نکنید، احتمالاً گرفتار زیان دوسویه سختی خواهید شد.

استفاده از تریگر ورود به عنوان تکنیک «خود - کفا»، موجب فاجعه می‌شود. اطمینان حاصل کنید از «محیط اطراف» نیز آگاهی دارید. چاقو را به جنگ تفنگ نبرید. و برای شما بچه‌ها، راکت تنیس را به بازی بیس بال نیاورید.

تعیین حجم معاملاتی (position sizing)



این کار ساده ای است. شما باید بر اساس قوانین مدیریت ریسک در برنامه معاملاتی خود، درباره اندازه موقعیت تصمیم گیری کنید. این به شما امکان می‌دهد حداکثر ریسک خود را تعیین کنید.

برای هر معامله، چه میزان ریسک را در نظر دارید؟



۱٪؟

۲٪؟

۵٪؟

۱۰٪؟

۲۰٪؟!!!

یا برآیند تا همه پول خود را گرو بگذارید؟!!!!  
بله، درست است. همه پولتان را شرط بندی کنید.  
نه ابله!

همه پولت را شرط بندی نکن!

تا حالا توجه نمی کردی؟

قرار است معامله گر باشید نه قمارباز!

تعیین اندازه پوزیشن مهم است چون به سالم ماندن حساب شما کمک می کند و آن را برای فرصت بعدی آماده نگه می دارد.  
این نکته دارای اهمیت است که از بزرگی و کوچکی معامله خود یادداشت بردارید. با پیگیری اندازه پوزیشن در ژرنالتان، می توانید بفهمید که به هنگام استفاده از توقف های گسترده تر، با معامله با اندازه های بزرگ پوزیشن راحت تر هستید یا اندازه های لات کوچک تر را ترجیح می دهید.

از خوش شانسی شما، مردان فارکس تصمیم گرفته اند هدیه ای به شما بدهند - ما در بخش ابزار «[Tools](#)»، محاسبه گر اندازه موقعیت «[Position Size Calculator](#)» را داریم که برای محاسبه ها و یافتن عدد درست واحدهایی که باید معامله کنید، کمک خواهند کرد! خوب است، نه؟

### قوانین مدیریت معامله

پیش از اینکه حتی به معامله گری فکر کنید، به برنامه ای برای بازی احتیاج دارید. این برنامه بازی به شما می گوید که معامله را چگونه مدیریت کنید، چه موافق شما پیش برود، چه مخالفتان. ورود به معامله بخش آسان کار است، این خروج از معامله است که تعیین خواهد کرد سود خواهید کرد یا ضرر.

ممکن است دو معامله گر، تام و جری، معامله یکسانی داشته باشند اما به دو نتیجه کاملاً متفاوت برسند. تام در معامله سود خواهد کرد چون احتمالاً معامله خود را مدیریت می کند و برای سناریوهای مختلف، خروجی را طراحی می کند. حتی اگر ضرر کند، می داند چه وقت معامله را متوقف کرده و با ضرر کمتری خارج شود. از سویی دیگر، جری برنامه مناسب و بجایی ندارد. او نمی داند چه کار کند اگر قیمت به شدت بر خلاف او حرکت کند و در نهایت حسابش را پاک کند.

نحوه مدیریت معامله، پیش از ورود به آن، بسیار مهم است.

شما که نمی خواهید در گرما گرم جنگ، تصمیم های حیاتی بگیرید.

وقتی وارد معامله ای می شوید، باید از قبل درباره واکنش خودتان نسبت به هر نتیجه احتمالی تصمیم گرفته باشید.

هر.

نتیجه.

احتمالی.

همه تغییرات احتمالی را امتحان و بررسی کنید و از قبل، درباره کاری که انجام خواهید داد، تصمیم گیری کنید. وقتی در معامله اید، می خواهید یک روبات اجرایی سنگدل بی احساس باشید. می خواهید مثل اسپاک باشید اما بدون طرف انسانی او. می خواهید معامله گر ولکان باشید.



همه تصمیم ها پیش از معامله گرفته می شوند. شما پیش قدم می شوید. این بدان معناست که هنوز داخل معامله نیستید! وقتی تصمیم به ورود به یک معامله می گیرید، تنها به آنچه که در اینجا نوشته اید، رجوع می کنید. این امر تصمیم گیری های غریزی را حذف می کند.

اگر واقعاً معامله می کنید، از قبل باید بدانید که توقف زیان اولیه شما «[stop loss](#)» در کجا قرار خواهد داشت، اهداف حد سودتان کجا هستند، اگر توقف خود را پیگیری کنید، احتمالاً از کجا می توانید، به موقع از معامله خارج شوید، و غیره. وانمود کنید کیانو ریوز هستید. اگر قرار بود آزمون کوتاهی بدون اطلاع قبلی، در هر نقطه زمانی حین معامله از شما گرفته شود و از شما پرسیده شود، «اگر قیمت چنین و چنان بشود، چه؟ یا اگر قیمت اینجا و آنجا برود، چه؟ باید بتوانید بدون فکر کردن در یک چشم به هم زدن، برای هر معامله، در هر زمانی جواب بدهید. باید قوانین مدیریت معامله خود را به طور کامل، پیشاپیش، قبل از شروع معامله طراحی کرده باشید.

وقتی در معامله ای قرار دارید، هرگز نمی خواهید فکر کنید که «حالا چه غلطی باید بکنم؟».

زمان تصمیم گیری درباره این موارد همیشه، همیشه، همیشه، قبل از ورود شما به معامله است. حرفی هست؟



گذشته نگری به معنای نگاهی به عقب و به رویدادهایی است که قبلاً اتفاق افتاده‌اند. پس از اتمام معامله، شاید وسوسه شوید تا به دوستانان زنگ بزنید و اوقات شادی را با هم بگذرانید، چند شات پاترون بنوشید، ولخرجی کنید و چند بطری شراب دام پرینیان بخرید، اما بررسی نحوه پیشرفت معامله، سودها یا زیان‌های شما ضروری است. می‌خواهید کل فرآیند را بررسی کنید تا به اقدامات درست و غلط خود پی ببرید. چند سؤالی که باید از خودتان پرسید، در پی می‌آیند:

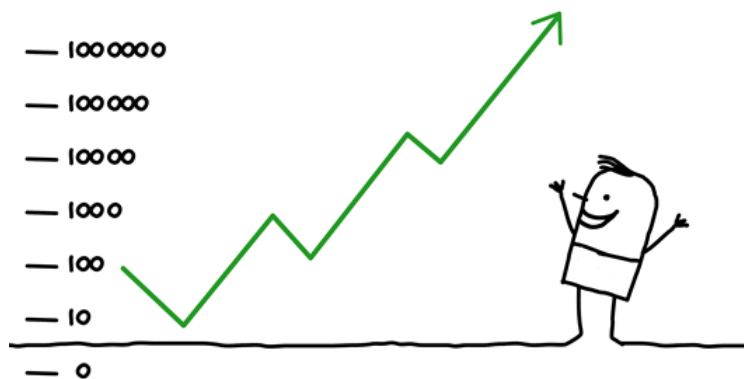
معامله‌تان چه قدر خوب پیش رفت؟

- آیا اندازه پوزیشن برای هماهنگی سناریوهای ریسک و پاداش کافی بود، یا بی اندازه بزرگ بود؟ یا بی اندازه کوچک؟
  - آیا می‌توانستید در سطح بهتری، وارد شوید؟
  - برای بهبود زمان بندی ورود خود، از چه ابزاری می‌توانستید استفاده کنید؟
  - آیا به قدر کافی صبور بودید یا با عجله فکر کردید که شانس دیگری نخواهید داشت؟
  - آیا حد سود<sup>۲۱</sup> واقع‌گرایانه ای داشتید یا فقط یک خیال خام بود؟
  - آیا بازار هیچ توجهی به انتخاب سطوح حد سود شما می‌کند، همچون متوقف کردن پوزیشن کوتاه آن، یا قیمت‌ها درست در زیر آن قرار گرفتند؟
  - آیا بازار به سطوح انتخابی توقف زیان شما توجهی کرد، مثل متوقف کردن پوزیشن کوتاه آن، یا قیمت‌ها درست در زیر آن قرار گرفتند؟
  - کدام کاتالیزورهای خبری یا اتفاقی موجب حرکت این گونه بازار شدند؟
- از پاسخ‌ها برای اصلاح اندازه موقعیت، سطح ورود، و جایگذاری سفارش رو به پیش استفاده کنید. پس از باز شدن معامله، آن را چگونه مدیریت کردید؟

<sup>21</sup> Take-profit

- آیا هنگامی که در معامله فعال بودید، توانستید به طور اثربخش، بازار را کنترل کنید؟ اگر این طور است، چگونه؟ اگر این طور نیست، چرا نه؟ پاسخ به این سؤالات درباره مدت زمانی که می‌توانید به معامله اختصاص دهید، نکات بسیاری را روشن می‌کند.
  - آیا در طول مسیر، برنامه معاملاتی خود را تغییر دادید؟
  - آیا حد توقف زیان را تطبیق دادید تا از سودها حفاظت کرده باشید؟
  - آیا هیچ وقت سود نسبی داشته‌اید؟
  - آیا معامله را بر اساس برنامه معاملاتی خود بستید، یا بازار غافل گیرتان کرد؟
- بر اساس پاسخ‌هایی که می‌دهید، یاد خواهید گرفت هیجانانگیزان چه نقشی می‌توانند داشته باشند و تا چه اندازه در معامله با منظم و منضبط هستید.
- در عین اینکه شاید بخواهید افکار، هیجانات و احساسات خود را پیش دوستانتان تخلیه کنید، بهتر است آن‌ها در اینجا یادداشت کنید. به هر حال، به احتمال زیاد، حسابی حوصله آن‌ها را سر خواهید برد. آن‌ها دوست ندارند آه و ناله‌های شما را بشنوند. چه چیزی را می‌توانید بهبود ببخشید و برای بهبود، از کدام مراحل خاص عبور خواهید کرد؟
- این فرصتی برای خوداصلاحی شما به عنوان معامله گر فراهم می‌کند.
- فقط اعترافات گنگ و مبهم مثل «باید برندگام را مدت طولانی‌تری نگه دارم» یا «باید زیان‌ها را سریع‌تر قطع کنم» یا «باید منضبط‌تر باشم» ننویسید. این‌ها به خودی خود، کاملاً بلااستفاده هستند.
- مراحل خاصی را که برای بهبود پیش رو دارید، شناسایی کنید. چگونه برندگان را طولانی‌تر نگه دارید؟ آیا روی انتخاب هدف سود بهتر کار خواهید کرد؟ آیا خواهید آموخت با دیدن اولین علامت افت سود ناشناخته، نترسید؟
- پاسخ درست یا غلطی در این فرآیند بررسی وجود ندارد؛ فقط تا جایی که می‌توانید، با خودتان صادق باشید. و خاص باشید. در غیر این صورت، به عنوان معامله گر، پیشرفت نخواهید کرد.
- آیا معامله خود را طبق برنامه معاملاتی خود اجرا کردید؟
- این سؤال را سرسری نگیرید.
- اگر مرتباً معاملات را طبق برنامه خود اجرا نمی‌کنید، پس یا با انضباط شخصی مشکل دارید، یا برنامه معاملاتی تان «[Trading Plan](#)» مسأله ای دارد.
- به هر رو، مشکل بزرگی دارید که دیروز باید حل می‌شد!





آمارهای ژرنال معاملاتی

در حالی که حد سودآوری شما (سود یا زیان کل) می‌تواند به سادگی به شما درباره عملکرد معاملاتی کلی‌تان بگوید، حفظ آمارها به عنوان روشی عالی برای پی بردن به بخشی از سیستم، برنامه‌ها یا فرآیندهای معاملاتی‌تان که دارند شما را از دیدن مثل یک ماشین مسابقه تنظیم شده به جای یک ابوقراضه بنجل باز می‌دارند، حفظ کنند. «آمار عملکرد» به شما کمک می‌کنند تا تعیین کنید چه چیزی در حال انجام است، چه چیزی در حال انجام نیست و برای تداوم پیشرفت چه کار باید کرد. در اینجا برخی از آمارهای که برای سیستم شما حیاتی هستند و باید پیگیری شوند، ارائه می‌گردند.

- سود خالص: عبارتست از کل عایدی شما منهای ضررها و مخارج. این مخارج شامل قیمت تجهیزات، کمیسیون‌ها، و سایر هزینه‌ها می‌شود. اساساً، سود خالص عبارتست از میزان بالا یا پایین رفتن حساب شما در زمانی فرضی منهای هزینه‌های معامله.
- درصد بُرد: عبارتست از تعداد کل بردها در تعداد کل معامله‌ها. در چه درصد زمانی معاملات را می‌برید؟
- درصد زیان (باخت): تعداد کل زیان‌ها تقسیم بر تعداد کل معاملات است. در چه درصد زمانی معاملات را می‌بازید؟
- بزرگ‌ترین معامله برنده: از محاسبه «میانگین برد» شما حذف خواهد شد. انجام این کار لزوماً ضروری نیست، اما اگر بردی دارید که در مقایسه با سایر بردهایتان، به طور غیر طبیعی بزرگ است، پس حذف آن، نما و انتظارات دقیق‌تری از آمار شما فراهم خواهد کرد.
- بزرگ‌ترین معامله بازنده: از محاسبه «میانگین زیان» حذف خواهد شد. انجام این کار لزوماً ضروری نیست، اما اگر باختی دارید که در مقایسه با سایر باختهایتان، به طور غیر طبیعی بزرگ است، پس حذف آن، نما و انتظارات دقیق‌تری از آمار شما فراهم خواهد کرد.
- میانگین سود معامله: این مورد از طریق تقسیم سود کل از همه معاملات برنده شما بر تعداد معاملات برنده محاسبه می‌شود.
- میانگین ضرر معامله: عبارتست از زیان کل از همه معاملات بازنده شما تقسیم بر تعداد کل معاملات بازنده.
- نسبت بازده هر معامله: عبارتست از معامله برنده میانگین منهای معامله بازنده میانگین.
- میانگین زمان صرف شده: تقسیم کل زمان صرف شده برای همه معاملات بر تعداد معاملات.
- $p/l$  معاملات فقط کوتاه / بلند: این آمار به شما در تعیین نوع معاملات یا تنظیم‌های معاملاتی که در آن‌ها به خوبی عمل می‌کنید، کمک می‌کند.
- بزرگ‌ترین # زبان‌های پیاپی: این آمار به شما کمک می‌کند تا حداکثر تنزل یا بدترین سناریوی ممکن که تا به امروز تجربه کرده‌اید را تعیین کنید.

• میانگین # زیان‌های پیاپی: این آمار به شما کمک می‌کند میانگین تنزل را تعیین کرده و حداکثر ریسک احتمالی خود را کنترل کنید.

• بزرگ‌ترین درصد حساب معاملاتی تنزل: عبارتست از میزان تنزل دارایی خالص حساب شما بعد از طولانی‌ترین رشته زیان‌ها.  
• پیگیری احساسات و اشتباهات. به هنگام معامله، چگونگی اجرای برنامه معاملاتی و نیز وضعیت ذهنی شما می‌تواند کمی شود. پیگیری احساسات در اجتناب از معامله حین آن اوقات خسته کننده به شما کمک خواهد کرد - مثل وقتی که پس از یک رویداد خبری (که فراموشش کرده بودید) هوشیار می‌شوید، و این رویداد موجب حرکت سریع بازارها می‌شود، و سعی می‌کنید که آن را تعقیب کنید. اما در آن زمان، کامپیوتر خراب می‌شود، برق می‌رود، و سگتان به بیرون از خانه و وسط ترافیک می‌پرد. وقتی دوباره آنلاین می‌شوید، می‌بینید بازار ۱۰۰ پیپ در جهتی که شما می‌خواستید خرید کنید، حرکت کرده است. آیا وقتی چنین اتفاقی می‌افتد، از آن متنفر نمی‌شوید؟ احتمالاً خلقتان تنگ می‌شود، پس معامله برای باقی روز، ایده بدی است.

• انتظار: به زبان ساده، انتظار میانگین انتظاری که می‌توانید از سود کردن (ضرر دادن) در هر معامله داشته باشید، اطلاق می‌گردد. انتظار را می‌توان با ضرب درصد زیان در میانگین زیان و کم کردن آن از درصد سودی که سود میانگین را زمان بندی می‌کند، به دست آورد. این آمار به شما کمک می‌کند تا اندازه صحیح پوزیشن و مقدار سودآور بودن روش معاملاتی‌تان را تعیین کنید. به طور ایده آل، باید این آمار را پیگیری کنید تا بتوانید عملکرد خود را در یک دوره زمانی مقایسه و تجزیه و تحلیل کنید. مثلاً، در انتهای سال، هاک بررسی‌های معاملاتی آخر سال «[year-end trading review](#)» خود را اعلام می‌کند. او پس از مرور معاملات خود، متوجه می‌شود که حقیقتاً نادانسته معاملاتی را بر خلاف روند خود انجام داده است! با اطلاع از این موضوع، او می‌تواند خودش را با روش معامله خود منطبق کند تا بتواند از جهت مخالف روند اجتناب ورزد و امیدوارانه به عملکرد معاملاتی بهتری برسد.

هدف از گردآوری و محاسبه این آمار باید یافتن راه‌هایی برای به حداکثر رسانی انتظار شما (پیپ‌ها یا دلارهایی که در هر معامله به دست آوردید)، تنظیم اندازه صحیح موقعیت در هر معامله، و تعیین شرایط معاملاتی که به بهترین نحو با شما متناسب است، باشد.



پس از تعداد مناسبی معامله، داده ها و مشاهدات درجه یک بسیاری درباره بازار و خودتان جمع آوری می کنید ... همه اینها را چگونه تحلیل می کنید؟؟

باز هم، خیلی ساده است:

۱. آنچه را عملی است پیدا کنید و انجام آن را ادامه دهید

۲. آنچه را که عملی نیست، پیدا کنید و انجام آن را متوقف کنید.

و پیدا کردن آنچه که عملی هست و آنچه که عملی نیست، کلاً درباره مشاهده بسیار دقیق و پرسیدن سؤالات درست است. تحلیل‌های خود از نتایج معاملاتی را با تقسیم آن‌ها به دسته‌بندی‌های کوچک‌تر، مثل روزهای هفته یا جفت ارزهای خاص [currency pairs](#)، پالایش کنید.

در اینجا نمونه ای انواع سؤالاتی که به هنگام مرور ژرنال، باید از خودتان پرسید، ارائه می‌شوند:

- کدام الگوها یا ابزار به بهترین نحو برای شما عملی هستند؟ کدام نیستند؟
- چگونه می‌توانید شاخص‌هایتان را برای ورود زود هنگام معامله تطبیق دهید، یا برای دور شدن از زیان‌های دو سویه و تقلب‌ها چگونه به شما کمک می‌کند؟
- آیا معاملاتی را که در حال سود کردن هستند، خیلی زود می‌بندید؟ آیا نیاز به تطبیق اهداف سود خود دارید یا از ضررهای محقق نشده می‌ترسید؟
- آیا مدت طولانی‌تر از نیاز، روی معاملات در حال زیان صبر می‌کنید؟ چگونه می‌توانید فرآیندهای حد زیان خود را بهبود ببخشید؟
- هر چند وقت یک بار برنامه معامله خود را پیگیری می‌کنید؟ آیا برنامه‌هایی که پیگیری کرده‌اید، برایتان سودآور بوده‌اند؟
- کدام تنظیم معاملاتی را از دست دادید، یا استفاده کردید، و چرا؟ آیا سیگنال مشروعی بود یا تنظیمی طبق روش یا سیستم من بود؟
- برای اجتناب / کاهش این ضرر یا به حداکثر رسانی سود خود، چه کار متفاوتی می‌توانستید انجام دهید؟
- آیا با لات‌های چندگانه یا لات‌های منفرد، در معاملات سود می‌کنید؟

- در چه نوع محیط بازار به خوبی عمل کرده‌اید؟ طبق روند<sup>۲۲</sup> یا طبق دامنه<sup>۲۳</sup>؟
  - آیا اکثر بردها یا زیان‌هایتان در جهت جفت ارزهای معینی سوگیری شدند؟
  - کدام رویدادهای خبری، نوعی از نوساناتی را که برای معامله یا برای اجتناب از آن‌ها بررسی می‌کردید، به همراه داشته‌اند؟
  - کدام بازه‌های زمانی معاملاتی با سبک معاملاتی شما، بهترین تناسب را داشته‌اند؟
  - آیا معاملاتی را که بر روزهای معین هفته متمرکز هستند، مثل دوشنبه‌ها و جمعه‌ها، از دست می‌دهید؟
- سؤالاتی از این دست می‌توانند به سرعت برای خروج تدریجی از اقداماتی که از حصول پিপ شما را باز داشته‌اند، کمک کنند. ایده اولیه رسیدن به نقطه ای است که در آن متوجه شده‌اید چه چیزی برای شما عملی می‌شود تا فقط همان کارها را انجام دهید. پس از درک همه آن موارد درست و بجا، قدم بعدی تمرین مداوم آن دسته از اقداماتی است که باید تکرار شوند تا تبدیل به عادت گردند.
- و بالاخره، ژرنال نویسی دائم به شما کمک خواهد کرد حواستان به عملکردتان باشد و زمان تغییر بازارها را تشخیص دهید – و بله، بازارها همیشه در حال تغییر هستند.

## معرفی نرم افزار Meta Trader 5

پس از آشنایی با بازار فارکس، اکنون زمان آن رسیده که یک حساب تمرینی افتتاح کرده و در آن به انجام معاملات به صورت تمرینی بپردازید تا با شرایط انجام معاملات و نوسانات موجود در این بازار آشنا شوید. برای این منظور می‌توانید از نرم افزار متا تریدر ۵ استفاده کنید.

نرم افزار MT5، پلتفرم معاملاتی ساده ایست که معامله گران و کارگزاران متعددی از آن استفاده می‌کنند. معامله گران از این نرم افزار جهت مشاهده قیمت های لحظه ای ارز، اجرای دستورات معاملاتی، گرفتن تحلیل فنی و بنیادی استفاده می‌کنند. در نرم افزار MT5 شما می‌توانید از بین جفت ارزها و شاخص های موجود، جفت ارز مورد نظر خود را جهت انجام معاملات انتخاب نمایید.

علاوه بر آن، نمودارهای موجود در این نرم افزار چنان قابل فهم هستند که یک فرد تازه کار می‌تواند به راحتی به کمک آنها جفت ارز مورد نظر خود را آنالیز کرده و اقدام به انجام معامله نماید.

معامله گران رباتیک! نیز می‌توانند مشاوران خبره (EXPERT ADVISOR) خود را بر روی آن فعال کنند. این کار باعث می‌شود تا آنها فرصت های معامله را به آسانی ردیابی کنند.

امکان دسترسی به پلتفرم MT5 از طریق سایت اصلی شرکت متا کوت (Meta Quote) وجود دارد. قبل از این که بتوانید به معاملات خود و جفت های ارز دسترسی پیدا کنید، شما باید پلتفرم یاد شده را روی کامپیوتر خود نصب کنید.

<sup>22</sup> trending

<sup>23</sup> ranging

مراحل کار به شرح زیر است:

اول: ایجاد حساب تمرینی:

۱- به سایت [me.www.FOREXer.com](http://me.www.FOREXer.com) مراجعه کرده و بر روی گزینه "افتتاح حساب تمرینی" کلیک کنید

- برنامه MT5.exe را دانلود و نصب کنید.

۳- با دقت جزئیات حساب را تکمیل کنید.

The screenshot shows a window titled "Open an Account" with a "Personal details" section. The instructions say "To open an account, please fill out all the following fields:". The form contains the following fields and values:

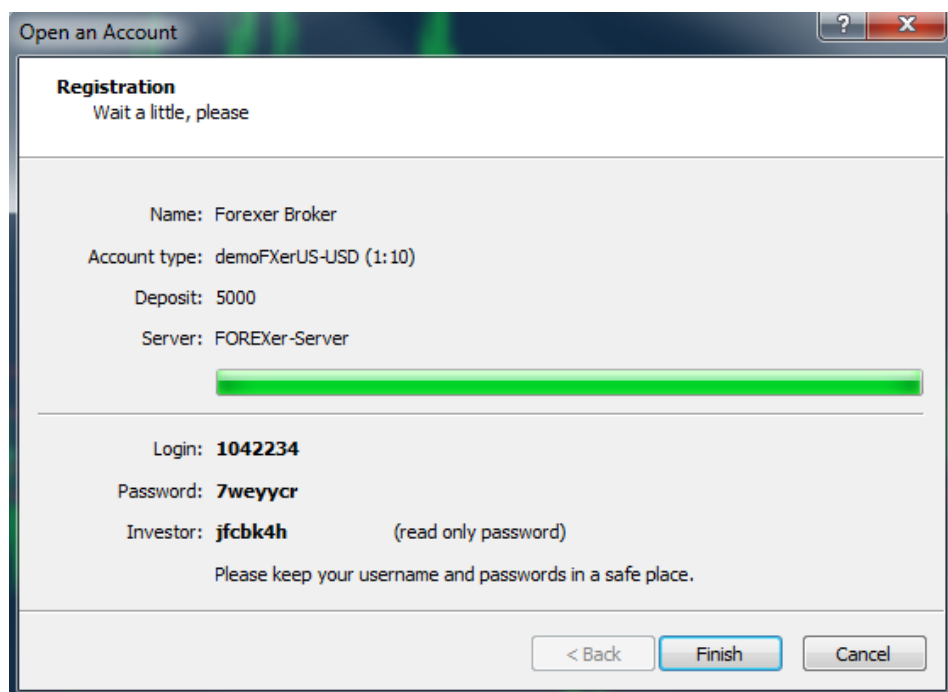
- Name: Forexer LLC
- Country: United States
- State: state
- City: city
- Zip code: 123456
- Address: address
- Phone: +97142965553
- E-Mail: support@forex-er.com
- Account type: demoFXerUS-USD
- Leverage: 1:10
- Deposit: 10000 USD

At the bottom, there is a checkbox for "I agree to subscribe to your newsletters" and three buttons: "< Back", "Next >", and "Cancel".

دوم: جزئیات حساب خود را ثبت کنید.

الف) نسخه ای از اطلاعات ورودی به حساب خود را ثبت و نگهداری کنید. این کار را قبل از خروج از مرحله ثبت نام انجام دهید.

ب) شما با استفاده از نرم افزار MT5 می توانید حساب های متعددی را ایجاد کرده و به آنها دسترسی پیدا کنید. لطفاً، به حسابی که قبل از انجام معاملات از آن استفاده می کنید، توجه کنید.



بهتر است برای ورود به این بازار کمی صبور باشید و ابتدا معامله بر روی حساب تمرینی را امتحان کنید. با انجام این کار، بدون این که سرمایه ارزی خود را در معرض ریسک قرار دهید، با نحوه کار با نرم افزار معاملاتی آشنا خواهید شد. علاوه بر آن، شما می توانید به سرمایه خود اضافه کنید یا اگر حسابتان را از دست دادید یا مدت زمان حساب تمرینی شما به پایان رسید، می توانید حساب جدیدی را افتتاح نمایید.

#### مبانی نرم افزار MT5: نحوه ثبت سفارش ها

اکنون که حساب MT5 خود را ایجاد کرده اید، زمان آن فرا رسیده که نحوه استفاده از آن را نیز فرا بگیرید! می دانیم در اولین برخورد با این نرم افزار، وجود تعداد زیادی آیت، پنجره و دکمه ممکن است کمی ترسناک به نظر برسد. نگران نباشید با کمی تمرین به راحتی با ابعاد مختلف آن آشنا می شوید.

ما کار خود را با مبانی نرم افزار آغاز می کنیم - تعیین و ایجاد سفارش ها

زمانی که این گام را به پایان بردید، شما با نحوه انجام موارد زیر آشنا خواهید شد:

۱- نحوه خرید و فروش از طریق دستورات مستقیم بازار

۲- نحوه خرید و فروش از طریق دستورات شرطی

۳- اصلاح یک معامله پس از انجام آن

#### انجام معاملات از طریق دستورات مستقیم بازار

۱- از نوار بالای صفحه بر روی گزینه New Order کلیک کنید.

۲- کادر اجرایی ظاهر می شود. از روی فهرست آبخاری، جفت ارزی را که می خواهید معامله کنید، انتخاب نمایید.

۳- سپس، گزینه اجرای بازار (Market Execution) را در فهرست آبخاری نوع سفارش (Order Type) انتخاب کنید.

۴- حجم معامله مورد نظر را انتخاب نمایید. به خاطر داشته باشید که حجم معامله برحسب اندازه های لات استاندارد بیان می شود. در نظر داشته باشید که یک لات استاندارد به ارزش ۱۰۰،۰۰۰ واحد است. از اینرو، اگر مایل هستید که ۵۰،۰۰۰ واحد از یک جفت ارز را خریداری کنید، مقدار ۰.۵ را در قسمت حجم وارد کنید.

۵- اگر توضیح خاصی برای انجام معامله دارید، می توانید آن را در بخش نظرات وارد نمایید.

۶- سرانجام، تعیین کنید که آیا قصد خرید یا فروش آن جفت ارز را دارید. یک کادر ظاهر خواهد شد تا تأیید کند که معامله شما اجرا شده است. ممکن است تمایل داشته باشید که هرگاه یک جفت ارزی را در بازار خرید و فروش می کنید، بخش های مربوط به تعیین حد ضرر (stop loss) و یا حد سود (Take Profit) را نیز فعال کنید.

این گزینه ها فقط به این منظور فعال شده اند تا هنگام نوسان قیمت، به شما کمک کنند تا در اسرع از یک معامله خارج شوید. بعد از این که معامله ای انجام شد، شما هنوز می توانید سطح خروج خود را با اصلاح معامله مشخص کنید.

#### وارد شدن به یک معامله از طریق سفارش مشروط

۱- روی گزینه New Order کلیک کنید.

۲- از روی فهرست آبخاری، جفت ارز مورد معامله خود را انتخاب کنید.

۳- سپس، سفارش مشروط (Pending Order) را در فهرست آبخاری Order Type انتخاب کنید.

۴- تعیین کنید که آیا قصد خرید یا فروش جفت ارز مورد نظر را دارید. این کار را در فهرست آبخاری Order Type انجام دهید. ۴ گزینه مهم آن به شرح زیر است:

Buy Limit – اگر شما قصد دارید "معامله خرید" را در قیمتی پایین تر از قیمت بازار انجام دهید.

Sell Limit – اگر قصد دارید “معامله فروش” را در قیمتی بالاتر از قیمت بازار انجام دهید.

Buy Stop – اگر قصد دارید “معامله خرید” را بالاتر از قیمت بازار انجام دهید.

Sell Stop – اگر قصد دارید “معامله فروش” را با قیمتی پایین تر از قیمت بازار انجام دهید

۵- پس از این که نوع سفارش را انتخاب کردید، قیمتی را که می خواهید با آن وارد بازار شوید، انتخاب کنید.

۶- آنگاه، اندازه معامله ای را که می خواهید انجام دهید در قسمت حجم وارد کنید.

۷- در قسمتهای Stop Loss و Take Profit می توانید قیمت مورد نظر را مشخص کنید. در این صورت، با رسیدن قیمت بازار به قیمتی تعیین شده توسط شما، معامله به صورت اتوماتیک (ممکن است با سود یا ضرر) بسته خواهد شد.

۸- با استفاده از گزینه سفارش مشروط ((Pending Order، همچنین از امکان تعیین تاریخ انقضا در سفارش خود نیز برخوردار خواهید بود.

۹- زمانی که همه اطلاعات را تکمیل کردید، گزینه Place را فشار دهید تا تنظیمات مورد نظر شما ثبت گردد. کادری ظاهر خواهد شد تا تأیید عمل ثبت را تأیید کند. در این صورت با رسیدن قیمت بازار به پارامترهای تعیین شده، معامله موردنظر به صورت اتوماتیک اجرا خواهد شد

#### اصلاح معاملات

از نوار بالای صفحه گزینه View و سپس Toolbox را انتخاب کنید (Ctrl + T) روی گزینه Trade در پایین صفحه کلیک کنید. شما در اینجا همه موقعیتهای معاملاتی خود را خواهید یافت که شامل قیمت های ورودی، اندازه های پوزیشن، نقاط تعیین ضرر و تعیین سود هستند.

به منظور اضافه کردن یا اصلاح نقطه تعیین ضرر و یا سود:

۱- روی معامله ای که شما می خواهید آن را اصلاح کنید، کلیک راست کنید و گزینه “Modify or Delet Order” را انتخاب کنید.

۲- سپس، بخش های Stop Loss و Take Profit را در سطح دلخواه خود تکمیل کنید. زمانی که این کار را انجام دادید، گزینه Modify را انتخاب کنید.

۳- یک کادر ظاهر می شود تا عملیات انجام شده را تأیید نمایید

به منظور بستن یک معامله:

۱- روی معامله ای که می خواهید آن را ببندید، راست کلیک کرده و روی گزینه “Close Order” کلیک کنید.



۲- اگر می خواهید کل معامله خود را ببندید، دکمه زرد رنگ زیر گزینه های Buy و Sell را انتخاب کنید.

۳- پس از فشار دادن دکمه Close، مانده سود شما تغییر کرده و سود / زیان در معامله ای که به تازگی بسته اید، نشان داده می شود.

### مبانی نرم افزار MT5: نحوه استفاده از نشانگرها<sup>۱</sup>

نرم افزارهای معاملاتی بسته به کارگزار شما، مجموعه های متفاوتی از نشانگرها را ارائه می کنند. برخی از آنها فقط در حالت های پایه هستند اما برخی دیگر به تمامی مجموعه ابزارها و بررسی های پیشرفته مجهز می شوند تا به شما در تصمیم گیری کمک کنند.

این نرم افزار بسیار تنظیم پذیر است! به این نرم افزار به عنوان سیستم معاملاتی نگاه کنید. شما می توانید انواع نشانگرها و برنامه های "مشاوران خبره" را اجرا کنید، تنظیمات آنها را تقریباً به هر روشی که می خواهید، تغییر دهید و حتی برنامه معاملاتی دلخواه خودتان را ایجاد کنید!

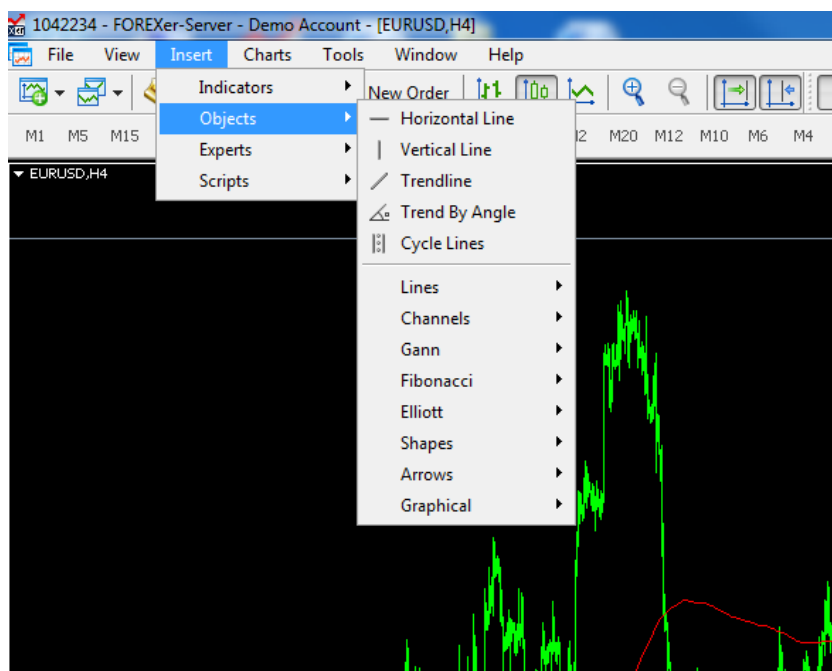
در این درس، ما قصد داریم که شما بیشترین بهره را از نرم افزار MT5 ببرید. دانستن نحوه ورود و خروج از معاملات کافی نیست. شما باید با نحوه استفاده از ابزارهای متعدد نرم افزار خود آشنا شوید و باید با نحوه تغییر و سفارشی کردن آنها برای نیازهای خود آشنا شوید.

اگر تاکنون این سؤال برای شما مطرح بوده است که چگونه سایر معامله گران به تمامی این نشانگرها بر روی نمودارهای خود دست پیدا می کنند، این درس برای شما مفید است!

### اضافه کردن عناصر نمودار

۱- روی منوی Insert از نوار بالای صفحه کلیک کنید.

- یک عنصر را برای اضافه کردن به نمودار انتخاب کنید (مثلاً خطوط، شکل ها، پیکان ها و خطوط فیبوناچی)



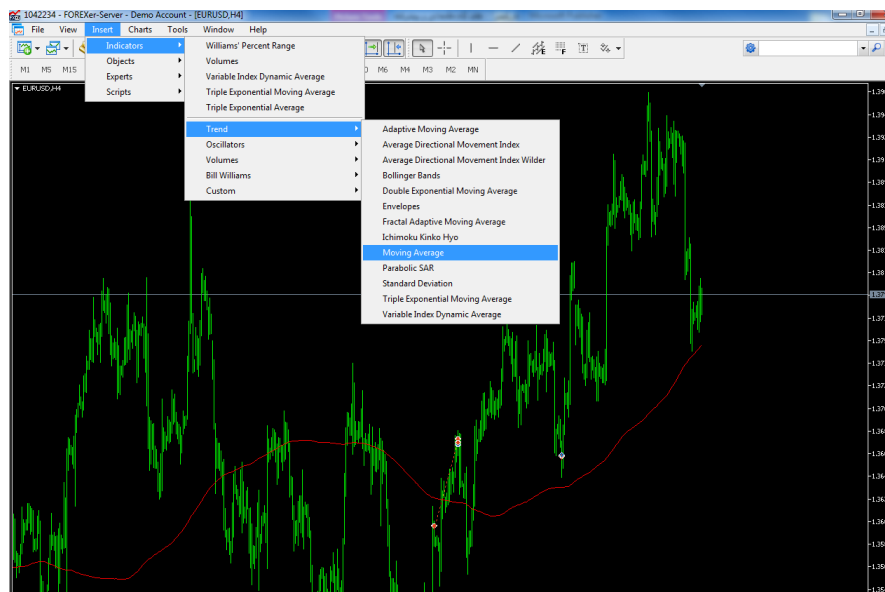
۳- روی ناحیه نمودار که قرار است عناصر در آن ظاهر شوند، کلیک کرده و شکل مورد نظر را در آنجا اضافه کنید.

### اضافه کردن نشانگرها

۱- روی منوی Insert کلیک کنید.

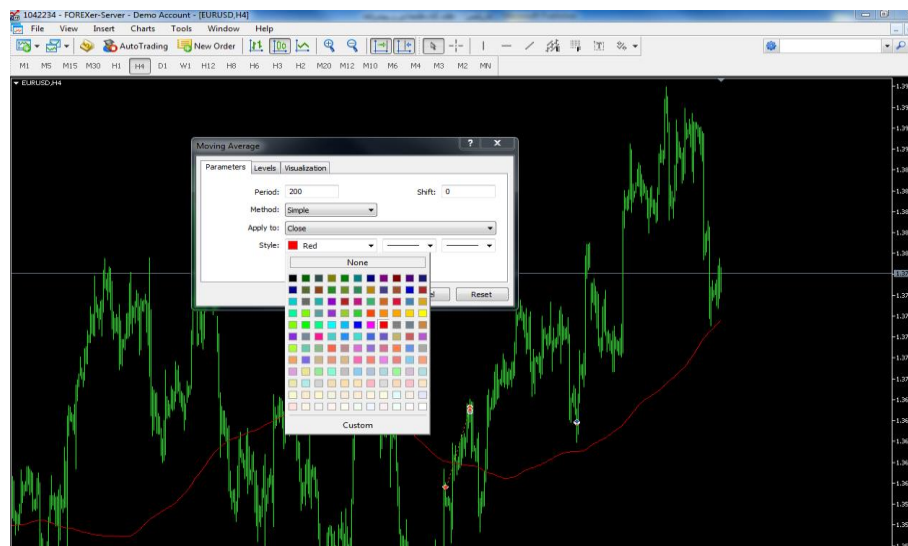
۲- نشانگری را که می خواهید اضافه کنید، انتخاب کنید. نشانگرها معمولاً براساس نوع آنها دسته بندی می شوند. در

این مثال، نشانگر میانگین متغیر در زیر منوی "Trend" قرار دارد.



پس از انتخاب یک نشانگر، شما بی درنگ پارامترهای آن را تعیین خواهید کرد. شما همچنین

خط و تنظیمات دیگر را اصلاح کنید.



زمانی که پارامترها و تنظیمات را تعیین کردید، روی “OK” کلیک کنید. اکنون، نشانگر برای ادامه کار و استفاده از تحلیلها آماده است.

### مقایسه MT4 و MT5

با توجه به آنکه آخرین نسخه نرم افزار معاملاتی متاتریدر تحت عنوان MT5 در اختیار کارگزاران و معامله گران قرار گرفته است، در اینجا سعی داریم به مقایسه آن با MT4 پرداخته و نکات برتر MT5 را بیان کنیم:

موضوع	MT4	MT5
بازه زمانی	دارای ۹ بازه زمانی	دارای ۲۱ بازه زمانی
نمودارها	قابلیت محدود	قابلیت بازگشایی همزمان ۱۰۰ نمودار
تقویم اقتصادی	ندارد	دارد
امکان خرید مستقیم محصولات MQL	ندارد	دارد
نشانگرها	۳۰ نشانگر پیش فرض	۳۸ نشانگر پیش فرض

MT5	MT4	موضوع
دارای ۲۱ بازه زمانی	دارای ۹ بازه زمانی	بازه زمانی
قابلیت بازگشایی همزمان ۱۰۰ نمودار	قابلیت محدود	نمودارها
دارد	ندارد	تقویم اقتصادی
دارد	ندارد	امکان خرید مستقیم محصولات MQL
۳۸ نشانگر پیش فرض	۳۰ نشانگر پیش فرض	نشانگرها

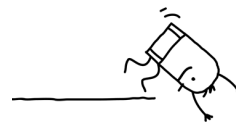
MT۵	MT4	موضوع
دارد	ندارد	قابلیت جابجایی حد سود / ضرر بر روی نمودار
X20	X1	سرعت اجرای برنامه های MQL
دارد	ندارد	قابلیت تشخیص خطاهای برنامه نویسی
دارد	ندارد	قابلیت بررسی استراتژی بر روی چند ارز

دارد	ندارد	شناسایی ایمیل جهت باز کردن حساب
۲۴ زبان	۳۲ زبان	زبانهای نرم افزار
دارد	دارد	قابلیت نصب بر روی گوشیهای هوشمند

---

• با توجه به این موضوع که نهاد نظارتی NFA<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۹ استفاده از پوزیشنهای هم زمان خرید و فروش (Hedging) را در این بازار ممنوع نمود، نرم افزار معاملاتی MT5 نیز این مورد مهم را لحاظ کرده و به معامله گران اجازه این کار را نمی دهد. طبق آمارها و برآوردهای قبلی، استفاده از Hedging در معاملات یکی از عمده دلایل ضرر و زیان معامله گران بوده است.

## مدیریت ریسک چیست؟



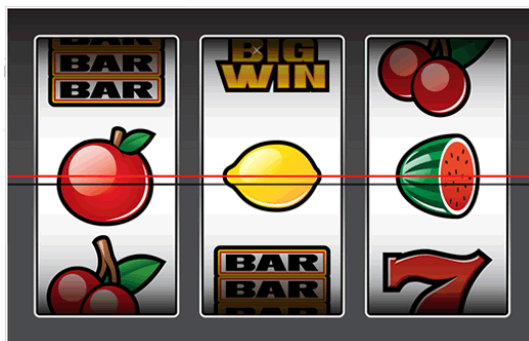
این بخش یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی است که در مورد داد و ستد می‌خوانید.

چرا مهم است؟ خوب، ما در کسب و کار پول‌سازی هستیم و به منظور پول‌سازی باید نحوه مدیریت ریسک را یاد بگیریم (زیان‌های بالقوه).

از قضا، این یکی از حوزه‌های نادیده گرفته شده در تجارت است. بسیاری از معامله‌گران اضطراب دارند که بدون در نظر گرفتن حجم کلی حساب‌شان وارد داد و ستد شوند.

آنها فقط تعیین می‌کنند که توان تحمل چقدر ضرر را در یک معامله دارند و سپس روی دکمه خرید/ فروش کلیک می‌کنند. اصطلاحی برای این نوع سرمایه‌گذاری وجود دارد.... به نام...

قمار!



وقتی بدون قوانین مدیریت سرمایه معامله می‌کنید، در واقع دارید قمار می‌کنید.

بازده بلند مدت خود را بررسی نمی‌کنید، در عوض، فقط به دنبال «بردن تمام پول‌ها» هستیم.

قوانین مدیریت پول نه تنها از ما محافظت می‌کنند بلکه می‌توانند ما را در دراز مدت به سود بسیاری برسانند. اگر حرف ما را باور نمی‌کنید، و فکر می‌کنید که «قمار» راه پولدار شدن است، پس این مثال را در نظر بگیرید:

مردم همیشه به لاس و گاس می‌روند تا پول خود را قمار کنند به امید آنکه برنده پول زیادی شوند و در واقع، بسیاری از مردم برنده می‌شوند.

پس اگر افراد زیادی کل پول را برنده می‌شوند چگونه کازینوهای زیادی در جهان همچنان سود می‌کنند؟

پاسخ این است که اگرچه افراد زیادی برنده می‌شوند، در دراز مدت، کازینوها هنوز هم سودآورند چرا که پول بیشتری از افرادی که برنده نمی‌شوند جمع می‌کنند. حقیقت این است که کازینوها از نظر آمار و ارقام بسیار غنی اند. می‌دانند که در دراز مدت، آنها هستند که پولدار می‌شوند نه قماربازان.

حتی اگر Joe Schmoه برنده ۱۰۰.۰۰۰ دلار در یک اسلات ماشین شود، کازینوها می‌دانند که همیشه صدها قمارباز دیگر وجود دارند که برنده نمی‌شوند و پول مستقیم به جیب آنها برمی‌گردد.

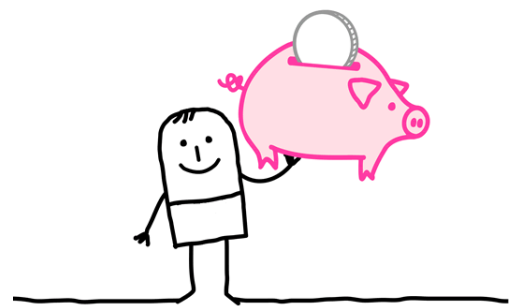
این مثال کلاسیکی است از نحوه پول‌سازی آماردان‌ها از قماربازان. اگرچه هر دو پول از دست می‌دهند، آماردان یا کازینو در این مورد، می‌داند چگونه زیان‌های خود را کنترل کند. در اصل، طرز کار مدیریت پول این گونه است. اگر نحوه کنترل زیان خود را یاد بگیرید شانس دارید که سود کنید.

در پایان، بازار فارکس بازی اعداد است، یعنی باید هر عامل کوچکی را تا حد امکان به نفع خود حرکت دهید. در کازینوها، سود گاهی اوقات تنها ۰.۵٪ بالاتر از بازیکنان است. اما این ۵ درصد تفاوت بین برنده بودن و بازنده بودن است.

شما می‌خواهید آماردان ثروتمند باشید و نه قمارباز به این دلیل که می‌خواهید در دراز مدت «همیشه برنده باشید».

بنابراین به جای بازنده بودن چگونه تبدیل به این آماردان ثروتمند می‌شوید؟

#### تخصیص سرمایه



پول‌سازی نیاز به پول دارد. همه این را می‌دانند، اما برای شروع داد و ستد به چه مقدار پول نیاز است؟ پاسخ تا حد زیادی بستگی به رویکرد در راه اندازی کسب و کار جدیدتان دارد.

نخست، نحوه آموزش خود را در نظر بگیرید. رویکردهای بسیار مختلفی برای یادگیری نحوه داد و ستد وجود دارد: کلاس‌ها، مربیان، خودآموزی یا هر ترکیبی از این سه.

در حالی که کلاس‌ها و مربیان برای آموزش معامله در بازار فارکس وجود دارد، اما هزینه مطالبه می‌کنند. فایده این مسیر این است که کلاس خوب یا مربی بزرگ می‌تواند منحنی یادگیری را به طور قابل توجهی کوتاه کند و شما را به مسیر سودآوری در زمان بسیار کوتاه‌تری برساند در مقایسه با حالتی که خودتان همه چیز را انجام می‌دهید.

نقطه ضعف آن هزینه زیاد برای این برنامه‌ها است که می‌تواند از چند صد تا چند هزار دلار متغیر باشد، بسته به این که کدام برنامه را انتخاب می‌کنید. برای بسیاری از تازه‌واردان به تجارت، منابع (پول نقد) مورد نیاز برای خرید این برنامه‌ها در دسترس نیست.

برای کسانی که توانایی یا تمایل به پرداخت پول برای آموزش ندارند، خبر خوب این است که بسیاری از اطلاعات مورد نیاز برای شروع به طور رایگان در اینترنت از طریق فوروم‌ها، کارگزاران، مقالات و وب سایت‌هایی مانند [BabyPips.com](http://BabyPips.com) در دسترس است. همه باید ممنون ال‌گور برای ابداع اینترنت باشیم. بدون او، [BabyPips.com](http://BabyPips.com) وجود نداشت.

تا زمانی که منظم و متمرکز در یادگیری بازار باشید، شانس موفقیت‌تان به طور تصاعدی افزایش می‌یابد. باید دانشجوی مشتاق باشید. وگرنه موفق نمی‌شوید.

دوم، آیا رویکرد به بازار نیاز به ابزار خاص مانند فیدهای خبری یا نرم افزار رسم نمودار دارد؟ به عنوان معامله‌گر فنی، بسیاری از بسته‌های رسم نمودار که همراه نرم افزار معاملاتی کارگزاران هستند کافی اند (و برخی از آنها بسیار خوبند).

برای کسانی که نیاز به شاخص‌های ویژه یا عملکرد بهتر دارند، نرم افزار رسم نمودار درجه یک می‌تواند با حدود ۱۰۰ دلار در ماه فراهم شود.

شاید معامله‌گر اساسی باشید و نیاز به انتشار خبر در میلی ثانیه داشته باشید یا حتی قبل از وقوع آن (زیاد هم خوب نیست!).

خوب، فیدهای خبر آنی و دقیق از چند صد تا چند هزار دلار در ماه هزینه دارند. باز هم، می‌توانید فید خبری رایگان را از کارگزاران دریافت کنید، اما برای برخی افراد، آن یکی دو ثانیه اضافی می‌تواند تفاوت بین معامله سودآور یا بی‌ثمر باشد.

در نهایت، نیاز به پول/سرمایه/منابع مالی برای معامله دارید. کارگزاران خرده فروشی حداقل موجودی حساب ۲۵ دلار را ارائه می‌کنند، اما این بدان معنا نیست که باید به سرعت وارد شوید! این اشتباه سرمایه است که اغلب به شکست منجر می‌شود. ضرر بخشی از بازی است، و نیاز به سرمایه برای جبران این زیان دارید.

چقدر سرمایه نیاز دارید؟ بیایید صادق باشیم، اگر پایدار باشید و از تکنیک‌های مناسب مدیریت پول استفاده کنید، احتمالاً می‌توانید با ۵۰ تا ۱۰۰ هزار دلار سرمایه تجاری شروع کنید.

این دانش عام است که اکثر کسب و کارها به دلیل سرمایه ناکافی شکست می‌خورند که این نکته در کسب و کار بازار فارکس به شدت درست است.

بنابراین اگر نمی‌توانید با مقدار زیادی پول که تحمل از دست دادنش را ندارید شروع کنید، صبور باشید، پول جمع کنید و راه درست معامله را یاد بگیرید تا زمانی که از لحاظ مالی آماده شوید.



### افت سرمایه و حداکثر افت سرمایه



بنابراین می‌دانیم که مدیریت پول در دراز مدت برای ما پول‌ساز خواهد بود، اما در حال حاضر می‌خواهیم طرف دیگر امور را به شما نشان دهیم. چه می‌شود اگر از قوانین مدیریت پول استفاده نکنید؟

این مثال را در نظر بگیرید:

فرض کنید مبلغ ۱۰۰,۰۰۰ دلار دارید و ۵۰,۰۰۰ دلار آن را از دست می‌دهید. چند درصد از حساب خود را از دست داده‌اید؟

پاسخ ۵۰ درصد است.

به اندازه کافی ساده است.

این چیزی است که معامله‌گران به آن افت سرمایه می‌گویند.

افت سرمایه کاهش سرمایه فرد پس از یک رشته معاملات زیانده است که معمولاً با تفاوت بین ماکزیمم نسبی در سرمایه منهای مینیمم نسبی محاسبه می‌شود. معامله‌گران معمولاً این رقم را به صورت درصدی از حساب تجاری بیان می‌کنند.





در معاملات، همیشه به دنبال لبه هستیم. این دلیل اصلی معامله‌گران برای ایجاد سیستم است. سیستم تجاری‌ای که ۷۰٪ سودآور است لبه بسیار خوبی به نظر می‌رسد، اما فقط به خاطر اینکه سیستم تجاری ۷۰٪ سودآور است، آیا بدین معنی است که از هر ۱۰ معامله برنده ۷ تا می‌شوید؟

نه لزوماً! از کجا می‌دانید که کدام ۷۰ تا از آن ۱۰۰ معامله را برنده خواهید شد؟

پاسخ این است که نمی‌دانید. می‌توانید ۳۰ معامله اول را پشت سر هم از دست بدهید و ۷۰ معامله باقیمانده را برنده شوید. این باز هم سیستم ۷۰٪ سود آور را به شما می‌دهد، اما باید از خودتان پرسید، «اگر ۳۰ معامله را پشت سر هم از دست بدهید آیا هنوز هم در بازی هستید؟»

به همین دلیل است که مدیریت پول بسیار مهم است. مهم نیست که از چه سیستمی استفاده می‌کنید، در نهایت یک رشته زیان پشت سر هم خواهید داشت. حتی پوکربازان حرفه‌ای که زندگی خود را از طریق پوکر می‌گذرانند دچار یک سری زیان ناگوار می‌شوند و در عین حال در نهایت سود می‌برند.

دلیل آن این است که پوکرباز خوب از مدیریت پول استفاده می‌کند زیرا می‌داند که نمی‌خواهد هر دستی را که بازی می‌کند برنده شود. در عوض، تنها درصد کمی از سرمایه بانک خود را به خطر می‌اندازد به طوری که بتواند از آن یک سری باخت جان سالم به در ببرد.

این همان کاری است که باید به عنوان معامله‌گر انجام دهید. افت سرمایه بخشی از معامله است. کلید موفقیت برای یک معامله‌گر این است که طرح تجاری داشته باشد که وی را قادر می‌سازد که در برابر این دوره زیان‌های بزرگ مقاومت کند. و بخشی از طرح تجاری شما داشتن قوانین مدیریت ریسک است.

تنها درصد کمی از «سرمایه تجاری» خود را به خطر اندازید به طوری که بتوانید از یک رشته زیان‌های متوالی در امان بمانید. به یاد داشته باشید که اگر از قوانین دقیق مدیریت پول استفاده کنید، به کازینو تبدیل خواهید شد و در دراز مدت، «همیشه برنده خواهید شد.»

در بخش بعدی، نشان خواهیم داد که هنگام استفاده و نیز عدم استفاده از مدیریت پول مناسب چه اتفاقی می‌افتد.

تمام سرمایه خود را ریسک نکنید



در زیر مثال کوچکی است که تفاوت بین به خطر انداختن درصد کمی از سرمایه را در مقایسه با درصد بالاتر نشان می‌دهد.

ریسک ۲٪ در مقابل ۱۰٪ معامله‌گر در هر معامله

شماره معامله	کل موجودی	۲٪ ریسک برای هر معامله	شماره معامله	کل موجودی	۱۰٪ ریسک برای هر معامله
1	\$20,000	\$400	1	\$20,000	\$2,000
2	\$19,600	\$392	2	\$18,000	\$1,800
3	\$19,208	\$384	3	\$16,200	\$1,620
4	\$18,824	\$376	4	\$14,580	\$1,458
5	\$18,447	\$369	5	\$13,122	\$1,312
6	\$18,078	\$362	6	\$11,810	\$1,181
7	\$17,717	\$354	7	\$10,629	\$1,063
8	\$17,363	\$347	8	\$9,566	\$957
9	\$17,015	\$340	9	\$8,609	\$861
10	\$16,675	\$333	10	\$7,748	\$775
11	\$16,341	\$327	11	\$6,974	\$697
12	\$16,015	\$320	12	\$6,276	\$628
13	\$15,694	\$314	13	\$5,649	\$565
14	\$15,380	\$308	14	\$5,084	\$508
15	\$15,073	\$301	15	\$4,575	\$458
16	\$14,771	\$295	16	\$4,118	\$412
17	\$14,476	\$290	17	\$3,706	\$371

18	\$14,186	\$284	18	\$3,335	\$334
19	\$13,903	\$278	19	\$3,002	\$300

می توانید ببینید که تفاوت زیادی بین به خطر انداختن ۲٪ از موجودی حساب در مقایسه با ۱۰ درصد از آن در هر معامله وجود دارد. اگر از روی اتفاق دچار یک رشته زیان شده‌اید و فقط در ۱۹ معامله پشت سر هم ضرر کرده‌اید، اگر با ۲۰,۰۰۰ دلار شروع کرده‌اید و ریسک ۱۰٪ را در هر معامله برداشته‌اید موجودی شما ۳۰۰۲ دلار است. بیش از ۸۵٪ از موجودی حساب خود را از دست داده‌اید! اگر فقط ریسک ۲٪ را برداشته‌اید هنوز ۱۳,۹۰۳ دارید یعنی تنها ۳۰٪ از کل حساب خود را از دست داده‌اید.

البته، تنها چیزی که نمی‌خواهیم این است که در ۱۹ معامله پشت سر هم ضرر کنیم، اما حتی اگر فقط در ۵ معامله پشت سر هم ضرر کنید، به تفاوت بین ریسک ۲٪ و ۱۰٪ نگاه کنید. اگر ریسک ۲٪ را بردارید، هنوز هم ۱۸۴۴۷ دلار دارید. اگر ریسک ۱۰٪ را بردارید، فقط ۱۳,۱۲۲ دارید. این رقم کمتر از موجودی شما در صورتی است که با ریسک ۲٪ در هر ۱۹ معامله ضرر کنید!

نکته این مثال این است که می‌خواهید قوانین مدیریت پول خود را وضع کنید به طوری که زمانی که یک دوره افت سرمایه دارید، هنوز هم سرمایه کافی برای ماندن در بازی داشته باشید.

آیا می‌توانید تصور کنید که ۸۵٪ از موجودی حساب خود را از دست بدهید؟

باید ۵۶۶٪ روی موجودی سود کنید تا به نقطه سر به سر برسید (ضررتان جبران شود).

به ما اعتماد کنید، نمی‌خواهید در این موقعیت باشید. کم کم شبیه Cyclopi می‌شوید. می‌خواهی شبیه Cyclopi شوید؟ این طور فکر نمی‌کردید!

در اینجا نموداری است که نشان می‌دهد اگر درصد خاصی از موجودی حساب‌تان را از دست بدهید باید چند درصد سود کنید تا به نقطه سر به سر برسید.

از دست رفتن سرمایه	درصد مورد نیاز برای رسیدن به نقطه سر به سر
10%	11%
20%	25%
30%	43%
40%	67%
50%	100%
60%	150%
70%	233%
80%	400%

90%

900%

می توانید ببینید که هر چه بیشتر ضرر کنید، برگشتن به اندازه حساب اولیه تان دشوارتر خواهد بود. به همه دلیل باید هر کاری را که می توانید انجام دهید تا از حساب خود محافظت کنید.

در حال حاضر، امیدواریم متوجه شده باشید که تنها باید درصد کمی از حساب خود را در هر معامله به خطر اندازید به طوری که بتوانید از یک رشته زبان جان سالم به در ببرید و همچنین از افت سرمایه بزرگ در حساب خود جلوگیری کنید. به یاد داشته باشید که شما می خواهید کازینو باشید... نه قمار باز!



نسبت سود به ریسک

راه دیگر برای افزایش شانس خود در سودآوری این است که زمانی معامله کنید که پتانسیل برنده شدن شما ۳ برابر بیشتر از ریسک شما باشد. اگر نسبت سود به ریسک ۳:۱ به خود بدهید، شانس بسیار بیشتری برای سود در دراز مدت دارید. نگاهی به این نمودار به عنوان مثال بیندازید:

۱۰ معامله	باخت	برد
1	\$1,000	
2		\$3,000
3	\$1,000	
4		\$3,000
5	\$1,000	
6		\$3,000
7	\$1,000	
8		\$3,000
9	\$1,000	
10		\$3,000
مجموع	\$5,000	\$15,000

در این مثال، می توانید ببینید که حتی اگر فقط ۵۰ درصد از معاملات خود را برنده شوید، هنوز هم ۱۰,۰۰۰ دلار سود می کنید. فقط به یاد داشته باشید که هرگاه با نسبت سود به ریسک خوبی معامله کنید، شانس سودآور بودن شما بسیار بیشتر است حتی اگر درصد برد کمتری داشته باشید.

اما ...

و این امای بزرگی است ... تعیین نسبت سود به ریسک بالا هزینه دارد. در ظاهر، مفهوم تعیین نسبت سود به ریسک بالا خوب به نظر می رسد، اما فکر کنید در سناریوهای معامله واقعی چگونه عمل می کند.

فرض کنید شما دلال هستید و فقط می‌خواهید ۳ پیپ ریسک کنید. با استفاده از نسبت سود به ریسک ۳:۱، این بدان معنی است که باید ۹ پیپ به دست آورید. در ابتدا، اوضاع علیه شماست چرا که باید کارمزد بدهید.

اگر کارگزار شما کارمزد ۲ پیپ برای EUR/USD ارائه کند، باید ۱۱ پیپ به دست آورید، که مجبور می‌شوید نسبت سود به ریسک دشوار ۴:۱ را بردارید. با توجه به اینکه نرخ تبادل EUR/USD در عرض چند ثانیه می‌تواند ۳ پیپ بالا و پایین رود، باید خیلی سریع توقف کنید.

اگر قصد کاهش اندازه موقعیت خود را دارید، آنگاه می‌توانید توقف خود را گسترش دهید تا نسبت سود به ریسک مورد نظرتان را حفظ کنید. اکنون اگر پیپ‌هایی را که می‌خواهید ریسک کنید به ۵۰ افزایش دهید، باید ۱۵۳ پیپ به دست آورید. با انجام این کار، می‌توانید نسبت سود به ریسک خود را به ۳:۱ مورد نظرتان نزدیک‌تر کنید. دیگه خیلی هم بد نیست، درسته؟

در دنیای واقعی، نسبت‌های سود به ریسک غیر قابل تغییر نیستند. آنها باید بسته به چارچوب زمانی، محیط بازار و نقاط ورود/خروج‌تان تنظیم شوند. معامله موقعیت می‌تواند نسبت سود به ریسک بالای ۱۰:۱ داشته باشید در حالی که دلال می‌تواند به حد پایین ۰.۷:۱ برسد.

اگر مثال دنیای واقعی از معامله‌گران می‌خواهید که در تلاش برای به حداکثر رساندن نسبت سود به ریسک اند، باید وبلاگ [Pipcrawler's Pick of the Day](#) و [Cyclopip's Weekly Winner](#) را بررسی کنید. Pipcrawler معمولاً معاملاتی را تنظیم می‌کند که حداقل نسبت ۲:۱ را دارند، در حالی که Cyclopip بهترین تنظیم‌ها را از هفته گذشته که می‌توانست سودش را به حداکثر برساند مشخص می‌کند.



کازینو باشید، نه قمارباز!

به یاد داشته باشید که کازینوها آماردان‌های ثروتمند هستند!

پول‌سازی نیاز به پول دارد. همه این را می‌دانند، اما برای شروع داد و ستد به چه مقدار پول نیاز است؟ پاسخ تا حد زیادی بستگی به رویکرد در راه اندازی کسب و کار جدید تان دارد. از شخص به شخص متفاوت است.

افت سرمایه واقعیت است و گاهی اوقات برای شما اتفاق خواهد افتاد.

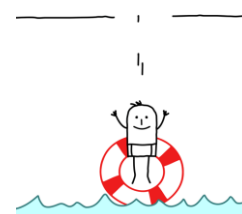
هر چه بیشتر ضرر کنید، برگشتن به اندازه حساب اولیه‌تان دشوار است. به همه دلیل باید هر کاری را که می‌توانید انجام دهید تا از حساب خود محافظت کنید.

امیدواریم متوجه شده باشید که تنها باید درصد کمی از حساب خود را در هر معامله به خطر اندازید به طوری که بتوانید از یک رشته زیان جان سالم به در ببرید و همچنین از افت سرمایه بزرگ در حساب خود جلوگیری کنید.

هر چه کمتر روی یک معامله ریسک کنید، ماکزیمم افت سرمایه‌تان کمتر خواهد داشت. هر چه بیشتر ضرر کنید، برگشتن به نقطه سر به سر دشوارتر است.

این بدان معنی است که فقط باید درصد کمی از حساب خود را معامله کنید. هر چه کمتر بهتر.

کمتر بیشتر است.



۲٪ یا کمتر توصیه می‌شود.

«۲٪ یا کمتر» برای هر معامله به عنوان راهنما برای همگان به شدت توصیه می‌شود. تاکید ما بر راهنما است چرا که به عوامل دیگر علاوه بر تجربه شما بستگی دارد مانند سیستم تجاری‌تان - عمدتاً هر چند وقت یکبار معامله صورت می‌گیرد. هر چه معامله ارز بیشتری در چارچوب زمانی که تمرکز بر آن دارید انجام دهید، کمتر می‌خواهید در هر معامله ریسک کنید. همچنین، فراموش نکنید که تغییر نوسانات بازار و هر گونه تنظیمات در ورودی‌ها و خروجی‌های خود را در نظر بگیرید.

## ضریب اهرمی یا قاتل سرمایه



Hello. My name is Leverage. Now die!

اکثر معامله‌گران حرفه‌ای و مدیران پول یک لات استاندارد را برای هر ۵۰,۰۰۰ دلار در حساب خود معامله می‌کنند. اگر حساب مینی را معامله کنند، این بدان معنی است که یک لات مینی را برای هر ۵,۰۰۰ دلار در حساب خود معامله می‌کنند. اجازه دهید این مساله را بیشتر بررسی کنیم.

اگر حرفه‌ای‌ها این طور معامله می‌کنند، چرا معامله‌گران کم تجربه فکر می‌کنند که می‌توانند با معامله لات‌های استاندارد 100K با حساب ۲۰۰۰ دلاری و یا مینی لات‌های 10K با ۲۵۰ دلار موفق شوند؟ مهم نیست کارگزاران فارکس به شما چه می‌گویند، هرگز «حساب استاندارد» با فقط ۲۰۰۰ دلار یا «حساب مینی» با ۲۵۰ دلار باز نکنید. برخی حتی به شما اجازه می‌دهند حساب ۲۵ دلاری باز کنید. دلیل شماره یک که معامله‌گران جدید شکست می‌خورند این است از ابتدا سرمایه خوبی ندارند و طرز کار ضریب اهرمی را نمی‌دانند.

خود را تا برای شکست تنظیم نکنید



ZOMG!!! I should have opened a demo account!

توصیه می‌کنیم که حداقل ۱۰۰,۰۰۰ دلار سرمایه تجاری قبل از باز کردن حساب استاندارد، ۱۰,۰۰۰ دلار برای حساب مینی، یا ۱,۰۰۰ دلار برای حساب میکرو داشته باشید. البته، تنها زمانی حساب باز کنید که به طور مداوم در حساب آزمایشی سود می‌کنید.



بنابراین اگر فقط ۶۰۰۰۰ دلار دارید، حساب مینی باز کنید. اگر فقط ۸۰۰۰۰ دلار دارید، حساب میکرو باز کنید. اگر فقط ۲۵۰ دلار دارید، حساب آزمایشی باز کنید و با آن بچسبید تا زمانی که ۷۵۰ دلار به دست آورید و سپس حساب میکرو باز کنید. اگر ۱ دلار دارید، دنبال کار بگردید.

اگر هیچ چیز دیگری را در این درس به خاطر نمی‌سپارید، حداقل مطلب فوق را به یاد داشته باشید.

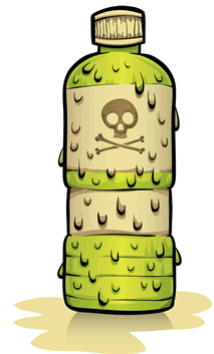
بسیار خوب، لطفا پاراگراف قبلی را دوباره بخوانید و آن را در حافظه خود ثبت کنید. فقط به این دلیل که کارگزاران به شما اجازه می‌دهند که با فقط ۲۵ دلار حساب باز کنید به این معنا نیست که باید این کار را انجام دهید (در ادامه، شش نکته مهم در هنگام انتخاب کارگزار را به شما به یاد می‌دهیم). دلیل آن چنین است:

اعتقاد داریم که اکثر معامله‌گران جدید که حساب تجاری فارکس با حداقل موجودی انجام می‌دهند به این دلیل چنین کاری را انجام می‌دهند که اصطلاحات «ضریب اهرمی» و «ودیع» و نحوه تاثیرشان بر معامله را به طور کامل درک نمی‌کنند.

بسیار مهم است که در مورد اهمیت معامله با ضریب اهرمی به طور کامل آگاه و عاری از جهل باشید. اگر درک کامل از ضریب اهرمی و ودیعه ندارید، تضمین می‌کنیم که حساب تجاری خود را نابود می‌کنید.

### تعریف ضریب اهرمی و ودیعه

ضریب اهرمی چیست؟



می‌دانیم که قبلا به این موضوع پرداخته‌ایم، اما این موضوع بسیار مهم است و احساس کردیم که نیاز به بحث مجدد در مورد آن وجود دارد.

تعریف کتاب درسی از «ضریب اهرمی» چنین است: قابلیت کنترل مقدار زیادی پول با استفاده از هیچ یا مقدار بسیار کمی از پولتان و قرض گرفتن بقیه آن.

برای مثال، برای کنترل موقعیت ۱۰۰،۰۰۰ دلاری، کارگزار ۱،۰۰۰ دلار از حسابتان را کنار خواهد گذاشت. ضریب اهرمی شما، که بر حسب نسبت بیان می‌شود، اکنون ۱۰۰:۱ است.

اکنون در حال کنترل ۱۰۰،۰۰۰ دلار با ۱،۰۰۰ دلار هستید.

فرض کنید ۱۰۰،۰۰۰ دلار سرمایه به ۱۰۱،۰۰۰ دلار افزایش پیدا می‌کند (یا ۱۰۰۰ دلار افزایش). اگر کل ۱۰۰،۰۰۰ دلار سرمایه خودتان را به دست آورید، بازده شما فقط ۱٪ است (۱،۰۰۰ دلار افزایش تقسیم بر ۱۰۰،۰۰۰ دلار سرمایه گذاری اولیه).

به این ضریب اهرمی ۱:۱ نیز گفته می‌شود. البته، به نظر من ضریب اهرمی ۱:۱ اسم بی مسمی است چرا که اگر باید کل مقداری را که در حال تلاش برای کنترل آن هستید به دست آورید، ضریب اهرمی آن کجاست؟

خوشبختانه، ضریب اهرمی شما ۱:۱ نیست، ضریب اهرمی شما ۱۰۰:۱ است. کارگزار باید فقط ۱،۰۰۰ دلار از پول شما را کنار می‌گذاشت، پس بازده شما ۱۰۰٪ است (۱۰۰،۰۰۰ دلار افزایش تقسیم بر ۱۰۰۰ دلار سرمایه گذاری اولیه).

حالا می‌خواهیم تمرین سریعی انجام دهیم. اگر ۱۰۰۰ دلار را از دست بدهید بازده خود را محاسبه کنید.

اگر آن را به همان روشی که ما محاسبه کردیم محاسبه کرده‌اید، که روش صحیح نامیده می‌شود، باید به بازده ۱٪- با استفاده از ضریب اهرمی ۱:۱ و WTF رسیده باشید! بازده ۱۰۰٪- با استفاده از ضریب اهرمی ۱۰۰:۱.

احتمالا این حرف کلیشه‌ای خوب را شنیده‌اید که «ضریب اهرمی شمشیر دو لبه است» یا «ضریب اهرمی خیابان دو طرفه است». همانطور که می‌بینید، این کلیشه دروغ نیست.

ودیه چیست؟

«ودیه» چیست؟ سوال عالی.

بیایید دوباره به مثال قبل برگردیم:

به عنوان مثال، در فارکس برای کنترل موقعیت ۱۰۰،۰۰۰ دلاری، کارگزار شما ۱،۰۰۰ دلار از حسابتان را کنار خواهد گذاشت. ضریب اهرمی که به صورت نسبت بیان می‌شود، در حال حاضر ۱۰۰:۱ است. اکنون دارید ۱۰۰،۰۰۰ دلار را با ۱،۰۰۰ دلار کنترل می‌کنید.

سپرده ۱۰۰۰ دلار «ودیه‌ای» است که باید به منظور استفاده از ضریب اهرمی پردازید.

ودیه مقدار پول مورد نیاز به عنوان «سپرده حسن نیت» برای باز کردن موقعیت با کارگزارتان است. این مبلغ توسط کارگزار برای حفظ موقعیتتان استفاده می‌شود. کارگزار در واقع سپرده ودیه شما را می‌گیرد و آن را با ودیه‌های سپرده دیگران روی هم می‌گذارد و از این «سوپر سپرده ودیه» استفاده می‌کند تا بتواند معاملات را در شبکه بین بانکی قرار دهد.

ودیه معمولا به صورت درصدی از کل مقدار موقعیت بیان می‌شود. برای مثال، بسیاری از کارگزاران فارکس می‌گویند که نیاز به ودیه ۲٪، ۱٪، ۰.۵٪ و ۰.۲۵٪ دارند.

بر اساس ودیعه مورد نیاز کارگزاران، می‌توانید حداکثر ضریب اهرمی را که می‌توانید در حساب تجاری خوب بکار ببرید محاسبه کنید.



اگر کارگزار نیاز به ودیعه ۲٪ دارد، ضریب اهرمی ۵۰:۱ دارید. دیگر ضرایب اهرمی رایج که اکثر کارگزاران ارائه می‌دهند به صورت زیر است:

ودیعه مورد نیاز	حداکثر ضریب اهرمی
5.00%	20:1
3.00%	33:1
2.00%	50:1
1.00%	100:1
0.50%	200:1
0.25%	400:1

اگر می‌خواهید مقدار ضریب اهرمی که کارگزاران مختلف ارائه می‌دهند مقایسه کنید، حتما راهنمای کارگزاران فارکس ما را مطالعه کنید!

گذشته از «ودیعه مورد نیاز»، احتمالاً سایر اصطلاحات «ودیعه» را نیز در نرم افزار تجاری خود خواهید دید. سردرگمی زیادی در مورد معنی این «ودیعه‌های» مختلف وجود دارد بنابراین سعی می‌کنیم هر اصطلاح را تعریف کنیم:

ودیعه مورد نیاز: این یکی آسان است، زیرا همین الان در مورد آن صحبت کردیم. این مقدار پولی است که کارگزاران از شما برای باز کردن موقعیت طلب می‌کند. این رقم به صورت درصد بیان می‌شود.

ودیعه حساب: این فقط معادل دیگری برای سرمایه بانک معامله شما است. کل مقدار پولی است که در حساب تجاری‌تان دارید.

ودیعه مورد استفاده: مقدار پولی که کارگزاران «قفل کرده» تا موقعیت فعلی‌تان را باز نگهدارد. در حالی که این پول هنوز هم مال شماست، نمی‌توانید به آن دست بزنید تا زمانی که کارگزاران آن را به شما بدهد یا وقتی موقعیت‌های فعلی خود را ببندید یا زمانی که تماس و دیعه را دریافت کنید.

ودیعه قابل استفاده: مقدار پول در حساب‌تان است که برای باز کردن موقعیت‌های جدید در دسترس است.

تماس ودیعه: زمانی این تماس را دریافت می‌کنید که مقدار پول در حساب‌تان نتواند ضرر احتمالی‌تان را پوشش دهد. این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که سرمایه شما کمتر از ودیعه مورد استفاده شود. اگر تماس ودیعه رخ دهد، برخی یا تمام موقعیت‌های باز توسط کارگزار در قیمت بازار بسته خواهند شد.

#### مثال ودیعه تماس

فرض کنید شما جاسوس انگلیس بازنشسته موفق هستید که اکنون وقت خود را صرف معامله ارزها می‌کند. یک حساب مینی باز کرده و ۱۰,۰۰۰ دلار واریز می‌کنید.

هنگامی که برای اولین بار وارد می‌شوید، ۱۰,۰۰۰ دلار در ستون Equity (سرمایه) از پنجره Account Information (اطلاعات حساب‌تان) خواهید دید.

#### ودیعه قابل استفاده

همچنین خواهید دید که «ودیعه مورد استفاده» ۰.۰۰ دلار است و «ودیعه قابل استفاده» ۱۰,۰۰۰ دلار است، همانطور که در تصویر زیر نشان داده می‌شود:

ودیعه قابل	ودیعه	سرمایه	موجودی
\$10,000.00	\$ 0.00	\$10,000.00	\$10,000.00

ودیعه قابل استفاده همیشه برابر خواهد بود با «سرمایه» منهای «ودیعه مورد استفاده».

ودیعه قابل استفاده = سرمایه - ودیعه مورد استفاده

بنابراین این سرمایه (Equity) است نه موجودی (Balance) که برای تعیین ودیعه قابل استفاده به کار می‌رود. سرمایه شما نیز تعیین خواهد کرد که تماس ودیعه برقرار می‌شود یا خیر.

تا زمانی که سرمایه شما بیش از ودیعه مورد استفاده است، تماس ودیعه ندارید. (سرمایه < ودیعه مورد استفاده) = بدون تماس ودیعه

به محض این که سرمایه شما برابر یا کمتر از ودیعه مورد استفاده شود، تماس ودیعه را دریافت خواهید کرد. (سرمایه > = ودیعه مورد استفاده) = تماس ودیعه، بازگشت به معامله آزمایشی

فرض کنیم نیاز ودیعه شما ۱٪ است. ۱ لات EUR/USD را خریداری می‌کنید.

سرمایه شما ۱۰,۰۰۰ دلار می‌ماند. ودیعه مورد استفاده در حال حاضر ۱۰۰ دلار است زیرا ودیعه مورد نیاز در حساب مینی ۱۰۰ دلار برای هر لات است. ودیعه قابل استفاده در حال حاضر ۹۹۰۰ دلار است.

موجودی	سرمایه	ودیعه	ودیعه قابل	Usable Margin
	\$10,000.00	\$10,000.00	\$100.00	\$9,900.00

اگر آن ۱ لات EUR/USD را (با فروش مجدد آن) با همان قیمتی که خریداری کرد به فروش برسانید، ودیعه مورد استفاده به ۰.۰۰ دلار و ودیعه قابل استفاده به ۱۰,۰۰۰ دلار برمی‌گردد. سرمایه شما در ۱۰۰۰۰ بدون تغییر باقی می‌ماند.

اما به جای بستن ۱ لات، شما (جاسوس بازنشسته) اعتماد به نفس زیادی به دست آوردید و ۷۹ لات دیگر از EUR/USD را با مجموع ۸۰ لات EUR/USD خریداری می‌کنید چون این طوری بهتر است.

هنوز همان سرمایه را دارید اما ودیعه مورد استفاده شما ۸۰۰۰ دلار خواهد بود (۸۰ لات با ۱۰۰ دلار ودیعه در هر لات). و ودیعه قابل استفاده در حال حاضر تنها ۲،۰۰۰ دلار است، همانطور که در زیر نشان داده شده است:

ودیعه قابل	ودیعه	سرمایه	موجودی
\$2,000.00	\$8,000.00	\$10,000.00	\$10,000.00

با استفاده از این موقعیت مخاطره آمیز، اگر EUR/USD افزایش یابد به شدت سود می‌کنید. اما این مثال با چنین داستانی به پایان نمی‌رسد.

اجازه دهید تصویر ناگواری از تماس ودیعه رسم کنیم که زمانی رخ می‌دهد که EUR/USD سقوط کند.

EUR/USD شروع به سقوط می‌کند. شما ۸۰ لات خریده‌اید، بنابراین خواهید دید که سرمایه شما همراه با آن سقوط می‌کند. ودیعه مورد استفاده در ۸۰۰۰ دلار باقی می‌ماند.

هنگامی که سرمایه شما به زیر ۸۰۰۰ دلار سقوط می‌کند، تماس ودیعه را خواهید داشت.

این بدان معنی است که برخی یا همه موقعیت ۸۰ لاتی شما بلافاصله در قیمت فعلی بازار بسته خواهد شد.

با فرض اینکه تمام ۸۰ لات را با یک قیمت خریده‌اید، اگر معامله ۲۵ پیپ بر علیه شما حرکت کند تماس ودیعه صورت خواهد گرفت.

۲۵ پیپ!

EUR/USD می‌تواند در خواب خود اینقدر حرکت کند!

چگونه به ۲۵ پیپ رسیدیم؟

خوب هر پیپ در یک مینی لات دارای ارزش ۱ دلار است و شما دارای موقعیت باز متشکل از ۸۰ مینی لات هستید. پس...

$$\$1/\text{pip} \times 80 \text{ lots} = \$80/\text{pip}$$

اگر EUR/USD ۱ پیپ بالا رود، سرمایه شما ۸۰ دلار افزایش می‌یابد.

اگر EUR/USD پایین ۱ پیپ پایین رود، سرمایه شما ۸۰ دلار کاهش می‌یابد.

ودیعه قابل استفاده ۲۰۰۰ دلار تقسیم بر ۸۰ دلار برای هر پیپ = ۲۵ پیپ

فرض کنید ۸۰ لات EUR/USD با ۱.۲۰۰۰ دلار خریداری کرده‌اید. اگر EUR/USD به دلار ۱.۱۹۷۵ برسد یا ۲۵- پیپ سقوط کند، حساب شما این شکلی می‌شود.

ودیعه قابل	ودیعه	سرمایه	موجودی
\$0.00	\$8,000.00	\$8,000.00	\$10,000.00

همانطور که می‌بینید، ودیعه قابل استفاده در حال حاضر در ۰.۰۰ دلار است و یک تماس ودیعه دریافت خواهید کرد!

البته، شما جاسوس بین المللی کهنه کار هستید و با فجایع بسیار بزرگتری مواجه شده‌اید.

کاملاً خونسردید و ضربان قلب‌تان هنوز هم ۵۵ ضربه در دقیقه است.

پس از تماس ودیعه، حساب شما این شکلی است:

ودیعه قابل	ودیعه	سرمایه	موجودی
\$8,000.00	\$0.00	\$8,000.00	\$8,000.00

EUR/USD ۲۵ پیپ یا کمتر از ۰.۲۲٪ حرکت می‌کند (  $(1.2000 - 1.1975) / 1.2000 \times 100\%$  ) و ۲۰۰۰ دلار ضرر می‌کنید!

۲۰ درصد از حساب تجاری خود را از دست می‌دهید!  $((\$2,000 \text{ loss} / \$10,000 \text{ balance})) \times 100\%$

در واقع، برای EUR/USD طبیعی است که در حین انتشار داده‌های اقتصادی در عرض دو ثانیه ۲۵ پیپ حرکت کند و قطعاً همین مقدار در طول یک روز تجاری.

آه، تقریباً فراموش کردیم... حتی کارمزد را در نظر نگرفتیم!

برای ساده کردن مثال، حتی کارمزد را در نظر نگرفتیم اما اکنون این مثال را فوق العاده واقع گرایانه می‌سازیم.

فرض کنید کارمزد برای EUR/USD ۳ پیپ است. این بدان معنی است که EUR/USD در واقع باید فقط ۲۲ پیپ حرکت کرده باشد، نه ۲۵ پیپ قبل از تماس ودیعه.

فکر کن ۲۰۰۰ دلار را در عرض ۵ ثانیه به باد بدی؟!

اگر مکانیزم ودیعه و نحوه استفاده از ضریب اهرمی را درک نکنید این اتفاق می‌تواند رخ دهد.

واقعیت غم انگیز این است که بیشتر معامله‌گران جدید حتی حساب مینی با ۱۰,۰۰۰ دلار باز نمی‌کنند.

از آنجا که حداقل ۱۰,۰۰۰ دلار داشتید، حداقل قادر به تحمل ۲۵ پیپ قبل از تماس ودیعه بودید.

اگر فقط با دلار ۹۰۰۰ آغاز می‌کردید تنها قادر به تحمل افت ۱۰ پیپ (با در نظر گرفتن کارمزد) قبل از دریافت تماس ودیعه بودید. ۱۰ پیپ!

**ودیعه + ضریب اهرمی = ترکیب مرگبار**

معامله ارزها در ودیعه اجازه می‌دهد قدرت خرید خود را افزایش دهید.

این بدان معنی است که اگر ۵۰۰۰ دلار پول نقد در حساب ودیعه داشته باشید که ضریب اهرمی ۱۰۰:۱ داشته باشید، می‌توانید تا ۵۰۰,۰۰۰ دلار ارز داد و ستد کنید زیرا فقط باید یک درصد از قیمت خرید را به عنوان وثیقه تحویل دهید.

به عبارت دیگر، قدرت خرید شما ۵۰۰،۰۰۰ دلار است.

با قدرت خرید بیشتر، می‌توانید بازده کل سرمایه گذاری خود را با پول نقد کمتر افزایش دهید. اما مراقب باشید، معامله با ودیعه هم سود و هم زیان شما را افزایش می‌دهد.

## مارجین کال



Margin called.

همه معامله‌گران از تماس ودیعه‌ی مخوف در هراسند. این تماس زمانی رخ می‌دهد که کارگزار به شما اطلاع دهد که موجودی ودیعه از حداقل سطح مورد نیاز کمتر شده است چون یک موقعیت باز بر علیه شما حرکت کرده است.

در حالی که معامله با ودیعه می‌تواند استراتژی سرمایه‌گذاری سودآوری باشد، مهم است که برای درک خطرات آن وقت بگذارید. اطمینان حاصل کنید که نحوه کار حساب ودیعه را به طور کامل درک می‌کنید، و حتماً توافقنامه ودیعه بین خود و کارگزارتان را بخوانید. اگر هر نکته مبهمی در مورد توافقنامه برای شما وجود دارد همیشه سوال پرسید.

اگر ودیعه موجود در حساب‌تان به کمتر از آستانه از پیش تعیین‌شده برسد موقعیت‌های شما می‌توانند به طور جزئی یا کلی نقد شوند. ممکن است قبل از نقد شدن موقعیت‌های‌تان تماس ودیعه را دریافت نکنید (هدیه تولد غیر منتظره).

در صورتی که پول در حساب شما به کمتر از ودیعه مورد نیاز (ودیعه قابل استفاده) برسد، کارگزارتان برخی یا تمام موقعیت‌های باز را خواهد بست. این می‌تواند به جلوگیری از سقوط حساب شما به تعادل منفی کمک کند، حتی در بازار بسیار حساس و در حال حرکت سریع.

با نظارت بر موجودی‌تان به طور بسیار منظم و با استفاده از دستورهای توقف زیان برای هر موقعیت باز به منظور محدود کردن خطر، به طور موثری می‌توانید از تماس ودیعه اجتناب کنید.

موضوع ودیعه موضوع حساسی است و برخی معتقدند که ودیعه بسیار بالا خطرناک است. این امر کلاً به فرد و میزان دانش و آموزش او بستگی دارد.

اگر می‌خواهید با حساب ودیعه معامله کنید، حیاتی است بدانید که خط‌مشی‌های کارگزاری‌تان درباره حساب‌های ودیعه چیست و اینکه ریسک‌های دخیل را درک می‌کنید و با آن راحت هستید.

همچنین باید بدانید که اکثر کارگزاران ودیعه بالاتری را در تعطیلات آخر هفته طلب می‌کنند. این ممکن است به صورت ودیعه ۱٪ در طول هفته باشد و اگر قصد دارید موقعیت را در آخر هفته هم حفظ کنید ممکن است به ۲٪ یا بالاتر افزایش یابد.

## اثرات منفی ضریب اهرمی



تصویر بالا هشدار در مورد اثرات منفی مربوط به استفاده بیش از حد از ضریب اهرمی و تمام شدن ودیعه است.

امیدواریم کارمان را انجام داده باشیم و اکنون درک بهتری از «ودیعه» داشته باشید. حالا می‌خواهیم نگاه دقیق‌تری به «ضریب اهرمی» بیندازیم و نشان دهیم که ودیعه چگونه معامله‌گران از همه جا بی‌خبر و یا بیش از حد متعصب را محو می‌کند.

همه ما تبلیغات آنلاین کارگزاران فارکس را دیده یا شنیده‌ایم که ضریب اهرمی ۱:۲۰۰ یا ۱:۴۰۰ را ارائه می‌کنند. باید بدانید کارگزاران در واقع در مورد حداکثر ضریب اهرمی که می‌توانید با آن معامله کنید صحبت می‌کنند. به یاد داشته باشید که این نسبت ضریب اهرمی بستگی به ودیعه مورد نیاز کارگزار دارد. برای مثال، اگر ودیعه ۱٪ مورد نیاز است، ضریب اهرمی ۱:۱۰۰ است.

حداکثر ضریب اهرمی وجود دارد. و پس از آن ضریب اهرمی واقعی شما وجود دارد.

ضریب اهرمی واقعی عبارتست از مقدار کامل موقعیت شما تقسیم بر مقدار پول موجود در حساب تجاری‌تان.

ها؟

به این مثال توجه کنید:

موجودی ۱۰,۰۰۰ دلار در حساب تجاری‌تان دارید. ۱ لات استاندارد 100K از EUR/USD با نرخ دلار ۱,۰۰۰۰ خریداری می‌کنید. ارزش کامل موقعیت شما ۱۰۰,۰۰۰ دلار و موجودی ۱۰,۰۰۰ دلار است. ضریب اهرمی واقعی ۱:۱۰ است ( \$100,000 / \$10,000 ).

فرض کنید یک لات استاندارد دیگر EUR/USD را با همان قیمت خریداری می‌کنید. مقدار کامل موقعیت شما اکنون ۲۰۰,۰۰۰ دلار است، اما موجودی حساب هنوز ۱۰,۰۰۰ دلار است. ضریب اهرمی واقعی در حال حاضر ۱:۲۰ است ( \$200,000 / \$10,000 ).

احساس خوبی دارید بنابراین سه لات استاندارد EUR/USD را دوباره با همان نرخ خریداری می‌کنید. مبلغ کل موقعیت شما در حال حاضر ۵۰۰,۰۰۰ دلار و موجودی حساب‌تان هنوز ۱۰,۰۰۰ دلار است. ضریب اهرمی واقعی در حال حاضر ۱:۵۰ است ( \$500,000 / \$10,000 ).



فرض کنید کارگزار ودیعه ۱٪ را طلب می‌کند. اگر محاسبات ریاضی را انجام دهید، موجودی حساب و سرمایه شما هر دو ۱۰,۰۰۰ دلارند، ودیعه مورد استفاده ۵,۰۰۰ دلار و ودیعه قابل استفاده ۵,۰۰۰ دلار است. برای یک لات استاندارد، هر پیپ به ارزش ۱۰ دلار است.

ودیعه قابل	ودیعه	سرمایه	موجودی
\$5,000.00	\$5,000.00	\$10,000.00	\$10,000.00

به منظور دریافت تماس و دیعه، قیمت باید ۱۰۰ پیپ حرکت کند (۵,۰۰۰ دلار ودیعه قابل استفاده تقسیم بر ۵۰ دلار برای هر پیپ).

این بدان معنی است که قیمت EUR/USD باید از ۱.۰۰۰۰ به ۰.۹۹۰۰ حرکت کند - تغییر قیمت ۱٪.

پس از تماس و دیعه، موجودی می‌شود ۵,۰۰۰ دلار. ۵۰۰۰ دلار یا ۵۰٪ ضرر کردید و قیمت فقط ۱٪ حرکت کرد.

حالا اجازه دهید وانمود کنیم که از باجه مخصوص خرید برای ماشین مک دونالد قهوه سفارش داده‌اید، سپس در حین رانندگی قهوه روی لپ‌تاپ‌تان ریخته، و سپس اقدام به شکایت و برنده شدن در برابر مک دونالد کرده‌اید زیرا پاهای‌تان سوخته‌اند و نمی‌دانستید که قهوه داغ بوده است. برای خلاصه کردن این داستان بلند، به جای ۱۰,۰۰۰ دلار، ۱۰۰,۰۰۰ دلار به حساب خود واریز می‌کنید.

فقط ۱ لات استاندارد EUR/USD می‌خرید - با نرخ ۱.۰۰۰۰. کل مبلغ موقعیت شما ۱۰۰,۰۰۰ دلار و موجودی‌تان ۱۰۰,۰۰۰ دلار است. ضریب اهرمی واقعی ۱:۱ است.

حساب تجاری شما اکنون این شکلی است:

ودیعه قابل	ودیعه	سرمایه	موجودی
\$99,000.00	\$1,000.00	\$100,000.00	\$100,000.00

در این مثال، به منظور دریافت تماس و دیعه، قیمت باید به ۹,۹۰۰ پیپ حرکت کند (۹۹,۰۰۰ دلار ودیعه قابل استفاده تقسیم بر ۱۰ دلار برای هر پیپ).

این بدان معنی است که قیمت EUR/USD باید از ۱.۰۰۰۰ به ۰.۰۱۰۰ حرکت کند! این تغییر قیمت از ۹۹٪ یا اساساً ۱۰۰٪ است!

فرض کنید ۱۹ لات استاندارد را دوباره با همان نرخ اولین معامله می‌خرید. کل مبلغ موقعیت شما ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ دلار و موجودی حساب ۱۰۰,۰۰۰ دلار است. ضریب اهرمی واقعی ۲۰:۱ است.

ودیعه قابل	ودیعه	سرمایه	موجودی
\$80,000.00	\$20,000.00	\$100,000.00	\$100,000.00

برای دریافت «ودیعه تماس»، قیمت باید به ۴۰۰ پیپ حرکت کند (۸۰,۰۰۰ دلار ودیعه قابل استفاده تقسیم بر ۱۰ دلار برای هر پیپ).

این بدان معناست که قیمت EUR/USD باید از ۱.۰۰۰۰ دلار به ۰.۹۶۰۰ دلار حرکت کند - تغییر قیمت ۴ درصدی.

اگر تماس ودیعه را دریافت کنید و معامله شما از قیمت تماس ودیعه خارج شود، حساب‌تان این شکلی است:

ودیعه قابل	ودیعه	سرمایه	موجودی
\$0.00	\$0.00	\$20,000.00	\$20,000.00

۸۰.۰۰۰ دلار ضرر کردید! ۸۰ درصد از حساب شما محو شد و قیمت فقط ۴٪ جابجا شد!

اکنون اثرات ضریب اهرمی را می‌بینید؟!

ضریب اهرمی موجب تقویت حرکت قیمت‌های نسبی جفت ارز توسط ضریب اهرمی در حساب شما می‌شود.

از ضریب اهرمی بیشتر بدانید



میزان تغییرات موجودی حساب شما اگر قیمت بر اساس ضریب اهرمی شما حرکت کند چنین است.

ضریب اهرمی	درصد تغییر در جفت ارز	درصد تغییر در حساب
100:1	1%	100%
50:1	1%	50%
33:1	1%	33%
20:1	1%	20%
10:1	1%	10%
5:1	1%	5%
3:1	1%	3%
1:1	1%	1%

فرض کنید USD/JPY خریداری کردید و ارزش آن با ۱٪ افزایش از ۱۲۰.۰۰۰ به ۱۲۱.۲۰ رسید. اگر یک لات استاندارد 100K

دلار را معامله کنید، ضریب اهرمی به صورت زیر موجب تغییر بازده شما می‌شود:

ضریب اهرمی	ودیعه مورد نیاز	درصد تغییر در حساب
100:1	\$1,000	+100%
50:1	\$2,000	+50%
33:1	\$3,000	+33%
20:1	\$5,000	+20%
10:1	\$10,000	+10%
5:1	\$20,000	+5%
3:1	\$33,000	+3%
1:1	\$100,000	+1%

فرض کنید USD/JPY خریداری کردید و ارزش آن با ۱٪ کاهش از ۱۲۰.۰۰ به ۱۱۸.۸۰ رسید. اگر یک لات استاندارد 100K دلار را معامله کنید، ضریب اهرمی به صورت زیر موجب تغییر بازده (زیان) شما می‌شود:

ضریب اهرمی	ودیعه مورد نیاز	درصد تغییر در حساب
100:1	\$1,000	-100%
50:1	\$2,000	-50%
33:1	\$3,000	-33%
20:1	\$5,000	-20%
10:1	\$10,000	-10%
5:1	\$20,000	-5%
3:1	\$33,000	-3%
1:1	\$100,000	-1%

هر چه از ضریب اهرمی بالاتری استفاده کنید، «فضای تنفس» کمتری برای حرکت بازار قبل از تماس و دیعه دارید.

احتمالا با خود فکر می‌کنید که «من معامله‌گر روزانه هستم، به فضای تنفس نیاز ندارم. فقط از توقف زیان ۲۰-۳۰ پیپ استفاده می‌کنم.»

خوب، اجازه دهید نگاهی بیندازیم:

مثال شماره ۱

حساب مینی با دلار ۵۰۰ باز می‌کنید که مینی لات‌های 10K دلاری را معامله می‌کند و تنها نیاز به ۰.۵٪ و دیعه دارد.

۲ مینی لات EUR/USD را خریداری می‌کنید. ضریب اهرمی واقعی ۴۰:۱ (\$500 / \$20,000) است. توقف زیان ۳۰ پیپی را تعیین می‌کنید و فعال می‌شود. زیان شما ۶۰ دلار است (۱ دلار برای هر پیپ ضربدر ۲ لات).

همین الان ۱۲ درصد از حساب خود را از دست دادید (۶۰ دلار ضرر تقسیم بر حساب ۵۰۰ دلاری). موجودی حساب شما در حال حاضر ۴۴۰ دلار است.

فکر می‌کنید امروز روز بدی است. روز بعد، احساس خوبی دارید و می‌خواهید زیان‌های دیروز را جبران کنید، بنابراین تصمیم به دو برابر کردن آن می‌گیرید و ۴ مینی لات EUR/USD را خریداری می‌کنید. ضریب اهرمی واقعی ۹۰:۱ است (\$440 / \$40,000). توقف زیان معمول ۳۰ پیپ را تنظیم می‌کنید و معامله شما ضرر می‌دهد. زیان شما ۱۲۰ دلار است (۱ دلار برای هر پیپ ضربدر ۴ لات).

همین الان ۲۷ درصد از حساب خود را از دست دادید (۱۲۰ دلار ضرر تقسیم بر حساب ۵۰۰ دلاری). موجودی حساب شما در حال حاضر ۳۲۰ دلار است.

فکر می‌کنید ورق برمی‌گردد و باز هم معامله می‌کنید. ۲ مینی لات EUR/USD را خریداری می‌کنید. ضریب اهرمی واقعی ۶۳:۱ است. توقف زیان معمول ۳۰ پیپ را تنظیم می‌کنید و باز هم ضرر می‌کنید. زیان شما ۶۰ دلار است (۱ دلار برای هر پیپ ضربدر ۲ لات).

همین الان ۱۹ درصد از حساب خود را از دست دادید (۶۰ دلار ضرر تقسیم بر حساب ۵۰۰ دلاری). موجودی حساب شما در حال حاضر ۲۶۰ دلار است.

داغون شدید. سعی می‌کنید بفهمید چه کار اشتباهی انجام داده‌اید. فکر می‌کنید توقف زیان را خیلی بالا در نظر گرفته‌اید.

روز بعد ۳ مینی لات EUR/USD خریداری می‌کنید. ضریب اهرمی واقعی شما ۱:۱۵ است ( $\$260 / \$30,000$ ).

توقف زیان خود را به ۵۰ پیپ تغییر می‌دهید. معامله شروع به حرکت بر علیه شما می‌کند و به نظر می‌رسد باز هم متوقف می‌شوید!

اما آنچه بعداً اتفاق می‌افتد حتی بدتر است! تماس و دیعه دریافت می‌کنید!

از آنجا که ۳ لات با حساب ۲۶۰ دلاری باز کرده‌اید، و دیعه مورد استفاده شما ۱۵۰ دلار بود بنابراین و دیعه قابل استفاده ۱۱۰ دلار بود. معامله ۳۷ پیپ بر علیه شما پیش رفت و از آنجا که ۳ لات باز داشتید، تماس و دیعه دریافت می‌کنید. موقعیت شما با قیمت بازار نقد شده است.

تنها پولی که در حساب‌تان باقی مانده است ۱۵۰ دلار است، یعنی و دیعه مورد استفاده‌ای که پس از تماس و دیعه به شما بازگردانده شد.

پس از چهار معامله کامل، حساب تجاری‌تان از ۵۰۰ دلار به ۱۵۰ دلار رسیده است. ۷۰٪ ضرر! طولی نخواهد کشید که بقیه را هم از دست دهید.

شماره معامله	موجودی حساب اولیه	تعداد لات‌های مورد استفاده	توقف زیان (پیپ)	نتیجه معامله	موجودی حساب نهایی
1	\$500	2	30	-\$60	\$440
2	\$440	4	30	-\$120	\$320
3	\$320	2	30	-\$60	\$260
				تماس	
4	\$260	3	50	ودیه	\$150

رشته زیان چهار معامله‌ای غیر معمول نیست. معامله‌گران باتجربه دارای رشته زیان‌های مشابه یا حتی بلندترند. دلیل موفقیت آنها استفاده از ضریب اهرمی پایین است. اکثریت آنها ضریب اهرمی خود را در ۱:۵ تعیین می‌کنند اما به ندرت اینقدر بالا می‌روند و در حدود ۱:۳ می‌مانند.

دیگر دلیل موفقیت معامله‌گران باتجربه این است حساب‌شان دارای سرمایه مناسبی است! در حالی که یادگیری تحلیل تکنیکال، تحلیل بنیادی، تحلیل احساسات، ایجاد سیستم و روانشناسی معاملات مهمند، معتقدیم که بزرگترین عامل برای موفقیت به عنوان معامله‌گر فارکس اطمینان از سرمایه‌گذاری کافی در حساب و معامله کردن آن سرمایه با ضریب هوشمند اهرمی است.

شانس موفقیت شما کمتر از حداقل سرمایه به شدت کاهش می‌یابد. کاهش اثرات ضریب اهرمی برای حساب بیش از حد کوچک غیر ممکن است.

ضریب اهرمی پایین با سرمایه مناسب به شما اجازه می‌دهد تا زیان‌های بسیار کوچک را جبران کنید که نه تنها اجازه می‌دهد که شب بخوابید و روز دیگر نیز معامله کنید.

مثال شماره ۲

بیل حساب ۵,۰۰۰ دلاری با لات‌های ۱۰۰,۰۰۰ دلاری باز می‌کند. با ضریب اهرمی ۱:۲۰۰ معامله می‌کند. جفت ارزهایی که به طور معمول معامله می‌کند از ۷۰-۲۰۰ پیپ به صورت روزانه تغییر می‌کند. به منظور حفاظت از خود، از توقف ۳۰ پیپ استفاده می‌کند. اگر قیمت‌ها ۳۰ پیپ بر علیه او حرکت کند، با زیان ۳۰,۰۰۰ دلار متوقف می‌شود. بیل احساس می‌کند که ۳۰ پیپ معقول است اما نوسان بازار را دست کم می‌گیرد و به دفعات متوقف می‌شود.

پس از چهار بار متوقف شدن، بیل کلافه می‌شود. تصمیم می‌گیرد فضای کمی بیشتری به خود بدهد، نوسانات را مدیریت کند و توقف خود را به ۱۰۰ پیپ افزایش می‌دهد.

ضریب اهرمی بیل دیگر ۱:۲۰ نیست. حساب او به ۳۸۰۰ دلار کاهش یافته (به خاطر چهار زیان ۳۰۰ دلاری) و هنوز هم در حال معامله یک لات ۱۰۰,۰۰۰ دلاری است. ضریب اهرمی او در حال حاضر ۱:۲۶ است.

تصمیم می‌گیرد توقف را ۵۰ پیپ تعیین کند. معامله دیگری را با استفاده از دو لات باز می‌کند و دو ساعت بعد به توقف ۵۰ پیپ می‌رسد و ۱۰۰۰ دلار ضرر می‌کند. در حال حاضر ۲۸۰۰ دلار در حسابش دارد. ضریب اهرمی او ۱:۳۵ است.

باز هم با دو لات امتحان می‌کند. این بار بازار ۱۰ پیپ بالا می‌رود. با سود ۲۰۰ دلار نقد می‌کند. حسابش کمی رشد می‌کند تا ۳,۰۰۰ دلار.

موقعیت دیگری با دو لات باز می‌کند. بازار ۵۰ امتیاز افت می‌کند و او خارج می‌شود. در حال حاضر ۲۰۰۰ دلار دارد.

او با خود فکر می‌کند «چه مصیبتی» و موقعیت دیگری را باز می‌کند. بازار ۱۰۰ پیپ دیگر افت می‌کند و چون ۱,۰۰۰ دلار را به عنوان سپرده ودیعه قفل کرده است، تنها ۱,۰۰۰ دلار ودیعه دارد، بنابراین تماس ودیعه را دریافت می‌کند و موقعیت او فوراً نقد می‌شود.

در حال حاضر ۱۰۰۰ دلار دارد که حتی برای باز کردن یک موقعیت جدید کافی نیست.

۴۰۰۰ دلار یا ۸۰ درصد از حساب خود را با مجموع ۸ معامله از دست داده است و بازار تنها ۲۸۰ پیپ نقل مکان کرده است. ۲۸۰ پیپ! بازار خیلی راحت ۲۸۰ پیپ حرکت می‌کند.

آیا کم کم متوجه می‌شوید که چرا ضریب اهرمی قاتل از معامله‌گران فارکس است؟

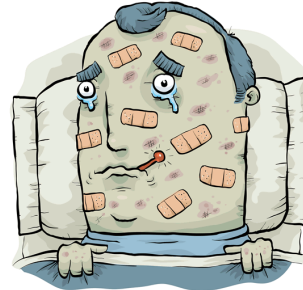
## تأثیر ضریب اهرمی بر هزینه‌های معاملاتی

ضریب اهرمی علاوه بر تقویت زیان، می‌تواند شما را نابود کند. این یک نوع مرگ بسیار آهسته‌تر است مانند مرگ به وسیله هزار برش.

بیشتر معامله‌گران آن را نمی‌بینند و زمانی متوجه آن می‌شوند که مرده‌اند.

قاتلی که درباره آن صحبت می‌کنم هزینه تراکنش مربوط به استفاده از ضریب اهرمی بالا است.

ضریب اهرمی نه تنها زیان شما را افزایش می‌دهد، بلکه هزینه‌های تراکنش شما را به صورت درصدی از حساب‌تان نیز افزایش می‌دهد.



These transaction costs are killing me.

فرض کنید حساب مینی با ۵۰۰ دلار باز می‌کنید. پنج مینی لات 10K دلاری GBP/USD می‌خرید که کارمزد ۵ پیپ دارد. ضریب اهرمی واقعی شما ۱۰۰:۱ است (۵۰,۰۰۰ دلار کل مینی لات تقسیم بر حساب ۵۰۰ دلاری).

اما این را بررسی کنید.... ۲۵ دلار برای هزینه تراکنش پرداخت کردید (۱ دلار برای هر پیپ ضربدر کارمزد ۵ پیپی).

که ۵٪ از حساب شما است!

با یک معامله، و بازار اصلاً حرکت نکرده است، در حال حاضر زیر ۵٪ هستید! اگر معاملات شما ضرر کنند، موجودی حساب‌تان آب می‌رود.

با آب رفتن موجودی حساب‌تان، ضریب اهرمی‌تان افزایش می‌یابد. با افزایش ضریب اهرمی‌تان، هزینه‌های تراکنش شما پول کم باقیمانده را سریع‌تر می‌بلعد.

دارم در مورد این قاتل خاموش صحبت می‌کنم.

هر چه ضریب اهرمی‌تان بالاتر باشد، هزینه تراکنش درصدی بالاتر از سرمایه تجاری‌تان خواهد بود.

به همین دلیل است هزینه تراکنش یکی از شش عامل مهم در هنگام انتخاب کارگزار است.

اگر حساب مینی دارید و معامله‌ای با کارمزد ۵ پیپ باز کنید که برابر با هزینه تراکنش ۵ دلار است، بررسی کنید که ارزش نسبی چگونه با ضریب اهرمی افزایش می‌یابد.

ضریب اهرمی	ودیعه مورد نیاز	هزینه به صورت درصدی از ودیعه مورد نیاز
200:1	\$50	10.00%
100:1	\$100	5.00%
50:1	\$200	2.50%
33:1	\$330	1.50%
20:1	\$500	1.00%
10:1	\$1,000	0.50%
5:1	\$2,000	0.25%
3:1	\$3,300	0.10%
1:1	\$10,000	0.05%

اکنون یاد گرفته‌اید ضریب اهرمی چگونه می‌تواند سود و زیان شما و نیز هزینه‌های تراکنش شما را افزایش دهد.

ضریب اهرمی برابر با ودیعه نیست.

ضریب اهرمی عبارتست از تعداد اهرم کردن کل حساب‌تان.

حداکثر مقداری که مجاز به اهرم کردن آن هستید بستگی به نیاز ودیعه‌تان دارد.

### ضریب اهرمی را دست کم نگیرید

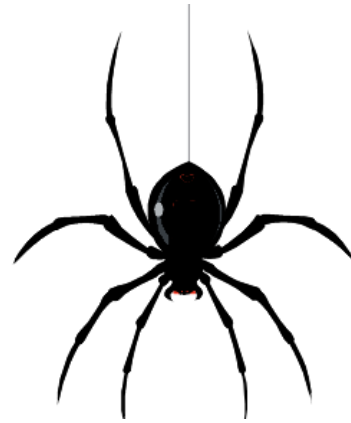


بسیاری از تازه کارها آسیب بالقوه ویرانگر ضریب اهرمی که می‌تواند حساب‌شان را نابود کند دست کم می‌گیرند. درک کافی

ضریب اهرمی برای کسب دانش از زمان استفاده از آن و زمان استفاده نکردن از آن برای موفقیت شما حیاتی است!

ضریب اهرمی ابزار بسیار قدرتمندی است اما هر دو معامله‌گران قدیم و جدید از آن استفاده می‌کنند تا سرمایه تجاری خود را از بین ببرند تنها به این دلیل که نیروی مخرب آن را بیش از حد کوچک یا صفر تلقی می‌کنند. این جای تأسف است، اما هر چه تعداد آنها بیشتر باشد، پول درآوردن برای ما معامله‌گران هوشمند آسان‌تر است. غم انگیز ولی واقعی.

همیشه این کلمات را از یک ابر قهرمان معروف در ذهن نگه دارید: با قدرت بزرگ مسئولیت بزرگ می‌آید. یا چیزی با آن اثر. بی‌خیال می‌دانیم این فیلم را دیده‌اید. به سرنخ زیر توجه کنید:



(منظور فیلم مرد عنکبوتی است).

به هر حال، ضریب اهرمی بالا نقطه فروش مورد علاقه برای اکثر کارگزاران فارکس است. بله می‌دانند که می‌توانید سود بزرگی را با استفاده از ضریب اهرمی بزرگ به دست آورید، اما این را هم می‌دانند که با ضریب اهرمی بزرگ به راحتی می‌توانید کلی ضرر کنید.

کارگزاران می‌خواهند که شما با طرز فکر کوتاه مدت معامله کنید. می‌خواهند هر چه بیشتر معامله کنید. این تنها راه برای پول‌سازی آنها است. یک یا دو پیپ برای آنها مهم است. هر چه بیشتر معامله کنید کارمزد بیشتری می‌گیرند. به نفع آنها نیست که به شما بگویند اجازه دهید معاملاتتان بیشتر از یک روز طول بکشد.

اگر می‌خواهید بهترین شانس موفقیت را به خودتان بدهید، ابتدا نحوه معامله سودآور بدون ضریب اهرمی را یاد بگیرید. آن را بی‌خطر بازی کنید. از سرمایه خود محافظت کنید.

هنگامی که به طور مداوم پیپ برنده شما بیشتر از پیپ بازنده شماست، و تنها در این صورت، باید از این سلاح کشتار جمعی به نام ضریب اهرمی استفاده کنید.

معامله‌گران (یا کارگزار خود را) که طرف مقابل معامله شما را می‌گیرند نابود کنید. خودتان را از بین نبرید.

معامله در بازار فارکس باید یک شغل یا کسب و کار در نظر گرفته شود. فکر نکنید که فقط به خاطر اینکه کارگزاران به شما اجازه استفاده از ضریب اهرمی بالا با حداقل سپرده کم را می‌دهند پس می‌توانید «سریع پولدار شوید». به بازار ارز با احترام نزدیک شوید.

انتظارات واقع بینانه داشته باشید و تمایل به آموزش دادن مناسب به خودتان باشید.

اگر اینکار را نکنید، خواهد مرد.

خوب، نه واقعا، اما حساب‌تان خواهد مرد.



## اهمیت انتخاب حجم صحیح معاملاتی

عجالتاً، درس دشوار داد و ستد بسیار بزرگ را فرا گرفتیم. حال، بیایید به نحوه استفاده صحیح از لورج (Lerage) با استفاده از «اندازه بندی درست پوزیشن» بپردازیم.

اندازه بندی پوزیشن تعیین تعداد صحیح واحدهای خرید یا فروش جفت ارزی است. این کار یکی از مهمترین مهارت ها در مجموعه مهارت های معامله گر می باشد.



در واقع، ما کار را آغاز خواهیم کرد و خواهیم گفت که این کار مهمترین مهارت است.

معامله گران قبل از هر چیز «مدیران ریسک» هستند. بنابراین، قبل از این که با پول واقعی داد و ستد کنید، باید قادر به انجام محاسبات پایه اندازه پوزیشن در خواب باشید... یا دست کم بعد از این که از خواب بیدار شدید و هنوز تلو تلو می خورید، این کار را انجام دهید و تلاش کنید تا با گزارش حقوق غیر کشاورزی (NFP) داد و ستد کنید!

یافتن اندازه پوزیشنی که شما را در سطح عاری از ریسک حفظ خواهد کرد، نسبتاً آسان است... و ما از عبارت «نسبتاً ساده» به صورت آزاد استفاده می کنیم. علاوه بر آن، اگر Pipcrawler که نمی تواند انگشتان کوچک خود را از روی پنجه اش بگوید، بتواند این کار را انجام دهد، شما هم می توانید این کار را انجام دهید!

با توجه به جفت ارزی مورد معامله شما و واحد پول حساب تان (آیا واحد پول حساب شما دلار، یورو، پوند و غیره است). یک یا دو گام باید به محاسبه اضافه شود. حال، قبل از این که ما بتوانیم محاسبه ریاضی خود را انجام دهیم، به پنج مورد اطلاعات نیاز داریم:

۱. ارزش ویژه یا تنه حساب
۲. جفت ارزی مورد معامله شما
۳. چه درصدی از حساب تان را می خواهید ریسک کنید.
۴. توقف ضرر بر حسب پیپ
۵. نرخ تبدیل مبادله جفت ارز

به اندازه کافی آسان است، درست است؟ بیایید چند مثال را مطرح کنیم.

### محاسبه حجم معاملاتی

به منظور ساده تر کردن کارها با هدف درک و فهم آنها، طبق معمول ما هر کاری را با مثال توضیح خواهیم داد.



او، ند تازه کار است.

مدت ها پیش و زمانی که او در مقایسه با زمان حال حتی از یک فرد مبتدی تازه کار تر بود، حساب خود را از بین برد زیرا او تعدادی معاملات بزرگ را انجام داده بود.

او مانند تفنگی بود که گویا از ناحیه میدوست (Midwest) به سمت یک گاوچران شلیک می کرد. او بدون فکر و بی درنگ معامله بزرگی را انجام داده بود. ند (Ned) اهمیت اندازه بندی پوزیشن را درک نکرده بود و این عدم آشنایی برای حساب او گران تمام شد.

او مجدداً در مدرسه Pipsology ثبت نام کرد تا اطمینان حاصل کند که این بار موضوع اندازه بندی را کاملاً یاد گرفته است و این که بلایی که بر سرش آمده است، هرگز برای شما اتفاق نمی افتد.

در مثال های بعدی، ما نحوه محاسبه اندازه پوزیشن شما را براساس اندازه حسابتان و سطح عاری ریسک به شما نشان خواهیم داد.

اندازه پوزیشن شما همچنین به این بستگی خواهد داشت که آیا واحد پول حساب شما ارز پایه یا ارز مظنه است یا خیر.

ارز مظنه به عنوان واحد پول حساب

ند تازه کار فقط ۵۰۰۰ دلار آمریکا در حساب معامله خود پس انداز کرده است. او اکنون برای انجام معامله بار دیگر آماده است. فرض کنید که او در حال حاضر از سیستم معامله در دامنه (swing trading) استفاده کند که با جفت ارزی EUR/USD داد و ستد می کند و حدود ۲۰۰ پیپ در هر معامله ریسک کند.

از زمانی که او اولین حساب خود را از دست داده است، سوگند خورده است که دیگر نمی خواهد در هر معامله بیش از ۱٪ حساب خود ریسک کند. بیایید حساب کنیم که اندازه پوزیشن او چقدر باید باشد تا او در ناحیه عاری از ریسک بماند.

با استفاده از مانده حساب او و درصد ریسک مورد نظرش، ما می توانیم مقدار دلار در معرض ریسک را محاسبه کنیم.

$$\text{USD } 5,000 \times 1\% \text{ (or } 0.01) = \text{USD } 50$$

سپس، مبلغ ریسک شده را بر مقدار نقطه توقف ضرر تقسیم می کنیم تا ارزش هر پیپ را پیدا کنیم.

$$(USD 50)/(200 \text{ pips}) = USD 0.25/\text{pip}$$

در نهایت، مقدار ارزش هر پیپ را در نسبت ارزشی معلوم واحد بر پیپ مربوط به جفت EUR/USD ضرب می کنیم. در این مورد به ازای 10 k واحد (با یک مینی لات)، هر نوسان پیپ به ارزش 1 دلار امریکاست.

$$USD 0.25 \text{ per pip} * [(10k \text{ units of EUR/USD})/(USD 1 \text{ per pip})] = 2,500 \text{ units of EUR/USD}$$

بنابراین، ند تازه کار با توجه به تنظیمات کنونی حساب باید حداکثر ۲۵۰۰ واحد EUR/USD به حساب خود اضافه کند تا در ناحیه عاری از ریسک باقی بماند.

بسیار ساده است، نه؟ اما اگر واحد حساب شما ارز پایه باشد، چه اتفاقی می افتد؟

ارز پایه به عنوان واحد پول حساب

فرض کنید که ند تازه کار در حال حاضر در ناحیه یورو در شرایط عاری از ریسک به سر ببرد، تصمیم بگیرد تا با یک کارگزار محلی در فارکس داد و ستد کند و ۵۰۰۰ یورو در حساب خود قرار دهد.

با استفاده از مثال معامله قبل (معامله EUR/USD با نقطه توقف ۲۰۰ پیپی) در صورتی که فقط ۱٪ حساب خود ریسک کرده باشد، اندازه پوزیشن او چیست؟

$$EUR 5,000 * 1\% \text{ (or } 0.01) = EUR 50$$

اکنون ما باید این مقدار را به دلار تبدیل کنیم زیرا ارزش جفت ارزی به وسیله ارز مظنه محاسبه می شود. فرض کنید که نرخ مبادله ارز به ازای ۱ یورو ۱.۵ دلار باشد؛ به عبارت دیگر، (EUR/USD=1.5000).

تنها کاری که ما باید انجام دهیم تا ارزش را بر حسب دلار آمریکا پیدا کنیم، معکوس کردن نرخ مبادله جاری برای EUR/USD و ضرب کردن آن در مقدار یورویی است که ما می خواهیم ریسک کنیم.

$$USD 75.00 \text{ تقریباً} (USD 1.5000/EUR 1.0000) * EUR 50 =$$

سپس، مقدار ریسک خود بر حسب دلار را بر مقدار نقطه توقف ضرر بر حسب پیپ تقسیم کنید:

$$(USD 75.00)/(200 \text{ pips}) = \$0.375 \text{ a pip move.}$$

در نتیجه، ند تازه کار میزان نوسان را بر حسب « دلار به ازای هر پیپ » با مقدار نقطه توقف ۲۰۰ پیپی به دست می آورد تا در سطح عاری از ریسک بماند.

سرانجام، میزان نوسان بر حسب مقدار به ازای هر پیپ را در نسبت ارزش معلوم واحد به پیپ ضرب کنید:

$$(USD\ 0.375\ \text{per pip}) * [(10k\ \text{units of EUR/USD})/(USD1\ \text{per pip})] = 3,750\ \text{units of EUR/USD}$$

بنابراین، برای ریسک کردن تا حداکثر 50 EUR در نقطه توقف ۲۰۰ پیپی در معامله EUR/USD، اندازه پوزیشن ند نمی تواند بیش از 3750 واحد باشد.

هنوز بسیار ساده است، نه؟

خب، الان این مسئله کمی دشوارتر می شود.

با این حال نگران نباشید. مردان بازار فاکس پشت شما هستند و ما همه چیز را توضیح خواهیم داد. از اینرو، این کار مانند پختن کیک آسان خواهد بود.

### تعیین حجم معاملاتی پیچیده



من پوزیشن تو را کوچکتر خواهم کرد.

در این درس، ما نحوه محاسبه اندازه را برای جفت ها آموزش خواهیم داد که در این محاسبه، واحد پول حساب شما یکی از ارزهای جفت ارزی مورد معامله شما نیست.

واحد پول حساب در جفت ارزی مورد معامله نیست بلکه همان ارز مظنه جفت تبدیل است.

ند به آمریکا برمی گردد (ما فکر می کنیم که او واقعاً یک ابر جاسوس مانند نینجای فارکس است که در وقت آزاد خود در سراسر جهان سیر می کند و جهان را نجات می دهد) و امروز، او تصمیم می گیرد که جفت ارزی EUR/GBP را با نقطه توقف ۲۰۰ پیپی معامله کند. به منظور یافتن اندازه درست پوزیشن، ما باید مقدار ریسک ند را بر حسب در پوند انگلیس پیدا کنیم.

به خاطر داشته باشید که ارزش جفت ارزی را ارز مظنه تعیین می کند.

خب، بیایید کارها را مرتب کنیم. او باز گشته است و با کارگزار امریکایی خود که جفت ارزی EUR/GBP را می فروشد، معامله می کند و او فقط می خواهد به میزان ۱٪ از حساب ۵۰۰۰ دلاری خود یا ۵۰ دلار آمریکا ریسک کند.

به منظور یافتن اندازه درست پوزیشن در این وضعیت، ما به نرخ مبادله جفت ارزی GBP/USD نیاز داریم. بیایید از نرخ 1.7500 استفاده کنیم و چون حساب او به دلار است، ما باید نرخ مبادله یاد شده را معکوس کنیم تا مقدار درست ریسک را بر حسب پوند بریتانیا پیدا کنیم.

$$USD 50 * (GBP 1/USD 1.7500) = GBP 28.57$$

حال، مانند سایر مثال ها، ما باقیمانده کار را به سرانجام می رسانیم. مقدار فوق را بر مقدار نقطه توقف ضرر بر حسب پیپ تقسیم کنید.

$$(GBP 28.57)/(200 \text{ pips}) = GBP 0.14 \text{ per pip}$$

و در نهایت، در نسبت ارزش معلوم واحد به مقدار پیپ ضرب کنید.

$$1,429 \text{ units تقریباً } (GBP 0.14 \text{ per pip}) * [(10k \text{ units of EUR/GBP})/(GBP 1 \text{ per pip})] = \text{of EUR/GBP}$$

ند می تواند حداکثر ۱۴۲۹ واحد EUR/GBP بفروشد تا در سطح عاری از ریسک از پیش تعیین شده خود بماند.

واحد پول حساب در جفت ارزی مورد معامله نیست اما ارز پایه جفت تبدیل است.

ند تصمیم می گیرد که برای اسکی روی برف به سوئیس برود و در میانه مسیر دشوار اسکی، او حساب معامله خود را در دستگاه تلفن ابر جاسوس خود با یک کارگزار محلی فارکس باز می کند. او وضعیت بسیار خوب جفت CHF/JPY را می بیند و این در حالی است که او تصمیم گرفته است که اگر قیمت این جفت سطح اصلی مقاومت را (حدود ۱۰۰ پیپ به ضرر او) بشکند، از معامله خارج شود. ند فقط ۱٪ از حساب ۵۰۰۰ CHF خود یا به اندازه ۵ CHF ریسک خواهد کرد.

ابتدا، ما باید مقدار CHF 50 را برحسب ین ژاپن به دست بیاوریم و چون واحد پول حساب ارز پایه جفت تبدیل است، تنها کاری که باید انجام دهیم این است که مقدار ریسک را در نرخ مبادله CHF/JPY ضرب کنیم (85.00):

$$CHF 50 * (JPY 85.00/ CHF 1) = JPY 4,250$$

اکنون، ما باقیمانده کار را به شیوه مثال های دیگر به سرانجا می رسانیم. مقدار فوق را بر مقدار نقطه توقف ضرر برحسب پپ تقسیم کنید:

$$\text{JPY } 4,250/100 \text{ pips} = \text{JPY } 42.50 \text{ per pip}$$

و در نهایت، این مقدار را در نسبت ارزش معلوم واحد به پپ ضرب کنید.

$$4,250 \text{ units of CHF} \times \text{JPY } 42.50 \text{ per pip} \div [(100 \text{ units of CHF/JPY})/(\text{JPY } 1 \text{ per pip})] = \text{CHF/JPY}$$

وضعیت همین است!

ند می تواند حداکثر ۴۲۵۰ واحد CHF/JPY را معامله کند تا میزان ضرر خود را حداکثر در 50 CHF حفظ کند.



پس از سیر و سفر در سراسر جهان به همراه ند تازه کار و انجام چند مثال پایه در زمینه اندازه بندی پوزیشن، شما در آستانه تبدیل شدن به یک مدیر ریسک باتجربه هستید.

حال، دانستن نحوه تعیین اندازه های واقعی پوزیشن تنها بخشی از اطلاعاتی است که برای حرفه ای شدن در مدیریت ریسک لازم است.

بخش دیگر در این زمینه، *نظم و انضباط* است.

به سطوح توقف ضرر و ریسک از پیش تعیین شده خود پایبند باشید و شما مطمئن خواهید بود که پس از ضرر و زیان از زمان کافی جهت بهره برداری از فرصت های سودآور برخوردار شوید.

در نهایت، ما می دانیم که شما همیشه یک ماشین حساب در دسترس نخواهید داشت یا پلتفرم معامله شما مجهز به ویژگی اندازه گیری پوزیشن نخواهد بود. بنابراین، ما در سایت [BabyPips.com](http://BabyPips.com) تصمیم گرفته ایم که خودمان این کار را انجام دهیم و یک ماشین حساب اندازه گیری پوزیشن را برای شما ایجاد کرده ایم.

آیا ما آرام نیستیم؟ زمان کف زدن آرام فرا رسیده است... خب، مهم نیست. در صورت نیاز، از ماشین حساب استفاده کنید.

در واقع، هر گاه تصمیم می گیرید که معامله ای را آغاز کنید، از آن استفاده کنید.



جرا مرتباً به نقطه توقف ضرر من برخورد می‌شود!

بیباید با آن طرف شویم! بازار همیشه کاری را که می‌خواهد، انجام خواهد داد و در مسیری که می‌خواهد، حرکت خواهد کرد. هر روز چالش جدیدی است و تقریباً هر اقدامی از رویداد های سیاسی و رخداد های بزرگ اقتصادی در جهان گرفته تا شایعات بانک مرکزی می‌توانند به نحوی نامعلوم قیمت های ارز را تغییر دهند و این کار حتی سریعتر از بشکن زدن انجام می‌شود.

این بدین معنی است که در نهایت هر یک از ما معامله ای بر خلاف جریان بازار انجام خواهیم داد.

قرار داشتن در وضعیت یک معامله باخته امری اجتناب ناپذیر است. اما ما می‌توانیم کاری را که در هنگام قرار گرفتن در موقعیت یاد شده انجام می‌دهیم، کنترل کنیم. شما می‌توانید سریعاً از ضرر و زیان جلوگیری کنید و یا معامله خود را ادامه دهید؛ با این امید که جریان بازار به نفع شما بازگردد.

البته، زمانی که جریان بازار موافق پوزیشن شما تغییر جهت ندهد، این وضعیت می‌تواند باعث از دست رفتن حساب شما و پایان یافتن ناگهانی و سریع داد و ستد نوپای شما شود.

ضرب المثل «روز دیگر معامله کن» باید شعار هر معامله گر در Newbie Island باشد زیرا هرچه معاملات بیشتری را انجام دهید، می‌توانید چیزهای بیشتری را یاد بگیرید، تجربه کسب کنید و فرصت های موفقیت خود را افزایش دهید.

این کار باعث می‌شود تا روش مدیریت «نقاط توقف ضرر» معامله به مهارت و ابزاری مهم در جعبه ابزار یک معامله گر تبدیل شود.

اگر نقطه خروج از یک معامله زیان ده را از قبل تعیین کرده باشید، با این کار نه تنها به مزیت جلوگیری از ضرر دست پیدا می‌کنید تا بتوانید به فرصت های جدید تغییر مکان دهید بلکه این کار باعث حذف اضطراب و تشویش ناشی از قرار داشتن در وضعیت یک معامله زیان ده و بدون برنامه می‌شود.

داشتن تنش کمتر بهتر است، نه؟ البته که همین طور است. بنابراین، بیباید روش های مختلف را برای جلوگیری سریع از بروز ضرر امتحان کنیم.



اکنون و قبل از این که به روش های جلوگیری از ضرر پردازیم، باید اولین قاعده تعیین نقاط توقف را بررسی کنیم.

نقطه توقف ضرر شما باید «نقطه بی اعتبار کردن» ایده معامله شما باشد. زمانی که قیمت به این نقطه می رسد، این رویداد باید نشانه

ای برای شما باشد که «رفیق، اکنون زمان خارج شدن از معامله فرا رسیده است!»

در بخش بعدی، ما درباره راه های مختلف تعیین نقاط توقف بحث خواهیم کرد.

چهار روش در این زمینه وجود دارد که شما می توانید آنها را انتخاب کنید:

۱. نقطه توقف بر اساس سرمایه

۲. نقطه توقف بر اساس ناپایداری

۳. نقطه توقف بر اساس نمودار

۴. نقطه توقف بر اساس زمان

آیا آماده اید؟ بیایید شروع کنیم!

### نقطه توقف بر اساس سرمایه

بیایید کار را با پایه ای ترین نوع توقف آغاز کنیم: نقطه توقف بر اساس میزان سرمایه. این نوع توقف به عنوان توقف در صد نیز

شناخته می شود زیرا در این روش از بخشی از حساب معامله گر که از قبل تعیین شده است ( به عنوان مثال ۲٪) به عنوان میزان

مورد نظر معامله گر در یک معامله استفاده می شود.

درصد ریسک می تواند از یک معامله گر به معامله گر دیگر تغییر کند - معامله گران جسور تر تا ۱۰٪ حساب خود ریسک می

کنند اما معامله گران با جسارت کمتر معمولاً کمتر از ۲٪ حساب خود در یک معامله ریسک می کنند.

زمانی که درصد ریسک از پیش تعیین شود، معامله گر از اندازه پوزیشن خود جهت محاسبه فاصله ای که نقطه توقف او باید با

قیمت ورودی اش داشته باشد، استفاده می کند.

خوب بود، نه؟

معامله گر نقطه توقف را به گونه ای تعیین می کند که مطابق با برنامه معامله خود باشد.

این یک معامله خوب است، نه؟

اشتباه!!!

شما باید همیشه نقطه توقف خود را براساس شرایط بازار یا قواعد سیستم خود تعیین کنید و براساس میزان ضرر خود تعیین نکنید.

ما شرط می بندیم که الان به فکر فرو رفتید. این کار بیهوده است. من فکر می کردم شما بگویید که ما باید ریسک را مدیریت

کنیم.

ما تأیید می کنیم که این کار گیج کننده به نظر می رسد اما ما آن را با یک مثال توضیح می دهیم. حتماً آقای ند تازه کار را در درس

اندازه بندی پوزیشن به خاطر می آورید، نه؟

او حساب مینی با موجودی ۵۰۰۰ دلار دارد و حداقل مقداری که معامله می کند، 10 k واحد است. او تصمیم می گیرد که با جفت ارزی GBP/USD معامله کند زیرا ملاحظه می کند که سطح مقاومت در 1.5620 حفظ شده است.

ند تازه کار با توجه به قواعد مدیریت ریسک خود در هر معامله حداکثر تا ۲٪ حساب خود ریسک می کند.

در 10k واحد جفت ارزی GBP/USD، هر پیپ ۱ دلار ارزش دارد و ۲٪ حساب او معادل ۱۰ دلار است. بنابراین، بیشترین مقداری را که ند می تواند برای نقطه توقف خود تعیین کند، ۱۰ پیپ است. این همان کاری است که او با تعیین نقطه توقف خود در 1.5630، در این معادله انجام می دهد.



اما جفت ارزی GBP/USD هر روز بیش از ۱۰۰ پیپ نوسان دارد! او به راحتی می تواند در کمترین نوسان GBP/USD معامله خود را متوقف کند. به خاطر محدودیت های پوزیشن که حساب او بر اساس آن تنظیم می شود، او نقطه توقف خود را به جای شرایط مشخص GBP/USD در بازار صرفاً براساس مقداری که می خواهد ضرر کند، تعیین می کند.

بیا بید ببینیم چه اتفاقی رخ می دهد.



ند تازه کار درست در اوج معامله را متوقف کرد زیرا نقطه توقف ضرر او بسیار بسته بود! و علاوه بر باختن این معامله، او فرصت بدست آوردن بیش از ۱۰۰ پیپ را نیز از دست داد!

با توجه به مثال یاد شده، او می تواند ملاحظه کند که خطر استفاده از نقاط توقف مبتنی بر سرمایه این است که این کار معامله گر را مجبور می کند تا این نقطه را در یک سطح قیمتی اختیاری تعیین کند.

این نقطه یا بسیار نزدیک به قیمت ورودی تعیین خواهد شد، مانند مورد آقای ند تازه کار، یا در سطحی از قیمت تعیین خواهد شد که آنالیز فنی را به حساب نمی آورد.

با تمامی اطلاعاتی که به دست آورده اید، شما می توانید نقطه توقف ضرر خود را درست در سطحی تعیین کنید که قیمت بتواند به نفع شما تغییر کند (چه کسی این وضعیت را قبلاً ندیده است؟) اما چون شما قبلاً معامله را متوقف کرده اید، نمی توانید این پیپ ها را به دست آورید. لعنتی!

راه حل ند این است که کارگزاری را پیدا کند که متناب با سبک و شیوه و سرمایه اولیه معامله او باشد.

در این مورد، ند باید با کارگزاری وارد معامله شود که به او اجازه دهد تا به اندازه میکرولات و یا حتی لات سفارشی معامله کند. با 1k جفت ارزی GBP/USD، ارزش هر پیپ 0.10 دلار است.

برای این که ند در سطح عاری از ریسک باقی بماند، او می تواند قبل از این که ۲٪ از حساب خود را ببازد، نقطه توقف معامله GBP/USD را ۱۰ پیپ تعیین کند. او اکنون این قابلیت را دارد که نقطه توقف ضرر خود را براساس شرایط بازار، سیستم معامله، حمایت و مقاومت و غیره تعیین کند.

## نقطه توقف بر اساس نمودار

یکی از روش های محسوس جهت تعیین نقاط توقف، تعیین آنها براساس آنچه که نمودار نشان می دهد.

چون ما در بازارهای مختلف معامله می کنیم، همچنین می توانیم نقاط توقف خود را براساس مشاهدات مان از بازارها تعیین کنیم.... این کار منطقی است، نه؟

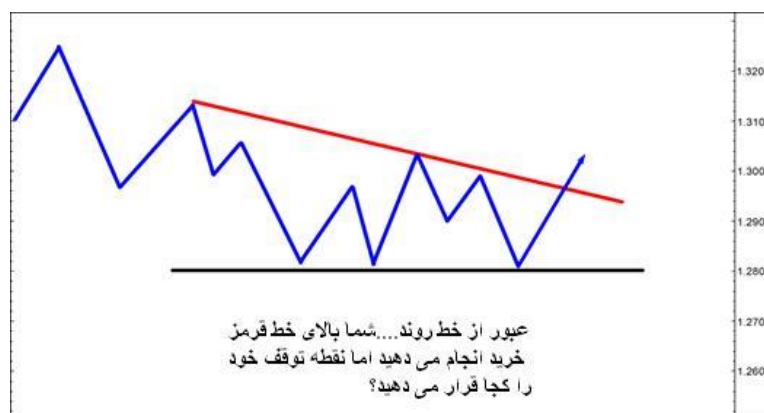
یکی از مسائلی که ما می توانیم در تحرکات قیمت ملاحظه کنیم این است که در برخی زمان ها به نظر نمی رسد قیمت ها بتوانند سطوح مشخص را تغییر دهند یا آن سطوح را بشکنند.

اغلب اوقات که این نواحی حمایت و مقاومت مجدداً بازآزمایی شوند، این نواحی به طور بالقوه می توانند از موفقیت دوباره بازار جلوگیری کنند.

تعیین نقاط توقف خارج از این سطوح مقاومت و حمایت منطقی است زیرا اگر بازار خارج از این نواحی داد و ستد کند، آنگاه، منطقی است که فکر کنیم شکست آن ناحیه باعث می شود تا معامله گران بیشتری این ناحیه را بشکنند و به علاوه، پوزیشن شما را به ضررتان تغییر دهند.

یا، اگر این سطوح بشکنند، ممکن است نیروهایی وجود داشته باشند که شما از تغییر جهت ناگهانی بازار به سمت و سویی ناشناخته توسط این نیروها ناآگاه باشید.

بیا باید نگاهی سریع به روش تعیین نقاط توقف تان براساس حمایت و مقاومت بیندازیم:

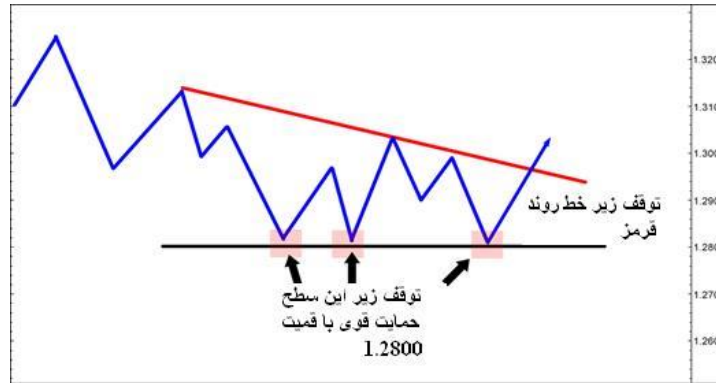


در نمودار فوق، می توان ملاحظه کرد که جفت ارزی در حال حاضر بالای خط روند نزولی معامله می شود.

به نظر شما، این تنظیمات معامله ای با شکست روند بزرگ است و تصمیم می گیرید که خرید را انجام دهید.

اما قبل از این که وارد معامله شوید، سئوالات زیر را از خود بپرسید:

- احتمالاً کجا می توانید نقطه توقف خود را تعیین کنید؟
- چه شرایطی شما را از زمان بی اعتبار شدن ایده معامله اصلی تان با خبر می کند؟



در این مورد بسیار منطقی است که نقاط توقف خود را زیر خطوط روند و نواحی حمایت تعیین کنید.

اگر جهت حرکت بازار به داخل این نواحی باشد، این بدین معنی است که خطوط روند هیچ حمایتی از طرف خریداران دریافت نمی کنند و فروشندگان در حال حاضر تحت کنترل هستند.

ایده معامله شما بی اعتبار بود و زمان آن فرا رسیده است که شما آن را درک کنید، از معامله خارج شوید و ضرر را بپذیرید.

اگر یک مثال زنده واقعی می خواهید، ظاهر شدن خط روند هاگ (Huck) در جفت EUR/USD را بررسی کنید.

### نقطه توقف بر اساس نوسانات

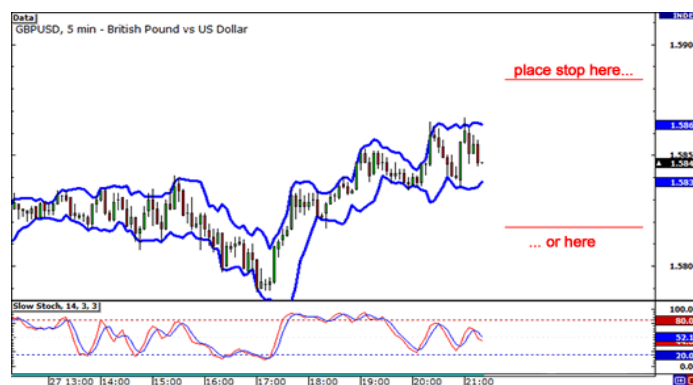
بیان ساده ناپایداری این است که ناپایداری مقدار تغییر بالقوه بازار در یک بازه زمانی مشخص است. دانستن این که یک جفت ارزی تا چه میزان میل به نوسان دارد، می تواند به شما در تعیین صحیح سطح توقف ضرر کمک کند و از خروج زود هنگام از معامله در شرایط نوسانات تصادفی قیمت جلوگیری کند.

به عنوان مثال، اگر شما در شرایط یک معامله نوسانی به سربرید و بدانید که جفت EUR/USD در طول ماه گذشته حدود ۱۰۰ پیپ در هر روز نوسان داشته است، تعیین نقطه توقف روی ۲۰ پیپ احتمالاً باعث توقف بسیار زود هنگام معامله توسط شما در یک نوسان کوچک روزانه و بر خلاف جهت حرکت شما شود.

دانستن میانگین ناپایداری به شما کمک می کند تا نقاط توقف خود را تعیین کنید تا به این ترتیب، معامله شما وارد فاز استراحت شود و فرصتی برای بهبود معامله به وجود آید.

همان طور که در درس قبلی توضیح دادیم، تنها راه اندازه گیری میزان ناپایداری استفاده از نوارهای بولینگر است. شما می توانید از نوارهای بولینگر جهت پی بردن به میزان ناپایداری بازار در همان لحظه استفاده کنید.

این ابزار به ویژه در زمانی مفید است که شما در حال انجام معامله در دامنه هستید. در عمل، نقطه توقف خود را در خارج از مرزها تعیین کنید. اگر قیمت به این نقطه برسد، این بدین معنی است که ناپایداری شدت می گیرد و شکست روند می تواند رخ دهد.



راه دیگر برای یافتن میانگین ناپایداری استفاده از شاخص میانگین دامنه واقعی می باشد (ATR). این شاخص، یک شاخص رایج است که در اغلب پلتفرم های رسم نمودار یافت می شود و استفاده از آن واقعاً راحت است.

تمامی شاخص های ATR مستلزم این است که شما «بازه زمانی» یا مقدار میله ها، شمعدان ها یا زمانی را که برای محاسبه میانگین دامنه لازم است، وارد کنید.

به عنوان مثال، اگر شما در حال بررسی نمودار روزانه باشید و مقدار «۲۰» را در تنظیمات وارد کنید، آنگاه شاخص ATR به طور جادویی میانگین دامنه را برای جفت ارزی در یک بازه ۲۰ روزه محاسبه خواهد کرد.

یا اگر در حال بررسی نمودار ساعتی باشید و عدد «۵۰» را در تنظیمات وارد کنید، آنگاه شاخص ATR میانگین جابجایی ۵۰ ساعت گذشته را به شما نشان خواهد داد. خیلی شیرین است، نه؟



این فرایند به تنهایی می تواند به عنوان یک توقف یا در ارتباط با سایر روش های جلوگیری از ضرر به کار رود.

نکته این است که قبل از این که معامله تان در جهت نفع شما پیش برود، به خاطر بروز نوسانات به معامله خود به اندازه کافی استراحت بدهید.... و به این امید که این طور باشد.

### نقطه توقف بر اساس زمان



نقاط توقف زمانی نقاطی هستند که شما براساس زمان از پیش تعیین شده در یک معامله تعیین می کنید. این کار می تواند در یک محدوده زمانی (محدوده زمانی چند ساعته، چند روزه، چند هفته ای و غیره) باشد، فقط در طول جلسات خاص داد و ستد انجام شود، در ساعت های فعالیت یا باز بودن بازار و غیره باشد.

به عنوان مثال، فرض کنید که شما یک معامله گر روزانه هستید و یک معامله طولانی مدت با جفت ارزی EUR/CHF انجام داده اید و هیچ بهبودی حاصل نشده است. ما درباره خواب آلودگی واقعی سخن می گوئیم!



چرا زمانی که شما می توانید از پول خود جهت بهره گیری از این معامله استفاده کنید، پول خود را محصور می کنید...



حرکت بیشتر، پیپ بیشتر! بله رفیق!

به خاطر قواعدی که شما از قبل تعیین کرده اید و با عنایت به این واقعیت که شما دوست ندارید معامله در آخر وقت انجام دهید، شما تصمیم گرفته اید که معامله خود را در ساعت ۴ بعدازظهر ببندید و این زمانی است که شما معمولاً معامله روزانه خود را انجام داده اید و راهی مسابقه دو هفتگی 2 Star Craft می شوید. یا شاید شما یک معامله گر در دامنه هستید و تصمیم گرفته اید که معامله خود را در روز جمعه ببندید تا از ایجاد وقفه و ریسک آخر هفته پرهیز کنید.

همچنین، برخورداری از مقداری حاشیه اعتبار که در یک معامله راکد در بند باشد، می تواند فرصتی ارزشمند برای شما در معامله بزرگ دیگر و در جای دیگر باشد.

یک محدوده زمانی را تعیین کنید و این زیان از دست رفته را جدا کنید تا با پول یاد شده کاری را که قرار است انجام شود، انجام دهید.... پول بیشتری را بدست آورید.



## اشتباهات رایج

در این بخش، ما درباره اشتباهات رایج که معامله گران هنگام استفاده از نقاط توقف مرتکب می شوند، صحبت می کنیم. مطمئناً، این کار یکی از راه های انجام مدیریت مناسب پول است. اما اگر این کار به درستی انجام نشود، می تواند به جای سود منجر به بروز خسارت و ضرر بیشتر شود. شما این وضعیت را نمی خواهید؛ نه؟

### تعیین نقاط توقف بسته

اولین اشتباه رایج تعیین نقاط توقف بسته تر از شلوار چرمی است که Big Pippin در گذشته می پوشید. آنها آنقدر سفت و محکم هستند که هیچ جایی برای نفس کشیدن ندارند!

در تعیین نقاط توقف بسیار بسته در معاملات، قیمت از فرصت استراحت کافی برای نوسان قبل از این که در نهایت در جهت نفع شما پیش برود، برخوردار نخواهد بود.

همیشه به یاد داشته باشید که ناپایداری جفت ارزی را مد نظر قرار دهید و این حقیقت را به خاطر داشته باشید که این ناپایداری می تواند حوالی نقطه ورودی باشد؛ قبل از این که این ناپایداری در جهت خاصی ادامه پیدا کند.

به عنوان مثال، فرض کنید که شما جفت BBP/JPY را با قیمت 145.00 خریداری کرده اید و نقطه توقف را 144.90 تعیین کرده باشید. حتی اگر شما به درستی پیش بینی کنید که قیمت از آن ناحیه جهش می کند، این احتمال وجود دارد که قیمت همچنان 10-15 پیپ پایین تر از قیمت ورودی شما نزول کند؛ قبل از این که قیمت به سرعت بالا برود و به 147.00 برسد.

اما حدس شما چیست؟ شما نمی توانید به سود ۲۰۰ پیپی دست پیدا کنید زیرا شما در یک لحظه معامله را متوقف کرده اید.

بنابراین، فراموش نکنید: به معامله خود فرصت تنفس کافی بدهید و ناپایداری را مد نظر قرار دهید!

استفاده از اندازه پوزیشن به عنوان مبنایی برای تعیین نقاط توقف

ما این موضوع را در درس قبلی ذکر کرده ایم: استفاده از اندازه پوزیشن به جای تحلیلی تکنیکی برای تعیین نقاط توقف ایده چندان خوبی نیست. ما این موضوع را از ند تازه کار آموخته ایم؛ به خاطر دارید؟

همان طور که بحث کردیم، استفاده از اندازه بندی پوزیشن برای محاسبه فاصله نقطه توقف هیچ ارتباطی با نحوه رفتار بازار ندارد. چون ما در بازار داد و ستد می کنیم، تعیین نقاط توقف براساس نحوه حرکت و نوسان بازار بسیار منطقی خواهد بود.

در نهایت، شما نقطه ورودی و اهداف خود را براساس تحلیل تکنیکی انتخاب کرده اید. بنابراین، شما باید همین کار را برای نقطه توقف خود انجام دهید.

اندازه نقطه توقف ضرر → ریسک % → اندازه پوزیشن

اندازه پوزیشن → ریسک٪ → اندازه نقطه توقف ضرر

ما نمی‌گوییم که شما باید اندازه پوزیشن را کاملاً فراموش کنید. توصیه ما این است که قبل از محاسبه اندازه پوزیشن خود، باید تصمیم بگیرید که نقاط توقف خود را کجا قرار دهید.

قرار دادن نقاط توقف ضرر بسیار دور از هم

برخی معامله‌گران در تعیین نقاط توقف در فاصله دور از هم مرتکب اشتباه می‌شوند و با این امید این کار را انجام می‌دهند که رفتار قیمت دیر یا زود به نفع آنها خواهد بود.

خب، پس هدف از تعیین نقاط چیست؟ هدف از ادامه دادن معامله ای که مدام موجب ضرر و زیان می‌شود در حالی که می‌توانید آن پول را برای معامله دیگری صرف کنید، چیست؟

تعیین نقاط توقف بسیار دور از هم باعث افزایش مقدار پیپ‌هایی می‌شود که معامله شما باید در جهت نفع شما تغییر کند تا معامله ارزش ریسک را داشته باشد.

قاعده کلی شصت دست تعیین نقاط توقف در فاصله ای نزدیک به قیمت ورودی به جای اهداف سود است.

البته شما به دنبال ریسک کمتر و بازده بیشتر هستید؛ درست است؟ با وجود نسبت خوب بازده به ریسک مثلاً ۲:۱، به احتمال زیاد شما به سود دست پیدا کنید و این در صورتی است که شما در دست کم ۵۰٪ زمان حق با شما باشد.

قرار دادن نقاط توقف دقیقاً روی سطوح حمایت / مقاومت

آیا باید نقاط توقف را بسیار بسته تعیین کرد؟ بله. آیا با تعیین نقاط توقف با فاصله بسیار دور از هم موافق هستید؟ بد. پس، دقیقاً نقاط توقف کجا باید قرار بگیرند؟ خب، نباید دقیقاً روی سطوح حمایت / مقاومت قرار بگیرید. ما می‌توانیم این موضوع را به شما بگوییم.

چطور چنین اتفاقی رخ می‌دهد؟ آیا ما نگفته بودیم که تحلیل تکنیکی روشی است که هنگام تعیین نقاط توقف باید به آن مراجعه کرد؟

مطمئناً، این روش به هنگام تصمیم‌گیری در خصوص محل قرار دادن نقاط توقف برای اعلام نزدیکی به سطوح مقاومت و حمایت مفید است.

اگر شما نسبت به خرید اقدام کنید، می‌توانید سطح حمایت دم دست را زیر قیمت ورودی خود جستجو کنید و نقطه توقف خود را در آن ناحیه تعیین کنید. اگر نسبت به فروش اقدام کنید، می‌توانید ببینید که سطح مقاومت بعدی بالای قیمت ورودی کجاست و نقطه توقف خود را حوالی آن ناحیه تعیین کنید.

اما چرا قرار دادن نقطه توقف روی سطح حمایت یا مقاومت ایده خوبی نیست؟ دلیل این امر این است که قیمت به محض رسیدن به آن سطح همچنان می‌تواند از شانس برگشت و حرکت در جهت موافق پوزیشن شما برخوردار باشد. اگر شما نقطه توقف خود را به

اندازه چند پیمپ خارج از ناحیه یاد شده قرار دهید، آنگاه، شما کم و بیش مطمئن هستید که سطح مقاومت یا حمایت شکسته می شود و سپس، شما می توانید تصدیق کنید که ایده معامله شما غلط بوده است.

### نحوه اجرای نقاط توقف

زمانی که مأموریت خود را تکمیل کردید و طرح معامله ای جالب را تدوین کردید که شامل یک سطح توقف است، اکنون باید اطمینان حاصل کنید که در صورتی که جریان بازار مخالف شرایط شما بود، آنها را اجرا کنید. دو روش برای انجام این کار وجود دارد. یکی از این روش ها استفاده از نقطه توقف اتوماتیک و روش دیگر از طریق نقطه توقف ذهنی است.

کدام یک از روش های یاد شده برای شما بهترین است؟

اینجاست که بخش دشوار مسئله ظاهر می شود زیرا پاسخ به این سؤال به میزان نظم و انضباط شما بستگی دارد.

آیا شما از استحکام ذهنی و خویشتن داری برای پایبندی به نقاط توقف خود برخوردارید؟

در گرما گرم نبرد، آنچه که اغلب برندگان دراز مدت را از بازنده ها جدا می کند این است که آیا آنها می توانند به طور عینی از طرح های از پیش تعیین شده خود تبعیت کنند یا خیر؟

معامله گران، به ویژه معامله گران مجرب تر، اغلب به خود شک می کنند و آن هدف را در زمانی از دست می دهند که درد ناشی از ضرر و زیان ذهنیت منفی ایجاد کند. از جمله این ذهنیت ها این است: «شاید بازار همین جا تغییر کند. من باید اندکی بیشتر صبر کنم و آنگاه، بازار موافق شرایط پوزیشن من پیش خواهد رفت.»

اشتباه!

اگر بازار به نقطه توقف شما رسیده باشد، دلیل شما برای معامله دیگر معتبر نیست و زمان بستن معامله فرا رسیده است.



سؤال نیست؟

به همین خاطر، خدایان بازار فارکس دستور حد را ابداع کرده اند. معامله گران جدید باید همیشه از دستورات جدید برای بستن اتوماتیک یک معامله زیان ده در سطوح از پیش تعیین شده استفاده کنند.

در این صورت، شما این فرصت و شانس را پیدا نخواهید کرد تا به طرح خود شک کنید و مرتکب اشتباه شوید. شما حتی مجبور نخواهید بود در برابر ایستگاه معامله خود بنشینید تا سفارش و دستور را اجرا کنید.

چقدر جالب؟

البته، هر چه شما معامله و تجربه بیشتری داشته باشید، شما درک و برداشت بهتری از رفتار بازار و روش های خود خواهید داشت و منضبط تر خواهید بود.

تنها در این صورت است که نقاط توقف ذهنی برای استفاده مناسب هستند. اما همچنان به شدت استفاده از دستورات حد را توصیه می کنیم تا از اکثر معاملات خود خارج شوید.

بستن غیر خودکار معاملات شما را در معرض ارتکاب اشتباه قرار می دهد (به ویژه در طول رخدادهای پیش بینی نشده). از جمله این اشتباهات عبارتند از ورود به سطوح قیمتی یا اندازه پوزیشن غلط، قطع برق، افراط در نوشیدن قهوه ناشی از ماراتن حمام و غیره. معامله خود را در معرض ریسک غیر ضروری رها نکنید. بنابراین، همیشه یک دستور حد داشته باشید تا از شما پشتیبانی کند.

چون نقاط توقف هرگز ثابت نمی شوند و شما می توانید آنها را جابجا کنید، ما این درس را با «بایدها و نبایدها» جابجایی نقطه توقف تان به پایان می بریم.



۱. اجازه ندهید احساسات شما در جابجایی و تغییر نقطه توقف دخیل باشند. مانند نقطه توقف ضرر اولیه، تنظیمات نقطه توقف شما باید از قبل و پیش از این که معامله خود را آغاز کنید، تعیین شده باشد. اجازه ندهید ترس و اضطراب سر راه شما قرار گیرد!

۲. نقطه توقف خود را دنبال کنید. این بدین معنی است که نقطه توقف خود را در جهت یک معامله برنده جابجا کنید. این کار باعث تحقق سود می شود و در صورتی که تعداد واحدهای بیشتری را به پوزیشن باز خود اضافه کنید، ریسک را مدیریت می کند.

۳. نقطه توقف خود را گسترش ندهید. افزایش نقطه توقف تنها ریسک شما را افزایش می دهد و بر مقدار ضرر و زیان شما خواهد افزود. اگر بازار به نقطه توقف برنامه ریزی شده شما برسد، آنگاه معامله به پایان رسیده است. این برخورد را درک کنید و موقعیت بعدی را آغاز کنید. گسترش دادن نقطه توقف اساساً به مثابه نداشتن یک نقطه توقف است و این کار هیچ مفهوم و معنی ندارد که بخواهید آن را انجام دهید. هرگز نقطه توقف را گسترش ندهید. درک و فهم این قواعد بسیار راحت است و باید به طور منظم از آنها به ویژه قاعده عدد 3! تبعیت کرد.

آیا می خواهید دوباره تکرار کنیم؟

نقطه توقف خود را گسترش ندهید

همیشه به یاد داشته باشید که پیشاپیش معامله خود را برنامه ریزی کنید و ببینید که چه کاری را در هر سناریو باید انجام دهید تا نگرانی و اضطراب نداشته باشید و کاری را که احتمالاً از انجام آن احساس نگرانی دارید، بعداً انجام دهید.

## خلاصه : تعیین نقاط توقف ضرر



خب، مبانی اولیه برای تعیین نقاط توقف ضرر در BabyPips.com در دسترس شماست. اکنون، بیایید مواردی را که باید درباره نقاط توقف ضرر به خاطر داشته باشید، مرور کنیم.

۱. کارگزاری را پیدا کنید که به شما اجازه دهد تا معاملاتی را انجام دهید که اندازه آنها متناسب با اندازه سرمایه شما و قواعد مدیریت ریسک شما باشد.
۲. ما از واژه «از پیش تعیین شده» در این درس زیاد استفاده می کنیم زیرا شما همیشه باید بدانید که چه موقع از معامله ای خارج شوید؛ قبل از این که معامله ای را باز کنید. زمانی که شما در معامله ای به سر می برید و این معامله به یک معامله زیان ده تبدیل شده است، شما توانایی تصمیم گیری برای خروج از معامله با فکر باز را از دست می دهید. این وضعیت می تواند برای مانده حساب شما خیلی بد باشد.
۳. نقاط توقف را براساس شرایط بازار، چهارچوب یا روش داد و ستد تعیین کنید. سطوح خروج خود را نسبت به میزان پولی که می خواهید از دست بدهید، تعیین نکنید. بازار نمی داند که شما چقدر پول دارید و چقدر پول مایل هستید از دست بدهید. صادقانه می گوئیم که این موضوع مهم نیست. سطوح توقفی را پیدا کنید که نشان دهند معامله شما اشتباه است و سپس، اندازه معامله شما را براساس آن مدیریت کنند.
۴. از دستورات حد جهت بستن معامله خود استفاده کنید. نقاط توقف ذهنی باید فقط توسط کسانی استفاده شوند که معاملات بسیار زیادی را در دفتر روزنامه ای خود ثبت کرده باشند. با این حال، دستورات حد هنوز هم قابل استفاده هستند: این دستورات تحت تأثیر احساسات نیستند و در حالی که شما در ساحل آفتاب می گیرید و جرعه جرعه مشروب می خورید، می توانید این دستورات را به صورت اتوماتیک اجرا کنید.
۵. فقط نقطه توقف خود را در جهت تحقق هدف سود خود تغییر دهید. دنبال کردن نقاط توقف اقدامی شایسته است و گسترش دادن نقاط توقف بسیار بسیار بد است. مانند هر کار دیگر در داد و ستد، تعیین نقاط توقف ضرر دانش و هنر می

خواهد. بازارها پویا هستند، ناپایداری به خوبی برقرار است و قاعده و شرایطی که امروز عمل می کند، ممکن فردا عمل نکند.

اگر شما مرتب روش درستی را برای تعیین نقاط توقف تمرین کنید، فرایندها و نتایج معامله خود را در دفتر روزنامه ای ثبت کنید و آنها را مرور کنید، آنگاه یک گام به یک مدیر حرفه ای ریسک نزدیک تر می شوید!

### مقیاس گذاری چیست؟

اکنون که شما با نحوه تعیین نقاط توقف مناسب و محاسبه اندازه صحیح پوزیشن آشنا شده اید، در اینجا درسی در خصوص نحوه خلاق شدن در داد و ستد و معامله ارائه می شود. برای داد و ستد پوزیشن با اندازه های چند گانه، شما در ارتباط با نحوه مدیریت ریسک خود به وسیله «مقیاس گذاری» در ورودی و خروجی معاملات خود می توانید واقعاً انعطاف پذیر و خلاق شوید.

منظور از «مقیاس گذاری» چیست و چرا شما از آن استفاده می کنید؟ مقیاس گذاری در ورودی به معنی سنجش خودتان در قبل، بعد و حین انجام یک معامله نیست (هر چند که پایش آن ضرری ندارد).

مقیاس گذاری اساساً به معنی کم کردن واحد از معامله باز اولیه شما یا اضافه کردن واحد به آن است.

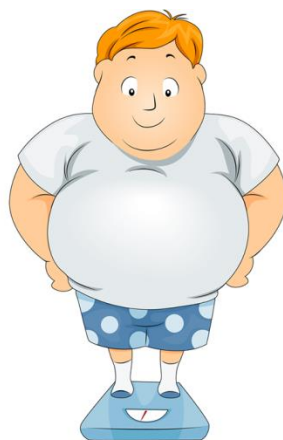
این روش می تواند در طرح معامله اولیه شما وارد شود یا برای معامله گران با تجربه تر، اگر شرایط معامله شما تغییر کند، آنگاه شما می توانید در اواسط معامله خود واحدهایی را به معامله خود اضافه کنید یا از آن کم کنید.

مقیاس گذاری به شما کمک می کند تا ریسک کلی خود را تعدیل کنید، به تحقق سود شما کمک می کند، یا پتانسیل سود شما را به حداکثر می رساند. البته، زمانی که شما چند واحد به معامله خود اضافه و یا از آن کم می کنید، معایب و عوارض منفی بالقوه ای وجود دارند که باید از آنها نیز آگاه بود.

در درس های بعدی، ما مزایا و معایب مقیاس گذاری ورودی و خروجی معاملات را به شما آموزش خواهیم داد. ما روش درست انجام این کار را به شما آموزش خواهیم داد تا برآشفته نشوید زیرا شما بسیار ریسک می کنید و حساب خود را از دست می دهید.

مزایا

احتمالاً بزرگترین مزیت مقیاس گذاری مزیت روانشناسانه آن است. مقیاس گذاری در ورودی و خروجی معامله شما لزوم کاملاً بی عیب و نقص بودن در ورودی و خروجی معامله را حذف می کند.



I'm scaling in the pound nicely.

بیایید با آن روبرو شویم. هیچ کس نمی تواند بدون نقص رفتار قیمت یا نقطه دقیق برگشت یک بازار را پیش بینی کند. پیش بینی مداوم دستیابی به بهترین قیمت ورودی ممکن همواره بسیار دشوار است. شما خود را برای تحمل غم و اندوه زیاد آماده می کنید.

بهترین کاری را که ما می توانیم انجام دهیم، شناسایی ناحیه حمایت / مقاومت بالقوه، نقطه برگشت، تغییر اندازه حرکت، شکست روند و غیره است. شما می توانید حوالی این نواحی وارد معامله خود شوید و یا در سطوح مختلف معامله را ترک کنید تا سود محقق شود.

اگر شما مجبور نبودید با دقت محل ورود به بازار یا خروج از آن را شناسایی کنید، این کار از نظر روانشناسی تا چه اندازه برای شما آسانتر می بود؟ بسیار راحت تر؛ نه؟ علاوه بر آن، شما مجبور نیستید تا مانند یک تک تیرانداز عمل کنید و یک حرکت و جابجایی را از نقطه بازگشت آن درک کنید (اوه... کلمات درشت!) تا به این ترتیب، به چند پیپ دست پیدا کنید. همچنین، هرگاه شما بتوانید ریسک را کاهش دهید، باری از روی دوش شما برداشته می شود. وضعیت درباره تحقق سود چگونه است؟ با اجرای صحیح به همراه دنبال کردن نقطه توقف، مقیاس گذاری در خروجی معاملات برنده می تواند به شما کمک کند تا سود خود را در حالتی که روند قیمت ناگهان معکوس می شود، حفظ کنید.

در نهایت، اگر شما واحدهای بیشتری را به معامله باز خود اضافه کنید و بازار به حرکت خود موافق با شرایط شما ادامه دهد، پوزیشن بزرگتر شما مقداری را که شما برای هر پیپ به دست خواهید آورد، افزایش خواهد داد.

#### معایب

عیب عمده مقیاس گذاری زمانی بروز می کند که شما واحدهای بیشتری را به معامله خود اضافه می کنید. آیا کسی می تواند حدس بزند که آن عیب چیست؟ فهمیدید... شما ریسک کلی خود را افزایش می دهید. به خاطر داشته باشید معامله گران اولاً «مدیران ریسک» هستند و اگر این کار به نادرستی انجام شود، «مقیاس گذاری در ورودی» می تواند حساب شما را جارو کند!! موفق باشید. ما نحوه اضافه کردن مطمئن چند واحد به یک معامله باز را توضیح خواهیم داد.



دومین عیب زمانی خود را نشان می دهد که شما بخش هایی از معامله باز خود را حذف می کنید، و حداکثر سود بالقوه خود را کاهش می دهید. چه کسی می خواهد این کار را انجام دهد؟ خب، در بازار هایی با سرعت و پویایی بازار مبادله ارز، کاهش ریسک و «استفاده از مقداری از سرمایه» به سود شما می تواند باشد.

در بخش های آینده، ما چند مثال اساسی از روش BabyPips.com را مرور خواهیم کرد تا معامله را در ورودی یا خروجی آن مقیاس گذاری کنیم.

### مقیاس گذاری در خروج از معامله

همان طور که قبلاً ذکر شد، مقیاس گذاری در خروجی دارای مزیت مشهود کاهش ریسک شماست زیرا شما از تیررس بازار خارج می شوید... خواه شما در حال انجام معامله ای برنده باشید و خواه در موقعیت معامله ای بازنده باشید.

هنگامی که از این ابزار در تعیین نقاط توقف معامله ای استفاده می شود، مزیت تحقق سود و ایجاد معامله ای تقریباً عاری از ریسک نیز به آن اضافه می شود. ما برای نشان دادن نحوه انجام این کار به شما یک معامله نمونه را بررسی می کنیم.

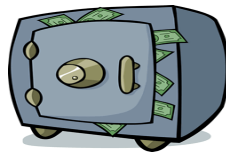
مثال:

فرض کنید شما یک حساب 10000 دلاری داشته باشید و 10 k واحد جفت EUR/USD به نرخ 1.3000 فروخته باشید. شما نقطه توقف خود را در 1.3100 قرار می دهید و هدف سود شما 300 پیپ زیر قیمت ورودی شما در سطح 1.2700 می باشد.

با 10 k واحد جفت EUR/USD (مقدار پیپ این معامله معادل 1\$ است) و نقطه توقف 100 پیپی، ریسک کل شما ۱۰۰ دلار یا ۱٪ حساب شماست.

چند روز بعد، نرخ EUR/USD به 1.2900 رسیده است یا به اندازه 100 پیپ به نفع شما کاهش یافته است. این بدین معنی است که شما از سود کل ۱۰۰ دلار یا بهره ۱٪ برخوردار هستید.

بانک مرکزی آمریکا به سرعت بیانیه های ملایم صادر می کند که این اقدام می تواند باعث کاهش ارزش دلار آمریکا در کوتاه مدت شود.



شما این گونه با خودتان فکر می کنید: «این رویداد ممکن است فروشندگان دلار را به بازار بازگرداند و من نمی دانم که آیا نرخ برابری EUR/USD همچنان کاهش خواهد یافت... من باید مقداری سود کسب کنم».

شما تصمیم می گیرید که نیمی از معامله خود را ببندید و این کار را با خرید 5 K واحد EUR/VSD با نرخ جاری 1.2900 انجام می دهید.

این کار باعث می شود تا سود ۵۰ دلاری به حساب شما واریز شود [از قرار 5k واحد EUR/VSD، ارزش ۱ پیپ 0.5 دلار است... شما در واقع سود ۱۰۰ پیپی را محقق کرده اید. (۱۰۰ پیپ  $\times$   $0.5\$ = 50$  دلار)].

این وضعیت باعث می شود تا شما با معامله باز فروش 5k واحد EUR/VSD با نرخ 1.3000 مواجه شوید. از همین جا، شما می توانید نقطه توقف خود را اصلاح کنید (1.3000) تا معامله ای «عاری از ریسک» را ایجاد کنید.

اگر نرخ جفت ارزی یاد شده باز هم افزایش یابد و نقطه توقف شما در سطح 1.3000 را نشانه بگیرد، آنگاه شما باقیمانده معامله را بدون ضرر می بندید و اگر قیمت کاهش یابد، شما می توانید به معامله خود ادامه دهید تا سود کسب کنید.

ظاهراً، «برداشت از حساب» با کاهش حداکثر سود اصلی شما به تعادل می رسد.

حال، اگر نرخ برابری EUR/USD به 1.2700 کاهش و ختم شود و شما با معامله 10k واحدی EUR/USD دچار یک جابجایی ۳۰۰ پیپی شده باشید، آنگاه سود شما ۳۰۰ دلار است.

در عوض، شما 5k واحد با نرخ ۱۰۰ پیپ را برای کسب سود ۵۰ دلار بسته اید و آنگاه، باقیمانده 5k واحد را با نرخ

۳۰۰ پیپ و کسب سود ۱۵۰ دلار بسته اید ( $0.50\$ \text{ per pip} = 300 \text{ Pips} = \$150$ ). در مجموع، سود ۲۰۰ دلار در برابر حداکثر سود اولیه ۳۰۰ دلاری شما حاصل می شود.

تصمیم به برداشت از حساب همیشه به خود شما بستگی دارد... این شما هستید که باید سود و زیان را بسنجید.

در این مثال، تراز کردن معامله مزیت بهتری در برابر آرامش خاطر حاصل از سود تعهد شده کمتر و ایجاد معامله ای عاری از ریسک است.

کدام یک برای شما بهتر است؟

۵۰٪ سود بیشتر یا خواب بهتر داشتن در شب؟

به خاطر داشته باشید، احتمال نوسان بازار فراتر از سود هدف شما و افزودن ارزش بیشتر به حساب شما وجود دارد.

همیشه هنگام تعدیل و اصلاح معاملات مسائل زیادی وجود دارند که باید مورد توجه قرار گیرند و شما با انجام معاملات زیاد فرایند ترک معاملات را بسیار راحت خواهید یافت.

در آینده، ما نحوه مقیاس گذاری معاملات را به شما آموزش خواهیم داد.

ممکن است بپرسید: «چرا؟ چرا من قصد دارم معامله را مقیاس گذاری کنم؟»

اگر مقیاس گذاری معامله به درستی انجام شود، مزیت افزایش حداکثر سود نصیب شما خواهد شد.

اما همان طور که گفته می شود: «منفعت بیشتر به معنی ریسک بیشتر است.»

اگر مقیاس گذاری به نادرستی انجام شود، ارزش حساب شما سریعتر از حتی فکر کردن به کلیک روی گزینه بستن معامله کاهش خواهد یافت. قبل از این که با آن آشنا شوید، شما به صفحه کامپیوتر خود زل خواهید زد و در حالی که چشمانتان باز است، شاهد کال مارجین (margin call) شدن حساب خود هستید.

حال، ما نمی خواهیم که این اتفاق رخ دهد؛ نه؟

بنابراین، به کلاس توجه داشته باشید!

آنچه «روش درست» را از «روش نادرست» جدا می کند، قابلیت سودآوری حساب باز شماست و آن در زمانی است که شما به حساب خود اضافه می کنید، چه میزان بیشتر به حساب خود اضافه می کنید و چگونه نقاط توقف حساب خود را اصلاح می کنید.

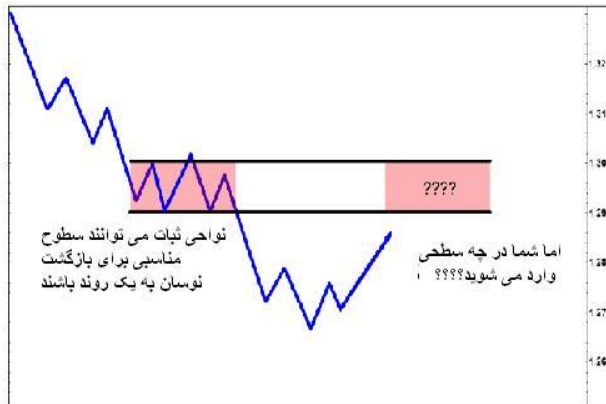
در دو بخش بعدی، ما دو سناریوی بالقوه برای مقیاس گذاری یک معامله را به شما آموزش خواهیم داد. چون معامله گران قبل از هر چیز مدیران ریسک هستند، همچنین به «مخالفت ها» با اضافه کردن به یک حساب باز اشاره خواهیم کرد.

### مقیاس گذاری در معاملات ضررده

اولین سناریو مستلزم اضافه کردن چند واحد به معاملات شما در زمانی است که معامله شما به ضرر شما پیش می رود. اضافه کردن واحدهای بیشتر به یک معامله زیان ده یک ترفند است و ازدیدگاه ما، این کار تا حد زیادی نباید توسط یک معامله گر جدید انجام شود. اگر معامله شما به طور وضوح معامله ای زیان ده است، پس چرا واحدهایی را به معامله خود اضافه کنید و بیشتر ضرر کنید!! این کار بی معنی است؛ نه؟

ما می گوئیم «تا حد زیادی» زیرا اگر شما بتوانید واحدهایی را به معامله زیان ده خود اضافه کنید و اگر ترکیب ریسک پوزیشن اولیه شما و ریسک پوزیشن جدید شما در ناحیه عاری از ریسک قرار بگیرد، آنگاه شرایط برای انجام این کار مناسب است. برای این که چنین رویدادی رخ دهد، مجموعه مشخصی از قواعد را باید دنبال کرد تا اصلاحات این معامله اطمینان بخش باشند. قواعد یاد شده به شرح زیر هستند:

۱. تعیین نقطه توقف ضرر لازم و ضروری است و باید از آن تبعیت کرد.
  ۲. سطوح ورودی پوزیشن باید قبل از این که معامله آغاز شده باشد، برنامه ریزی شده باشد.
  ۳. اندازه های پوزیشن باید از قبل محاسبه شوند و ریسک کل ترکیب معاملات همچنان در ناحیه عاری از ریسک باشد.
- بیا بید نمونه ای از یک معامله ساده را بررسی کنیم تا ببینیم این کار چگونه انجام می شود.



از روی نمودار فوق، می توان ملاحظه کرد که نرخ جفت ارزی به پایین تر از 1.3200 رسیده است و تا قبل از این که سطح پایین شکسته شود، بازار شاهد اندکی ثبات بین خطوط قیمتی 1.2900 و 1.3000 بوده است. پس از رسیدن به پایین ترین سطح در حوالی 1.2700 تا 1.2800، نرخ جفت ارزی به ناحیه ثبات اخیر بازگشته است. حال، فرض کنید که به گمان شما قیمت جفت ارزی یاد شده به قسمت پایین باز خواهد گشت اما شما از رسیدن قیمت به یک نقطه بازگشت دقیق مطمئن نیستید. تعدادی سناریو از نحوه ورود شما به معامله و داد و ستد وجود دارد.

در نقطه شکست سطح مقاومت/حمایت 1.2900 اقدام به فروش کنید. این نقطه کف سطح ثبات است. ایراد ورود در نقطه 1.2900 این است که ممکن است قیمت جفت بیشتر افزایش یابد و شما به طور بالقوه توانسته باشید با قیمت بهتر وارد معامله شوید.

صبر کنید تا نرخ جفت ارزی به بالای ناحیه ثبات که 1.3000 باشد، برسد. احتمالاً، این سطح به لحاظ روانشناسی سطح مهمی باشد- به لحاظ بالقوه سطح مقاومت بزرگی باشد. اما اگر شما صبر کنید که ببینید آیا قیمت بازار به 1.3000 می رسد، آنگاه، در بازار ریسک می کنید تا قیمت به هر وسیله به آن نقطه نرسد و به سطح پایین تر برسد و این در حالی است که شما بازگشت قیمت به روند نزولی را از دست می دهید.

شما می توانید صبر کنید تا زمانی که قیمت جفت ارزی ناحیه مقاومت بالقوه را بیازماید و آنگاه، قبل از وارد شدن به معامله، به زیر سطح قیمتی 1.2900 بازگردد. این وضعیت احتمالاً محافظه کارانه ترین حالت باشد زیرا شما به این باور می رسید که فروشندگان تحت کنترل قرار می گیرند اما شما بار دیگر فرصت دسیتابی به روند نزولی در یک قیمت بهتر را از دست می دهید.

چه کاری باید انجام داد؟ چرا با دو نرخ 1.2900 و 1.3000 وارد معامله نشویم؟ آیا این کار عملی است؟ قطعاً، همین طور است. تا زمانی که شما همه اینها را قبل از معامله یادداشت کنید و از طرح پیروی کنید، این کار عملی است.

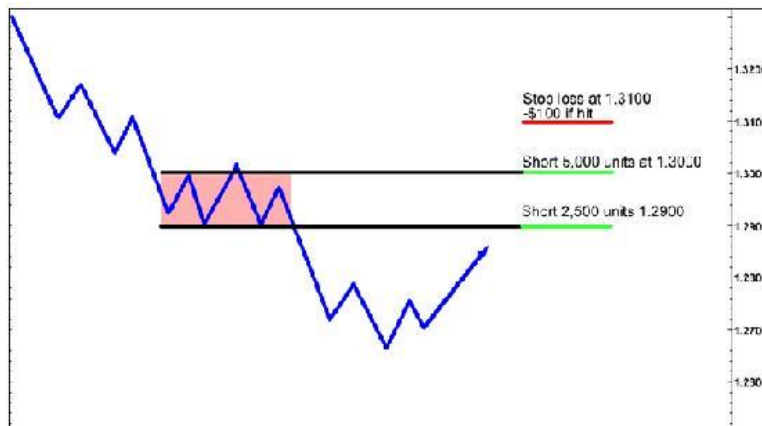
بیاید سطح توقف خود را تعیین کنیم. برای سهولت در کار، فرض کنید که شما نرخ 1.3000 را به عنوان سطح هشدار نسبت به وقوع اشتباه و تداوم سیر صعودی قیمت بازار انتخاب کنید. این نقطه جایی است که شما از معامله خود خارج می شود.

ثانیاً، بیاید سطح قیمت ورودی خود را تعیین کنیم. سطح حمایت/ مقاومت در 1.2900 و 1.3000 بوده است، بنابراین، شما واحدهایی را به معامله خود اضافه خواهید کرد.

ثالثاً، ما اندازه های درست پوزیشن را محاسبه خواهیم کرد تا پوزیشن در ناحیه عاری از ریسک بماند. فرض کنید که شما یک حساب ۵۰۰۰ دلاری دارید و فقط می خواهید به اندازه ۲٪ حساب خود ریسک کنید. این بدین معنی است که شما ریسک ۱۰۰ دلاری (۱۰۰ دلار =  $5000 \times 0.2$ ) در این معامله را می پذیرید.

یک راه برای سازماندهی این معامله وجود دارد: ۲۵۰۰ واحد جفت EUR/VSD را با قیمت 1.2900 به فروش برسانید. بر اساس محاسبات ارزش پیپ، ۲۵۰۰ واحد جفت EUR/USD به این معنی است که ارزش هر پیپ جابجایی 0.25 دلار است. با توجه به نقطه توقف ضرر شما در 1.3100، شما از یک نقطه توقف ۱۰۰ پیپی در معامله خود برخوردار هستید و اگر قیمت جفت به نقطه توقف شما رسید، ۵۰ دلار ضرر خواهید کرد (ارزش هر پیپ جابجایی  $(0.50\$)$  × قیمت نقطه توقف ضرر (پیپ ۲۰۰)).

در حالت ترکیبی، میزان ضرر ۱۰۰ دلار است و این در صورتی است که شما معامله را متوقف کرده باشید.



کاملاً آسان است؛ نه؟ ما معامله ای را ایجاد کرده ایم که می توانیم با قیمت 1.2900 وارد آن معامله شویم و حتی اگر نرخ بازار افزایش یافته باشد و معامله ای زیان ده ایجاد شده باشد، ما می توانیم وارد معامله دیگر شویم و در محدوده پارامترهای معمولی ریسک معامله ای ایمن داشته باشیم.

جالب است بدانید، ترکیب دو معامله باعث ایجاد معامله فروش ۷۵۰۰ واحدی جفت EUR/VSD با میانگین قیمتی 1.2966 و اسپرید ۱۳۴ پیپی نقطه توقف ضرر می شود.

اگر به دنبال آغاز شدن هر دو معامله قیمت بازار کاهش یابد، آنگاه نسبت بازده به ریسک ۱:۱ (۱۰۰ دلار) در صورتی حاصل می شود که قیمت بازار به 1.2832 برسد (1.2966 (میانگین قیمت ورودی) - 134 پیپ (نقطه توقف شما)). چون اکثر معامله شما با قیمت بهتر 1.3000 آغاز شده است، نرخ برابری EUR/USD نباید از ناحیه مقاومت بسیار فاصله بگیرد تا سود بالا حاصل شود. بسیار خوب!!

## اضافه کردن به یک معامله سودده

اگر شما به وجود یک حرکت روند دار بزرگ پی ببرید، مقیاس گذاری آن معامله اقدامی اصلاحی بزرگ در جهت افزایش حداکثر سود شماست.

درست مانند پیتر پارکر (Peter Parker)، با وجود بازده بیشتر ریسک بیشتری هم وجود دارد. بنابراین، قواعدی برای اضافه کردن مطمئن واحدها به یک معامله باز وجود دارد. بیایید این قواعد را مرور کنیم.

قواعدی برای اضافه کردن مطمئن واحدها به یک معامله برنده:

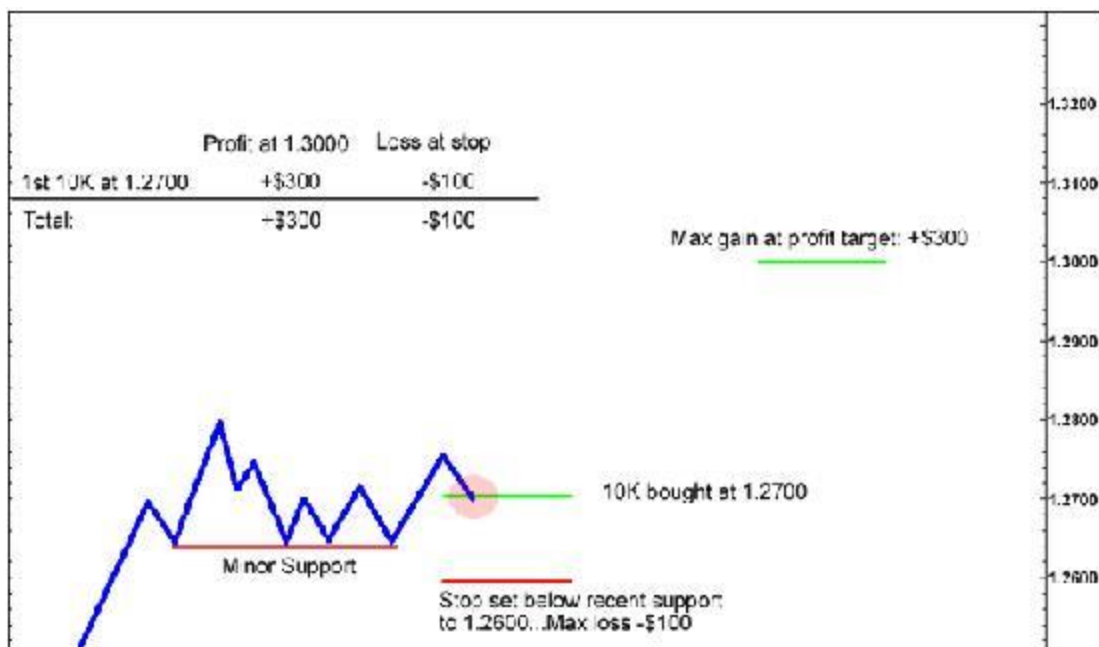
۱. ورودی سطوح را برای واحدهای اضافی از قبل تعیین کنید.
۲. ریسک خود را با واحدهای اضافی افزوده شده محاسبه کنید.
۳. نقطه توقف ضرر را دنبال کنید تا رشد معامله در محدوده پارامترهای عاری از ریسک همچنان حفظ شود.

به منظور توضیح بهتر این استراتژی، مثال ساده ای را مرور می کنیم... مرور کنیم؟! ما تام (Tom) را داریم که «معامله گر روند» است و از نزدیک نرخ جفت ارزی EUR/USD را مشاهده می کند و بعد از وقوع مقداری ثبات، او فکر می کند که معامله گران قیمت جفت ارزی یاد شده را بالا خواهند برد و این موضوع او را به سوی برنامه ریزی جهت خرید مقداری یورو با نرخ برابر EUR/USD 1.2700 سوق می دهد.

اولاً، او ملاحظه می کند که ثبات اخیر در عمل هرگز به زیر سطح 1.2650 نرسیده است. بنابراین، او تصمیم می گیرد که نقطه توقف ضرر خود را در زیر سطح یاد شده در نقطه 1.2600 تعیین کند.

تام همچنین فکر می کند که چون این سطح از نظر روانشناسی سطح مقاومت مشخص است، سطح 1.3000 سطح خوبی برای کسب سود است زیرا ممکن است افزایش قیمت در این سطح متوقف شود.

تام 10K واحد جفت EUR/USD را با قیمت 1.2700 خریداری می کند و نقطه توقف اولیه خود را 1.2600 قرار می دهد...ریسک کل پوزیشن \$100 است و سود حاصل در نقطه هدف \$300+ می باشد.



با نقطه توقف ۱۰۰ پیپی و سود هدف ۳۰۰ پیپی، نسبت ریسک به بازده او معادل ۱:۳ است. تا حدی جالب است، نه؟

او معمولاً در هر معامله به اندازه ۲٪ حساب خود ریسک می کند اما او این بار واقعاً به این معامله اطمینان دارد و با توجه نسبت خوب ریسک به بازده، او تصمیم می گیرد که در صورتی که قیمت بازار در جهت موافق پوزیشن او باشد، چند واحد به معامله خود اضافه کند.

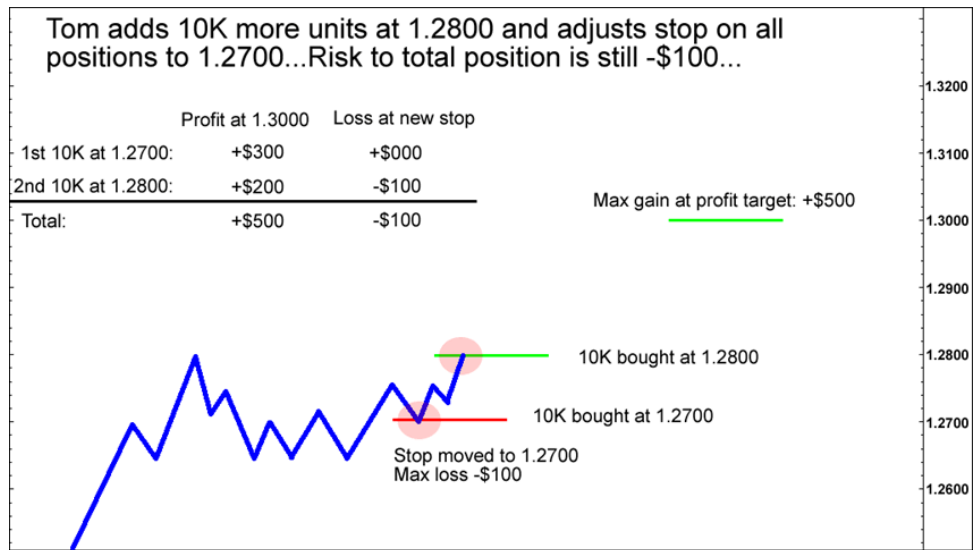
او به این نتیجه می رسد که به ازای هر ۱۰۰ پیپ واحدهای بیشتری را به معامله خود اضافه خواهد کرد و نقطه توقف خود را روی ۱۰۰ پیپ تعیین خواهد کرد. چون او قصد اضافه کردن واحدهای بیشتر به معامله خود دارد، تصمیم می گیرد که با ریسک اولیه ۱٪ کار خود را آغاز کند.

با حساب اولیه ۱۰۰۰۰ دلاری، ریسک اولیه تام ۱۰۰ دلار خواهد بود ( $10000\$ \times 0.01 = 100$ ).

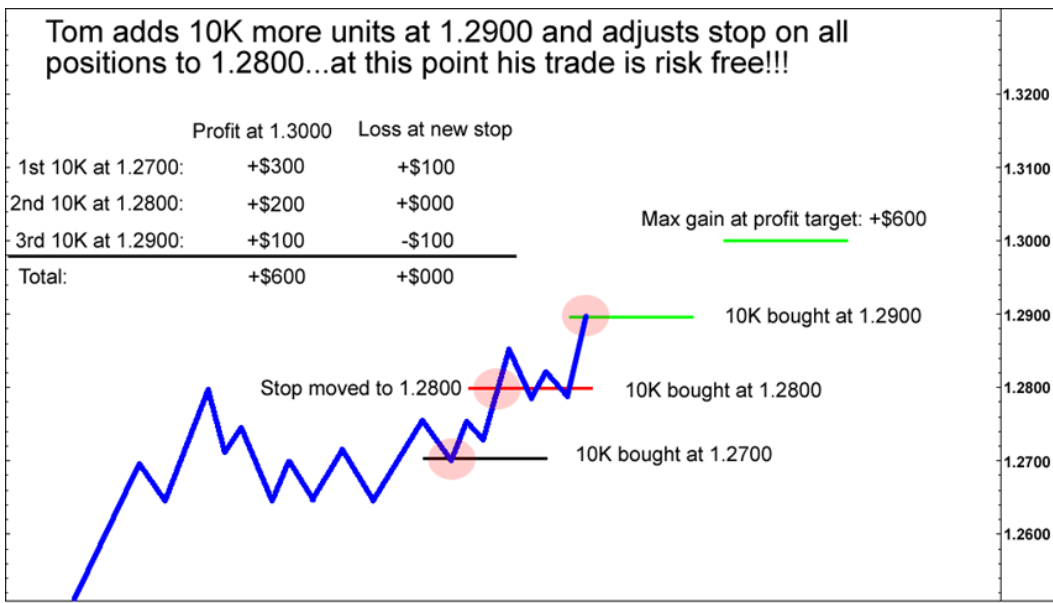
با نقطه توقف ۱۰۰ پیپی و ریسک ۱۰۰ دلار، او اندازه پوزیشن اولیه خود را روی ۱۰۰۰۰ واحد تعیین کرده است (اندازه های پوزیشن را می توان با استفاده از ماشین حساب اندازه بندی پوزیشن محاسبه کرد)، او به ازای هر ۱۰۰ پیپ ۱۰۰۰۰ واحد به معامله خود اضافه خواهد کرد و نقطه توقف خود را به ازای هر ۱۰۰ پیپ قرار خواهد داد.

بیاید گام به گام به تغییر حاصل در نسبت ریسک به بازده به ازای هر بار اضافه کردن نگاه کنیم.

تام 10K واحد بیشتر در سطح قیمتی 1.2800 اضافه می کند و در همه پوزیشن ها نقطه توقف را در 1.2700 قرار می دهد...ریسک کل پوزیشن هنوز \$100 است.

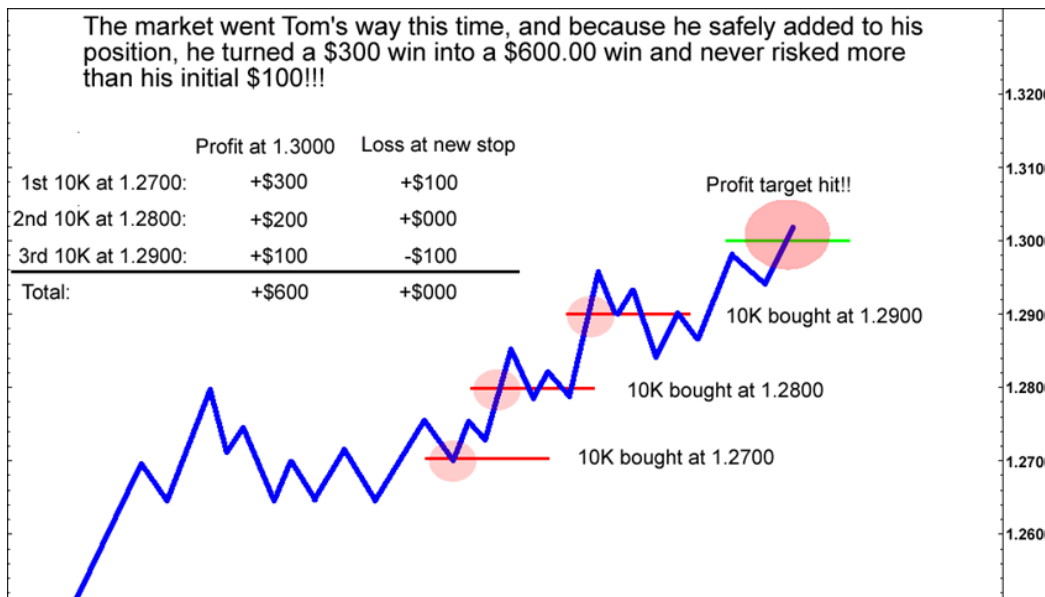


تام 10K واحد بیشتر در سطح قیمتی 1.2900 اضافه می کند و در همه پوزیشن ها نقطه توقف را روی 1.2800 تعیین می کند... در این نقطه، معامله او عاری از ریسک است.





این بار قیمت بازار موافق شرایط تام بوده است و چون او به طور مطمئن به پوزیشن خود افزوده است، او برد ۳۰۰ دلاری را به یک برد ۶۰۰۰۰ دلاری تبدیل کرد و هیچ وقت بیش از ریسک اولیه ۱۰۰ دلاری خود ریسک نکرد.



این مثال ساده روش پایه نحوه افزودن مطمئن واحدها به معاملات برنده و میزان مؤثر بودن آن در به حداکثر رساندن سود شما را نشان می دهد.

اکنون و قبل از اینکه هر معامله برنده خود را آغاز کنید، باید آگاه باشید که افزودن به معامله برنده ممکن است بهترین ابزار برای هر فضا یا شرایط بازار نباشد.

به طور کلی، مقیاس گذاری معاملات برنده برای بازارهای تعقیب روند یا دارای تغییرات شدید روزانه بهترین گزینه است. چون شما در حالی به پوزیشن خود اضافه می کنید که موافق شرایط شما پیش برود، میانگین قیمت بازگشایی معامله شما در جهت تغییر نیز پیش می رود. این بدین معنی است که اگر قیمت بازار پس از اضافه کردن به معامله برخلاف شرایط پوزیشن شما مجدداً سقوط کند، قیمت بازار نباید تا جایی پیش برود که معامله شما در ناحیه منفی قرار گیرد. همچنین شما باید بدانید که مقیاس گذاری معامله برنده در بازارهای کران دار یا در بازه های با نقدینگی پایین اغلب دست شما را برای متوقف کردن معامله باز می گذارند.

در نهایت، با اضافه کردن به پوزیشن خود، شما همچنین از هرگونه حاشیه اعتبار موجود استفاده می کنید. این موقعیت همه حاشیه اعتبار را که می توان در معاملات دیگر استفاده کرد، می بلعد. به شما هشدار داده شده است!

## همبستگی ارزشا چیست؟

آیا تا به حال متوجه شده‌اید که وقتی یک جفت ارز خاص افزایش می‌یابد، جفت ارز دیگری سقوط می‌کند؟ یا وقتی یک جفت ارز سقوط می‌کند، ظاهراً جفت ارز دیگری آن را تقلید کرده و سقوط می‌کند؟

اگر پاسخ‌تان «مثبت» است، همین الان شاهد همبستگی ارز در عمل بوده‌اید!

اگر پاسخ‌تان «منفی» است، باید بی‌خیال کارهای کم‌اهمیت‌تر مانند خواب، غذا خوردن، بازی یا Angry Birds شوید و به جای آن زمان بیشتری را صرف مطالعه نمودارها کنید.

اما نگران نباشید چون قصد داریم با اصول اولیه شروع کنیم.

ارز، همبستگی.

کلمه اول... آسان است. ارز. نیاز به هیچ توضیحی ندارد.

کلمه دوم... باز هم آسان است. همبستگی: رابطه بین دو چیز.

در دنیای مالی، همبستگی به معنی اندازه‌گیری آماری از نحوه حرکت دو ارز در رابطه با یکدیگر است.

پس، همبستگی ارز به ما می‌گوید که در یک دوره زمانی دو جفت ارز در یک جهت، جهت مخالف یا کاملاً تصادفی حرکت می‌کنند.

هنگام معامله ارز، مهم است به یاد داشته باشید که چون ارزها به صورت جفتی معامله می‌شوند، هیچ جفت ارزی کاملاً جدا نیست.

به غیر از مواردی که می‌خواهید فقط یک جفت را در یک زمان معامله کنید، بسیار مهم است درک کنید که جفت ارزهای مختلف در رابطه با یکدیگر چگونه حرکت می‌کنند، به خصوص اگر نمی‌دانید که همبستگی ارزها چگونه می‌تواند میزان ریسک حساب معاملاتی‌تان را تحت تاثیر قرار دهد.

اگر نمی‌دانید هنگام معامله چند جفت ارز به طور همزمان در حساب معاملاتی‌تان چه کار می‌کنید، ممکن است نابود شوید! نابود!

در این درس، یاد می‌گیرید که همبستگی ارز چیست و چگونه می‌توانید از آن کمک بگیرید تا تبدیل به معامله‌گر باهوش‌تر شوید و تصمیمات مدیریت ریسک مسئولانه‌تر بگیرید.



همبستگی با ضریب همبستگی محاسبه می‌شود که بین  $-1$  و  $+1$  است.

همبستگی مثبت کامل (ضریب همبستگی  $+1$ ) نشان می‌دهد که دو جفت ارز، همیشه در یک جهت حرکت خواهند کرد.

همبستگی منفی کامل (ضریب همبستگی  $-1$ ) بدین معنی است که دو جفت ارز، همیشه در جهت مخالف حرکت خواهند کرد.

اگر همبستگی صفر باشد، حرکت‌های بین دو جفت ارز بدون همبستگی است، آنها کاملاً مستقل و تصادفی از یکدیگرند. اصلاً نمی‌دانیم یک جفت در رابطه با دیگری چگونه حرکت خواهد کرد.

### نحوه خواندن جداول همبستگی ارز

نگاهی به جداول زیر بیندازید. هر جدول رابطه بین هر جفت ارز اصلی (به رنگ نارنجی) و سایر جفت ارزها (به رنگ سفید) را در بازه‌های زمانی مختلف نشان می‌دهد.

به یاد داشته باشید، همبستگی ارز به صورت ضریب همبستگی ارائه می‌شود، عددی بین -۱.۰۰ و +۱.۰۰.

ضریب نزدیک به +۱ نشان می‌دهد که دو جفت ارز دارای همبستگی مثبت قوی اند و به احتمال زیاد در یک جهت حرکت خواهند کرد.

در همین زمینه، ضریب نزدیک به -۱ نشان می‌دهد که دو جفت ارز هنوز هم دارای همبستگی قوی اند اما منفی، در نتیجه جفت‌ها در دو جهت مخالف حرکت می‌کنند.

ضریب نزدیک به صفر نشان می‌دهد که رابطه بسیار ضعیف یا تصادفی است.

### همبستگی‌های EUR/USD

	EUR/US D	USD/JP Y	USD/CH F	GBP/US D	USD/CA D	AUD/US D	NZD/US D	EUR/JP Y	EUR/GB P
۱ هفته	-0.23	-1.00	0.94	-0.98	0.98	0.93	0.93	0.93	0.86
۱ ماه	0.63	-0.98	0.13	-0.90	0.90	0.96	0.91	0.91	0.86
۳ ماه	-0.62	-0.92	0.83	0.14	0.63	0.42	0.61	0.61	0.75
۶ ماه	-0.62	-0.85	0.31	-0.35	0.61	0.65	0.28	0.28	0.71
۱ سال	-0.69	-0.98	0.88	-0.93	0.95	0.96	0.66	0.66	0.02

همبستگی های USD/JPY

	USD/JP Y	EUR/US D	USD/CH F	GBP/US D	USD/CA D	AUD/US D	NZD/US D	EUR/JP Y	EUR/GB P
۱ هفته	-0.23	0.22	-0.21	0.07	-0.22	0.07	0.14	-0.20	
۱ ماه	0.63	-0.52	-0.35	-0.58	0.46	0.64	0.89	0.77	
۳ ماه	-0.62	0.52	-0.62	-0.40	-0.30	0.09	0.24	-0.35	
۶ ماه	-0.62	0.78	0.14	0.43	-0.70	-0.63	0.58	-0.68	
۱ سال	-0.69	0.74	-0.51	0.67	-0.69	-0.69	0.09	-0.20	

همبستگی های USD/CHF

	USD/CH F	EUR/US D	USD/JP Y	GBP/US D	USD/CA D	AUD/US D	NZD/US D	EUR/JP Y	EUR/GB P
۱ هفته	-1.00	0.22	-0.95	0.98	-0.99	-0.95	-0.93	-0.83	
۱ ماه	-0.98	-0.52	-0.24	0.89	-0.93	-0.94	-0.87	-0.79	
۳ ماه	-0.92	0.52	-0.79	0.14	-0.78	-0.57	-0.62	-0.67	
۶ ماه	-0.85	0.78	-0.07	0.66	-0.88	-0.86	0.06	-0.74	
۱ سال	-0.98	0.74	-0.87	0.96	-0.98	-0.98	-0.58	-0.01	

همبستگی های GBP/USD

	GBP/US D	EUR/US D	USD/JP Y	USD/CH F	USD/CA D	AUD/US D	NZD/US D	EUR/JP Y	EUR/GB P
۱ هفته		0.94	-0.21	-0.95	-0.90	0.94	0.87	0.88	0.64
۱ ماه		0.13	-0.13	-0.24	-0.26	0.31	0.20	-0.10	-0.39
۳ ماه		0.83	-0.62	-0.79	0.21	0.70	0.49	0.41	0.26
۶ ماه		0.31	0.14	-0.07	0.17	-0.02	-0.16	0.49	-0.45
۱ سال		0.88	-0.51	-0.87	-0.89	0.87	0.86	0.69	-0.45

همبستگی های USD/CAD

	USD/CA D	EUR/US D	USD/JP Y	USD/CH F	GBP/US D	AUD/US D	NZD/US D	EUR/JP Y	EUR/GB P
۱ هفته	-0.98		0.07	0.98	-0.90	-0.98	-0.98	-0.97	-0.88
۱ ماه	-0.89		-0.58	0.89	-0.26	-0.96	-0.96	-0.83	-0.70
۳ ماه	0.14		-0.40	0.14	0.21	-0.41	-0.56	-0.23	-0.02
۶ ماه	-0.35		0.43	0.66	0.17	-0.83	-0.77	0.16	-0.45
۱ سال	-0.93		0.67	0.96	-0.89	-0.97	-0.96	-0.59	0.13

همبستگی‌های AUD/USD

	AUD/US D	EUR/US D	USD/JP Y	USD/CH F	GBP/US D	USD/CA D	NZD/US D	EUR/JP Y	EUR/GB P
۱ هفته	0.98	-0.22	-0.99	0.94	-0.98	0.95	0.92	0.83	
۱ ماه	0.90	0.46	-0.93	0.31	-0.96	0.94	0.76	0.67	
۳ ماه	0.63	-0.30	-0.78	0.70	-0.41	0.87	0.48	0.28	
۶ ماه	0.61	-0.70	-0.88	-0.02	-0.83	0.91	-0.23	0.58	
۱ سال	0.95	-0.69	-0.98	0.87	-0.97	0.99	0.59	-0.0	

همبستگی‌های NZD/USD

	NZD/US D	EUR/US D	USD/JP Y	USD/CH F	GBP/US D	USD/CA D	AUD/US D	EUR/JP Y	EUR/GB P
۱ هفته	0.93	0.07	-0.95	0.87	-0.98	0.95	0.98	0.83	
۱ ماه	0.96	0.64	-0.94	0.20	-0.96	0.94	0.90	0.79	
۳ ماه	0.42	0.09	-0.57	0.49	-0.56	0.87	0.61	0.17	
۶ ماه	0.65	-0.63	-0.86	-0.16	-0.77	0.91	-0.09	0.72	
۱ سال	0.96	-0.63	-0.98	0.86	-0.96	0.99	0.61	0.00	

همبستگی‌های EUR/JPY

	EUR/JP Y	EUR/US D	USD/JP Y	USD/CH F	GBP/US D	USD/CA D	AUD/US D	NZD/US D	EUR/GB P
۱ هفته	0.93	0.14	-0.93	0.88	-0.97	0.92	0.98	0.81	
۱ ماه	0.91	0.89	-0.84	-0.10	-0.83	0.76	0.90	0.90	
۳ ماه	0.61	0.24	-0.62	0.41	-0.23	0.48	0.61	0.58	
۶ ماه	0.28	0.58	0.06	0.49	0.16	-0.23	-0.09	-0.09	
۱ سال	0.66	0.09	-0.58	0.69	-0.59	0.59	0.61	-0.20	

همبستگی‌های EUR/GBP

	EUR/GB P	EUR/US D	USD/JP Y	USD/CH F	GBP/US D	USD/CA D	AUD/US D	NZD/US D	EUR/JP Y
۱ هفته	0.86	-0.20	-0.83	0.64	-0.88	0.83	0.83	0.81	
۱ ماه	0.86	0.77	-0.79	-0.39	-0.70	0.67	0.79	0.90	
۳ ماه	0.75	-0.35	-0.67	0.26	-0.02	0.28	0.17	0.58	
۶ ماه	0.71	-0.68	-0.74	-0.45	-0.45	0.58	0.72	-0.09	
۱ سال	0.02	-0.20	-0.01	-0.45	0.13	-0.03	0.00	-0.20	

## ریسک خود را کنترل کنید



وقتی به طور همزمان چند جفت ارز را در حساب خود معامله می‌کنید، همیشه مطمئن شوید که از میزان ریسک خود را تحت کنترل دارید.

ممکن است فکر کنید که با معامله در جفت‌های مختلف، ریسک خود را پخش می‌کنید اما بسیاری از جفت ارزها تمایل به حرکت در یک جهت دارند.

اجازه دهید مثالی شامل دو جفت بسیار همبسته در دوره یک هفته‌ای را بررسی کنیم: EUR/USD و GBP/USD.

	EUR/USD	USD/JPY	USD/CHF	GBP/USD	USD/CAD	AUD/USD	NZD/USD	EUR/JPY	EUR/GBP
	D	Y	F	D	D	D	D	Y	P
۱ هفته	-0.23	-1.00	0.94	-0.98	0.98	0.93	0.93	0.93	0.86
۱ ماه	0.63	-0.98	0.13	-0.90	0.90	0.96	0.91	0.91	0.86
۳ ماه	-0.62	-0.92	0.83	0.14	0.63	0.42	0.61	0.61	0.75
۶ ماه	-0.62	-0.85	0.31	-0.35	0.61	0.65	0.28	0.28	0.71
۱ سال	-0.69	-0.98	0.88	-0.93	0.95	0.96	0.66	0.66	0.02

بر اساس جدول و با ضریب همبستگی ۰.۹۴، بدیهی است که همبستگی بالایی در این جفت ارز خاص وجود دارد. EUR/USD تمایل شدیدی دارد که در کنار GBP/USD باشد و همپای او حرکت کند!

تصویر کلی را دیدید. نکته این است که این دو جفت دست در دست هم آواز می‌خوانند و با هم جست و خیز می‌کنند. برای اثبات اینکه اعداد دروغ نمی‌گویند، نمودار ۴ ساعته‌شان را در زیر می‌بینید. دقت کنید که هر دوی آنها در یک جهت (پایین) حرکت می‌کنند.





با بازگشت به موضوع ریسک، می‌توانیم ببینیم که باز کردن موقعیت در هر دوی EUR/USD و GBP/USD عین دو برابر کردن یک موقعیت است.

برای مثال، خرید ۱ لات EUR/USD و ۱ لات GBP/USD در واقع معادل خرید ۲ لات EUR/USD است چون هر دوی آنها در یک جهت حرکت می‌کنند.

به عبارت دیگر، دارید ریسک خود را افزایش می‌دهید. اگر EUR/USD و GBP/USD را خرید کنید، دو بار شانس اشتباه کردن ندارید! فقط یک شانس دارید چرا که اگر EUR/USD سقوط کند و شما توقف کنید، GBP/USD به احتمال زیاد سقوط خواهد کرد و شما را هم متوقف خواهد کرد (یا برعکس).

همچنین نمی‌خواهید به طور همزمان به خرید EUR/USD و فروش GBP/USD بپردازید چون اگر EUR/USD به شدت افزایش یابد، آنگاه GBP/USD نیز احتمالاً به شدت افزایش می‌یابد و حاصل آن برای شما چیست؟

اگر فکر می‌کنید که سود یا زیان شما همیشه صفر خواهد بود، در اشتباهید. EUR/USD و GBP/USD دارای مقادیر حرکتی مختلفند و همبستگی بالای آنها بدین معنا نیست که همیشه در یک محدوده دقیق حرکت می‌کنند.

نوسانات در جفت ارزها بی‌ثبات است. EUR/USD می‌تواند ۲۰۰ پیپ افزایش یابد، در حالی که GBP/USD فقط ۱۹۰ پیپ بالا می‌رود. اگر این اتفاق بیفتد، زیان از معامله GBP/USD (چون فروخته اید)، تقریباً تنها سود از معامله EUR/USD را می‌بلعد.

حالا تصور کنید که EUR/USD جفت ارزی بود که ۱۹۰ پیپ حرکت کرد و GBP/USD حرکت بزرگتر ۲۰۰ پیپ را داشت. قطعاً ضرر می‌کردید!

فروختن یک جفت ارز و خریدن جفت ارز دیگری که همبستگی بالا دارند بسیار خطرناک است.

غیر از اینکه کارمزد را دو بار پرداخت می‌کنید، سود خود را به حداقل می‌رسانید زیرا یک جفت ارز سود جفت ارز دیگر را می‌بلعد. و حتی بدتر از آن، در پایان می‌توانید با توجه به ارزش پیپ‌ها و نوسانات ارزها، ضرر کنید.

بیا باید نگاهی به مثال دیگری بیندازیم. این بار با EUR/USD و USD/CHF.

در حالی که شاهد همبستگی مثبت قوی با GBP/USD بودیم، EUR/USD دارای همبستگی بسیار منفی با USD/CHF است.

اگر به همبستگی یک هفته‌ای آنها نگاه کنید، دارای ضریب همبستگی کامل -۱.۰۰ است. منفی‌تر از این نمی‌شود! آنها چشم‌دین یکدیگر را ندارند!

EUR/USD و USD/CHF مثل کارد و پنیرند، مثل منچستر یونایتد و لیورپول.

این دو جفت کاملاً در جهت مخالف حرکت می‌کنند. نمودارها را بررسی کنید:





موقعیت‌های مخالف، در دو جفت همبسته منفی، می‌تواند شبیه به گرفتن یک موقعیت در دو جفت همبسته بسیار مثبت باشد.

خرید EUR/USD و فروش USD/CHF عین دو برابر کردن یک موقعیت است. برای مثال، اگر به خرید ۱ لات EUR/USD و فروش ۱ لات USD/CHF بپردازید، در واقع دارید ۲ لات EUR/USD می‌خرید، چرا که اگر EUR/USD بالا رود، آنگاه USD/CHF پایین می‌رود، و از هر دو جفت سود کسب می‌کنید.

دانستن اینکه با این کار، ریسک خود را در حساب معاملاتی تان افزایش داده‌اید، مهم است. با بازگشت به مثال فروختن EUR/USD و خریدن USD/CHF، اگر EUR/USD مثل سنگ سقوط کند، به احتمال زیاد هر دو معامله شما متوقف می‌شود و در نتیجه در هر دو ضرر می‌کنید. با تصمیم برای خرید EUR/USD یا فروش USD/CHF، به جای انجام دادن هر دو می‌توانید زیان خود را به حداقل برسانید.

از سوی دیگر، خرید (یا فروش) هر دوی EUR/USD و USD/CHF به طور همزمان معمولاً ناکارا خواهد بود زیرا در واقع دارید هر معامله را لغو می‌کنید.

از آنجا که دو جفت در جهت مخالف حرکت می‌کنند، یک طرف سود می‌کند، اما طرف دیگر ضرر می‌کند. بنابراین در نهایت کمی سود می‌کنید زیرا یک جفت ارز سود جفت دیگر را می‌بلعد.

## نحوه استفاده از همبستگی ارز در معامله

از جدول زیر به عنوان راهنما برای تفسیر مقادیر مختلف ضریب همبستگی ارز استفاده کنید.

۱.۰ - همبستگی معکوس کامل

۰.۸ - همبستگی معکوس بسیار قوی

۰.۶ - همبستگی معکوس قوی

۰.۴ - همبستگی معکوس متوسط

۰.۲ - همبستگی معکوس کم و ضعیف

صفر بدون همبستگی. کاملا تصادفی

۰.۲ همبستگی هم جهت بسیار ضعیف

۰.۴ همبستگی هم جهت ضعیف

۰.۶ همبستگی هم جهت متوسط

۰.۸ همبستگی هم جهت قوی

۱.۰ همبستگی هم جهت کامل

بنابراین در حال حاضر می‌دانید همبستگی ارز چیست و چگونه آن را از نمودار بخوانید. اما حتما به این فکر می‌کنید که چگونه استفاده از همبستگی‌های ارز، موجب موفق‌تر شدن معامله شما می‌شود؟ چرا نیاز به این مهارت شگرف در هنگام انجام معاملات خود دارید؟

دلایل متعددی وجود دارد:

۱. حذف معامله ناکارا

با استفاده از همبستگی‌ها می‌توانید از موقعیت‌هایی که یکدیگر را لغو می‌کنند، دوری کنید. همانطور که در جدول و مثال قبلی توضیح داده شد، می‌دانیم که EUR/USD و USD/CHF به صورت ۱۰۰٪ در جهت مخالف یکدیگر حرکت می‌کنند.

باز کردن موقعیت خرید در EUR/USD و همچنین خرید USD/CHF، غیر منطقی و گاهی اوقات پر هزینه است. علاوه بر دو بار پرداخت کارمزد، هر گونه حرکت قیمت، یک جفت را بالا می‌برد و دیگری را پایین.

۲. اهرم کردن سود

این فرصت را دارید تا موقعیت‌ها را برای به حداکثر رساندن سود دو برابر کنید. باز هم، نگاهی به رابطه ۱ هفته‌ای EUR/USD و GBP/USD از مثال قبلی می‌اندازیم.

این دو جفت دارای همبستگی مثبت و قوی هستند به طوری که می توان گفت GBP/USD پشت سر EUR/USD و تقریباً به طور گام به گام در حرکت است.

باز کردن موقعیت خرید برای هر جفت، در واقع مانند انجام آم موقعیت در جفت ارز EUR/USD و دو برابر کردن آن است. در واقع، دارید از ضریب اهرمی استفاده می کنید! اگر همه چیز خوب پیش رود، کلی سود می کنید و اگر همه چیز اشتباه پیش رود، کلی ضرر می کنید!

### ۳. تقسیم ریسک معاملاتی

درک وجود همبستگی، به شما اجازه می دهد تا از جفت ارزهای مختلف استفاده کنید اما هنوز هم براساس نقطه نظر خود حرکت کنید. به جای معامله یک جفت ارز واحد برای همیشه، می توانید ریسک را بین دو جفت ارز که مثل هم حرکت می کنند، پخش کنید. جفت هایی را انتخاب کنید که دارای همبستگی بسیار قوی اند (حدود ۰.۷). برای مثال، EUR/USD و GBP/USD تمایل به حرکت با هم دارند. همبستگی موجود بین این دو جفت ارز، فرصتی جهت تقسیم ریسک فراهم می کند و به کاهش ریسک کمک می کند. فرض کنید در USD صعودی هستید. به جای باز کردن دو لات موقعیت فروش در EUR/USD، می توانید یک لات EUR/USD را به فروش رسانده و یک لات نیز GBP/USD بفروشید که می تواند شما را در برابر ریسک محافظت کرده و موقعیت کلی تان را متنوع سازد.

در صورتی که دلار آمریکا به فروش برسد، ممکن است یورو کمتر از پوند تحت تاثیر قرار بگیرد.



### ۴. محافظت در برابر ریسک

اگرچه محافظت می تواند منجر به تحقق سود کمتر شود، همچنین می تواند به حداقل رساندن ضرر و زیان نیز کمک کند. اگر موقعیت خرید در EUR/USD باز کنید و این جفت ارز شروع به حرکت علیه شما کند، موقعیت خرید کوچک را در جفتی باز کنید که بر خلاف EUR/USD حرکت می کند مانند USD/CHF. در این حالت، از زیان بزرگ جلوگیری شد! می توانید از مقادیر مختلف پیپ برای هر جفت ارز استفاده کنید.

برای مثال، در حالی که EUR/USD و USD/CHF همبستگی معکوس کامل ۱.۰-

دارند، با این وجود ارزش پیپ متفاوتی دارند. با فرض اینکه مینی لات ۱۰۰۰۰ واحدی را معامله می‌کنید، یک پیپ برای EUR/USD برابر با ۱ دلار و یک پیپ برای USD/CHF برابر ۰.۹۳ دلار است.

اگر یک مینی لات EUR/USD بخرید، می‌توانید با خرید یک مینی لات USD/CHF، از معامله محافظت کنید. اگر EUR/USD به میزان ۱۰ پیپ سقوط کند، ۱۰ دلار ضرر می‌کنید. اما در معامله USD/CHF ۹.۳۰ دلار سود می‌کنید.

به جای اینکه ۱۰ دلار ضرر کنید، در حال حاضر تنها ۰.۷۰ دلار ضرر می‌کنید!

اگرچه محافظت عالی به نظر می‌رسد اما معایبی دارد. اگر EUR/USD افزایش یابد، سودتان به دلیل زیان از موقعیت USD/CHF، محدود است.

همبستگی می‌تواند در هر زمان تضعیف شود. تصور کنید اگر EUR/USD به میزان ۱۰ پیپ سقوط کند، و USD/CHF تنها ۵ پیپ افزایش یابد و یا ثابت بماند، میزان ضرر شما بیشتر خواهد شد.

پس هنگام محافظت دقت کنید!

۵. تایید شکست و جلوگیری از شکست

می‌توانید از همبستگی ارز، برای تایید سیگنال‌های ورود و خروج به معامله استفاده کنید. برای مثال، EUR/USD به نظر می‌رسد سطح حمایت قابل توجه را تست کند. شما اقدام قیمت را مشاهده می‌کنید و به دنبال فروش در سطح شکست هستید.

از آنجا که می‌دانید EUR/USD همبستگی مثبت با GBP/USD و همبستگی منفی با USD/CHF و USD/JPY دارد، چک می‌کنید تا ببینید که سه جفت دیگر با همان اندازه EUR/USD حرکت می‌کنند.

توجه کنید که GBP/USD نیز در نزدیکی سطح حمایت معامله می‌شود و هر دو جفت ارز USD/CHF و USD/JPY، در نزدیکی سطوح مقاومت معامله می‌شوند.

این به شما می‌گوید که حرکت اخیر مربوط به دلار آمریکا است و شکست احتمالی را برای EUR/USD تایید می‌کند زیرا سه جفت دیگر به طور مشابه حرکت می‌کنند. بنابراین تصمیم می‌گیرید که در شکست معامله می‌کنید.

حالا فرض کنید سه جفت دیگر با همان اندازه EUR/USD حرکت نمی‌کنند. GBP/USD ثابت می‌ماند و سقوط نمی‌کند، USD/JPY افزایش نمی‌یابد و USD/CHF به همان سمت حرکت می‌کند.

این معمولا علامت قوی است که کاهش EUR/USD مربوط به دلار آمریکا نیست و به احتمال زیاد از اخبار منفی اتحادیه اروپا آب می‌خورد.

در واقع قیمت ممکن است زیر سطح حمایتی که زیر نظر داشته‌اید، معامله شود اما از آنجا که سه جفت همبسته متناسب با EUR/USD حرکت نمی‌کنند، ادامه روند حرکت قیمت وجود نخواهد داشت و قیمت به بالای سطح حمایتی که منجر به شکست کاذب شد باز خواهد گشت.

اگر هنوز می‌خواهید این وضعیت را معامله کنید، از آنجا که «تایید همبستگی» از جفت‌های دیگر نداشتید، می‌توانید با کاهش ریسک خود و با حجم معاملاتی کم وارد شوید.

### بدانید که همبستگی ارزها تغییر می‌کند

بازار فارکس مانند بیمار اسکیزوفرنی مبتلا به اختلال دو قطبی است که به طور مداوم شکلات می‌خورد، قندش بالا می‌رود و در تمام طول روز نوسانات خلقی دارد!

اگر چه همبستگی‌های بین جفت ارزها می‌توانند برای روزها، هفته‌ها، ماه‌ها و یا حتی سال‌ها قوی یا ضعیف باشند، اما در نهایت تغییر می‌کنند و می‌توانند در زمانی که کمترین انتظار را دارید، تغییر کنند. همبستگی‌های قوی که این ماه می‌بینید، ممکن است در ماه آینده کاملاً متفاوت باشند. نگاهی به جدول ۱ بیندازید.

	USD/JPY	EUR/USD	USD/CHF	GBP/USD	USD/CAD	AUD/USD	NZD/USD	EUR/JPY	EUR/GBP
	Y	D	F	D	D	D	D	Y	P
۱ هفته	-0.23	0.22	-0.21	0.07	-0.22	0.07	0.14	-0.20	
۱ ماه	0.63	-0.52	-0.35	-0.58	0.46	0.64	0.89	0.77	
۳ ماه	-0.62	0.52	-0.62	-0.40	-0.30	0.09	0.24	-0.35	
۶ ماه	-0.62	0.78	0.14	0.43	-0.70	-0.63	0.58	-0.68	
۱ سال	-0.69	0.74	-0.51	0.67	-0.69	-0.69	0.09	-0.20	

ضرایب یک جفت ارز خاص را در دوره‌های زمانی مختلف، مقایسه کنید.

آیا متوجه چیزی شدید؟

در اکثر موارد (با تشکر از، USD/JPY!)، آنها در سراسر دوره متفاوتند و از یک دوره تا دوره دیگر، تغییر می‌کنند. و در همه جهات تغییر می‌کنند.

نکته مهم این است که همبستگی‌ها اغلب تغییر می‌کنند. و می‌توانند با اندازه زیاد در دوره زمانی کوتاه تغییر کنند، همانطور که از نگاه به EUR/USD در فاصله زمانی ۱ ماه و ۳ ماه آشکار است.

این نوسان بزرگی است!

به دلیل تغییر تمایلات بازار ارز، مطمئن شوید که از همبستگی کنونی ارزها آگاهید.

برای مثال، در دوره یک هفته‌ای، همبستگی بین USD/JPY و USD/CHF به میزان 0.22 بود. این ضریب همبستگی بسیار کم است و نشان می‌دهد که جفت‌ها همبستگی ناچیزی دارند.

با این حال، اگر به داده‌های سه ماهه برای مدت زمان مشابه نگاه کنید، این رقم به ۰.۵۲ و سپس به ۰.۷۸ برای مدت شش ماه و در نهایت به ۰.۷۴ برای یک سال افزایش می‌یابد.

در این مثال، می‌توانید ببینید که این دو جفت ارز دارای «شکست» در رابطه همبستگی بلند مدت خود هستند. آنچه زمانی همبستگی بسیار مثبت در بلند مدت بود، در کوتاه مدت بسیار ضعیف شده است.

اگر آنها یک زوج واقعی بودند و فقط یک ماه یا کمتر با هم قرار در تماس بودند، فکر می‌کردید که ناسازگارند.

اگر به EUR/USD و GBP/USD نگاه کنید، مثالی از میزان تغییر و پرش همبستگی ارزشها را مشاهده خواهید کرد.

دوره یک هفته‌ای همبستگی بسیار قوی با ضریب ۰.۹۴ را نشان می‌دهد!

... اما این رابطه در دوره یک ماهه به شدت کاهش می‌یابد به ۰.۱۳، و دوباره برای دوره سه ماهه به رقم ۰.۸۳ بهبود می‌یابد و سپس در دوره شش ماهه انتهای دوباره به همبستگی ضعیف می‌رسد.

	EUR/US	USD/JP	USD/CH	GBP/US	USD/CA	AUD/US	NZD/US	EUR/JP	EUR/GB
	D	Y	F	D	D	D	D	Y	P
۱ هفته	-0.23	-1.00	0.94	-0.98	0.98	0.93	0.93	0.86	
۱ ماه	0.63	-0.98	0.13	-0.90	0.90	0.96	0.91	0.86	
۳ ماه	-0.62	-0.92	0.83	0.14	0.63	0.42	0.61	0.75	
۶ ماه	-0.62	-0.85	0.31	-0.35	0.61	0.65	0.28	0.71	
۱ سال	-0.69	-0.98	0.88	-0.93	0.95	0.96	0.66	0.02	

این مثال دیوانه‌کننده‌ای از نحوه تغییر چشمگیر همبستگی است. اجازه دهید نگاهی به USD/JPY و NZD/USD بیندازیم...

	USD/JP	EUR/US	USD/CH	GBP/US	USD/CA	AUD/US	NZD/US	EUR/JP	EUR/GB
	Y	D	F	D	D	D	D	Y	P
۱ هفته	-0.23	0.22	-0.21	0.07	-0.22	0.07	0.14	-0.20	
۱ ماه	0.63	-0.52	-0.35	-0.58	0.46	0.64	0.89	0.77	
۳ ماه	-0.62	0.52	-0.62	-0.40	-0.30	0.09	0.24	-0.35	
۶ ماه	-0.62	0.78	0.14	0.43	-0.70	-0.63	0.58	-0.68	
۱ سال	-0.69	0.74	-0.51	0.67	-0.69	-0.69	0.09	-0.20	

ضریب همبستگی یک ساله آنها ۰.۶۹- بود. این نشان دهنده همبستگی متوسط و نسبتاً قوی است. اما اگر به همبستگی یک ماهه‌شان نگاه کنید، ضریب همبستگی در اصل برعکس است! پس مراقب باشید.



همبستگی‌ها به دلایل مختلفی تغییر می‌کنند. این‌ها می‌توانند شامل هر چیزی باشند از یک کشور در حال تغییر نرخ بهره تا تغییر سیاست‌های پولی، یا هر مجموعه‌ای از رویدادهای اقتصادی و سیاسی که موجب تغییر تمایلات معامله‌گران یک ارز می‌شود.

## DIY - محاسبه همبستگی ارز با استفاده از اکسل



همانطور که خوانده‌اید، همبستگی‌ها در طول زمان تغییر می‌کنند. بنابراین آگاهی از ضرایب و جهت فعلی حتی مهم‌تر می‌شود.

خوش شانسی برای شما، همبستگی ارز را می‌توانید با برنامه صفحه گسترده خود به راحتی محاسبه کرد.

برای توضیح، ما از مایکروسافت اکسل استفاده می‌کنیم اما هر نرم افزاری که فرمول همبستگی را دارد جواب می‌دهد.

۱. فرض می‌کنیم که داده‌های قیمت روزانه را به طرزی جادویی از خلاء ایجاد نمی‌کنید بلکه آن را در اینترنت به دست می‌آورید. بنابراین، مرحله ۱، انجام این کار است! داده‌های، مثلاً، ۶ ماه را به دست آورید. به یاد داشته باشید که داده‌ها باید شامل قیمت‌های روزانه بسته شدن باشند.

۲. اکسل را باز کنید.

۳. داده‌های خود را به یک صفحه گسترده خالی کپی کنید و بچسبانید و یا فایل داده‌های صادر شده از مرحله ۱ را باز کنید. داده‌های ۶ ماه گذشته!

Home Insert Page Layout Formulas Data Review View Add-Ins Nitro

Cut Copy Paste Format Painter Clipboard

Calibri 11 A A

B I U Font

Wrap Text Merge & Center Alignment

	A	B	C	D	E	F	G
1	Date	EUR/USD Close	USD/JPY Close	USD/CHF Close	GBP/USD Close		
2	8/3/2009	1.4408	95.31	1.0601	1.6922		
3	8/4/2009	1.4388	95.27	1.0615	1.6919		
4	8/5/2009	1.4425	94.95	1.0605	1.7016		
5	8/6/2009	1.4341	95.44	1.066	1.6775		
6	8/7/2009	1.4169	97.59	1.0828	1.6668		
7	8/10/2009	1.4132	97.04	1.0855	1.6461		
8	8/11/2009	1.4148	96.02	1.0818	1.6481		
9	8/12/2009	1.4212	96.13	1.0759	1.6513		
10	8/13/2009	1.4274	95.27	1.0703	1.6563		
11	8/14/2009	1.4174	94.87	1.0746	1.6508		
12	8/17/2009	1.4083	94.48	1.0781	1.634		
13	8/18/2009	1.4142	94.64	1.075	1.6577		
14	8/19/2009	1.4237	93.92	1.0648	1.6539		
15	8/20/2009	1.4266	94.14	1.0621	1.6519		
16	8/21/2009	1.4346	94.31	1.0568	1.6495		
17	8/24/2009	1.4289	94.51	1.0623	1.6399		
18	8/25/2009	1.4311	94.18	1.0607	1.6352		
19	8/26/2009	1.4241	94.14	1.0682	1.6242		
20	8/27/2009	1.4372	93.45	1.0572	1.6287		
21	8/28/2009	1.4296	93.59	1.06	1.6282		
22	8/31/2009	1.4322	92.99	1.059	1.6266		
23	9/1/2009	1.4213	92.94	1.0662	1.6162		
24	9/2/2009	1.4268	92.15	1.0603	1.6269		
25	9/3/2009	1.425	92.55	1.0623	1.6323		
26	9/4/2009	1.4311	92.99	1.0593	1.6395		
27	9/7/2009	1.4329	92.88	1.06	1.6328		
28	9/8/2009	1.4507	92.2	1.0453	1.6503		
29	9/9/2009	1.4542	92.12	1.0424	1.653		
30	9/10/2009	1.4574	91.78	1.0392	1.6654		
31	9/11/2009	1.4594	90.58	1.037	1.6679		
32	9/14/2009	1.4615	90.82	1.0354	1.6575		
33	9/15/2009	1.4675	91.04	1.0334	1.6501		
34	9/16/2009	1.4731	90.83	1.0304	1.6505		
35	9/17/2009	1.4744	91.16	1.0284	1.6443		
36	9/18/2009	1.4722	91.38	1.0288	1.6268		
37	9/21/2009	1.4676	92.06	1.0326	1.6208		
38	9/22/2009	1.4799	91.18	1.0233	1.6365		
39	9/23/2009	1.4744	91.32	1.026	1.636		
40	9/24/2009	1.4652	91.26	1.0303	1.6063		
41	9/25/2009	1.4669	89.83	1.0295	1.5934		
42	9/28/2009	1.4599	89.65	1.0337	1.5872		
43	9/29/2009	1.4571	90.22	1.0376	1.5948		
44	9/30/2009	1.4632	89.77	1.0364	1.5983		
45	10/1/2009	1.4522	89.75	1.0418	1.5936		
46	10/2/2009	1.4571	89.74	1.0352	1.5914		
47	10/5/2009	1.4652	89.55	1.0319	1.5941		

۴. اکنون داده‌های خود را مانند زیر یا چیزی مشابه مرتب کنید. رنگ‌ها و فونت‌ها به دلخواه شماست! از آن لذت ببرید. ممکن است زرد بهترین گزینه نباشد!

	A	B	C	D	E
L11		EUR/USD Close	USD/JPY Close	USD/CHF Close	GBP/USD Close
L12	1/1/2010	1.4318	93.08	1.0348	1.6166
L13	1/4/2010	1.4411	92.54	1.0298	1.6099
L14	1/5/2010	1.4366	91.65	1.0334	1.5993
L15	1/6/2010	1.4412	92.32	1.0275	1.6023
L16	1/7/2010	1.4319	93.27	1.0335	1.5936
L17	1/8/2010	1.4411	92.59	1.0238	1.6029
L18	1/11/2010	1.4526	92.06	1.0151	1.6108
L19	1/12/2010	1.4487	90.95	1.0182	1.6162
L20	1/13/2010	1.4506	91.45	1.0181	1.6283
L21	1/14/2010	1.4496	91.11	1.0184	1.6323
L22	1/15/2010	1.4375	90.81	1.0269	1.6258
L23	1/18/2010	1.4386	90.76	1.0245	1.6326
L24	1/19/2010	1.4304	91.07	1.0311	1.6372
L25	1/20/2010	1.4102	91.23	1.0439	1.6287
L26	1/21/2010	1.4098	90.36	1.0416	1.6208
L27	1/22/2010	1.414	89.87	1.0411	1.611
L28	1/25/2010	1.4153	90.21	1.0392	1.6232
L29	1/26/2010	1.4076	89.66	1.0458	1.614
L30	1/27/2010	1.4018	89.96	1.0499	1.6158
L31	1/28/2010	1.3971	89.85	1.0515	1.6128
L32	1/29/2010	1.3867	90.27	1.0604	1.6
L33					
L34					

۵. اکنون زمان تصمیم‌گیری در مورد بازه زمانی است. آیا همبستگی هفته گذشته را می‌خواهید؟ ماه گذشته؟ سال گذشته؟ مقدار داده‌های قیمتی که در اختیار دارید این مدت را مشخص می‌کنند اما همیشه می‌توانید داده‌های بیشتری به دست آورید. برای این مثال، از آخرین ماه استفاده می‌کنیم.

	A	B	C	D	E	F
118		EUR/USD Close	USD/JPY Close	USD/CHF Close	GBP/USD Close	
119	1/1/2010	1.4318	93.08	1.0348	1.6166	
120	1/4/2010	1.4411	92.54	1.0298	1.6099	
121	1/5/2010	1.4366	91.65	1.0334	1.5993	
122	1/6/2010	1.4412	92.32	1.0275	1.6023	
123	1/7/2010	1.4319	93.27	1.0335	1.5936	
124	1/8/2010	1.4411	92.59	1.0238	1.6029	
125	1/11/2010	1.4526	92.06	1.0151	1.6108	
126	1/12/2010	1.4487	90.95	1.0182	1.6162	
127	1/13/2010	1.4506	91.45	1.0181	1.6283	
128	1/14/2010	1.4496	91.11	1.0184	1.6323	
129	1/15/2010	1.4375	90.81	1.0269	1.6258	
130	1/18/2010	1.4386	90.76	1.0245	1.6326	
131	1/19/2010	1.4304	91.07	1.0311	1.6372	
132	1/20/2010	1.4102	91.23	1.0439	1.6287	
133	1/21/2010	1.4098	90.36	1.0416	1.6208	
134	1/22/2010	1.414	89.87	1.0411	1.611	
135	1/25/2010	1.4153	90.21	1.0392	1.6232	
136	1/26/2010	1.4076	89.66	1.0458	1.614	
137	1/27/2010	1.4018	89.96	1.0499	1.6158	
138	1/28/2010	1.3971	89.85	1.0515	1.6128	
139	1/29/2010	1.3867	90.27	1.0604	1.6	
140						
141						

۶. در اولین سلول خالی زیر اولین جفت مقایسه (من دارم EUR/USD را به جفت دیگر همبسته می‌کنم، بنابراین با EUR/USD و USD/JPY شروع می‌کنم)، **type: =correl()**

130	1/27/2010	1.4018	89.96	1.0499	1.6158
131	1/28/2010	1.3971	89.85	1.0515	1.6128
132	1/29/2010	1.3867	90.27	1.0604	1.6
133			=CORREL(		
134			CORREL(array1, array2)		

۷. بعد، دامنه‌ای از سلول‌ها را برای داده‌های قیمت EUR/USD انتخاب و به دنبال آن یک کاما بگذارید. یک کادر دور این محدوده قرار می‌گیرد.

	A	B	C	
111		EUR/USD Close	USD/JPY Close	USD/CI
112	1/1/2010	1.4318	93.08	
113	1/4/2010	1.4411	92.54	
114	1/5/2010	1.4366	91.65	
115	1/6/2010	1.4412	92.32	
116	1/7/2010	1.4319	93.27	
117	1/8/2010	1.4411	92.59	
118	1/11/2010	1.4526	92.06	
119	1/12/2010	1.4487	90.95	
120	1/13/2010	1.4506	91.45	
121	1/14/2010	1.4496	91.11	
122	1/15/2010	1.4375	90.81	
123	1/18/2010	1.4386	90.76	
124	1/19/2010	1.4304	91.07	
125	1/20/2010	1.4102	91.23	
126	1/21/2010	1.4098	90.36	
127	1/22/2010	1.414	89.87	
128	1/25/2010	1.4153	90.21	
129	1/26/2010	1.4076	89.66	
130	1/27/2010	1.4018	89.96	
131	1/28/2010	1.3971	89.85	
132	1/29/2010	1.3867	90.27	
133			=CORREL(B112:B132	
134			CORREL(array1, array2)	

۸. بعد از کاما، دامنه قیمت داده‌های USD/JPY را انتخاب کنید درست مثل EUR/USD.

	A	B	C	D
111		EUR/USD Close	USD/JPY Close	USD/CHF Close
112	1/1/2010	1.4318	93.08	1.0348
113	1/4/2010	1.4411	92.54	1.0298
114	1/5/2010	1.4366	91.65	1.0334
115	1/6/2010	1.4412	92.32	1.0275
116	1/7/2010	1.4319	93.27	1.0335
117	1/8/2010	1.4411	92.59	1.0238
118	1/11/2010	1.4526	92.06	1.0151
119	1/12/2010	1.4487	90.95	1.0182
120	1/13/2010	1.4506	91.45	1.0181
121	1/14/2010	1.4496	91.11	1.0184
122	1/15/2010	1.4375	90.81	1.0269
123	1/18/2010	1.4386	90.76	1.0245
124	1/19/2010	1.4304	91.07	1.0311
125	1/20/2010	1.4102	91.23	1.0439
126	1/21/2010	1.4098	90.36	1.0416
127	1/22/2010	1.414	89.87	1.0411
128	1/25/2010	1.4153	90.21	1.0392
129	1/26/2010	1.4076	89.66	1.0458
130	1/27/2010	1.4018	89.96	1.0499
131	1/28/2010	1.3971	89.85	1.0515
132	1/29/2010	1.3867	90.27	1.0604
133			=CORREL(B112:B132,C112:C132)	
134			CORREL(array1, array2)	

۹. کلید Enter روی صفحه کلید را برای محاسبه ضریب همبستگی برای EUR/USD و USD/JPY بفشارید.

131	1/28/2010	1.3971	89.85
132	1/29/2010	1.3867	90.27
133			0.629644119
134			

۱۰. مراحل ۵-۹ را برای جفت‌های دیگر و برای سایر بازه‌های زمانی تکرار کنید. سپس می‌توانید داده‌های جدید خود را بگیرید و جدولی مثل جدول زیر ایجاد کنید. این وضعیت حرفه‌ای است!

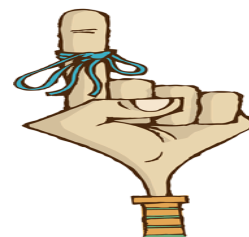
134				
135		EUR/USD Close	USD/JPY Close	USD/CHF Close
136		1 Week	-0.23	-1.00
137		1 Month	0.63	-0.98
138		3 Months	-0.62	-0.92
139		6 Months	0.29	0.33
140				
141				

دوره‌های دنباله‌ی یک هفته، یک ماه، سه ماه، شش ماه، و یک سال کامل‌ترین دید از همبستگی‌های بین جفت ارزها را فراهم می‌کنند. اما تصمیم در مورد کدام یا تعداد دوره‌ها برای آنالیز با شماست.

در حالی که ممکن است به روز رسانی اعداد در هر روز به درد نخورد، مگر اینکه معتاد به همبستگی ارز باشید، به روز رسانی آنها حداقل هر هفته باید کافی باشد.

اگر می‌بینید جداول همبستگی خود را هر ساعت در اکسل به صورت دستی به روز رسانی می‌کنید، ممکن است نیاز به دریافت اطلاعات بیشتر و انتخاب سرگرمی داشته باشید.

#### خلاصه : همبستگی ارزها



مانند شناگران همزمان، برخی جفت ارزها پشت سر هم با یکدیگر حرکت می‌کنند.

و مانند قطب‌های همنام آهن ربا، سایر جفت ارزها در جهت مخالف حرکت می‌کنند.

وقتی چند جفت ارز را همزمان در حساب خود معامله می‌کنید، مهم‌ترین چیز این است که مطمئن شوید که از مواجهه ریسک خود آگاهید.

ممکن است فکر کنید که با معامله جفت‌های مختلف دارید ریسک خود را پخش یا متنوع می‌کنید اما باید بدانید که بسیاری از آنها تمایل به حرکت در یک جهت دارند.

با معامله جفت‌هایی که همبستگی بالا دارند، فقط ریسک خود را افزایش می‌دهید!

همبستگی بین جفت‌ها می‌تواند قوی یا ضعیف باشد و برای هفته‌ها، ماه‌ها یا حتی سال‌ها طول بکشد. اما همیشه بدانید که همبستگی می‌تواند ناگهان تغییر کند.

به روز ماندن با همبستگی ارز می‌تواند به تصمیم‌گیری بهتر کمک کند اگر می‌خواهید معاملات خود را اهرم کنید، محافظت کنید و یا تنوع بخشید.

نکات بیشتر برای به خاطر سپاری

- ضرایب با استفاده از قیمت‌های روزانه بسته شدن محاسبه می‌شوند.
- ضریب مثبت نشان می‌دهد که دو جفت ارز همبستگی مثبت دارند، بدین معنی که معمولا در یک جهت حرکت می‌کنند.
- ضریب منفی نشان می‌دهد که دو جفت ارز همبستگی منفی دارند، بدین معنی که معمولا در دو جهت مخالف حرکت می‌کنند.
- ضریب همبستگی نزدیک یا +1 یا -1 بدین معنی است که دو جفت ارز همبستگی بالا دارند.
- می‌توان از همبستگی برای محافظت، تنوع بخشیدن یا اهرم کردن موقعیت‌ها استفاده کنید و از موقعیت‌هایی که ممکن است یکدیگر را لغو کنند دوری کنید.

مثال‌هایی از جفت ارزهایی که در یک جهت حرکت می‌کنند

- EUR/USD and GBP/USD
- EUR/USD and AUD/USD
- EUR/USD and NZD/USD
- USD/CHF and USD/JPY
- AUD/USD and NZD/USD

جفت ارزهایی که معمولا در جهت مخالف حرکت می‌کنند

- EUR/USD and USD/CHF
- GBP/USD and USD/JPY
- USD/CAD and AUD/USD
- USD/JPY and AUD/USD
- GBP/USD and USD/CHF

اگر مایل به معامله دو جفت ارز به شدت همبسته هستید، اشکالی ندارد اگر دو کار را انجام دهید. مطمئن شوید که قوانینی برای معامله جفت‌های همبسته دارید و همیشه به قوانین مدیریت ریسک خود وفادار بمانید!